

و پیغام با توام او فرستاده بودند که میت و پنجاه فرد  
 که تخمیناً پانصد تومان بحساب پول ایران می شود بجهت  
 او بنزد آنها روانه نمایند که او را رها بکنند چون او را  
 ادبی بصاعت بود مشکل بود که نخواه فرور را بتوانند  
 تارک نمایند و در زمان هم قرار گذاشته بودند که  
 اگر نخواه در وعده محین نرسد آن جهود را بکشند

از مونیچ پای تخت مملکت بواریه که یکی از ممالک  
 می باشد نوشته اند که حکم آن مملکت ششانیه کالک سوار  
 شده بود و سیاحت میکرد و ناگاه در حین حرکت کالک  
 او افتاده و شازالیه خودش زبردست و پای اسب  
 غلطیده و اسب از روی او گذشته بضر بگد اسب  
 هلاک گردید

از آورده مملکت عثمانیه نوشته اند که تجارت در آنجا  
 بسیار بود و می که ابریشم داشته میخواستند نگاهدارند  
 که بقیه کران بفرود شدند و لکن درین روزها قدری  
 فروخته بودند از فرار هر چه صد و شصت و شش و عطر کل  
 مسخر را نیز برده کرده میزان که وزنی معین است بیازده  
 قروش و دوازده قروش خنثه بود

از مملکت پیروینکی دنیای شمالی نوشته اند که کشتی در آنجا  
 قشون آن ولایت میان کشتی بود و کشتی فرور را بکشتی بخار  
 که در جلو او بود بسته بودند که مانند یک می کشید ناگاه  
 طاب او که بکشتی بخار بسته شده بود کشته و کشتی  
 بسنگ حوزده فرو رفت بسبب آنکه آب در آنجا  
 جاری بود و هفتاد و سی و یک نفر در آنجا غرق شدند

از واره نوشته اند که ناخوشی و باد در آنجا شدت  
 بطوریکه روزی ششاد نفر ازین ناخوشی میبردند و  
 اکثر سایر شهرهای آن اطراف نیز کم و بیش ازین  
 ناخوشی بروز داشت

که شاید بدبیری در باب خلاصی اهل کشتی نماید خودش  
 هم غرق گردید

**سنگی دنیای شمالی**

موافق کاغذ آخر که ازین ولایت آمد معلوم است که مسال  
 حاصل غله آنجا بسیار زیاد است و در آنجا کشت  
 غله در آنجا آقدر ریا میشود که اگر لازم باشد با بفرستند  
 بفرستند اما تجارت در فرنگستان کمان ندارند که بعد از  
 در و در رفع محصول غله در آنجا با آقدر گران باشد که محتاج  
 بود و در آن غله ازینکی دنیا باشد  
**احوال است مضره**

در روزنامه همبر نوشته اند که خبر از گانسان مملکت چین آمده بود که تاریخ  
 آن ۳۰ رمضان بود قیمت تریاک را که تجارت عمده آنجا است با  
 نوشته اند تریاک مملکت عثمانیه هر پیکول چارصد دلار تریاک همدال  
 پخته سیصد و هفت و هفت دلار مال بنارس سیصد و  
 دلار مال بلو سیصد و پنج دلار و هر دلار در آنجا  
 پنجاه روپایه و بنابر بحساب پول ایران میشود و پیکول  
 وزن آنجا است که بوزن ایران تخمیناً نیمیست من بسنگ  
 است عباسی میباشد

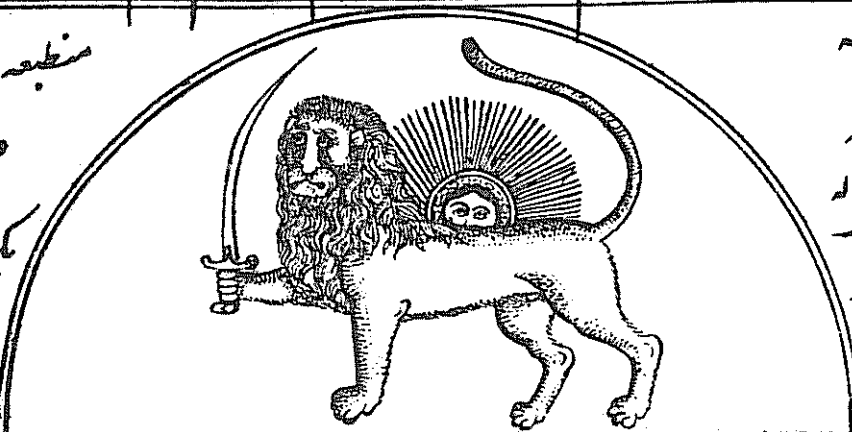
۱۲۳۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم ماه محرم سال ۱۳۷۱

روز صد و نهم  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی  
چونان و چهار هزار

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات  
یک خط از چهار هزار  
بیشتر هر خط



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته که در روز دهم ماه محرم بود ای  
پادشاهی عزیمت زیارت جناب امامزاده واجب العظیم  
شاهزاده عبدالعظیم فرموده جناب امجد اشرف اعظم  
صدر اعظم نیز در موکب هایون بودند بعد از زیارت تعجب  
مبصر که در مراجعت بیاباغ دولت آباد تشریف فرما گردیدند  
نهار را در آنجا صرف فرمودند و حوالی عصر مبارک مبارک  
سلطانی و تمسک سلطنت عظمی مراجعت فرمودند

و هم چنین در روز دوشنبه گذشته نیز موکب هایون  
فرمای تفریح و تماشای اطراف دارالخلافه شده نزدیک  
غروب آفتاب بعبارت مبارک سلطانی معاودت فرمودند

از جمله اعمال پد مشهور که عالیجاه حکیم پولاک در  
نموده این است که شخصی از امالی توپخانه مبارک ساطور  
قتضای بر پشت پایش خورده و شیربان آن موضع را  
رنخم نموده مدتی معالجات لازمه حتی داغ نموده ولی خون  
از جریان باز نماند تا اینکه معلم منور بنحو شش مرتبه  
سیر بنحو توپخانه مبارک مجابجه رفته بیم آن بود که از زیاد

خون شخص مجروح فوت بشود شیربان قحذ را سه انگشت  
تحت آریه منگتف کرده شد نمود و مرین منور حال شفا  
یافته است و این عمل به با مساعدت دو بار در ایران  
اول بواسطه مقرب انخافان حکیم کلوک حکیم باشی و دوم  
بواسطه عالیجاه محکم پولاک

ایضا معالجه مرض جذام که در کمال اشکال بلکه محال است  
درین اوقات دخترى باین مرض مبتلا شده بود  
بدرسه دارالفنون آوردند حکیم پولاک معالجه کرده بود  
یافته قریب شفا میباش

چون در در ایام دیده عاشورا عموم لوکربا ب حسب الامر  
هایون بجهت تهنیه داری جناب اباعبدالله الحسین از تهران  
خدمت در بارهایون چنانچه در روزنامه گذشته نوشته  
شده معاف و مرض بودند بعد از انقضای ایام عاشورا  
هریک از لوکربا ب در خدمت خود اقدام دارد از جمله  
افواج قاهره از سواره نظام و توپچی و سرباز همه روز  
مشغول میباشند

چون عالیجاه میرزا فتح الله شکر نویس مراتب صد اقامت  
در

۱۲۳۵

خود را مشهور خاطر علیحضرت پادشاهی و انامی دولت  
داشته درین اوقات کتب جبه ترمه برسم خلعت  
شارالیه محبت کردید

چون منظور انامی دولت علیه این است که امور چا پارخانیا  
مالک محمود و خوب منتظم باشد با لهما اعلام میشود که از دارالخلافه  
طهران هر کس انامی بجائی بخوابد بفرستد بخود عالیجاه امین خان  
چا پارچی باشی یا با عالیجاه میرزا سید حسین مباشر چا پارخان  
داده نوشته بگرد و جواب آنرا موافق نوشته از آنها بخواند  
و همچنین از سایر ولایات محروسه نیز هر کس انامی بجائی بخوابد  
روانه نماید نایب چا پارمقیم در هر ولایتی سواى چا پارخان  
و متردست بهمان نایب چا پارمقیم انولایت سپرده نوشته  
بگیرد و موافق نوشته از او مطالبه جواب نماید سابقا بعضی از  
نخود چا پارانامت میدادند و بی نظمی در وصول و حصول  
کامی اتفاق می افتاد ازین جهت اعلام میشود که بعد ازین صاحبان  
انامات نخود مقرر محمول دارند و همچنین مکاتب و نوشتهجات را  
نیز نخود اشخاص نیز بفرستد داده از آنها جواب بخواند

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته  
بودند قورخانه که از دارالخلافه بفارس فرستاده شده بود  
با اصفهان وارد شده همان روز عالیجاه چراغعلیخان چا پار  
تفکیکی دسته عالیجاه محسن خان را با چند نفر غلام سوار  
کرده است که از خاک اصفهان بگذرانند و با آنها سفارش  
کردند که هرگاه ضرورتا تا فارس هم بروند و قورخانه  
صحیحاً و سالمآ بفارس برسانند و مراجعت نمایند

### خراسان

از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند  
آنکه لواست طلب شایسته هزاره و الا تبار فریدون میرزا فرمایند

ملک خراسان با جمعیت توپخانه و استعداد تمام بطرف  
خراسان شریف برده اند اراض خان و خوشید خان و حین  
وصوفی خرد سایر رؤسا و ریش سفیدان سرخنی خدمت  
نواب معزى الیه آمده و ضمن این بوده است که ما با

مستقیم اقمش و نقش و بر طایفه ماد و ازده تیره است  
تیره هزار خانوار هرگاه با تلفات اولیای دولت علیه  
داشته باشیم همگی از روی کمال صداقت خدمت کنیم

نواب معزى الیه هم آنها را با تلفات اولیای دولت علیه  
امیدوار ساخته قرار داده اند که از هر تیره دو ازده خانوار  
گروى معتبر بشمارد و اینها که همیشه در آنجا باشند و متحد  
از سوار ترکانان خرس و ائمه در مشهد در خدمت نواب

معزى الیه بوده مشغول هندکداری باشند و همچنین قور  
که داشته اند که آنچه اسیر در خرس موجود دارند همه را  
رمانی داده روانه نمایند بیایند و آنچه از اسرا بجا برستند  
خرید و فروش کرده اند سرخنی پول بدیده و بجزدور ناکند  
و دیگر بعد ازین اسیر نبرند و خرید و فروش نکنند و اگر

تاخت و تازی هم بشود از عهد بر آیند و مال بجا  
در نهایت اطمینان و خاطر جمعی بجا را برود و بسیار  
و اگر عیب و نقیصی حاصل شود از عهد عزامت آن ترکان  
خرس بر آیند و اگر از جانب طایفه دیگری حسابی شود  
انها بقدرا امکان رفع نمایند و مشغول حفظ و حرمت باشند

بعد از آنکه طایفه نر بوره باین شرایط راضی شدند نواب  
معزى الیه نیز قرار داده اند که کوسفند و شتر و مال ترکانان

۱۲۳۶

بریک از ولایات متعلقه سمرقند بود حکام آنجا متعین  
نشوند بلکه مثل اموال سایر عابا محافظت نایب که غیب  
و نقص کند مراتب را خدمت نواب شاهزاده عرض نمایند  
تا حکم صادر نمایند حاکم آن ولایت از غمده برآید با نتیجه ترکان  
سرخس قدر خدمتگذاری دولت قاهره را دانستگی  
از در اطاعت و انقیاد آورده اند که بعد از این حدیث

از فراری که در ضمن روزنامه نوشته بودند مقرب انجمن  
وزیر نظام در محامات محوله بخود کمال اهتمام دارند و  
همه روزه فرارشان این است عصرهای آیند بصحن مبارک  
قریب ساعت در آنجا مکث نمایند و بعضی واحوال فقرا  
و ضغفا و مردم رسیدگی نمایند و مراقب نظم امور عابا  
هستند و اگر کجی بی حسابی شده باشد مجرد استحضار مقام  
رفع آن برمی آیند

### یزد و کرمان

از فراری که در روزنامه یزد نوشته بودند امر آنجا کمال  
نظم دارد و عالیجاه محمد یوسف خان نایب الحکومه یزد در  
انتظام و انضباط امر ولایت نهایت مراقبت و اهتمام  
دارد و عالیجاه میرزا کوچک خان سرمنگ در رساندن  
مواجب سربازان متوقفین یزد اهتمام زیاد دارد و در  
حوزه نایب الحکومه یزد مواجب سرباز داده میشود و در  
امرافواج آنجا همیشه کمال مراقبت و اهتمام را دارد

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته بودند امیرالاعظم  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در رواج کارخان  
شال بافی کرمان کمال اهتمام را دارند که همیشه شالهای

بسیار خوب از کارخانهای آنجا ببل آمده از کارخان برین  
باید و مخصوصه این روزنامه خواه فرار داده اند که با ستاد  
شال بافی بند که در کارخانهای آنجا منظمی حاصل نشود

### نهاد

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند جمشید خان خرن  
در سرسوارهای تفنگ لجوی خود صادق خان خالی کرده و او را  
مقتول نموده و مادر صادق خان که همراه بوده است خود را  
بغیرش سپرد خود انداخته جمشید خان مرزوب با احتمال اینکه  
مقتول شده باشد با پشیمان دیگر خالی کرده و مادر صادق  
خان زخمی شده جمشید خان فرار کرده و به بر رفته بود عالیجاه  
مقرب انجمن محمد حسین خان نایب حاکم نهاد یزد بعد از  
سوار خرن تفحص شارالیه فرستاده بعد از شب روز  
او را در میان افشار گرفته دست بسته آورده بودند  
حکام شرع مطاع و امضای ورثه مقتول او را بقصاص  
رسانده اند

دیگر نوشته اند که قلعه روین در نهاد که از غارات غالبه است چون از  
بی اعتدالی حکام سابق خرابی بهم رسانده بود مقرب انجمن خان را لیه درین  
روزنامه آنجا را داده است تعمیر خوب کرده اند بسیار با صفا

### قزوین

از فراری که در روزنامه قزوین نوشته اند نواب سیف الدین میرزا  
حکمران قزوین در انتظام امور آنجا اهتمام کامل دارند و بخیرینی  
و کلی امور عابا و اصناف رسیدگی نموده اگر اجمالی نسبت کجی  
باشد در مقام رفع آن برمی آید

دیگر تعمیر اجناس ماکولات و غیره قزوین را که در روزنامه  
آنجا نوشته بودند از اینقرار است

۱۲۳۷

کندم اعلا	یکخوار	پانزده هزار و پانصد	لو بیای قرمز یک من	هفت شاهی	۵ ص
کندم پت	یکخوار	دوازده هزار	منزکرو و یک من	هشت عباسی	۱۷ ص
ارد کندم	یکخوار	هفده هزار و پانصد	منزبادام یک من	سه هزار و	۵ ص
جو	یکخوار	یک تومان	انجیر یک من	نهصد دینار	۵ ص
برنج اکوله	یکخوار	شش تومان و دویال	نان یک من	یک عباسی	۱۸ ص
برنج صبربو	یکخوار	پنج تومان	و سایر حبوبات و میوهجات نیز همین قرار کمال و فوز را دارد		
برنج رسی	یکخوار	چهار تومان و نیم	اگر چه نسبت بالهای سابق آن ولایت امسال کندم و غیره قدری تخفیف		
ذغال	یکخوار	یک تومان	و ترقی دارد و لکن همه چیزی فراوانت		
رودغن	یک من	دو ریال			
پنیر شور	یک من	یک هزار و صد			
کره	یک من	دو هزار و پنجاهی			
ماست	یک من	دو لیت و شصت			
قد رسی	یک من	چهار هزار و هشتصد			
قد روسی	یک من	شش هزار			
شکر سفید	یک من	چهار هزار			
هیزم	یکخوار	پنجاهار			
پیه که اخته	یک من	دو هزار			
سجود	یک من	سیصد و هشتاد و پنجاه			
عدس	ایضا				
ماش	ایضا				
شیره شمد	یک من	دو عباسی			
شیره سفید	یک من	سه عباسی			
کش	یک من	پنج شاهی و نیم			
خرما	یک من	پانزده شاهی			
سجود تبریزی	یک من	دو عباسی			

### اخبار دول خارج

**انگلیس** در روزنامه این ولایت نوشته بود که چهار نفر سیاح درین روزها از مملکت استرالیایا آمده اند که چند وقت در معدن طلای استرالیایا مانده بودند و یک میان پوند پول انگلیس که تخمینا چهار کرور و دویست بیت و پنجاه تومان پول ایران با آنجا آورده بودند

### فرانسه

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در ماه شوال تابستان گذشته که ما در شهر پاریس کمال شدت را داشتیم و اکثر دولتمندان پاریس از شهر بیرون رفتند و لوگاکا بتفریح و خوشگذرانی مشغول بودند و بیکر نوشته اند که امپراطور فرانسه تدارک میدید که با بزرگان غمخیز بودند و گویا در آن اردو اوضاع و جلال زیاد بزپای می کنند و لکن هنوز خبر تفصیل آن نیامده است و در میان مردم گفتگو بوده است که پرسن البرط نیز تدارک اردوی منور خواهد آمد

در اکثر جاهای مملکت فرانسه حاصل غله خوب بود و لکن

دوره گذشته بودند که در سمت کرمیرات و در ولایت  
جزیره العرب حاصل فراوان بود بطوریکه در مملکت فرانس  
از تئویش کمی و گران غله اسوده شده بود

در ماه ذی قعدة که ناخوشی و بادر شهر پاریس تحفیف گشته  
یافته و کم مانده بود که بالمره رفع بشود دوباره رویش

دیگر در روزنامه فرانسه تعریف بسیار از صفای بیشه که  
نزدیک شهر پاریس است و درین اوقات ختن دریا چاه  
و آبشار و قوار ما ترین داده اند میسولند بیشه مزبور

بسیاری از مردم آنجا را تلف نموده است و در دهان  
ماه مزبور طوفان و رعد و برق و بارندگی زیاد در شهر پاریس  
و آن اطراف شده و تحفیف در ناخوشی بهم رسیده و از قوار

مستوی به باده بلون و از ایام قدیم بهین هم موسوم است

نوشته اند در دات آن اطراف ناخوشی نبود مگر در میان  
اشخاصی که از شهر با آنجا رفته بودند

و لکن درین روز که دریا چاه و قوار و آبشار و تفریحگاهها

### اسپانیول

در آنجا ساخته اند بسیار بر صفای آنجا افزوده و جایی

از فراری که از اسپانیول نوشته اند غله را در آنجا درو

خیلی خسته است ختن بیشه مزبور حسب حکم امپراطور فرانس

کرده بودند و بسیار خوب فراوان آمده بود و طرز خاک

و طش نیز از اختراعات خود است اگر چه کردن دریا چاه

پیدمانت و ایتالیا و منس نیز خبر رسیده بود که حاصل

از آب رودخانه سین آبرایا با طرف برد بطوریکه در

نیز اسانخ بفران آمده است

تابستان اهل شهر پاریس قدیمی از آب تنگی کشیده اند اما

در وقتیکه دریا چاهای مزبور بر بشود چون آب در آنجا برز

مصرف نمی شود چندان تفاوتی در آب شهر نخواهد کرد

### ایطالی

دیگر در نزدیکی شهر پاریس میدان بزرگی بجهت آب دوانی

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در شهر و نیز چهارصد

ترقیب میداند و عمارات تقدیر کنجایش چهل هزار گشته

شب و شش نفر مجوس دولتی بودند که همه بنای یاغیگر

که در اوقات آب دوانی در آنجا بجهت ماشا بنشینند و

و افا بجهت دولت داشتند و فادی که در مملکت ایطالی

سایر جایهای میدان مزبور نیز جای سینه هزار نفر است

شده است غیر از اعتشاشی است که چند وقت پیش ازین در

که بتواند خوب باسراحت تماشای آب دوانی نماید

شهر پارمه روی داده بود و در ولایت رومه نیز خلق باعتشاش

و تمام این میدان را چمن می کنند که سبز و خرم و با

برخواستند بودند و لکن قوه آنرا انداختند که باد و لنت جنگ

باشد اهل شهر پاریس با تاجچه زینت و آراستگی خود

نمایند و در ناپولی نیز احتیاط و تئویش تمام داشتند که با

چندان مایل نبودند که از شهر بیرون بروند اما این اوقات

اشوب رخ نماید طایفه از الواط داو با شس در آن ولایت

که بیشه و میدان خارج شهر را با نیطرساخته و صفا داده

استند که آنها را از زرونی عیاضند که شیر برترین الواط و

مردم زیاد از شهر بجهت کشت و تفریح با آنجا بیرون

کلی روی زمین پیش و پیچ گذران معیشتی ندارند پادشاه از راه

خوف از اشخاصی که راضی پادشاهی او نبودند اسباب

بسیاری از مردم آنجا را تلف نموده است و در دهان

بست این الواط لرزونی داده بود که اگر اشخاص بوزن  
 باد دولت یا غیره نمایند الواط بحاجت دولت با آنها  
 نمایند مردم صاحب اعتبار ازین عمل شویس زیاد کرده  
 زیرا که سابقا نیز یک وقتی اسباب باین کرده  
 لرزونی داده بودند خانهای مردم را مانت و غارت  
 کرده و تعذبات و بیرحمی تمام نسبت با اهالی آنجا کرده بودند  
 حال معلوم شده است که اعتناش این اوقات بترجیح  
 مزینتی نامی است که چند سال است از آن ولایت اخراج شده  
 و پناه بخاک انگلیس برده در شهر لندن ساکن است در روز  
 فرانس نوشته اند که این معنی بر ظاهر است که یا عیگری و  
 اعتناش در اسپانیول بسبب تحریک مزینی و سایر  
 ذاریهاست که در لندن نوشته اند

### ینکی دنیای شمالی

از فراتر یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
 که مابین این دولت با دولت انگلیس نوشته شده است  
 شروط عهدنامه منور این است که بعضی از خاک انگلیس  
 ینکی دنیای شمالی و اگر شود و قدری از ولایت حالا  
 موافق عهدنامه مال دولت ینکی دنیای شمالی شده است  
 آبادی ندارد و لکن اهل دولت ینکی دنیای شمالی در حیرت  
 اطلاق منور به منفعت خود را ملاحظه کرده اند زیرا که مردمی  
 کارکن اند و آنجا را در اندک مدت آباد خواهند کرد باین  
 سبب آنجا را از دولت انگلیس بخت میان والار که بجا  
 پول ایران تنیشتا کرده و نیم میشود خریده اند و سخاوت  
 نقد با یکی بنگو مقیم و ایشین تن تجویل کرده اند امورات  
 دولت بنگو بسیار محوش و رفته نزل است از این

۱۲۴۰

از بعضی ولایات خود دست کشیده میفرود شدند و دست  
 ینکی دنیای شمالی روز بروز کارشان رو بترقی است این  
 اطلاق را می خزند و آباد کرده نفع خود را از آنجا با بر میدارند  
 کلی قازینا که نقد رطل از آنجا حاصل شده اول همین طور  
 بود و وقتی که اهل بنگو آنجا را فرود خستند خبرند اشتند که در آنجا  
 معدن طلاست و اینقدر رطل از آنجا حاصل خواهد کرد  
 دیگر در همین روزنامه نوشته اند که در شهر بستان  
 ینکی دنیای شمالی و با کمال شدت را داشت و در شهر  
 آن اطراف نیز کم و بیش بود  
 دیگر نوشته اند که در آن ستمها اعتناش در میان خلق  
 بوده و باب منازعه دینی مابین دو طایفه از عیسوی که یکی  
 کتولیک و دیگری پر دستند است این دو مذنب با هم  
 جنگ می کردند و در بعضی جاها نظام بیرون آورده بودند  
 که جنگ آنها را موقوف بکنند در یک جانی پر دستند با بزرگ  
 در زیر کلیسای کتولیکها ریخته و شش زده بودند بهوارفته و  
 خراب شده بود و در دوشهر دیگر هم کلیسای کتولیکها را با  
 آتش زده بودند

دیگر نوشته اند که در شهر فلده لیه آتش میان خانها افتاد  
 و بسیاری از خانهای شهر منور سوخته اند و میگویند که  
 خانهای که سوخته است یک میان والار است  
 دیگر نوشته اند که درین اوقات وخت چانی نزدیک  
 بستنای کاشته بودند و لکن هنوز معلوم نیست که پس خواهد  
 آمد یا نه  
 هندوستان

در کل ملک هندوستان ارامی و اعیان بود و در ملک  
 برشته نظام ضابطه بجهت راهها و نظام کار خلق برپا میکردند  
 در پیاده و پنجاب ناخوشی بسیار بود و زلزله جزئی نیز  
 در آنجا شده بود و در سنگاپور که یکی از جزایر بحر هند میباشد  
 میان خلق برسنجور دگی شده بود و در آنجا از اهل چین بسیاری  
 مستند و عداوت یکی از طایفه آنجا داشته و در میان  
 شهر چک آنها اتفاق افتاده بود و بیماری از ایشان گشته  
 و زخمها شده بودند بعضی از دکا کین راهم تاراج کرده  
 بودند و نظام در آورده آشوب را فرو نشاند و مفیدین  
 گرفت خلق آرام شده بودند

دیگر درین روزها محقری در خصوص ساختن و تمام کردن  
 نهر بزرگ در هندوستان ترجمه نوشته شده بود و درین  
 روزهاها که تازه رسیده است تفصیل نهر بزرگ را با  
 نوشته اند که حج ساختن نهر بزرگ یک لبیان و پانصد  
 شصت هزار پوند پول انگلیس کتخمینا شش کر و هشتاد  
 پنجاه هزار تومان پول ایران است شده است اگر چه دولت  
 انگلیس اینقدر پول در آنجا خرج کرده اند و لکن منفعت زیاد  
 ازین عمل خواهند برد بجهت اینکه آنولایات که نهر بزرگ را از آنجا  
 میکند و جمعیت زیاد دارد و شغل اهل آنولایات نیز کلاً  
 زراعت کاری است از قرار که نوشته اند ولایات بنام  
 رود گنگ و رود جمنه و وارده کرده و خلق دارد شهرها و  
 قصبه های زیاد در آنجا است تا بجهت نبودن راه کالی که آنجا  
 از خشکی یا کشتی از راه آب حمل و نقل آرد و بار مشکل بود و  
 بعضی اوقات اهل آنولایت تنگی می کشیدند و در سالهایی که در  
 آنجا بارندگی نمی شد حاصلشان خشک می گردید و بعضی نمی

بسیار شد که قحط و غلای شدید روی میداد که بسیاری از اهالی  
 آنجا از کسب تنگی تلف می شدند حال که این نهر ساخته شده  
 و خاصیت عمده بجهت اهل آنجا دارد یکی آنکه حمل و نقل آرد و کشتی  
 در وقت ضرورت باسانی و کم خرجی و از زانی در کمال سهولت  
 میشود دیگر آنکه در وقت خشک سالی که زراعت بارانی آنجا بعضی  
 از نهر بومیستوانند به جای آنولایت آب ببرند و زراعت  
 طول این نهر دویست و بیست فرسخ است و هفتصد بند دارد و  
 ساخته اند که آب سیل و آب زیاد از او بیرون برود و عیبی  
 نرسد و دویست و دو پل درین نهر ساخته اند و دویست و نود  
 هفت نهر کوچک ازین نهر جدا میشود که بجایهای دیگر جاریست

و درسی و یک جانبند بجهت میزان کردن پستی و بلندی آب  
 از برای عبور کشتی ساخته اند و درین بندها درها و ششها که  
 بزبان فرانسه اکلوکس می نامند ساخته اند بجهت عبور کشتی  
 بلندی یا از بلندی پستی که متعذر است می بندند تا آب  
 میشود و آنوقت می کشند و کشتی را میرانند و دویست و هشتاد  
 و نهر کوچک نیز بجهت زراعت از او منشعب میشود در روزهای  
 این ولایت نوشته اند که تا بحال در هندوستان چنین  
 ساخته نشده است بلکه در کل روی زمین چنین نهری  
 مگر نهر بزرگ چین که تجاری ایام ساخته شده پادشاهان  
 سابق هندوستان که از طایفه مغول بودند بعضی نهرها  
 هندوستان ساخته اند اما نسبت باین نهر که درین وقت  
 با تمام رسیده بسیار کوچک و مختصر و بجهت اینکه در وقت

مثال با تمام رسیده  
 احوالات متصرفه

درین لها بسیاری از اهل ایراند بخارج رفته اند و در آنجا کارها

۱۲۴۱



بهتر از ولایت خودشان می شود در روزنامه انگلیس نوشته است  
 که بسیاری از این انگلیس و از این اسکاتلند که بولایات خارج  
 رفته اموال خرید و اندوز زراعت کرده اند باعث رونق آباد  
 آن ولایات و منفعت الی آنجا شده اند  
 در دست جنوب مملکت فرانسه درین اوقات باز آفت  
 افتاده و در مملکت ایتالیا نیز همین آفت و ضرر بسیار  
 بر عایای آنجا از بنیادن حاصل انکور رسیده است در بعضی  
 جاها که راه آهن بجهت ترود کال که بنجار ساخته اند مردم عامی  
 آنجا مخال کرده اند که این آفت در تاک انکور بسبب دو  
 و قال سنگی حادث شده است و حال اینکه قیصه بر  
 باشد زیرا که مطلق در دفع آفات ارتاک و سایر اشجار  
 میکنند و در بعضی جاها که درختهای عزیزه می نشاندند بجهت  
 از آفت سالم بماند تنباکو در زیر درخت میوزانه با چنگ  
 شغل عمده اهل این ممالک شراب فروشی است درین چند سال  
 که آفت تنباکو افتاده است ضرر کلی کشیده اند و در مملکت  
 ایتالیا یک پیانه شراب که سابقا یک تومان فروخته میشد  
 حالا به تومان و نیم فروخته میشود  
 در شهر سیلر چند وقت پیش ازین ناخوشی و با شدت  
 تمام داشت و روزی صد نفر در آن شهر میروند  
 در روزنامه های فرنگستان که تازه رسیده است در بنا  
 مملکت اسپانول نوشته اند که جنگ و آشوب بسیار  
 در روزنامه نوشته شده تمام شده بود و باره آ  
 بر پانده است اول بعضی از مردم خیال داشتند که منظر  
 یا عیان برسم زدن دولت پادشاه است که بلکه خیر

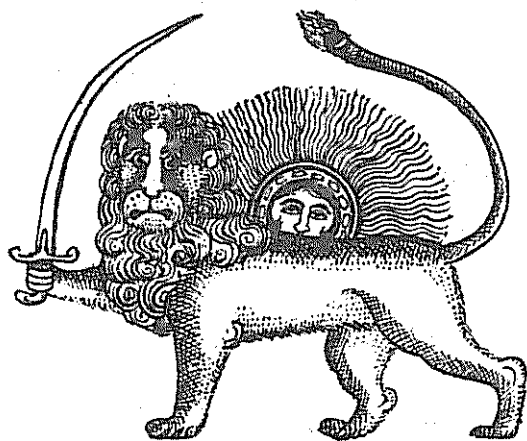
در یکی از خیال داشته باشند که دولت جدید  
 در آنجا بر پانمانند حال که معلوم شده است بچگونه ام این  
 سببها نبوده است خلق از وزیر جنگ آمده بود  
 یا غنی شده بعد از آنکه پادشاه وزیر را بیرون کرد و  
 دکان دیگر بجای آنها مامور شدند و ولایت آرام گرفت  
 اما اگر وزیر ای قدیم و همدمان آنها حکم است که  
 اخراج بلد باشند  
 در روزنامه فرانسه نوشته اند که راه آهن بجهت ترود  
 کال که بنجار که چند سال است مابین پاریس مای تحت  
 فرانسه و شهر لیون نیز میازند کم مانده بود که از سرتا  
 راه تمام بشود چند سال بود که مشغول ساختن این راه  
 بودند و بسیار جاهای او را ساخته بودند اما بهم متصل  
 بود و حال بهم متصل کرده اند که کال که کیر از پاریس  
 تا لیون برود

اعلامات

کتبهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید  
 در محله نزدیک دروازه دولا ب الطباع شده از این قرار  
 فروخته میشود  
 سرای دو تومان  
 ختم نظامی بیت و پنجزار  
 ربنده المعارف دو تومان  
 معراج العاده یک تومان  
 صدقه اشیه هشت هزار  
 شاهنامه چهار تومان و نیم

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و هشتم ماه محرم الحرام سن ۱۳۴۳

نمره صد و نود و چهار  
قیمت روزنامه  
یک ششده و سه بریکه  
و قان و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات  
یکصد و پنجاه و یک هزار  
بیشتر با هر چیزی

اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه بیست و یکم این ماه اعلیحضرت پادشاهی  
تفریح اطراف دارالخلافه را فرموده سوار شدند و تا حوالی  
عصر موکب های یون تشریف فرمای صاحب دارالخلافه  
بوده نزدیکی غروب آفتاب بار که معاودت فرمودند

و بدقت رسیدگی بانها نمودند همگی در کمال آراستگی  
و شکوه با لباس و آب نظر رسیده مورد تحسین گردیدند  
و هم در آن حین چند نفر مفسد که دزدی و شرب و غیره  
کرده بودند بحضور جناب امجد افخم اسم آوردند و حسب حکم آنها  
بمیان نظام انداخته تنبیه بفرمودند

در روز یکشنبه ۲۲ این ماه نیز موکب های یون تشریف فرمای  
میدان مشق خارج دروازه دولت که افواج قاهره نظام  
در آنجا مشغول مشق بودند گردیده ملاحظه مشق و حرکات آنها  
فرمودند و سان بعضی از افواج قاهره نیز در حضور مبارک  
دیدند

درین اوقات نواب غفران مآب مصطفی قلی میرزا حکمران  
مازندران داعی حق را البتیک اجابت گفته بر حمت بزرگ  
پیوست حسب الامر اقدس هایون در مسجد دارالخلافه  
مردم مزبور تا سه روز مجلس فاتحه خوانی گذاشته شاهزادگان  
عظام و علما و فضلا و سادات و انسانی دولت علیه و آله  
هر روز در مجلس فاتحه خوانی حاضر شده لازم تغییره دایره  
بعل آوردند و هم چنین در مازندران هم عموم الای آبخا  
در مجلس فاتحه مردم مشارالیه حاضر گردیده چون از طرف  
نظم و سلوک و رعیت داری او بسیار رضامندی  
داشتند از طرف مردم مزبور یاد از خدمت او داده اند  
عالیجاه مطلب خان تفنگدار خاصه سر کرده سواره کوردان

در روز شنبه ۲۴ این ماه نیز تشریف فرمای اطراف  
مبارک گردیده تا نزدیک غروب آفتاب تفریح مشغول بودند  
و وقت مغرب بار که مراجعت فرمودند

و هم در یوم مزبور فرج بلوک طهران جمعی عالیجاه محمد رضا خان  
سرتیپ و فرج جدید اصفهان جمعی عالیجاه مصطفی قلیخان  
در میدان ارک حاضر گردیده جناب جلالت تاج  
امجد افخم صدراعظم بملاحظه آنها بمیدان تشریف آوردند

در روز شنبه ۲۴ این ماه نیز تشریف فرمای اطراف  
مبارک گردیده تا نزدیک غروب آفتاب تفریح مشغول بودند  
و وقت مغرب بار که مراجعت فرمودند

۱۳۴۳

از این

از این

و بطایمی که حب الامرهایون بمحافظت طرق و شوارع  
 راه خراسان مأمور است درین اوقات بدر بارهایون  
 آمد شرفیاب حضور مبارک کردید نظر سخدات و بیجا  
 مشارالیه در انتظام امور آن راهها در حوز محنت و کانه  
 مبلغ پنجاه تومان بصیغه انعام ستمی در حق او عنایت  
 گردیده و یک طاقه شال ابره و یک ثوب قبای زری بر  
 حلق در وجه او محنت فرموده و مقرر شد که پنجاه  
 نفر سواره جدید بکشد و پنجاه نفر هم از پیادگان جمعی خود سوار  
 کرده که من حیث المجموع دولت نفر سواره و پنجاه نفر  
 پیاده داشته در محاربت طرق و شوارع آنجا پیش  
 پیش مراتب خدمتگذاری خود را مشهور رای اقدس  
 و امنای دولت علیه سازد که زوار و قوافل بالطنین  
 و اسودگی از آن راهها عبور مرو نمایند

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته  
 یک نفر از شاخج عرب که از اهل نجف اشرف بوده از  
 راه کلپایگان عبور میکرده است غلام سیاهی داشته  
 مادیان او را برداشته فرار کرده است در قراولخانهها  
 مستحقین عرض راه غلام را با مادیان گرفته با اصفهان  
 نزد عالیجاه چراغ علیخان نایب الحکومه اصفهان فرستاده  
 عالیجاه مشارالیه نیز شیخ عرب را حاضر کرده مادیان  
 و غلام سیاه را تسلیم او کرده و قبض رسیدگی دریا  
 نموده است با بجله قراولخانههای عرض راه اصفهان کمال  
 نظم دارد و در حفظ طرق و شوارع نهایت اتمام میشود

عالیجاه نصرالدخان سیرتپ فوج کلپایگانی که با فوج خود  
 مامور خدمت فارس بود و در آنجا حادثات شایسته  
 بتقدیم رسانده این روزها بر کاب مبارک آمده مورد  
 مرحمت شایسته گردید از قراریکه عالیجاه چراغعلیخان نایب الحکومه  
 اصفهان نوشته بود یکبار بطوس و اموال قیمتی و وجه  
 نقد قریب هزار تومان از مال مقرب آنجا خان شیر الملک  
 که علی محمد نام مکاری حمل میکرده است همان بار را در راه  
 فارس مفقود کرده بوده است درین بین سرباز فوج کلپایگان  
 می آمده اند بار مزبور را پیدا کرده و با اصفهان آورده اند  
 عالیجاه نصرالدخان مطلع شده فرستاده است علیمحمد  
 مکاری را آورده اند و مال را با التمام گرفته در حضور عالیجاه  
 چراغعلیخان رد نموده است و دیناری عیب نگرفته بود

دو نفر رعیت اصفهانی در حوالی مقصود بیک گرفتار  
 چند نفر دزد شده صد و بیست تومان پول نقد آنها را گرفته  
 بودند صاحبان پول دزدان را شناخته آمده تبراً  
 بجایگاه چراغعلیخان حالی نموده اند عالیجاه پش رانیه  
 عریضه خدمت نواب مستطاب شاهپرده والا تبار مرید الدوله  
 حکمران فارس نوشته یک نفر آدم خود را با صاحبان  
 پول بشیر از فرستاده است که نواب معزی الیه دزد  
 پیدا کرده نتخواه مزبور را استرداد کرده بصاحبان  
 از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند نواب  
 معزی الیه نیز آدم فرستاده دزدان را پیدا کرده اند و مال  
 نتخواه مزبور را تمام و کمال از آنها استرداد نموده بصاحبان  
 رد کرده اند

۱۲۴۴

### خراسان

از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند امیر  
 کمال نظم و انضباط دارد و امالی آنجا قرین نهایت  
 رفاه و آسایش است از جمله نوشته بودند نظم  
 امور شهر سجدت است که شبها اکثری از مردم در  
 خانه خود را نمی بندند و هیچ وجه آسیبی بمال مردم  
 و سرف و وزوی اتفاق نمی افتد و شبها تا دو  
 ساعت از شب گذشته جمیع دکا کین باز است  
 برای امالی شهر و زوار محظلی حاصل نمی شود  
 و یک از قراریکه نوشته بودند مقرب انخاقان وزیر  
 نظام متولی باشی در غیاب نواب مستطاب شاهزاده  
 و الا تبار فرزند و انتظام امور ولایت کمال  
 اهتمام دارند و از هر کس خلاف قاعده و بی اعتدال  
 بطهور رسد فی الفور بمقام رفع آن بر می آیند  
 نوشته بودند یک نفر زوار آمده بمقرب انخاقان  
 متولی باشی گفته بود که قریب بظهر از منزل خود  
 بزیارت میر قتم داخل صحن مقدس شدم  
 در جیب خود کردم دیدم جیب مرا بریده اند بعد  
 چهار تومان پول نقد و اسبابی که داشته ام برداشته  
 و شخصی که ز من اورا می شناختم و نه او با من شناسائی  
 داشت در بین راه چند قدم با من آمده بطوری  
 با من اظهار خصوصیت و آشنائی کرده که مرا از حال  
 او حیرت افروز کرده چه را دم خوبی است حال  
 که سبب خود واری نمودم یقین کرده ام که همان شخص  
 مرکب این عمل شده است مقرب انخاقان وزیر نظام

متولی باشی هم یک نفر فرزندش همراه آن شخص  
 کرده بودند که گفت شخص مرکب را پیدا کرده و نتوان  
 و اسباب او را گرفته رو نماید فرزند هم رفته  
 شخص فرزند را بنامند کی صاحب مال پیدا کرده و نتوان  
 و اسباب سر و قدر البینها از او استر داد  
 بصاحبش رو کرده و این معنی باعث خوشوقتی و امید  
 واری جمیع زوار گردیده است  
 و همچنین از قراریکه در روزنامه نوشته بودند  
 وزیر نظام متولی باشی بکلانتر شهر قدغن کرده قرار داده  
 که در ساعت سه ظهر تمام شود و بعد از سه ساعت  
 از شب گذشته هر کس در کوچه و بازار عبور نماید او را  
 بگیرند و اگر اسم شب داشته باشد و فائوس داشته  
 باشد و معلوم شود که از اجامه او باش نیست  
 نشوند و اگر از الواط باشد تا صبح او را نگاه دارند  
 با بجه مقرب انخاقان مشارالیه در غیاب نواب  
 شاهزاده در نظم امور شهر کمال اهتمام را دارند و با  
 اولایت و زوار کمال جورسندی و آسودگی بهم رسانده  
 و بعرض و مطالب فقر و ضعف رسیدگی کامل کرده  
 احقاق حق مینمایند و هم چنین در انتظام امور سرکار  
 چنانچه در روزنامه های گذشته نیز نوشته شده لازمه  
 رسیدگی را معمول میدارند جمله در تعمیر صحن و رواق  
 مقدس و جنابان و غیره اهتمام تمام بعمل آورده  
 و بسیار خوب و باصفا گردیده است و سبب مزید  
 کوفی زوار بجزایات قدس دشاهی شده است

۳

۱۲۴۵

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند لایحه

مستطاب مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران فارس

مقرب الخاقان عبدالدخان صارم الدوله را با دو فرج

و توپخانه و قورخانه و سواره و استبداد به بند عباس بنیاد

و هم چنین عالیجاه رضاقلیخان سرتیپ فرج عرب با صحر

حسب الحکم با فرج مامور بندر مینور و بخارج شهر نقل مکان

کرده اند که روانه مقصد شوند و چون در کمرسرات فارس

و نزدیکهای بندر مینور مسال بجهت حاکمی غلام کامیاب

نواب معری الیه تحواه داده و مامورین روانه کرده اند

که جنس بجهت سیورسات قشون ماموره از محال کرمان

و جایهای دیگر خریداری نموده در وقت ضرورت با آنها

برسانند

و دیگر نوشته بودند که فریدون خان یوزباشی که سابقا

با پنجاه نفر غلام مامور خلوی بند عباس بود و از بندر

گردیده چون در خطه حرمت بندر مینور غفلت و بی

احتیاطی از مشارالیه بطور رسیده بود مورد مؤخره

و تنبیه گردید

دیگر نوشته اند که یکی از نوکرهای مقرب الخاقان محمدرضاخان

ایلیخان قشنگ دیکلی که کلوله پر بوده بدوش داشته و

غفلت کرده بود که پاشنه او را بنجا باند تا گاه بدرفته

و بیک نفر از آد همای ایلیخان خورده فوراً طاک گردیده است

دیگر تعبیر اجناس فارس را که نوشته اند مسال نسبت

بسا های دیگر جنس در آن ولایت بسیار ترقی دارد از جمله

گذم خرواری چهار تومان و نیم و جو بیجده هزار و برنج بیجا

خرواری پنج تومان و سایر چیزها نیز همین قرار تعبیر دارند

### کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند تمثال خاقان

اعلیحضرت پادشاهی که با فقار نواب شاهزاده و اولاد

عماد الدوله مرحمت شده بود در وقت وصول بانجا اولاد

معزی الیه با چهار فرج و جمیع اعیان و اشرف ولایت

با پنج فرسخ با استقبال ششاقه لازم توقیر و احترام

همینو را بعین آورده اند و بجهت مزید احترام این پنج فرسخ

تا شهر پیاده مراجعت کرده اند و تمثال خاقان را در تخت

قرار داده خود نواب معری الیه در مقامی که در حضور اعلیحضرت

پادشاهی معین دارند قیام و انعقاد سلام داده پیر خوانین

و اهل سلام از صاحب منصبان نظام عزیزه هر کدام در مرتبه

مقام خود ایستاده اجرای شلیک توپ و صرف شربت و شکر

و ادای خطبه بنام اعلیحضرت پادشاهی و تقدیم خورسندی و شکر

نموده سلام منقضی گردیده است

دیگر نوشته اند که زوار زیاد از اطراف جاگک محروسه

بجهت اذن و اجازت که از امنای دولت علیه حاصل کرده اند

علی التوالی در کرمانشاهان جمع شده بریارت عیبات لیاقت

میروند نواب عماد الدوله حسب الامر از ایام مغفرت روزهای

دو شنبه و پنجشنبه را بجهت حرکت زوار تعین کرده اند که بعد از

گرفتن تذکره و سفارشات لازم بجا و چون مستخفین روانه

مقصد شوند و در هر یک از منازل عرض راه نیز مستحفظ

تفنگچی از سوار و پیاده گذاشته اند که زوار و عابریین را

از منازل متعلقه بجز حرمت نموده بگذرانند

### اخبار دول خارجه

پسکلی دینای شمالی از قرار روزنامه این  
که تازه رسیده است نوشته اند که کفکونی در آن ولایت  
بود در باب جزایر سند و بچ که در بحر محیط باشد  
میخواستند داخل ممالک پسکلی دینا نمایند و عهد نامه که کرده  
کشتهای پسکلی دینا که بچان رفته و با این چنان بسته بود  
در شهر واشینگتن پای تخت پسکلی دینا تصدیق کرده و می  
داشته بودند ناخوشی و با در شهر نیویارک پسکلی دینا بود  
و کم کم زیاد می شد و روزی بیت نفرو میت و یک نفر  
از این ناخوشی تلف می شدند از ولایت کس که خبر  
لیکوپها شد نوشته اند که ما بین اهل قدیم آن ولایت و اولاد  
فرنگیها که با سنجار رفته و آبادی کرده اند دایم جنگ بود  
و کمان داشتند که جنگ آنها کالی شود و در باب شپلات  
در سمت شمال غربی آن ولایت میان اهل پسکلی دینا و اهل روس  
که در آنجا سرحد دارند کفکونی بود و کویا کار با منای دیون

### رجوع شده است مککو

از قراریکه نوشته اند است آنها بزرگ این دولت بعدی  
زیاد با اهل آنجا میگرد خصوصاً در گرفتن مالیات که بی  
و بیجا از مردم مالیات دیوان میگرد بطوریکه مردم  
از ظلم او بستره اند بسیاری از آن ولایت بجای وطن  
گرفته میرفتند داخل خاک دولت پسکلی دینای شمالی می شد  
که در آنجا اسوده باشند

از سایر ممالک دول خارجه اخباری نبود که مناسب بود  
داشته باشد مگر آنچه در احوالات مرقوم چاپ شده

### احوال متفرقه

درین روزگاری کشتی سنجار تازه در مملکت انگلیس ساخته و بابت  
بودند و قشیکه کشتی بزیر سلامت آب قفا و جماعتی که در  
میان او بودند از راه شوخی زور آورده کشتی را به پهلوان  
و بسیاری از آنها که در کشتی بودند بآب افتادند چهار نفر  
غرق شدند که نفس آنها را از آب در آورده و کمان داشتند  
که باز هم آدم زین کشتی غرق شده باشد

درین روزگاری یکی از حیوانات غریب که در سبجری بینا  
از سمت مصر بولایت انگلیس آورده اند و چونکه اغلب وقت  
در میان آب بایستد و در میان کشتی که می آورند حوضی برای  
او ساخته و پر آب کرده بودند که هر وقت بخواهد میان  
آب برود هنوز بچشم شیر خوار است و چهار دندان در او  
وزنش یک طون که سه خروار چیزی زیاد تر است می آید  
و قتی که با و طعام میدهند شخصی ب که همراه او از مصر آمده است  
ارد زدن را با شیر خمیر کرده نواله میکند و باد میدهد

میچورد یک در شخص مریض این حیوان رفت نزدیک بود  
کشته بشود حیوان خواست در میان نفس بگردد و شخص عرب  
بگد و یوارفتار داد بطوریکه غریب بهلاکت بود اهل  
نفریاد او رسیده خلاصش کردند معلوم میشود که این حیوان  
مانند سایر حیوانات آبی از قبیل ک آبی و غیره از نوا  
موریگان بسیار خوشش می آید و قشیکه موزیکان بچیان کشتی  
موزیکان می نواختند سرش را بالا میگرد و معلوم بود که  
از استماع موزیکان خوشش می آید

در بعضی بلوکات فرانسه کدم نزدیک نصف قیمت بن  
گرفته است بجهت اینکه حاصل امسال در بعضی جاها که در

۱۲۴۷

کرده اند بسیار خوب آمده است موافق خبر آخر که از پارس  
 پای تخت فرانسه آمده است ناخوشی و با که در آنجا بود  
 کلی یافته است بعد از آنکه هوای گرم شد ناخوشی کمتر گردید  
 از بعضی محلات با اقلیته رفع شده است و این برخلاف  
 سابق است که در گرمی هوا شدت میکرد  
 در سفینه در روزنامه دولتی اعلان کرده اند که من بعد  
 معصرین را که واجب العقل بشوند در بیرون نخواهند  
 در میان حیاط محبوس خانگی کشند در حضور دو نفر جراح  
 و دو اراده نفر شایه و یک نفرش  
 در روز نوا حکم شده است که هر کشتی که از جزیره مالت به آنجا  
 بیاید در کرختین نگاه بدارند بجهت اینکه گمان ناخوشی با  
 در جزیره مزبور داشته باشند  
 در روزنامه کوبکسکی و نیای شمالی نوشته اند که در سال  
 گذشته بمیت و چهار هزار و هفتاد و هشت نفر از فرنگستان  
 با آنجا آمده بودند و از سالهای گذشته هفت هزار و چهل  
 هفت نفر را در آنجا اقامت داده اند  
 در بعضی جزایر خط استوا ناخوشی و با شدت داشت  
 اما اکثر آنها که از این ناخوشی تلف می شدند از مردمان  
 سیاه آنولایت بودند بمرتبگی که حساب کرده بودند از  
 اینها که مرده بودند نه عشر از سیاههای آنولایت بودند  
 تا بحال این جزیره کوچک پانزده هزار نفر فوت شده است  
 و اینهمه عشر کل اهل آنولایت بود  
 عهد نامه تجارتنی که مابین دولتین اسپریت و پرتغال بود  
 تا بیخ ۱۱ رمضان بسته شده بود و بعضی قرار داد در  
 خصوص تجارت و عبورستی گذاشته اند که منفعت کلی تجار  
 و

دولتین حاصل میشود سابقا در مملکت اسپریت ایالت اجناس  
 همت زیاد داشت خلق بسیار و طلا فراوان و جنس کم  
 بلاخطه کرانی اجناس در آنجا کل تجارت روی زمین که  
 دسترس با آنجا داشتند جنس زیاد با نولایت فرستادند  
 بر تبه که حالا اجناس از هر قسم در آنجا چنین تنزل کرده اند  
 که چند ان فرقی مابین قیمت اجناس در آنجا با سایر ولایات  
 نیست  
 در روزنامه انگلیس نوشته اند که سپر عباس پاشا حکمران  
 سابق مصر بولایت انگلیس آمده بود که در آنجا سیاحت  
 نماید کشتی پدر خود را که فیض اجماع نام داشت سوار شدند  
 بشهر سوئس بمطمان که اول خاک انگلیس است آمده بود  
 در آنجا خبر فوت پدرش باورسیده میکرد و در آنجا ماند  
 و بعد از آن بختی روانه دریاشد که بمصر مراجعت نماید در آنجا  
 حکمرانی پدرش خود از اعیان و معتبرین آنولایت بود حال  
 معلوم نیست که خدمات عمده که سابقا با و رجوع میشد باین  
 بشود یا نه  
 موافق حساب دیوان که در طلبوزن مملکت اسپریت کرده اند  
 ظاهرا که از معدن بشهر نورمی آرنند با فراول و سواره  
 هفتاد و هشت هزار مقال است و این غیر از طلا نیست  
 که خود اهل آنجا با ادهای خودشان بطور دیگر میفرستند  
 چونکه در هر سمت دنیا روز بروز کشتی تجار زیاد میرود  
 و حال سکنی زیاد بمصرف میرسد معادن ذغال ولایت  
 انگلیس بسیار خوب کار میکند بطوریکه معدنچیان آنجا میشوند  
 و هیچک بکار نیستند هم بصاحبان معادن و هم تجار و هم

۱۲۴۸

v

بصاحبان کشتی و غیره منفعت زیاد حاصل میگرد  
عبور میکنند نموده و زردان را تمبیه لازم میکنند

که بای زرد در قدیم کم یاب و گران بود درین روزها  
بنادارند در مملکت ایرلند مانند ولایت انگلیس قشون  
فراوان در کنار دریای بالتیک در مملکت پروسیه  
براه بندازند و وزیر حمله هم میجوید قرار بدد که در مملکت  
وازل که زیاد در اینجا پیدا میشود تجارت عمده از کربا  
که میا و آماده باشند  
مزبور دارند

دولت فرانسه بسیار سعی و کوشش میکنند که پنبه در ممالک خود  
در شهر تیتس مملکت فرانسه کشتی تازه زیاد میسازند و تا  
هم در جزایر سیکی دنیا و سم در جزیره العرب که در طرف  
آخر سال بیت و سه کشتی تازه باب خواهند انداخت  
فرانسه است بعضی بیاورند چون پنبه چیزی است که روز بروز  
و این همه علامات اینست و رواج داد و ستد در ولایت  
بجه کارخانهها زیاد مصرف میشود و تا بحال دولت فرانسه  
مزبور است

بجه پنبه محتاج دول خارجی بودند از آنجه دولت سعی و  
کوشش نموده پول زیاد خرج می کنند که پنبه در ممالک خود  
بعل بیاید اما تا بحال چیزی نشده است که بکار حسن بخورد  
اگر پنبه که بفرانسه می آید از سیکی دنیا و هندوستان  
مصرف است

در روزنامه فرانسه نوشته اند که طوفان وره و برق  
و بارندگی که در وسط تابستان در آنجا شده بود ضرر زیاد  
بر اهلای آن رسانده است خاک راهها را برداشته  
و خرابی بر اهلها رسیده است در بعضی جایها مابین  
پاریس و لیانتر نزدیک بدویت ذرع راه در یکجا  
شده است

درین روزها زردان طایفه عرب در سمت مرشد در  
دریا تاخت و غارت زیاد ارا کشتی تجار کرده اند و در  
خصوص گفتگونی در مشورتخانه انگلیس شده است کشتی  
بان سمت فرستاده اند که محافظت کشتی تجار را که از اینجا

قیمت بعضی اجناس را در شهر لندن پای تخت انگلیس با اینطور  
نوشته اند که م خرواری شش تومان و نیم تا هفت تومان  
و دو سه تومان و چهار هزار تا چهار تومان و خرد چغندر  
تینچ تومان و هفت هزار بزرگ هفت تومان و چهار هزار  
چهار تومان و چهار هزار نان چهار پونز که بیت و چهار  
چهارده شاهی تا پانزده شاهی

### تسعیر اجناس طهران

گندم ساوجبلاشی	یکخوار	دو تومان و دو هزار
گندم دور شهر	یکخوار	دو تومان و یک هزار
گندم غریب	یکخوار	دو تومان
گندم در این	یکخوار	هفده هزار و پانصد
برنج غنبر	چهارم	یک هزار و نوزده
برنج گرده	چهارم	یک هزار و نه صد
برنج سفید کرده	چهارم	دو هزار و سیصد
نان	یکخوار	دو تومان و هزار و پانصد

۱۲۴۹



گوشت یکمن یکهزار دینار	۳۰	ذغال یکخزوار بیجده هزار	۳۱
روغن چهارمن یکتومان ششعباسی	۳۲	شع یکمن دو هزار و چهارصد	۳۲
ارد کدم یکخزوار دو تومان و پنجبر	۳۳	تباکوی وسط چهارمن یک تومان	۳۳
ارد جو یکخزوار بیجده هزار و پانصد	۳۴	تباکوی اعلی چهارمن شانزده هزار	۳۴
جو یکخزوار شانزده هزار	۳۵	انقوره یکمن سه عباسی	۳۵
گاو یکخزوار هشت هزار و پانصد	۳۶	سرکه یکمن چهار صد دینار	۳۶
ماش یکخزوار هفده هزار و پانصد	۳۷	خر بوزه چهل من چهار	۳۷
عدس یکخزوار دو تومان و دو ریال	۳۸	خر بوزه قی چهل من شش هزار و پانصد	۳۸
لوبیا یکخزوار سه تومان و دو ریال	۳۹	هندوانه چهل من چهار هزار و پانصد	۳۹
کرچک یکخزوار چهار تومان	۴۰	الکور بیت من دو هزار و شصت	۴۰
کف یکخزوار چهار هزار و پنج پول	۴۱	سبزی آلات یکمن شش	۴۱
ارزن یکخزوار یک تومان و ده شاهی	۴۲	بادنجان صد عدد سه عباسی	۴۲
سجود قزوینی یکخزوار پنجمومان	۴۳	بانت چهارمن هشت عباسی	۴۳
سجود رسی یکخزوار دو تومان و شش	۴۴	پیر شور چهارمن هشت هزار	۴۴
خلر یکخزوار هفده هزار و پانصد	۴۵	قداروسی یکمن هفت هزار	۴۵
سکنک یکخزوار چهار ده هزار	۴۶	قد زردی یکمن چهار هزار و پانصد	۴۶
بیمه یکخزوار نه هزار دینار	۴۷	بنات یکمن پنجاه و یک عباسی	۴۷
یونجه یکخزوار هشت هزار و پانصد	۴۸	شکر یکمن سه هزار و شصت	۴۸
سرخ قطعه ده شاهی	۴۹	بل یکمن بیت و دو هزار	۴۹
تخم مرغ شش بیضه یک عباسی	۵۰	میخک یکمن شش هزار	۵۰
شیره شهد چهارمن یک هزار و چهارصد	۵۱	زیره یکمن دو ریال	۵۱
پیاز یکخزوار هفت هزار و پانصد	۵۲	زعفران ده سیر شانزده هزار	۵۲
کشک چهارمن دو هزار دینار	۵۳	رز شکب سینه یکمن دو ریال	۵۳
خرما چهارمن سه هزار و پانصد	۵۴	رز شک تبریزی یکمن چهار هزار	۵۴
کشک چهارمن شش عباسی	۵۵	آبلیمو یکمن دو ریال	۵۵

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم ماه صفر المظفر مطابق با راس سن ۱۲۷۱

موزه صد و نه و پنج  
قیمت روزنامه  
یک نسخه دوازده شاهی  
چهاران و چهار شاهی



منظومه دار الخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط به چهار سطر یک هزار و پنجاه  
بیشتر به هر سطر پنج شاهی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلاف طهران

در روز شنبه غره ماه صفر تفکیک لاریجانی جمعی بایستادگان  
عباسقلی خان که حب الام احضار برکاب هایون شده  
بودند در میدان ارک حاضر شده صف کشیدند  
اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی بمیدان مزبور تشریف  
فرما کردند جناب جلالت تاج احمد اعظم صدر اعظم  
وسایر مقربان حضرت کردون بطلت سینه در حضور  
مبارک بودند بعد از ملاحظه تفکیک مزبور که شتر و قاطر  
سرکاری را که نازه اجتیاع نموده و داغ کرده در میدان  
ارک حاضر کرده بودند از حضور مبارک گذزایدند  
همگی درشت و فربه و با اسباب بودند پسند خاطر  
هایون کردند و از آنجا اعلیحضرت پادشاهی بدر  
دارالقنون تشریف فرما گردیده بعد از انقضای تعزیه  
بهارت مبارک که سلطانی مراجعت فرمودند  
چون بعد از انقضای دهه عاشورا که جمیع تکایا را از بیست  
در دو ماه محرم و صفر در بعضی تکایای مخصوص بازینمای تعزیه  
جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام را میگذاردند از جمله

در مدرسه دارالقنون حسب الامر بهایون حکیمه طاقی  
سببه مشول تعزیه داری ستند و اعلیحضرت پادشاهی  
بعضی از روزها تشریف فرمای مدرسه مزبوره گردیدند  
جناب جلالت تاج اشرف اعظم صدر اعظم و سایر  
امنای دولت علیه و مقربان حضرت کردون بطلت  
نیز مقرر حضور مبارک بوده لوازم تعزیه داری را بهیچ  
در روز یکشنبه ۲۹ ماه گذشته جناب جلالت تاج  
اشرف اعظم صدر اعظم بمیدان ارک تشریف آوردند  
که شتر و قاطر سرکاری را که عالجمان سیرزاق خلیجان  
مستوفی و قاسم خان صاحب جمع سرانجام نموده در میدان  
مزبور حاضر کرده بودند بدقت یکی یکی رسیدگی نموده  
و دلالتان در حضور جناب معظم قیمت آنها را مشخص  
نموده اغلب قاطرهای تحت و شترهای درشت فربه و  
لوانا با اسباب تمام بودند و بعد از ملاحظه و تشخیص  
قیمت آنها مقرر فرمودند که در میدان مزبور آنها را داغ  
نشان نموده داخل شترخانه و قاطرخانه نمایند

۱۲۵۱

مره

دو فوج گرویس ابوالجمعی عالیجاه حسنعلی خان سرتیب که بحضرت  
 عالیجاه حاجی محمد خان احضار کا شده بودند در تیسیم محرم  
 وارد دربارهایون شده در خارج شهر دوزند و در  
 عرض راه بهم با کمال نظم حرکت کرده بودند بعد از ورود  
 لشکر نویسان عظام سان آنها را دیده و یکی در کمال استیجاب  
 بودند و بعد از دادن حسب الامرهایون مأمور خدمت  
 خزان گردیدند و بجهت اهتمام عالیجاه حسنعلی خان سرتیب  
 در انتظام افواج مزبور در وقت ورود یک قبضه تفنگ  
 دو لوله خوب با و رحمت شده و در وقت مرضی نیز  
 یک ثوب جبهه ترمه کرمانی اعلی بشار ایه عنایت گردیده  
 در اواخر محرم با فوج روانه خراسان

نظر باهتمامات عالیجاه سید انجان در انجام خدمات محوله  
 بخود و ظهور رحمت لوطکانه در باره مشارالیه درین اوقات  
 یک ثوب کلبچه از طبلوس تن مبارک با و رحمت فرمودند

### اعلانات

خانه عالیجاه میرزا قلی خان واقعه در محله سنگا در  
 باغ مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه که مشغول است  
 بر سه دست بیرونی و اندرونی و هلو و طوبی که جا  
 بهفت مال دارد و از خلوت و آفتاب سنج متصل  
 بعیت خبره فروخته میشود هر کس خریدار باشد از مالک  
 خانه مزبور خریداری نماید

### سایر ولایات

اور با ایجان از قراریکه در روزنامه این ولایت  
 نوشته اند چون قرار قصابان تبریز این بود که در اول تابستان  
 گوشت را یک من چهار عباسی میفرجند امسال هم باین

شاهزاده و الاتباء نصره الدوله و مقرب انخاقان قایم مقام  
 معرود داشته بودند که از قرار سال تحلف نمایند صفت قصاب  
 نظر بهزرگی که اغلب لها در چنین اوقات میکرده و بابت  
 می نوشته اند و تعارف و تکلفی بسیارین داده گوشت را کرا  
 میکردند امسال هم رفته بابت نوشته بودند چون حرس  
 بیجا بود تو اب شاهزاده و مقرب انخاقان قایم مقام  
 مردم را در فروختن گوشت ماذون کردند که از قرار مذکور  
 فروخته از عهد منال دیوانی برآیند دیگران نیز تا سه چهارم  
 روز گوشت فرووان در درب و کاکین قصابان می کشند  
 و میفرجند و گوشت سجده و فور بهم رسانده بود که از

چهار عباسی ارزانتر شده بود جماعت قصاب که اینطور  
 دیدند از عمل خود نادم و پشیمان شده شفا بر اینکخته اند  
 و کاکین خود را کسوده مشغول شغل و کار خودشان گردیدند

دیگر نوشته اند که دو فوج تحت قاپو ابوالجمعی عالیجاه  
 محمد علیخان سرتیب را درین روزها احضار به تبریز نموده  
 که در رکات آنها را دیده روانه دربارهایون گامین  
 و همچنین فوج مرغه ابوالجمعی مقرب انخاقان حسین پاشا  
 میرنیچ و فوج پانزدهم شقایقی جمعی عالیجاه ابو الفتح خان  
 سرتیب را هم برای قزاقولی شهر تبریز خوانسته اند

دیگر نوشته اند که چون چند سال بود که زوار اذن رفتن  
 زیارت عبات عالیات نداشتند امسال که اذن  
 از اولیای دولت علیه برای عموم خلق حاصل شده است  
 زوار زیاد از اوز با ایجان بعد شش هزار نفر روانه زیارت  
 عبات عالیات شده اند و از معارف و مشایخ تبریز

درین روز استند و جنارهای بعضی از معارف را نیز  
 که چند سال بود با ماست پرده بودند درین اوقات  
 قیامت نموده اند  
 دیگر نوشته اند که در شب یازدهم محرم بازار مسکری  
 گرفته داروفه و غیره حسب احکام نموده چهار پنج دکان  
 خراب کردند و کذا استند آنس سرایت بد کاکین دیگر  
 بکنه و بیشتر از دو باب دکان که یکی جباری و یکی صفی  
 بود دیگر جانی نسخت و اس را خاموش کردند  
 دیگر نوشته اند که او فایده عیال امیر الامراء العظام  
 از تبریز روانه دارالخلافه بودند سواره کبری سوار آنها  
 روانه شدند بعد از آنکه آنها کشته بودند چند نفر دزد و  
 قطاع الطریق خود را بلبس لباس کبری نموده باشنده  
 و بی سبب راه آمده در حوالی قریب میدان بر سر تافله که  
 می آمده اند ریخته یک بار قماش آنها را برده بود سواره  
 فرسوران متخص بر آمده رده آنها را برشته و بشکین برده  
 بودند معلوم شده بود که حسین یک نام شامسون و کندم  
 چهارده نفر دیگر از تابعین او که آنها نیز از طایفه شامسون  
 هستند بر کب این کار شده بودند مقرب انخافان قایم مقام  
 بعد از استحضار احکام متوکل و محصل روانه بشکین کرده  
 که سارقین را حکما گرفته به تبریز بیاورند  
 دیگر نوشته اند که چون اغلب الواط و او باش تبریز  
 می بستند و بسیار اوقات شہارت از آنها بطور میرسد  
 درین اوقات مقرب انخافان قایم مقام حسب احکام  
 شاهزاده دغمن اید کرده اند که از نوکر و غیره نوکر کسی  
 بنزد و بستن قلمی در تبریز این روزنامه متوکل شده است

و مردم این حکم کمال رضامندی و شکرانه دارند  
**کرمان**  
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیر الامراء  
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در استقامت  
 ان ولایت اتهام دارد ولی سبب خشکالی امسال و سردار  
 سردار ختی و میوجات الهی آنجا بسیار تنگی و عسرت  
 می کشند  
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه الامعلی خان سرمنگ حسب  
 سردار درین روزنامه با فوج بخارج شهر نقل مکان کرده  
 در تدارک حرکت بمرشد محمداست  
 دیگر نوشته اند که چون امسال سقط بار از بنا در کرمان  
 کم می آید آنچه هست ترقی کلی دارد و بقیمت اعلی دادوستد  
 میشود و هم چنین اجناس کولات و غیره نسبت به  
 گذشته ترقی دارد و بسیار کم یاب است و آنچه نوشته اند  
 از این قرار است  
 یکخوار سه تومان  
 یکخوار پانزده هزار  
 یکخوار سه هزار پانصد  
 یک من دو ریال  
 یک من هفتصد و پنجاه  
 یکخوار یکتومان  
 یکخوار پنجاه  
 یک من پنجاه و پانصد  
 یک من شش هزار  
 یک من دو هزار

۱۲۵۳

### اختیار دول خارج

فرانسه در روزنامه سابق که از این ولایت نوشته بودند که امپراطور این مملکت بنا داشت که بجهت عید خود ش که پانزدهم ماه او و فرانسه مطابق سنه بیستم ذیحجه است بیای تحت پاریس بیاید اما موقوف کرده و در شهر میان جشن عید فروردین را با اساس و شکوه و جلال تمام گرفته اند شه فروردین در سرحد اسپانول است که در آن اطراف بودند همه با آراستگی و لباس فاخر عید انحصار امپراطور که شش کلیساها و سربازخانهها و گلزار شهر اجراغان کردند و در پاریس پای تحت فرانسه نیز این عید را با اساس و زینت تمام گرفته بودند و اکثر مردم از شه بتماشای آتش بازی و تفریح کاها که در باغات خارج شهر پاریس حتما اندیرون رفته بودند حساب کرده اند که دو بیت هزار نفر در باغات منور جمع شده بودند و بهمانروز امپراطور و هزار و پانصد و شتاد و دو نفر مقصرا مرخص و تقصیرشان را عفو فرمودند و اینها بعضی محسوس و بعضی اخراج بلد و برخی بطورهای دیگر تنبیه داشتند تا پنج چهارم ذیحجه امپراطور پاریس تحت پاریس مرا کرد و لکن روزه امپراطور چند روز در بیارنس که موقوف بنای مکت داشت بجهت اینکه آب و هوای آنجا خصوصاً در بسات دریا بسیار بزیج او فایده کرده است در مرتبه امپراطور پاریس تحت اگر چه کسی را خبر نگردیده بود و بنا بود که متحی داخل شهر بشود با زنجیت زیاد با استقبال بیرون آمده بودند و از هر جا که عبور میکرد مردم شگفت و شکر دعا و شای او را می گفتند و در ششم ماه ذیحجه روانه

۱۲۵۴

شمال فرانسه شده بود که بار دوی سنت عمر بود و بنا بود که پادشاه پلرود لیعهد او دوک و ده برانیت بدید امپراطور فرانسه بیاز لندن هم نوشته بودند که پاریس بشهر بلون که اول خاک فرانسه است میرفت بدیدن امپراطور فرانسه و تماشای اردوی فروردین از سمت جنوب فرانسه تا سمت شمال که امپراطور عبور میکرد در هر جانب که کاسک بخار قدری می آید مردم بجهت دریافت خدمت امپراطور جمع میشوند بعد از تمام شدن اردوی شمال مملکت فرانسه بنا دارند قشون سمت جنوب اولاً جمع کنند هم بجهت مشق و هم بجهت اینکه قشون بخیمه نشین و سایر کارهای سفر عادت بکنند اما چونکه ناخوشی در جنوب ولایت فرانسه بود تا بحال این اردو را خبر نگردیده است تاریخ کاغذ آخر که از پاریس آمده است یازدهم و در آن روزنامه نوشته اند که امپراطور باز در بلون بود و در آن پذیر و پادشاه پورتو قال با نجا آمده بود و از جمله فرمایشی که قشون کرده بود این بود که نمایان اول یک وقتی گفته بود که قشونی که نتوانند در بیت چهار ساعت جمع بشوند نظشان تمام نیست مملکت اطراف اردو سنت عمر مثلث است و قشون که در آن ولایت است در هر طرف ولایت که لازم بشود در بیت و چهار ساعت جمع میشوند و چونکه سرگردان قشون همه با غیرت و دقت تمام خدمت میکنند کمال خاطر بسعی لازین قشون دام که در هنگام ضرورت هر خدمتی که با آنها رجوع بشود بطور خوب با انجام خواهند رساند

### اسپانیول

این مملکت هنوز نظم درستی نلوقه است و در بعضی از شهرها خدمت بدولت میکردند و در بعضی جایهای دیگر خلق دوتیره شده بودند قدری طرف وزرای تازه را میکردند و قدری هم حمایت وزرای قدیم را که اخراج شده اند مینمودند قشون نیز دوتیره شده بودند و یک فوج همسایه داشتند کل صاحب منصبان خودشان را بکشند و دوفوج نیز از صاحب منصبان راکشته بودند حکم شده بود که دوه این فوج مقصر را بکشند بعد از آن چونکه خودشان آمده و از حرب درازین رنجند این حکم را جاری نکردند و لکن فوج را کلاً اخراج کردند مگر سه نفر آنها را که مایه این افتاد کرده بود و بیکشته رسید نفر این اخراج

بلد نمودند

### بلر

در روزنامه این مملکت نوشته اند که کل وزرا در منزل دول خارج جمع شده و در مشورت نشستند و متفقاً استعفا نموده پادشاه عرض کردند که از شغل خود استعفا کرده و وزرای دیگر بجای آنها برقرار شوند پادشاه قبول کرده و فرار کرده باشد بود که تا چند وقت دیگر کماکان شغل وزارت با آنها باشد تا که آن دیگر بجای آنها ناموسند

### عثمانیه

از فراری که در روزنامه این مملکت نوشته اند سعید پاشا حکم آن مملکت مصر با سلیمان پاشا بخدمت اعلیحضرت سلطنت آمده بود و سلطان نسبت بشار الیه کمال حمت و العافیت ملوکانه مبذول داشته و از جمله التفاتها که نسبت بآورد

بودنشان اقیانوس و شمشیر غلاف الماس نشان عنایت کرده بود و این نشان فی است که خود سلطان دارد و بعضی از امنا عثمانیه وقتیکه نشان شمشیر منور را بنزد سعید پاشا آوردند یک فوج از افواج خاصه سلطان با موزیکان در منزل او بودند و بخدمت نشان منور موزیکان نواخته و پیش فنگ کردند و بتاریخ ۱۷ دی حجه پاشای منور بحضور سلطان شرفیاب شده و مخصی حاصل نموده بود که بمصر مراجعت بکنند و بعد از آنکه از حضور سلطان مخصی شد کل وزرای دولت عثمانیه بمنزل پاشای منور رفته و تا کنون در با او را مشایعت نمودند و از آنجا بکشتی خود که قاصد انجیر مینامند سوار شده روانه مصر گردیدند و در اسلابول توقف کرده بود و از امنا می دولت عثمانیه و ایلیان دول خارجگی که با او رابطه ششانی داشته بکلی تعریف و توصیف از انانی و بزرگ منشی و معقولیت و فطانت قابلیت او میکردند و اگر وزیر او امنا می دولت مهانی و صیفاست سنگین بجهت او نموده بودند از جمله سعید پاشا وزیر اعظم در عمارت سیلاق خود که در نیگ کوی دارد مهانی سنگین بجهت او کرده بود و همچنین رشید پاشا وزیر دول خارج و رضا پاشا وزیر جنگ نیز هر یک مهانی با کمال اس تحلف کرده بود

بحث و گفتگونی در باب بعضی مطالب ما بین دو تن عثمانیه و استریه شده بود از آنجهت چند نفر و کلاً از طرفین معین کردند که این گفتگو را تمام نمایند و از طرف دولت عثمانیه علی غالب پاشا پسر رشید پاشا و نافی اعدی و رضا بیک وکیل شدند و از فراری که نوشته اند کمان دار

۱۲۵۵

که در اندک مدت رفع کفکوی طرفین بشود

زرت روم ایلی بیت فروش

عید قربان را درین سال در اسلامبول با کمال اساس گرفته اند

زرت اناطولی هیجده فروش تا بیت فروش

اعلیحضرت سلطان در عمارت توپ قاپی بود و بابا

جو روم ایلی هفده فروش و نیم تا نوزده فروش

سلطنت خود را از استه از باب بایون بیرون آمده

و کینه اسلامبول چهل حقه میباشد در کجایه چهل فروش

عزیمت مسجد سلطان احمد نمود کل وزیراومانی دولت

حقه یک فروش که عبارت از چهار شاهی باشد و

و سعید پاشای مسر در رکاب سلطان بودند و از هر جا

و حقه و نیم یک من بوزن تبریز است که بده شاهی پول

که سلطان عبور میکرد افواج خاصه در دو طرف کوهها

و لایه فروخته میشود

و وصف کشیده بودند بعد از آنکه مسجد سلطان احمد گرفته

از جزیره قیلین نوشته اند که موسیو پرنات سو مشرجم

مراجعت بجمارت توپ قاپی کرده در روی تخت قرا

قونو لکری فرانسه در آن جزیره نوشته سی سال داشت

و بار سلام عام داده چنانچه قاعده آن دولت است تا

و چونکه در اوقات توقف در آنجا کمال خوش رفتاری

چهار روز در قهرخانه و کل منارل اهل درب خایسته

با امامی آنجا کرده بود یکی از وفات او بسیار تاسف داشتند

و از نسل و خدمات خود معاف و مرخص بودند

و بعد از فوتش معلوم شده بود که دولت هزار فرانک

از نظر ابران نوشته اند که حاصل از هر قسم خواه از غله

که تخمیناً بیت هزار تومان پول این ولایت باشد مال دار

و خواه از میوه و هر نوع جنوبات امسال فراوان آمده است

و مثل اموال خود را وقف کرده است که در جزیره قیلین

بطوریکه کسی یاد ندارد که تا بحال این قسم حاصل فراوان

در میانکامی که کمال افندی از جانب اعلیحضرت سلطان

در آن ولایت آمده باشد

بر لنین پای تخت دولت پروتیه شده بود در شهر

از قرار روزنامه که از اسلامبول تاریخ دو از دهم

وینه که بود وزیر دول خارجه استریه معانی سنگین سه

آمد و قیمت غله را در آنجا نوشته بودند از این قرار بود

وزیر مختار مر نور نموده بود در آن معانی ایلی کیر نکلین

گندم سفت اناطولی هر کبیده سی و پنج فروش تاسی نه فروش

فرانسه و پروسیه و عارف افندی ایلی کیر دولت عثمانیه

گندم سفت روم ایلی هر کبیده سی و شش فروش تاسی و نه فروش

مقیم وینه حضور داشتند

گندم سفت اسمعیلی پنجاه و یک فروش

گندم نرم روم ایلی سی و هفت فروش تا چهل و یک فروش

زرت قلاش بیت و ده فروش تا بیت و سه فروش

زرت ابرائیل بیت فروش تا بیت و یک فروش

زرت ابرائیل بیت فروش تا بیت و یک فروش

زرت ابرائیل بیت فروش تا بیت و یک فروش

۱۲۵۶

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه دهم صفر المظفر مطابق با سن ۱۲۷۱

نزه صد و نود و شش

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

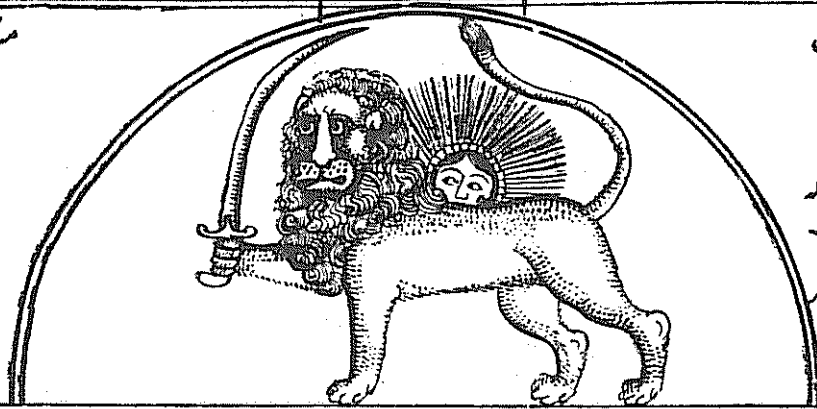
قیمت اعلانات

یک نسخه شش کمال

یک خط الحجاز سطر یک کمال

هفتان و چهار هزار

بیشتر با سطر بیشتر



## اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه ششم این ماه که روز عید مولود اعلیحضرت پادشاهی بود در شب آن اسباب چرخ افغانی و آتش بازی بجز نور مبارک فراهم آورده و در روز مزبور تخت مزبور بزرگ را بجهت وجود فانیض ایچودهایون آرایش داده و قوی شوکت پادشاهی انقضاء سلام عام را چنانچه عیاد رسم است در دیوانخانه بزرگ پادشاهی باردا انسانی دولت علییه و مقربان حضرت کرد و نوبت به خوانین و صاحب منصبان نظام و عموم اهل سلام هر یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب حضور مبارک گردیدند و اجرا شلیک توپ و زنبورک قهرا رهول شده و اهل سلام زیارت وجود فانیض ایچود بهره باب گردید و خطبه بلخ پیام هایون ادا شد و عایجه شمس الشرائف نصیده غزا که بجهت تبریک عید مولود هایون نظم نموده بود معروض پیشگاه شوکت دستگاه شاهی داشت و اعلیحضرت اقدس پادشاهی اهتمام مبارک روز مولود سلاطین و متجدد لوارم عید گرفتن در آنروز را بجزو صحتین فرمودند و فرماییدند

ملوکانه مشتمل بر کمال رحمت و عطوفت نسبت به تمامی اهل مملکت از سپاهی و رعیت ادا فرمودند و بر مراتب امیدوار کنی چاکران حضرت هایون باین نوع لطفات شایسته بعد از انقضای سلام عام دیوانخانه بزرگ چون جمعیت از اهل دارالخلافه جمع شده و اسباب تماشایا کرده بودند اعلیحضرت پادشاهی بجماعت سمر زرب دیوان مبارک که مشرف میدان ارک است تشریف فرما گردیدند و باریات حاجت و غیره نیز انجام ملوکانه فرمودند

در روز شنبه ششم این ماه بگاه اعلیحضرت پادشاهی غیب سکار و تفتیح سمت یافت آباد را فرموده تا حوالی عصر آن ساعات مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی مراجعت فرمودند

چون مقرب الحاقان محمد خان میرنجه اتهامات خود را در انجام خدمات موجوده بخود خاصه در تقویه داری در دارالضنون که از چابت نواب طلب امیر نظام برپا نموده مشهور رای اقدس هایون و انسانی دولت علییه ساخته



اوقات در خور حمت ملوکانه آمد و یکتوب کلچو از بوسن  
مبارک برسم خلع با فتحا مقرب الخاقان مشارالیه حمت  
فرمودند

### سایر ولایات

اصفهان از تراریکه در روزنامه اصفهان  
درین اوقات خبر رسیده بود که جمعی از اشرار و قطاع  
بختیاری بجهت سرف و دست اندازی بجوالی کرده اند  
آند اند عالیجاه چراغعلینخان نایب الحکومه اصفهان بجز  
استحضار فوراً یکصد و پنجاه نفر از تفکیکی سوریچی و سواره  
فرستاده بود که مراقب محافظت و محاربت آن راهبان  
بعد از وصول تفکیکی و سواره بانجا اشرار طریق فرار پیوسته  
و آن راهبکمال امنیت بهم رسانده اند زواری که بارض  
افسوس روانه بودند در نهایت اطمینان و آسودگی از آنجا  
عبور کرده اند و عابرین و مترددین ازین حمله کمال شکرگذار  
دارند

نموده که جمیع پلهای خارج شهر را که معابر عام مردم است  
در نهایت استحکام ساخته و تمسیر نمایند آند  
روز ما با تمام رسیده است و با آجر و سنگ در کمال استحکام  
ساخته شده و ما بقی نیز قریب با تمام و انجام است

و همچنین بجهت حصول دعا کونی و رفاه حال عابرین  
مترددین کار و انصرافی در مرغ قره اصفهانک که در  
راه فارس ساخته و با تمام رسانده است بسیار  
وسیع و خوب بطوریکه یک فوج از افواج ماموره فارس  
در آنجا متزل کرده بودند و از قراریکه نوشته اند کاروان  
مربور کنجایش بیش ازین جمعیت نیز دار و بسیار بکار  
قوافل و مترددین میخورد و دکا کین متعدد نیز در آنجا ساخته  
شده از هر قسم آذوقه و ماحتاج در آنجا موجود است  
و نهایت آسودگی بجهت عابرین و مترددین حاصل است

### عربستان

از تراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
سه نفر علما مان تقیب الاشراف بصره از آنجا فرار  
کرده با یراق و اسلحه بهت محرمه آمدند و نایب الحکومه  
بصره مراتب را بجالیجاه میرزا ابوالفضل که از جانب  
نواب مستطاب بزرگه و الا تبار حشام الدوله حکمران  
عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری مامور  
نظم آن سرحدات است اخبار کرده بود مشارالیه  
ده نفر از تفکیکیان بلوچ مستحفظ آنجا فرستاده  
در چهار فرسخی هر سه نفر را گرفت آورده بود در آنجا  
مشارالیه نیز آنها را بصره فرستاده و تقیب الاشراف

و یکر نوشته اند که از ایلات فارس از طایفه جمعی در حوالی  
راهی که میان بزرده اصفهان و شیراز و حد و حدیال جرقویه  
برای دست اندازی قوافل رفت بودند عالیجاه چراغعلینخان  
نایب الحکومه اصفهان آدمی بزرگامالی جرقویه که در محال علیان  
بوده اند فرستاده و جمعی از تفکیکیان چابک آنجا را برداشته  
سیکله آنجا رفته بودند و جذاب از سارقین تیر خوردند و مجروح  
فرار کردند

و یکر نوشته اند که چون در بعضی پلهای مادیهای اصفهان که  
در محابر بودند خرابی بهم رسیده بود و بجهت عابرین حمت  
حاصل میشد عالیجاه نایب الحکومه مامور و تیار عملیه  
مستحق

۱۲۵۸

سپرده قبض رسیدگی گرفته آورده بودند

بفقد مشغول معاجبه و مداوا باشند تا بحال از قرار یک نوشته اند باشد که گرامی مورد کسی ناخوش نشدند

دیگر نوشته اند یک نفر از اهل جزیره انحض در کنار شط محضه در میان آب بوده است ماهی عظیمی را که اعراب اورا کوسج میگویند و بچوک شبیه است دندان بسیار تیز دارد که از نمشیر برنده تر است را آن شخص را گرفته و نصف گوشت را نش را بدندان کند و بود و آن شخص حالا در دست جراح است که اورا معالجه مینماید از قرار یک نوشته اند حال چندان که این جانور درین شط بهر سیده است کوچک است بقدر کوسفند و بزرگ آن بقدر کاکوشش بزرگ است و بسیار اتفاق افتاده و بزری العین دیده اند که آ یا آدم را که در آب گرفته است بهم شکسته و خورد کرده خورده است انالی آنجا که بجهت برداشتن آب بکنار شط مزبور میروند نهایت احتیاط را از این ماهی دارند که اذیت با آنها نرسانند و از قرار مذکور این ماهی در وقت مریا از دریا بطبیعی آید و در وقت جزر دریا مریا بدریا میسکند

دیگر نوشته اند که امسال تابستان هوای محضه و اطراف بطوری گرم شده است که هیچ سالی کسی اینطور گرمناخراط نشده است و لکن ازین گرمای آذنی بکسی نرسیده است اما احتیاطا نواب مستطاب نیز و الا تبار احتشام الدوله یک نفر جراح و یک نفر طبیب بجهت پرستاری مریضهای قشون و غیره بانجا فرستاده اند و مراقب هستند که اگر ناخوشی اتفاق

از قرار یک مباحثین است مبارک یا تصریح نوشته بودند این روزها نواب امیرزاده ابراهیم میرزا بجهت اتمام کار سد مزبور بنهر ماشم آمده اند و حسب حکم نواب مستطاب احتشام الدوله نهایت سعی و اهتمام و اتمام کار آنجا دارند و با وجود شدت گرمای آن صفحات اغلب روزها خود بسرد مزبور آمده بجاریا آنجا رسیدگی می نمایند و آنچه کار مشکل آن بود این روزها با تمام رسیدگی است و از قرار یک نوشته اند بعد از اتمام سد مزبور زراعت کلی ازین آب خواهد شد و منافع بسیار باغالی و زراعت کاران آنجا خواهد رسید

دیگر از قرار یک نوشته اند فوج امرائی لرستان در آنجا با کمال نظم راه میروند و انالی اولایت نهایت رضامندی از حسن سلوک آنها دارند و عالیجاه میرزا ابوالفضل ماه باه سان آنها را بدقت دیده و صورت از این نواب مستطاب شاهرآه و الا تبار احتشام الدوله روانه مینماید و در انتظام امر آنها نهایت مراقبت اهتمام را بجهت می آورد و هم چنین در انتظام امر توپچی و تفنگچی مستحفظ آنجا و رساندن مواجب و جزیه و دیدن سان آنها اهتمام کامل بجهت می آورد و آنها نیز کمال حسن سلوک با انالی آنجا سلوک دارند و امری که مصلحت قاعده و مباحث از آنها ناشی و صادر میشود

۱۲۵۹

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند موجب توپچیان  
 مامور محرمه و بعضی توپچیان شتر را حواله حجت کرده بودند <sup>بکنام</sup> <sup>مکنام</sup>  
 مرندی سرچو توپخانه مبارکه که محصل تنخواه مزبور بود موجب <sup>توپچیان</sup>  
 مامور محرمه را داده و باقی تنخواه را که یکصد و پنجاه تومان بود در  
 روانه شو شتر شده بود در عرض راه در کنار شطکاران توپچی  
 مزبور از همگان جدا شده میان جنگل رفته بود و دیده بود <sup>علف</sup>  
 زیاد دارد آب خود را بچرا سرداده و تنخواه را در نزد خود <sup>مضبوط</sup>  
 کرده خویش برده بود بعد از بیدار شدن اسب خود را مقفول  
 و اجتناب آن مایوس شده پیاده قطع سه چهار فرسخ تا اتمیلیه  
 نموده بود از اینجا بجزیره اجبار و یک توپچی باده و غلام رفته بعد از  
 هشت روز اسب او را در آنجا پیدا کرده بودند از غریب <sup>سنگ</sup>  
 بیشه مزبور شیر بسیار دارد نصف روز خود آن توپچی در آنجا <sup>بجای</sup>  
 و هشت روز اسب بچرا پوده و از شیر آب <sup>نیده</sup> <sup>مالی</sup> <sup>از</sup> <sup>نیم</sup> <sup>تعبی</sup>

پرو و چرد

از قراریکه در روزنامه بر وجود نوشته اند چون کمرک آنجا بواسطه  
 کم آمدن قوافل از خراج در جزئیات خود آن ولایت <sup>نیاید</sup>  
 از جمله در کسندم هر بار الاغی ده شاهی می گرفتند اما <sup>چون</sup>  
 طه در آن ولایت کم است و قدری ترقی دارد و نواب <sup>مستطاب</sup>  
 شاهزاده و الا بتا حشام الدوله کمرک را از کسندم <sup>کلی</sup>  
 برداشته اند و باین واسطه در قیمت کسندم <sup>ترک</sup> <sup>بهم</sup>  
 و درین اوقات کسندم خوب و وسط حروری <sup>سیرده</sup>  
 هزار و چهارده هزار فروخت میشود و نهایت <sup>دو</sup>  
 بهم رسانده در روز بروز بیشتر میشود و این معنی <sup>سبب</sup>  
 دعا گوئی مالی آنجا کرده است

۱۲۶۰

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند <sup>ماسبی</sup>  
 در کنار و از طها سب قلیخان کنکاوری دزدیده بودند <sup>شاه</sup>  
 آدمی خدمت نواب مستطاب شاهزاده و الا بتا <sup>حشام</sup>  
 فرستاده و عرض کرده بود که اسب مرا طایفه <sup>رستانی</sup>  
 دزدیده اند نواب مغزی الیه اسب مزبور را از نواب  
 ایلدرم میرزا حکما خواسته بودند که بدست آورده <sup>بصا</sup>  
 برساند نواب ایلدرم میرزا نیز قدغن با مالی آنجا کرده <sup>بود</sup>  
 شب اسب را آورده در منزل میرزا عبدالحسین <sup>پیکار</sup>  
 رستان سرداده بودند آورده بصاحبش <sup>تیم</sup> <sup>کرد</sup>

دیگر نوشته اند که چون چیت خانه بر وجود در پای کوهی  
 واقع است که اطراف کوه ایلات <sup>نموند</sup> که در میان <sup>الوات</sup>  
 بزدی مشهورند <sup>سکنی</sup> دارند در از منته سابقه <sup>السهالی</sup> ده هزار  
 تومان <sup>مال</sup> مردم را از آنجا <sup>سرت</sup> میگردند و حکام <sup>بر</sup> <sup>مستحفظ</sup>  
 میکنند چند باره نمی شد در این اوقات از اتهام نواب  
 هشام الدوله سرقت در آنجا <sup>بسیار</sup> که شده و بندت  
 اگر اتفاق بیفتد استرداد میشود از جمله نوشته اند در اول  
 ماه گذشته شب به برجی که در پای کوه واقع است رفته  
 بعد رویت توپ چیت سرقت کرده بودند نواب <sup>مستطاب</sup>  
 هشام الدوله حکم کرده بودند که نواب ایلدرم <sup>میرزا</sup> <sup>مال</sup>  
 سرور را بعینه بدست بیاورند بعد از چند روز <sup>همان</sup>  
 چیت را بعینه آورده و در برج مزبور <sup>ریخته</sup> بود <sup>مذصا</sup>  
 مال رفته مال خود را متصرف گردیدند و مالی <sup>و</sup> <sup>کسند</sup> <sup>آنجا</sup>  
 از این معنی نشا کرد دعا گوئی این دولت <sup>علیه</sup> <sup>میان</sup>

### اخبار دول خارج

احوال متفرقه از جمله اخبار غرب که در روزنامه فرانسه نوشته اند احالات مملکت برمه است یک صاحب فرانسه چندان پیش ازین با بخار فرقه بود و خدمت پادشاه انولایت کرده مدتی در آنجا مانده پول زیاد جمع کرده بود درین روزها پاریس مراجعت کرده است در مملکت برمه چند فوج از اهل انولایت را بطرح نظام فرانسوی داده و مستهای محبت از امانی ایجاد دیده و در آنجا آن مملکت هم شده بود موافق خبر آخر که از انولایت است کوبا جنگ عظیم که اهل آنجا با قشون انگلیس داشتند موقوف کرده بودند اما اهل آنجا دسته دست شده جنگ کریز میگردند چونکه ولایتان جنگل و سخت است از تیر و دین و بعضی از دستجات کوچک قشون انگلیس گاهی میرسانند در انولایت که در تصرف انگلیس است سعی و کوشش میکردند که نظم بگذارند از جمله کشتیهای تیر و کوچک ساخته بودند که روی رودخانهها تردد نمایند و در میان نظام نشسته آنجا را با نظم نگاه دارند و بعضی جایها نظم تمام نیز گذاشته بودند خصوصاً در پیگو که سمت دریا باشد قدیم داخل ممالک برمه نبود حال که دولت انگلیس آمده آنجا متصرف شده اند اهل آنجا کمال رضامندی از حکومت انگلیس دارند در قدیم دولت جداگانه بودند و بعد از آنکه پادشاه برمه ولایت آنها را ضبط کرد و در دست اهل برمه متاصل مظلوم بودند از آنجهت حالا از تسلط دولت انگلیس در انولایت کمال رضامندی دارند از قرار نوشته صاحب منصب پور سال است که سلسله این پادشاهان برمه در انولایت

سلطنت می کنند و کمال تجمل و ادعای سلطنت و جواهر و نقایس کرا اینها در خزانه دارند ولایت بر بورسیا بر جا حاصل خیز است و ابلش مردمی کارکن و چابک و پیر کند تجارت فراوان هم از انولایت بدول خارج کرده اند اکثر این تجارت در دست انگلیسیهاست و لکن از هر طرف و هر ولایتی هم با بخار میروند و از جمله تجارت تازه که در انولایت بر راه افتاده است داد و ستد چای است درخت چای در آن ولایت جنگلی و خود در دست حال درختها را نمیرند که تربیت بشود و دوباره شاخهای تازه بالا آمدن برشان چیده بشود و جمعیتی از انگلیسیها میخواهند جمع کرده اند و از اهل هند و چین کسانی که سر رشته از عمل آوردن چای دارند با آنجا برده اند که چای اهل بیا دارند اکثر این ولایت فیلیپین است و رودخانههای بزرگ از آنجا میگذرد و درین رودخانهها کشتی تردد میکند و حالا که کشتی بخار در آنجا برده اند اخته آنجا آن دارند که بسیار بکار بخورند از جمله اسباب جنگ غریب در انولایت دارند توپ است که بر روی فیل میگذرانند یک عاده توپ را با چرخش حمل میکنند و فیل دیگر خود توپ را در بر روی بعضی فیلهای دیگر چیزی مانند برج تعبیه کرده میگذرانند که تفنگی در میان آن می نشیند و جنگ می کند

موافق خبر آخر که از فرنگستان رسید در هر جانی که ناچار بود و با بود بسیار تحقیر یافته بود بلکه از اغلب جاها رنجیده بود و لیکن درینکی دنیای شمالی شدت داشت خصوصاً در نیویارک و در جزایر خط استوا و در اطراف راه این که کلیفاریا میرفت

۱۲۶۱

سابقاً در رودخانه سین که از پاریس میگذرد کشتی دوای  
 میگذرد و یک سببش این است که رودخانه اش که چک است  
 و اهل پاریس نیز چندان میل بکشت روی آب بدشتند  
 چونکه زور قهای تیر و بسیار خوب ساخته و کشتی بخار  
 در آنجا راه افتاده است بجهت تفریح مردم زیاد بروی آب  
 میروند و از هر قسم کشتی که چک و زورق در آنجا است  
 و یک تماشای بزرگ در فصل تابستان کشتی دوای آنجا  
 در روی رودخانه خصوصاً امسال که کشتی دوای خوب  
 کرده اند و از سالهای گذشته بهتر کشتی روانی شده  
 است  
 در فصل تابستان گذشته چونکه طایفه اعراب میان خمر  
 از کوستان پاپین آمده و در بعضی جایها که در تصرف  
 بود تاخت و غارت کرده بودند دولت فرانسه عقب  
 آنها قشون فرستادند که آنها را طوری تنبیه نمایند که بعد  
 از آن بر جای او ولایت مرنوب زسانند و در بعضی جایهای او  
 هم که سخت بود عهدها خنثی پیادگی کرده و لکن آخر الامر فرانسها  
 سکت خورده پیمان ولایت خود مبحث کرده اند  
 در خصوص گذاشتن سیم چرخ آتشی از برای فرستادن  
 خیز از سمت جنوب فرنگستان بمنزب زمین نوشته اند  
 که مذاکره میدینند که این سیم را در تهر دریا بکشند و لکن چون  
 راه طولانی و دریا در آنجا بسیار عمیق است خیلی مشکل میداند  
 و بعضی قسم چنان میدانند که راه انداختن این کار در آنجا ممکن  
 نباشد و لکن همندان قابل و کمال اسباب لازم بجهت این کار  
 کرده بودند  
 دولت عثمانیه نیز بنا و از ساز اسلامبول تا بلخ از که سمرقند

استریه چیا سیم چرخ آتشی بجهت فرستادن خیز از شهر تاشهر  
 بگذارد در تابستان گذشته موسیو دلارو که صاحب منصب  
 فرانسه که در اینگونه کارها سرورشته تمام دارد با نولات آمد  
 بود که ملاحظه نماید و بنا دارند که این سیم را از شهر آذربایجان  
 و بعد از آنکه از اسلامبول تا بلخ تمام کردند سیمهای دیگر بکشد  
 و بعضی جایهای دیگر در رودخانه طونه خواهند کشید و بر آورد  
 اخراجات و طرح آنها را مشارالیه بدولت داده بودند  
 دولت حکم شده بود که چند نفر مشورت نشسته درین باب  
 گفتگو نمایند از جمله علی غالب پاشا و ادیم پاشا و درویش پاشا  
 که حالا بست طونه رفته است و خلیل پاشا فریک توپخانه  
 و مصطفی پاشا میر مجلس قشون بحری و چند نفر دیگر بعد از  
 تحقیقات لازم فراری که موسیو دلارو گذاشته بود  
 قبول دیوان شد و حکم از سلطان گرفتند و راه انداختن  
 این کار بموسیو دلارو و موسیو آوآ و آرد بلک رجوع شد  
 و دلارو بولایت فرانسه مراجعت کرده است که اسباب لازم  
 از برای این کار بیاورد و امید دارند در اول زمستان این  
 براه بنیادند

اعلانات

کتبهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید باسچی در  
 نزدیک دروازه دولاب نصاباع نشن از اینها فروخته میشود  
 حقه نظامی عبت و پشیراز  
 سرایر دو تومان  
 زبده المعارف دو تومان  
 معراج العاده یک تومان  
 فردوسی چهار تومان و نیم

۱۲۶۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۳ شهریور ۱۲۷۱

نزد صد و نوبت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده سیریکه  
چهار چهاربر



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار خط چهار  
شش خط شش  
بسیار با برخط

اخبار و اسامی مالک روسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه دهم این ماه سواره اسرار و سوار جمعیت  
سلیمان خان میرنجه را که در میدان ارک حاضر کرده بود  
سرکار امیرسها یون پادشاهی ملاحظه آنها را فرمود  
و یکی یکی از حضور مبارکسان داده گذشت و در کمال  
سکوه و آرامشگی از اسب و اسب و اسب خود آنها نیز  
جوانان رشید نمایان و بهبه چند در نهایت منظر آفتاب  
هایون رسیده مورد تحسین و التفات ملوکانه گردیدند  
و از آنجا موکب هایون شریف فرمای تو رخانه چو  
مبارک گردید و جناب حبلالت آب شرف افخم صدر اعظم  
و بعضی از خواص خدم در رکاب هایون بودند و بکارهای  
امالی تو رخانه و جنبه خانه و کارخانه های آنها علی التفصیل  
فرمودند چون عالیجاه نصرالدینان مباشر کلوله ریزخانه در  
خدمات خود مراتب امتیازات را مشهود داشته بود خاصه  
در ریختن نارنجک که خود و عمله او با خوب از عهد برآید  
بودند لهذا مشارالیه مورد التفات گردیده و انعامی  
بعمله کلوله ریز که نارنجک خوب ریخته بودند مرحمت شده علیحده

پادشاهی بعد از تماشای کارخانها نزد یک عزو آفتاب  
بارک مبارک که سلطانی معاودت فرموده  
درین اوقات که مرحوم مصطفی قلی میرزا رحمت ایزدی چو  
نظر بخدمت مرحوم نرگور و ظهور شایستگی نواب احمد میرزا  
حکومت مازندران را بنواست معزم ۱۱ حمه فرموده یکم  
جنبه ترمه رنجیره دار مخصوص برسم خلع باو مرحمت کرده  
و عالیجاه میرزا ابوالدستوفی را نیز نظر بخدمت سابقه  
و شایستگی او منصب وزارت و شکاری مازندران افران  
و یک ثوب جنبه ترمه نیز باو خلعت مرحمت فرمودند و  
درین روز بار وانه محل ماموریت میشوند  
نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره مقرب انخاقان حاجی علیخان  
حاجب الدوله در هفته گذشته یکم ثوب کلیجه از طلبوس  
تن مبارک برسم خلع مقرب انخاقان مشارالیه مرحمت  
فرمودند  
مقرب انخاقان مهر علیخان سرعین افواج فارسی را در کمال  
علیحضرت شایسته ای نظر بحسب قابلیت و شایستگی و خدمت  
او لقب شیخ الملکی سرافراز فرموده یکم ثوب جنبه ترمه علی

از اسب

۱۲۶۳

علیخان

مر

خلعت فرمودند و حسیق قشون فارسی را ابوالفتح  
 او فرمودند و قشون خلوی فارس را هم او مقرر فرمودند  
 که بان نفی و عمل موجب و سیورسات آنهار رسیدن  
 نگار داز سر کرده و صاحب منصب نسبت تباین در  
 موجب و سیورسات حیف و میلی واقع شود و امور  
 فارسی را منجبت المجموع منظم و منس سازد

عالیجاه محبت همراه میرزا عبد الرحیم از روز اول که قدم  
 بدایره نوکری گذاشت خاطر اولیای دولت علیه را این  
 خدمات خود را صنی و خورسند داشت و روز بروز آثار  
 درستی و صداقت از ناصیه احوال او ظاهر و لایح شد

قبل ازین اولیای دولت علیه او را منصب اجودانی وزارت  
 امور خارجه سرفراز فرمودند و یکچندی در لوازم انجمن  
 قابلیت ظاهرت و مورد مزید التفات گردید تا درین  
 اوقات اولیای دولت ابد مدت با شاره علیه هایون  
 عالیجاه مشارالیه را منصب نیابت اول سفارت دولت  
 علیه مقیم اسلامبول و لقب ارجمند خانی سرفراز فرمودند  
 و فرمان واجب الاذعان هایون غرضه دریافت و یکشوب  
 جبهه اعلی برسم خلعت هر طلعت هایون با دعوت کردید  
 این اوقات بجل ماموریت روانه خواهد شد

چون عالیجاه مقرب المحضه انخافا مقیم همسرین خان کار  
 سابق دولت علیه در بند معمور همبسی کمال عقل و قاعده دان  
 و جوهر ذاتی خود را در حسن سلوک و خوش رفتاری و سرپرستی  
 از سبزه و تجار این دولت علیه منبصه ظهور آورد و لهذا خدمات  
 او در پیشگاه نظر اقدس هایون اعلیحضرت شامشایی مقبول  
 مستحسن افتاد و قابلیت عالیجاه مشارالیه را در خور التفات

ملوکانه در رجوع خدمات دیگر دیدن این روزها که رای اولیا  
 دولت علیه بر اجتهت عالیجاه مقرب المحضه العلیه و سخنان  
 کار پر داز اول دولت علیه مقیم تعلیق یافته بود و پنا  
 از چاکران دولت علیه کسی دیگر بجای او مامور شود عالیجاه میرزا  
 حسین خان را باین خدمت شایسته دیده نشان کار برداری  
 اول که عبارت از قبول خبرالی باشد مامور اقامت نفس  
 فرمودند و شأن او را در از احسن خدمات بقا از قبولی  
 بقولنول خبرالی ترقی دادند فرمان هایون شرف صدور یافت  
 و با عطای یکشوب جبهه ترمه از طالس خاصه هایون سینه  
 و سرفراز آمد داین اوقات روانه محل ماموریت خود خواهد شد

چون در دولت علیه ایران از سواف ایام در غل و غلب  
 حکام همیشه اینطور بوده است که محض رسیدن خبر غل حاکم  
 از اهل اولایت نسبت بان حاکم ولایت هرزگی و بی اعتد  
 میشد و باین واسطه حکام محض استماع خبر غل خود لابد بودند  
 که بای نخوان خود را از جمله سلامت رسانیده بهر طور  
 از آن ولایت بیرون آید و ضرر این فقره هم در آخر رعیت وار  
 می آمد و هم بدولت زیرا که در رسیدگی عمل محاسبه  
 معاملات او رعیت محض از برای ندادن مال دیوان زیان  
 بسپای او قلمداد میکردند و او هم از این طرف باقی در محل  
 عینمو دلابد بودند دیوانیان که یادست از مالیات و پنا  
 بردارند یا رعیت را کلاً حاضر کنند و حساب رسیدگی  
 این فقره اخیره که بسیار مشکل است که صورت بند و مال دیوان  
 تلف و حیف و میل میشد لهذا درین عهد فیروزی مهدا اولیا  
 دولت علیه برای رفع این مواد هر آرداده اند که اولایای

نظری

هکلت یا رسیدن مایات یا عجبی که ضرر آن عاید دولت شود  
از حکام صادر نگردد البته عزل نخواهند کرد مگر حاکی که نتواند خود  
استحکام کند لکن در صورتی که حاکی معزول شد و یکی منصوب کرد  
آن حاکم معزول باید با کمال احترام و تعلق مثل ابا م منصوبت  
خود در آن ولایت بوده ولایت را با کمال لطف نگاهدارد  
و مشوجه شود تا حاکم منصوب برسد و تا رسیدن حاکم  
در آنجا باشد و بعد از رسیدن حاکم منصوب با کمال عزت  
و حرمت بطوریکه در جمیع دول این قاعده معمول است

درین اوقات که مرحوم سیف الدخان شاهسون فوت  
گردیده بود از جانب اولیای دولت قاهره جبهه  
منصب کرد کی سوانه مزوره بجایگاه لطف الدخان  
برادرش را به رحمت گردیده و بکلیت او شال و یکویب  
رزی باو خلعت رحمت گردید و منصب ایل بیگی گری طایفه  
مزوره نیز بجایگاه هدایت الدخان برادر کوچک او رحمت  
و بکلیت او شال کشمیری باو خلعت عنایت گردید

سایر ولایات

کرده با یکدیگر بروند و چند روزی تهمان حاکم منصوب بود  
یا علی ولایت را خود با او سپرد از دو حسابش را بگذراند  
یا آدم امینی که صاحب سرشته و مباشرت و مثل خود بداند  
بدست آن حاکم منصوب سپارد که حساب ولایت را او  
و آن آدمی که میکارد و باید چنان باشد که هر چه بفرمی او شد  
حاکم معزول از ام قبول برارد و قبول کند و نیز این عهد و قرار  
فرمودند که بعد از رسیدن خبر عزل حاکم اگر از ایل ولایت  
نسبت باو و کان او بزرگی و خلاف قاعده و احترامی  
سر برنده البته جنس و سیاست خواهد رسید و اگر از  
حاکم منصوب خلاف قاعده دینی احترامی نسبت بحاکم معزول  
سر برنده قطعاً اولیای دولت آن حاکم معزول را نصب  
و آن منصوب را عزل خواهند کرد و مورد مؤاخذه هم  
گردید

اصفهان از قراریکه در روزنامه ای ولایت نوشته  
چون عالیجا میرزا ابراهیمخان سرتیپ جدی بود که بعض  
بود عالیجا چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان در انتظام امر  
ابو ابراهیم شالیه در رساندن مواجب و خانواری آنها  
اتهام را معمول داشته و خود بظهارت هفت دست رفته  
شواهد سر باز را نفرین فرستاده تا خوشی عالیجا میرزا  
ابراهیم خان هم بصحبت پیوسته با افواج ابو ابراهیم خود  
در دوازدهم محرم روز قارس گردیدند

دیگر نوشته بودند که در منزل مقصود پیک بار قورخانه که  
بقارس میردند شمس راه قورخانه بود علی بیک نایب  
قورخانه از او پرسیده بود تو کیستی گفته بود من حالانته  
همراه شماستم که قورخانه را آتش بزتم علی بیک نایب او را  
گرفته تا رتانه زیاد زده بود در آنجا که خدای مقصود  
سپرده بود بعد از رسیدن این خبر بجایگاه چراغعلیخان  
اصفهان و ستاوه است او را بیاوریدند که کت و چکاره  
از قراریکه از انالی آن حول و حوش سموع شده است که بیدار

چون عالیجا آمد الدخان سزنگ قورخانه مبارک که در  
عید مولودا علی حضرت پادشاهی سبابت سازی بجهت  
مبارک آورد و مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افشاده لهند بکلیت  
شال بجایگاه شالیه خلعت و انعام هم بقورخانچیان و مر

۱۲۶۵



مشابه همین این اوقات برای خود عالیجاه چراغعلینجان  
 اتفاق افتاده است که در عمارت چهل ستون نشسته بود  
 و جمعی هم بوده اند ناگاه شخصی قوی یککل کلنج پست در برود  
 عمامه کرباس نخورد و سر و کیوه در پا و چوبی سطر در دست  
 داشت آمده پیش روی عالیجاه مشاریه نشسته و  
 خود را ببرد آورده و پیش رویش گذاشت عالیجاه  
 از او سوال کرده بود که کیستی و از کجائی و در اینجا کجائی  
 چیست گفته بود که من از کرمان آمده ام که از اینجا بروم بطا  
 نزد پدرم هزار تومان پول از تو میخواهم حکما باید حالا بدی  
 بعضی کتابها هم از قبیل منهای و سجاد و غیره از طلا بگیرم  
 بروم عالیجاه مشاریه حالت او را که بان قسم دیده بود  
 زیاد و اهمه کرده بود که اگر خلاف رای او حرفی بزند چون  
 زیاد نزدیک و دست بدست نشسته است هیچ مضایقه  
 ندارد که با جان چوب او را مضحک کند و هیچ فرصت برسد  
 آدم ندید قدری بلائیت گفتگو کرده حاجی کاظم نامش  
 به نیل فروش در اینجا حاضر بوده است با و گفته بود که آن  
 برید هزار تومان به بید حاج مشاریه دست او را گرفته  
 بهمانه دادن هزار تومان از اینجا حرکت داده چند مدتی  
 که برده بود عالیجاه مشاریه گفته بود او را گرفته بودند  
 و قدری چوب زده اذیت کرده بود که راست بگو کیستی و  
 کجائی هستی باز جان حرفها را تکرار کرده بود که حکما باید هزار  
 تومان را از تو بگیرم و آن کتابها را هم گرفته ببرم عالیجاه  
 حل بر جنون او نموده و او را بر سر که دست تا چینه برور کند  
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه چراغعلینجان در تقدیم لوازم احترام  
 روز مود و مسعود سلطانیکمال اهتمام نموده شب یکشنبه

شهر صف المظفر را بطریق عید نوروز چراغان کرده اعیان  
 اشراف و سادات و علماء را مینایف کرده تهیه سبب  
 و سرور نموده است و در روز نوروز در رعایت شرایط طرز  
 عید از شلیک توپ و غیره هیچ وجه فرو گذاشت کرده است  
 بر و چرخ

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند در ۲۴ محرم  
 فخر المجتهدین و افضل الحاج و المعتمین حاجی ملا اسد الله بر چوب  
 معروف بجه الاسلام بمرض مطبقه بدر بقارط نموده و آن  
 مستطاب هزاره و الا بر حشام الدوله بجه توقیر و احترام  
 جانب علمای اعلام حکم کرده اند که بازار را با بر چیده صغیر و  
 کبیر به تشییع جنازه مرحوم منور حاضر شده اند و روز دوم  
 خود نواب معزئی الیه مجالس فاسخه خوانی تشریف آورده و  
 نواب جلال الدین میرزا را هم به تفقد و سر سلامی سپرای  
 مرحوم منور فرستاده نهایت التفات را مبذول داشته

کارندان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند شب  
 صف المظفر که عبد مولود سلطانت در رعایت شرایط احترام  
 از روز کمال اهتمام بعمل آمده تشیازی زیاد و شلیک زنبورک نموده  
 و بازار و کوچه شهر را چراغان کرده اند خوشی نمایان و سرور شایان  
 نموده اند  
 دیگر نوشته اند عالیجاه تونسول دولت بهیه رویه وارد اینجا  
 و قبل از ورود او نواب محمد کریم میرزا پیر مرحوم هزار مصطفی ظهیر  
 در رعایت شرایط احترام و کمال اهتمام نمود جمعی را باستقبال عالیجاه  
 مشاریه فرستاده است و مغزلی در باغ حبه ایشان معین نموده اند  
 و در احترام و هماننداری او هیچ مضایقه و فرو گذاشت نموده است

۱۲۶۶

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتیوم شنبه چهارم صفر المظفر مطابق سال ۱۲۷۱

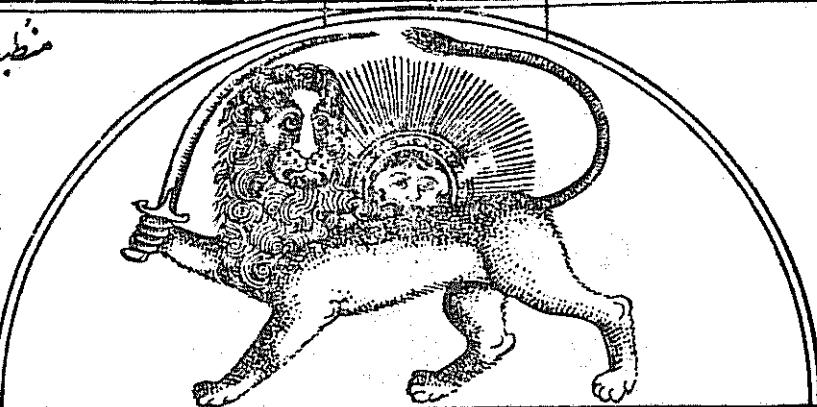
نزد صد و نود و نوبت

منطبع دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

یک شمشیر

یک طرازی چهار طرکهار  
بیشتر با هر طرکهار



و تان و چهار هزار

اجبار و اخذ مالک محروم شاه

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیستم این ماه که یوم اربعین بود اعلیحضرت پادشاهی بنزیارت امامزاده واجب العظیم شاهزاده عبدالعظیم تشریف بردند و جناب جلالت آقا محمد اسماعیل صدراعظم و بعضی از خواص خدم در موکب جایون بودند بعد از زیارت روضه تبرک بیاع دولت باد تشریف فرما گردید و حوالی عزوب آفتاب بارک مبارک که سلطانی معانی فرمودند

پسر مرحوم شاهزاده مصطفی قلی میرزا مرتضی فرمودند چون مرا بحسن خدمت و فطره کفایت عالیجاه آقاخان سرتیپ در انتظام امور سواره ایلات قزوین ابواب جمعی خود در خاکپای اعلیحضرت شاهشاهی معلوم و مشهود گردید لهذا محض مرحمت و دفع سربندی و بز چلوئی را علاوه بر سوار مزبور ابواب جمیع عالیجاه را راییه فرمودند

جناب جلالت آقا محمد اسماعیل صدراعظم چند روز است که از صبح تا عصر بدر دارالفنون تشریف برده و شاگردان علوم نظامیه حربیه و غیره را در فترت امتحان می نمایند که ترقی هر یک در علم متعلق بنحوی معلوم شود و چون هنوز این امتحان تمام نشده است بعد از آنکه تمام شد تفصیل آنها در روزهای آینده نوشته خواهد شد

چون در سنوای سابق بجهت کمی آب حوض سلطان تبرک دین و عابریین بدسبب گذشت و گاهی اوقات هم که از جانب دیوان اعلی خارجی در آنجا میشدند چندان مفید فایده نبود درین اوقات محض رفاه حال عابریین و مترددین حسب الامر اقدس شاهزاده اعلیحضرت پادشاهی جناب جلالت آقا محمد اسماعیل صدراعظم بمقتضای ذوالفقار خان نایب السلطنه قلم مقرر داشتند که آنجا را بترتیب مضبوط نموده و اسطینهای متعدد بسازند که آب زاینده در حوض مزبور جمع شود و برای زوار و عابریین بدسبب گذشت و عابریین مشارالیه نیز بحال اهتمام را درین باب بعمل آورده بنا بر عهده ناچار دو اسطین دیگر در آنجا ساختند و اب آنجا بطوری

۱۲۶۷

۱۲۶۷

زیاد جمع شده است که مترو دین سحوت در آنجا از آب  
شکستگی نتواند کشید و بسیار خوب سمت آبادی گرفته  
روز بروز نیز آبی آنجا زیاد میشود بقستی که این اوقات  
بنای باغ و زراعت در آنجا گذاشته اند

در خصوص ملک شش تن بعه دول متجا به در ایران در  
بزه صد و شصت و صد و نود و تفصیل نگاشته شده است  
که صاحب ملک بودن بعه دول خارج درین دولت مؤ  
بشرط طئه است اولاً اجازت سرکار اعلیحضرت پادشا

ثانیاً امضای مالک ثالثاً رضای رعیت از برای اینکه  
این معنی کو شرد عموم خلق داخله و خارجه بشود باز شرط  
ثله مزید التاکید نوشته شد اما بجهت ترویج تجارت فقره  
ابتیاع خانه و مکان برای وضع مال التجاره و سکنی بعه ج

از شرح مزبور مستثنی و راجع بفصل خیم عهد نامه تجارت  
که اینک مضامین فصل مزبور بعینها نگاشته میشود چون  
موافق عاداتی که در ایران موجود است برای امانی پیکانه مشکل  
که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود با جاره

پیدا کنند لکن بعه روس در ایران اذن داده میشود  
که خانه برای سکنی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت  
هم اجاره نمایند و سهم ملکیت تحصیل کنند  
سایر ولایات

اصفهان از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته اند  
عالیجاه چراعلیخان نایب الحکومه اصفهان جمعی از سواران  
پشاور بجهت محافظت طرق و شوارع سمت فارس روان  
کرده است و سواره مزبوره نهایت سعی و استقامت را در خدای

محل بخود بعل آورده اند و در راهها بجهت محاربت آنها کمال

امتی حاصل شده است

دیگر نوشته اند که عالیجاه نایب الحکومه در انتظام امر بلوکا  
ورفاه حال رعایا و وصول قطب مالیات کمال سعی و مجهول  
و اغلب اوقات در بلوکات گردش کرده بکار رعایا رسیدگی

کامل بنیاید از جمله بلوکا پین و بلوکا برخوار است که زراعت  
خالصه و اربابی بسیار دارد درین اوقات انتظام کار آنها  
بطور خوب داده و بجای در کمال رضامندی مشغول عیشتها

از قرار یک در روزنامه اینولایت نوشته اند عالیجاه نایب الحکومه  
مبلغ شصت تومان بجهت تدارک سر بازار قرار داده بود که  
عبدالهادی به پدمشاریه متخاوه را در کیت کرده بد

اقامه باقر نام صرف داده بوده است که ببرد سنجوبیل  
سر بازاران نماید صرف مزبور در وقت تعزیه بپهارت تال  
رفته و بعد از تمام شدن تعزیه کیت پول را فراموش کرده  
بجا گذاشته بود در بیرون سناط آورده مراجعت کرده بود

معلوم شده بود که کیت پول را یکی از سر بازاران قراول یا  
و بهمان طور سر بهر بنزد عالیجاه نایب الحکومه برده بود  
فرستاده صرف مزبور را حاضر کرده متخاوه را باو داده بود  
که ببرد سر بازاران برساند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه چراعلیخان نایب الحکومه در تعمیر  
عمارات و یوانی آنجا کمال تاکید و استقامت را دارد و هر روز  
از عماله و بنا و بنجار بقدر یکصد نفر در عمارت جدید کاری  
و عالیجاه مشاریه همه روزه یکدفعه بکارهای بنائنی سرکشی

بنیاید که زود و خوب با تمام برسد و همچنین کاروانسرای که  
در چهار سوق واقع و بایر افتاده بود مشاریه قرار داده بود

۱۲۶۸

که آنجا را بجهت مکان سواره افشاری بزنند و تعمیر نمایند که در آنجا ممکن شوند و از کاروانسرای مردم بیرون نهند

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودیم و در وقت چهارم خانوار ترکمانی که نواب مستطاب هزاره و الایبار فرما بار و نسا و که خدیایان سرخی فرار داده بودند بیایند ارض اقدس باشند این اوقات وارد مشهد مقدس شده اند و در کاروانسرای طرق سنگی با آنها جا داده اند تا در هر محله که مقرب الخاقان وزیر نظام مصلحت باشد بجهت آنها منزل معین شود و موافق قراری که نواب معزی لیه داده بودند مقرب الخاقان وزیر نظام قدغن کردند و آخر آنجا آنها را بدیند و قبض سیدی دریافت نمایند و بعد از آنکه نزد مقرب الخاقان وزیر نظام آمده بودند مقرب الخاقان مشایخ ائمه اهل کمال مهربانی با آنها نموده و آنها را با لقاات اولیای دولت علیه امیدوار ساخته بودند و بجهت هر نفسی قد و چای داده و اظهار مهربانی نموده بودند

### سرور راجعل آورده اند

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان وزیر نظام در عیال نواب مستطاب هزاره و الایبار فرما فرما در انتظام امر ولایت و رفع بی اعتدالی و بی نظمی و کوتاهی دست شمرات هرزگی الواط و اشتر کمال اهتمام دارند از جمله چند نفر بودند که همیشه مصدر رفتن و فساد می شده اند و از خول و حوسبت بیرون نیرفته اند باینجه گرفتن آنها مشکل بوده است تا اینکه این اوقات باز مصدر هرزگی و شمرات شده بودند مقرب الخاقان وزیر نظام چند نفر فرانس کاشته بودند که هر وقت آنها را در خارج بت دیدند فوراً بگیرند و نفر آنها که یکی حاجی عبدال نام و دیگری علی نام مشهور بگریز بوده است در خارج از بت دستگیر شد نزد مقرب الخاقان وزیر نظام آورده بودند ایشان هم قدغن کرده بودند آنها را بارک نزد نواب سلیمان میرزا پسر نواب هزاره و الایبار فرما فرما ببردند که در حضور ایشان بسزای عمل خود برسانند که باعث عبرت دیگران شود

### قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند نواب هزاره و الایبار سیف الدین میرزا حاکم قزوین بجهت احترام روز مولود مسعود سلطانیه شب علی التوالی در شهر چراغان کرده اند و شب ششم شهر صفر المظفر که روز عید مولود مسعود سلطنت در شب بابت جشن و سرور و چراغان کردن شهر نهایت مراقبت و اهتمام راجعل آورده و در رعایت شرایط احترام عید مولود مسعود فرموده اند که کلاه نزنند

از قراریکه نوشته بودند نواب هزاره و الایبار از نظم سرحدات و اطراف و حول و حوش کلات و حسن فراغت حاصل کرده بودند عزیمت تاخت آخال و اصفیاجان نموده بان حد و تشریف برده اند که اسخود در اهم شایسته بدیند

دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که شب و روز ششم ماه صفر که عید مولود سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بود در خراسان کمال جشن و چراغانی و شلیک و لانج

۱۲۶۹

کمال نظم را دارد و سواره اوقات خود را صرف نظم امور  
ولایت و تحصیل آسودگی رعیت نمایند و از ضبط اموال  
المرام گرفته اند که بعد از این هیچ اسم و رسم خدمت ماند  
جریمه از احدی ننجیرند

### عربستان

از قمراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
با وصف شدت گرمای تابستان آن صفحات بجهت  
بمقتول ماموره بسیار خوش گذشته است و کسی از آنها  
تلف شده است که عاشورگان نام وکیل دسته پنجم فوج  
که مدتی مریض بود درین روز فوت شده است و یک نفر  
سر بازو دیگر که چند وقت پیش ازین فوت شده بود از  
قتل ماموره در آن صفحات بجز این دو نفر دیگر  
تلف شده است

دیگر نوشته اند که چند نفر دزد آمد یکی از خانهای اطراف  
جزیره انحصار سوراخ کرده بودند که اموال انجمن را سرت  
نماند کسی بچپان که بگنظ شوارع جزیره انحصار مشغول بوده  
خبردار گردید و آنها را تعاقب نموده یک نفر را مقول  
و یک نفر دیگر را دستگیر کرده آورده بودند بعد تحقیق  
معلوم شده بود که دزدان از ظایفه عمو بار و تی آنجا بوده  
و این دو نفر که یکی کشته و دیگری دستگیر شده است با  
برادر بوده اند و پدر آنها نیز با آنها همراه بوده است  
و ستاده پدر را نیز آورده اند مقول را دفن کرده و  
پدر و پسر را حبس دارند

دیگر نوشته اند که درین اوقات موسم آمدن جازات  
بانجاست از اطراف مواعیل بحر و جنبی و غیره کشتیهای

بجهت حمل خرماء وارد آنجا شده و در بندر محتره هر یک کشتیها  
که تعمیر لازم داشته است تعمیر نموده اند و خرماء و غیره از بندر  
و محتره و آن اطراف حمل کرده مراجعت نموده اند

### فارس

از قمراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند  
محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج اصفهان که بر حسب حکم  
اولیای دولت علیه مامور شده بود از اصفهان بفارس  
برود در عزه شهر صف مظفر باد و فوج ابو اجمعی خود وارد  
شیراز شده اند و در همه جا با کمال نظم و قاعده حرکت  
کرده اند

### کرمانشاهان

از قمراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند  
شاهزاده و الا تبار عماد الدوله حکمران کرمانشاهان در  
امرولات و رفاه و آسودگی رعیت نهایت اهتمام  
معمول میدارند و مواجب نوکر را با استحضار عباد الکرامت  
غلام پیشخدمت میرسانند و درین باب کمال اهتمام  
دارند و با کمال دقت بان افواج آنجا رسیدگی نمود  
مواجب هر یک را نقد بخود او داده قبض رسیدگی  
دریافت مینمایند

دیگر در باب انتظام شهر و محلات قدغن اکید بدارند  
و مستحقین نموده اند که شبها در حفظ و حراست بازارها  
و دکا کین و محلات لوازم اهتمام را معمول دارند و آنها  
حسب حکم نواب محزی الیه نهایت مراقبت را در حفظ و  
حراست اموال مردم بعمل می آورند و باین واسطه در روی  
سرف کمری اتفاق می افتد

اجار دول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر کہ ازین ملکت رسیدہ تخم دیکھ بود چنانچہ در روزنامہ سابق نوشتند و ترجمہ شدہ است اول شورتخانہ از خوین دکلایا رعایا مخص شدہ بودند کہ بوطن خودشان بروند ناخوشی و با مدتی در نیولایت بود و تخفیف کلی باقیہ بود باز دوبارہ کمی برو کردہ بود و لکن در سبب جاشدت نہاشت در بعضی بلوکات بود و لکن رپای شت لندن سپار کم بود پادشہ و نسل بطور جزیرہ بیت بودند کہ در کنار دریاست و در تابستان جای سپار باصت تاست و در پای شت از انسانی ولت و خوین اعیان کم ماندہ بودند اکثرشان بختہ خوشی ہوائی تابستان بہ مات و بلوکات اطراف رقبہ بودند

و ہم شصت و شصت و ہشت راس سفد و این کو سفد مارا بخت امتحان در ستادہ اند و اگر توان بیع بہ فرانہ رساند بعد ازین یا و نمہر ستند و چونکہ خوب بنزل رسیدند احتمالست کہ بعد ازین کا و کو سفد زیاد از مغرب زمین بملکت فرانہ ہرستند و شہر مرسیلز فرانہ مردم در آنجا کار بسیار ثواب کردہ بودند چون سپاری از نخل انجا و در تابستان گذشتہ از و با تلف شدہ اند تو انکار این دولتمدان تجار جمع میکردند بخت ایام و بازماندگان ضغاک از و با مرده بودند و در اندک مدت صد و نو ہزار و پانصد فرانک کہ نزد بہ نوزدہ ہزار توپان لول ایران میباشند جمع کردہ بودند و بدست مردمان

ہین سپردہ بودند کہ در میان اہل استحقاق تقسیم نمایند

یونکی و نیامی شمالی در شہر و بیشین تن یونیا کہ نیکی یا آتش افادہ بود و دو خانہ آنجا تمام موشہ بود یک بخار بختیک کشتی بزرگ میسختند و اہر کہداختہ در میان آنجا میرخت تا گاہ آہن مثل بار و بطالارفت و در میان خانہهای آنجا فادہ غیر از عملجات قورخانہ شہر از صد نفر بخت تماشا می رنجین یک مزبور آمدہ بودند

ا سپانیول رپای شت این ملکت قشون یاد جمع میکردند کہ بکہ دوبارہ غشاش در نیولایت نگذارند بولتا ملکت امینت نہاشت و از ہر سبب متعادل غشاش بود استرہ در روزنامہ وینہ پای شت استرہ نوشتہ اند کہ امپراطور ان ملکت در بلوکات سیاحت میکرد تا اول اپریل کان شد کہ پیای شت مراجعت بختہ پادشاہ پورتوقال آنجا وارد شدہ بود و پادشاہ بنا داشتند کہ با ہم بونہ مراجعت کنند و لوازم ہماننداری بخت پادشاہ پورتوقال تارک میدیدند در ممالک کو چک نہ از ہر جا نیگہ پادشاہ پورتوقال عبور میکرد کمال حرمت و مغرت از حکمرانان ممالک مزبور میدید

بچکس تلفت شدہ و لکن سپاری از مردم زخمدرشد

ناپولے

در ملکت سنیلیا کہ جزو ممالک ناپولی میباشند ناخوشی و با بود و عوام عقدا غیب درین باب داشتند چونکہ سابقا از دیوان باغی شدہ بودند کمانشان این بود کہ ناخوشی و باخرسیت کہ دیوانیان بخت سپنہ آنجا اشراف کردہ اند و کم ماندہ بود کہ ہمین سبب غشاش نمایند نوزدہ سال سابق برین نیز کہ ہمین ناخوشی در آن ولایت بود اہل آنجا این اعتقاد را داشتند بوی بہر خوردگی نینر شدہ بو

پورتوقال در ملکت پورتوقال آفتی کہ چند سالست در تاک انکور فادہ باز ما سال بود و انکور ہم در آنجا بسیار کم عمل آمدہ بود و آنچه ہم عمل آمدہ بود بوی بود و در نیولایت ہم در تابستان با دگر کم پارسدت داشت و ہوائی آنجا بدختہ بود و در این ولایت نیز مانند ولایت اسپانیول کہ ہم سرحد آنجاست سپاری نظمی و غشاش بود

احوالات متفرقہ

تجار لندن شہر نیوارک نیکی و نیامی شمالی بنا گذشتہ اند کہ کشتی بخار و بختہ یک دفعہ از انگلیس نیکی دینار وانہ نمایند و این غیر از کشتیهای دیگر است کہ موافق سابق مابین این ولایت آمد و رفت مینمایند

فرانسہ دیکہی از روزنامہای فرانہ نوشتہ اند کہ حال جزیرہ العرب آرام گرفتہ است و نظم در میان شہت سال بہال حاصل آنجا زیاد میشود و سابقا میوہ تازہ و خشک و منبری آلات بملکت فرانہ میفرستادند اما سال ہم غلہ فرستادند

چند وقت پیش ازین دولت فرانسه قدری قشون بولای  
 که نزدیک باستر ایلیا باشد فرستاده آنجا را متصرف  
 و اسم این ولایت نول کلدنیاست اول بعضی از این  
 که در ولایات آن اطراف میباشند قدری از آمدن فرانس  
 با آنجا حذب بودند حال می بینند که این مردم خیرشان بود و از  
 آمدن فرانسه با آنجا بسیار راضی و خوشنودند و در بعضی جای  
 انبار ساخته اند و لنگرگاه بجهت کشتیها برقرار کرده اند و معدن  
 ذغال سنگی هم پیدا کرده و در آورده اند و لنگرگاه  
 بجهت کشتیها و ذغال سنگی بسیار بکار کشتیها که در آن  
 دریا مارتو میکنند میخورد یک رودخانه بزرگ از نول  
 میگذرد که کشتی میتواند در آن تردد نماید و از ولایتی میگذرد  
 که زمین بجهت زراعت بسیار خوب است و لکن تا بحال در آنجا  
 زراعت نشده است هنوز طلا در آنجا نیافته اند و لکن چونکه  
 ترکیب زمینش و خاکش مانند ولایت استرالیای کان  
 دارند که در آنجا نیز مانند استرالیای طلا پیدا نمایند موه  
 تیون و نارنجی و پورتو قال و لیموی ترش و سایر مرکبات  
 در آنجا کاشته اند و بسیار خوب بعضی امن است از جمله  
 نباتات غریب که در آن ولایت خود رو بعضی آینه شکر است  
 که مانند نیشکر که بکار شیر میبرد

از جمله اجناس غریب که از هندوستان بملکت فرانس  
 فرستاده اند که در عمارت بلور آنجا که در سال آینده  
 میشود بگذارند یک فرش است که از عاج ساخته اند چ  
 ذرع طول دارد و چهار ذرع و نیم عرض کلاً از عاج ساخته  
 و ترکیب حصیر بافته شده است و شصت تومان قیمت

۱۲۷۲

درین روزها در ملکت انگلیس باز بسیار برهم خوردگی در  
 کالکهای بنجار که در راه آهن تردد می کنند شده است  
 و اینک کمال دقت می کنند که اینطور اتفاق نیفتد و لکن بعضی  
 اوقات برهم خوردگی می شود و مردم تلف و زخم می خورد  
 و چونکه شب و روز راه میروند با همه سعی و کوشش باز  
 خطر برهم خوردگی دارد از جمله شخصی سیاح نقل می کند که با  
 کالکها سوار شده بود یک در آنجا بود با و گفته بود که جا  
 تلویش و خطرات زیرا که بسیار شد راه میروند درین  
 گفتن آن شخص نشستن سیاح مبرور بکالک بجهت حرکت کالک  
 بکالک دیگر میخوردند بهوا پریده و در کن راه وارونه افتاد  
 وقتی که زخم داران کالک مبرور را بنزدی بواج که در آن اطراف  
 بود بردند پارچه ای چوب کالک مانند تیر که از کان  
 با دم میخوردند بین آنها فرو رفته و شکسته بود درین  
 یک نفر کشته و نفر خمدار گردیده بودند

اعلانات

کتبهای چاپی طهران که در کارخانه چاپ عبدالمجید باسجود  
 نزدیک دروازه دولاب الطباع شده از اینها فروخته  
 حتمه نظامی بیت و پنجاه هزار  
 سرایر دو تومان  
 زبده المعارف دو تومان  
 معراج العاده یک تومان  
 صدقه اشعه هشت هزار  
 شاهنامه چهار تومان نیم

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه دهم ماه ربيع الاول مطابق سال ۱۲۷۱

نزد صد و نود و دو

قیمت روزنامه

یک سخته شایر

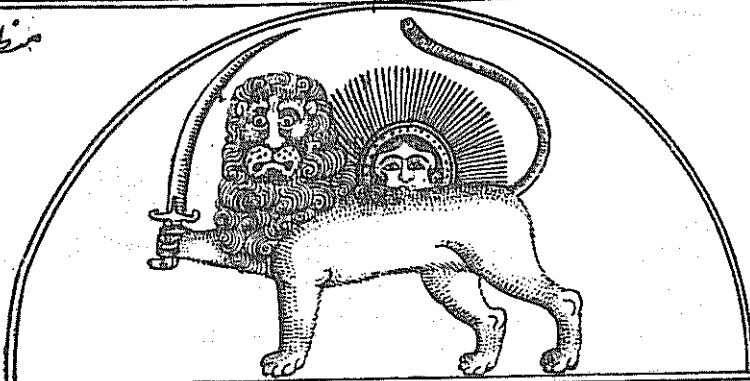
و تان و چهار هزار

منطبه دار اخلافة طهران

قیمت اعتدات

یک سطر چهار سطر یک سطر

بیشتر سطر پنج سطر



اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

دار اخلافة طهران

در روز شنبه گذشته که افواج قاهره نظام متوقف در میدان مشق خارج دروازه دولت مشغول مشق بودند اعلیحضرت پادشاهی بمیان افواج قاهره تشریف فرما گردیده ملاحظه تماشای مشق و حرکت آنها را فرمودند چون یکی در کمال راستگی و انتظام بودند مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده مورد تحسین گردیدند

از فرار فرمان مبارک بمصب سهرنگی توپخانه مبارک سرفراز فرمودند

عالیجاه طلب خان تشنگد از خاصه کرده سواره کوه داری و بطایفه چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده درین اوقات برکاب هایون شریف گردیده و فرار کارهای او از جانب اولیای دولت علیه داده شده درین اوقات که از دربارهایون مرضی حاصل کرده بسر خدمت خود

چون جناب امام جمعه دار اخلافة طهران درین اوقات بعضی و سیرت است لهذا اعلیحضرت پادشاهی محض اعزاز و احترام جانب علمای اعلام در روز یکشنبه ۲۷ ماه گذشته بعبادت جناب امام جمعه تشریف فرما گردیده بعد از اظهار تقدمات ملوکانه مبارک که سلطانی معاودت فرمودند

مرحبت ینمود محض القات ملوکانه یک زوج طپانچه دو لوله انگلیسی بسیار خوب تماشای او و رحمت فرمودند و روانه محل ماموریت خود گردید که با سواره و پیاده ابوالکحیم خود بمحافظت و محاربت زوار و مترددین منازل عرض راه خراسان کفالی السابق مشغول باشد

چون عالیجاه حسن جان یا در توپخانه مبارک از قدیمی مکتوب این دولت قوی مکتب علیه است و اغلب اوقات مصدق خدمات گردیده لهذا نظر بطریق خدمت و شایستگی او اعلیحضرت پادشاهی در ماه گذشته مشارالیه را

عالیجاه سید العظام حیدر علیجان سهرنگ چون از بد و جوانی چه در سفرهات و چه در سفر خراسان خدمات نمایان کرده و لوازم جان نثار میرا بعل آورده اولیای دولت قاهره حب الامرهایون او را بمنصب جلیل نیابت اول

۱۲۷۳



اجودان باشی سرافراز نموده حکم نظامی در ازار آن صادر  
و مقرر داشتند که با در بایجان رفته خدمات نظامی  
اشتغال ورزد

چون در شب عید مولود مسعود هایون که عالیجاه اسد اللہ خان  
سرمسک قورخانه مبارک که اسباب بازی محصور افسر  
هایون آورده بود در نظر مبارک خوب جلوه نمود و بلاخط  
اینکه قورچیان قورخانه توپ باربط و اطلاع از ایشباری  
یباشند جناب جلالت تاب افخم اکرم صدر اعظم مقرر فرمودند  
که ایش بازی بعد از این تمامی توسط قورخانچیان قورخانه  
توپ ساخته شده محصور مبارک بیاورند که در نظر  
افس هایون خوب جلوه نماید

**سایر ولایات**  
عربستان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
چون سابقا قراقراب انجا بر این بوده است که بر سر  
زنی می گرفته است در محضیر کی از علما و اراغدی بسته و بدین  
نوشته و قبلا انجانه خود سپرده است درین اوقات  
شخصی قصاب از ساکنین محشره دختر برادرش کی از  
علاهای انجا که چند ان سواد نداشته و اجرایی صیغه نمی توانست  
بلکنه عقد بسته بعد از آنکه انجانه خود برده معلوم شده بود که  
که پنج مشرعی نبوده است عالیجاه میرزا ابوالفضل بعد از آن  
بر این معنی قدغن کرده است که بعد ازین جمیع عقود و عهده  
در محضر علمای معروف و معتبر انجا بسته شده و قبلا معتبر  
بشهادت جمعی نوشته شود و اگر تغییر شرط مذکور کسی  
زنی را انجانه خود ببرد مورد مواخذه و بازخواست خواهد بود  
و درین باب قدغن ایک کرده است

دیگر نوشته بودند که چون در بر ماه سان نوکر مامور  
بر حسب حکم نواب مستطاب هزاره و بالا راجه حشام الدوله  
باید دیده شود عالیجاه میرزا ابوالفضل سان نوکر بلوچ را  
دیده موجب انهار داده است و چون بجهت کرانی آذوقه  
در ان ولایت بنوکر مقرر بد میکند لهند علاوه بر موزا  
و جی هم بصیغه انعام با نهاد داده است که بعترت نکند

دیگر نوشته اند که چون اختلافی در میان سنک اوزان  
ان ولایت بود که دکان داران بوزن زیاد میخوردند و  
بوزن کم میفروختند نواب مستطاب هزاره احشام الدوله  
مقرر داشته اند که سنک آهن بوزن شت عباسی که  
یک تبریزی معمول است حتمه هر زده بدکان داران بند  
و بهمان سنگها داد و ستد نمایند که بعد ازین اختلافی  
در میان اوزان انجا نباشد

دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان در  
امور آن صفحات کمال اهتمام دارد و برادر خود شیخ  
نیز در خیل خدمات انجا نموده مشارالیه نیز نهایت سعی را  
در انجام خدات محول خود معمول میدارد  
و هم چنین در امر زراعت و رعیتی انجا عالیجاه شیخ فارس خان  
نهایت مراقبت را معمول میدارد و شلوک کاری زیاد  
در انجا کرده است بطوریکه رودخانه بزرگ مخصوص انجا که  
همه ساله دولت آن بمصرف میرفت اما سال اینک است  
از سالهای دیگر زیاد تر است همه بمصرف شلوک کاری  
میرود و باز هم کفایت نمی کند و از این حذر رعایا امیدوار  
بسیار دارند

دیگر نوشته اند که محمد سلطان ابابکی است از سربازان فوج امرای  
تقراری قلعه فیله فرستاده اند مشارالیه کمال حسن سلوک با انالی آنجا  
و علی بن مژدین معمول اردو بقیسکه انالی بلاد بیده که چهارتن  
بآنجا می آید کمال ضامنندی از سلوک سربازان مژبورند

دیگر از تفریح تیراخیاس محمد را نوشته اند درین اوقات  
کندم خرواری پنج تومان هفت هزار و پانصد و جو خرواری سه  
تومان و هفت هزار و از کندم خرواری شش تومان هفت  
هزار پانصد و نیار و سایر اجناس نیز از این قدر تیراوری

دیگر نوشته اند که چون این اوقات موسم آمدن جهازات  
بشط محمد است کشتی و جهاز سپار از اطراف آنجا آمد و رفت  
میکنند بطوری که شط معلو از جهازات است و درین روزها  
درین عبور کشتیها بجهت شکی فضا و کثرت جهازات دو

هزار هبم خورده و یکی از آنکس معیوب شده بود عالیجاه  
میرزا ابوالفضل و جوی از خود بجهت تفسیر جهاز مژبور داده  
که او را معتبر نمایند

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده والی عربستان حب  
الحکم نواب مستطاب شاهزاده و الایبار احتشام الدوله  
در باب بستن سد ناصری اهتمام زیاد نموده و درین تابستان  
گذشته با وصف شدت گرمای تابستان آنجا نواب امیرزاده

خود بر سد مژبور رفته و اهمیت آن نموده تا او احسن ماه  
ذی حجه سد مژبور در کمال استحکام بسته شده و بعد از بسته شدن  
سد مژبور نواب امیرزاده چند نفر سرکار بجهت استحکام کمال  
در آنجا گذاشته خود بشوشر مراجعت کرده اند

دیگر نوشته اند که یکی از زندان مشهور موسوم بسوختر  
از طایفه دیناروند در استان که در آن صفحات و سمت

عربستان همیشه مشغول سرقت بود و چند دفعه هم دستگیر  
شده و باز فرار کرده و از عمل سرقت دست بر زمین داشت  
در این اوقات در نزدیکی بلده دز فول اسبی سرقت کرده بود  
اهل قریه خبردار شده و اورتاقب و دستگیر کرده بزر فول

آورده بودند بعد از چند روز معتبر شد که حسب احکام  
نواب امیرزاده بشوشر بر بند درین راه سی نفر سوار  
آمده بودند که او را از دست تحفظین بگیرند متوجه بودند مستحقین  
کمال جلاد ترا بعل آ آورده با سیکه چند نفر سوار بشوشر نبوده اند با سی

سوار زده و خورده کرده و در مژبور را از دست نداده بشوشر آورده  
والآن آنجا محبوس است

دیگر نوشته اند که در شوشر و دز فول نیز اسامال غله و سایر یاکوالات  
کرانت و فقرا و ضعیفان درین مرحله عسرت و پریشانی حالت

دیگر نوشته اند که فوج پیات زرندا بواجب عالیجاه محمد مراد خان شهب  
که دو سالست بساخلوی عربستان نامورند در این اوقات بود دست  
ان فوج مژبور در قلعه دز محمد علیخان بختیاری یکدسته در بلده دز فول

ساخلوند و مابقی در شوشر در کمال نظم مشغول خدمات محوله بودند  
و انالی آنجا کمال ضامنند را از آنها دارند

در ضمن روزنامه عربستان نوشته اند که ملا غلام حسین باریگر تیسری نوشته است  
بن هشت ساله آنهم ماست پدر خود مشق ما بگیری میگردد است ما را  
بزرگوار کرده و سر ما را بدین خود برده بود و بقد رسم چهار انگشت  
کرده بود ما را زور آورده بکلوی او منور رفته بود خواسته بود پیرون پیاو

شوانته بود درین بین پدرش سیده و کشته بود بکنز او سر و برودن  
علاجش را میگویم آن طفل هم ما را فرود برد پدرش و انالی با و او را بود خورده بود  
بعد از دو روز ما را از موضع سفلی او پیرون آمده و با آن طفل اسپسی تر سیده است

فارس

۱۲۷۵

از این نوشته اند که چون فوج عرب بصری سابقا در خدمت  
 لشکر بنو عباس خدمت کرده بودند و در ثانی که نواب  
 شاهزاده موید الدوله آنها را مامور ساخت و آنجا کرده بودند  
 بجهت اینکه از اهل سرحدات بودند و طاقت کرمای آنجا را  
 خود سربل اذن مرخصی از آنجا آید بودند درین اوقات  
 نواب معزی الیه صاحب مضبان و بعضی از سربازان  
 فوج مزبور را بمعرض مواخذه و تنبیه در آورده اند بعد از  
 شفعا اینچنین و تعدد تلافی تقصیرات خود را کرده اند نواب  
 معزی الیه هم تقصیرات آنها را بخشیده و در وجه تعدد  
 استغای خود در دوباره آنها را مامور بنو عباس فرموده

دیگر نوشته اند که عالیجاه فاسم خان که مامور با خلوص  
 بندر ابو شهر می باشد بعد از سیزدهم محرم که کارهای خود را  
 در شیراز انجام داده بود از نواب شاهزاده موید الدوله  
 مرخص گردیده یکصد و پنجاه و هفت قورخانه حمل نموده روانه بندر  
 ابو شهر گردیده است

دیگر نوشته اند که یکصد و پنجاه نفر توپچی که از دربار همایون  
 مامور با خلوص فارس بودند در ماه محرم وارد شیراز شدند  
 و نواب موید الدوله کمال نوازش بانها نموده است

دیگر نوشته اند که در بیستم ماه محرم مقرب انخاقان میرزا  
 ابو الحسن خان شیرالدوله بر حسب حکم نواب مستطاب شیراز  
 و الا تبار موید الدوله در دفترخانه آنجا نشسته روزها را  
 مشغول رسیدگی محاطات و محاسبات فارس است

دیگر نوشته اند که شخصی از تنگستان عبور برپا میگردید  
 شخصی تنگستانی با او رفیق راه شده نتوانی همراه آن شخص بود  
 تنگستانی او را در راه مقول و تنخواه او را برداشته برده است

مراتب بعضی نواب موید الدوله رسیده حکم نمودند با قورخانه  
 تنگستانی را گرفته بقراول انداختند تا اینکه مرتکب قتل و

سرفت را بدست برد  
**کردستان**

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند کمال  
 وفراوانی در آنولایت حاصل است و مقرب انخاقان این  
 والی در انتظام امر آنولایت و حصول رفاه حال رعیت  
 نهایت اهتمام را دارد و همچنین در وصول و ایصال

مالیات اهتمامی کامل دارد  
**کهاوند**

از قراریکه در روزنامه نهاوند نوشته بودند حکیم سلیمان  
 یهودی که هشتاد سال متجاوز از عمرش گذشته بود  
 متوالی جناب ختمی باب صهر در عالم رویا دیده بود که او را  
 تکلیف باسلام فرمودند شب سیم کلمه طیبه را جاری نمودند

صبح پیش جناب آقا سید عبدالجبار مجتهد رفته شرف اسلام  
 مشرف شده و عیال و اطفاش را از خود دور نموده بجا  
 غلامعلی خان نایب لشکر پاشی و نایب الحکومه نهاوند و عیال

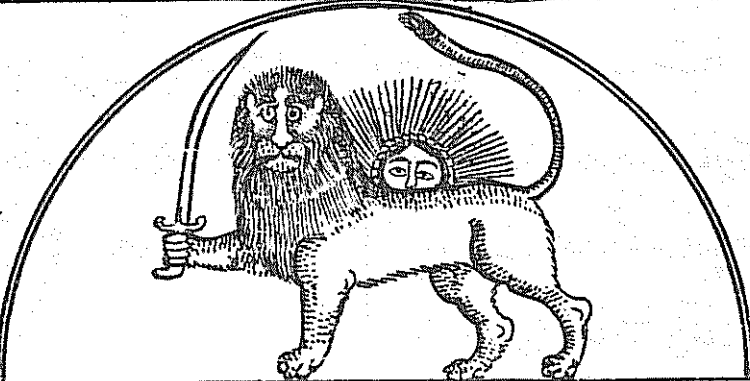
میرزا حسن لوزی پیشکار نهاوند اخراجات از برای او قرار  
 داده اند و خانه خارج از محله یهودیها برای او گرفته کمال نوازش  
 با نموده اند و این اوقات مشارالیه همه روزه بنزد علما

دین مبین حاضر شده مشغول امواتن قواعد شرعی عطا  
 و اطلاع از مذنب شرعیات

۱۲۷۶

روزنامه قایح اتقاییه تاریخ یوم شنبه نهم ماه ربیع الاول مطابق سال بارسیل ۱۲۷۱

منطبه دار الخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر الاجار سطر پنجاه  
بیس سطر سطر بیست



نمره دولیت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شهریکه  
و تان و چهار هزار

اجبار واحسان مالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

و نواب والاحسنه الدوله در میدان حاضر بودند و آنجا  
در روز یکشنبه ششم این ماه سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی  
ساعت بغروب آفتاب مانده بطرف اکبر آباد سمت  
میدان آب دوانی تشریف فرماید از افواج قاهره که در  
انجا سبزه شیلیک و حرکات جنک ترتیب داده بودند  
پس از اجرای سلام نظامی مشغول حرکات نظامی و شلیک  
شده بعد از مراجعت سر بزازان مخبران از صف جنک افواج  
قاهره که در حالت تشوان بودند بحالت پدش رفتند  
قطعه مخرف ب مشغول شلیک شد بعد از اتمام شلیک  
و آرزو عراده توپ که سبزه تیر اندازی در یک صف  
داده بودند سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بسر توپخانه  
فرماید حکم تیر اندازی فرموده دست توپخانه اعلیحضرت  
پادشاهی بقراول رفته نشانه رازند در آن صحن جناب  
جلالت آف اشرف امجد صدر اعظم پیشکش شایسته  
مبارک آوردند و بعد خود جناب معظّم هم جلالت  
یک تیر توپ بقراول رفته نشانه رازند از دست مبارک  
انعام شایسته گرفتند و از شاهزادگان عظام نواب و الام

و نواب والاحسنه الدوله در میدان حاضر بودند و آنجا  
در روز یکشنبه ششم این ماه سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی  
ساعت بغروب آفتاب مانده بطرف اکبر آباد سمت  
میدان آب دوانی تشریف فرماید از افواج قاهره که در  
انجا سبزه شیلیک و حرکات جنک ترتیب داده بودند  
پس از اجرای سلام نظامی مشغول حرکات نظامی و شلیک  
شده بعد از مراجعت سر بزازان مخبران از صف جنک افواج  
قاهره که در حالت تشوان بودند بحالت پدش رفتند  
قطعه مخرف ب مشغول شلیک شد بعد از اتمام شلیک  
و آرزو عراده توپ که سبزه تیر اندازی در یک صف  
داده بودند سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بسر توپخانه  
فرماید حکم تیر اندازی فرموده دست توپخانه اعلیحضرت  
پادشاهی بقراول رفته نشانه رازند در آن صحن جناب  
جلالت آف اشرف امجد صدر اعظم پیشکش شایسته  
مبارک آوردند و بعد خود جناب معظّم هم جلالت  
یک تیر توپ بقراول رفته نشانه رازند از دست مبارک  
انعام شایسته گرفتند و از شاهزادگان عظام نواب و الام

۱۲۷۷

نماید که تا چه مدت شاکردان خود را قانع التحصیل خواهند کرد  
 که از مدرسه بیرون رفته شاکرد جدید بجای آنها بیایند و این  
 نیز هر یک تمهید شده بچو که درین باب کتابچه مفصل بطول بصواب  
 اولیا دولت علیه نوشته شده که هر یک در فن خود در دست معتبر شاکردان  
 خود تربیت و قانع التحصیل نمایند و آنچه عجله الان در مدرسه مزبور  
 شاکردان معتمدند از این قرارند

نقز شاکردان

توسکا	محمدس	سماکه نظام	سواره نظام
طی و حراحی	دو اسازی	درین سال نوای الهی	نوعی
نوعی	نوعی	میتوانند محقق	نوعی

موجب سوای معین و مترجمین

اصل که از سابق برقرار بود اضافه که درین امتحان هر یک ترقی  
 کرده بودند و نیز افزوده شد

نشان سوای آنچه سابق داشتند حالات تازه محبت شده  
 قطع

بعد از آنکه اولیای دولت علیه امتحانات مزبوره را بعین آورد  
 قرار امورات مفصله را دادند و کتابچه آنرا نوشته بعضی خاک پای  
 مبارک رسانند خاطر طایران طایل طالب شد که در حضور مبارک  
 سان جمیع گردان دیده مجدد و امیوض امتحان آن در حضور مبارک  
 کسانی که قابل با احکام موجب نشان با آنها محبت شود و همچنین  
 یعلین نیز که اهتمام در تربیت شاکردان خود کرده بودند خلعت و انعام  
 محبت شود لهذا در روز شنبه چهارم ماه ربیع الاول سرکار محبت  
 شایسته تشریف فرمای سدر دار الفنون گردیده جمیع معین و مترجمین  
 و اغلب از شاهزادگان عظام و اولیای دولت علیه در حضور مبارک  
 بقاعده سلام استاده کتابچه امتحانات که اولیای دولت مزبور در آن

و از نظرهای این گذشته بود در دست مقرب انخاقان لشکر لوس با  
 بود و نهاد میان مجموعه در دست مقرب انخاقان میرالملاک و وجوه نقد  
 در میان مجموعه یک کیه در دست مقرب انخاقان فرخ خان صندوق  
 خاصه نقدی و احکام موجب میان مجموعه در دست لشکر نوایان و  
 خلایع در دست عالیجاه آقا عبدالرشید محبت هر یک در جای خود  
 در حضورهای این استاده ای آنها را مقرب انخاقان لشکر لوس با  
 بموجب کتابچه و ردیف بعضی میرسانند و در حضور مبارک سنوای  
 از شاکردان میفرمودند هر یک مستحق حکم موجب یا انعام بودند  
 در حضورهای این امیر الامراء العظام سردار کل گرفته انعام یا حکم  
 یا خلعت را بصاحبش میداد و هر یک مستوجب خلعت و نشان شدند  
 فوراً مقرب انخاقان محمد خان میرنچی که امور مدرسه مزبوره سپرده  
 گرفته نشان را میداد و باین سابق از حضورهای این میکشدند و  
 که در امتحان اول نشان داده شده بود و بعد از آن سعی در ترقی خود  
 کرده بودند آن هم که از اول داده شده بود از آنها استر و ادوم نموده  
 و بعین نیز علاوه از موجب نشان و انعام که شاکردان داده از آنها

در حضورهای این خلعت و انعام محبت گردید

میرزا سید محمد علی شاکردان	میرزا علی محمد شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان
طافه	طافه	طافه	طافه
میرزا زکریا در حاج توپخانه	میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان
طافه	طافه	طافه	طافه

میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان
طافه	طافه	طافه	طافه
میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان	میرزا محمد علی شاکردان
طافه	طافه	طافه	طافه

میرزا آقای میرجم میرزا یوسف مباشره دارالعلوم  
العام شهر چاردر

محل بر تبریز  
و بعد ازان مقرب انخاقان محمد خان تیرچه نیز که مراقب در

ترتیب شاگردان مدرسه کرده بود با عطای یکم کلمه  
تنها یک سرفراز گردیده و عالیجاه رضاقلیخان ناظم دارال

هم بخلعت بیایون مخلص گردیده بعد از فراغت ازین امور اعلی حضرت  
پادشاهی بجمارت لطافی معاودت فرمود

چون سرکار اعلی حضرت شایستهی مقرر فرمودند کنبه  
حضرت امامزاده عبدالعظیم راجع تعمیر نموده و طلا کردند بر

باز دید ساختن طلای آنجا چند نفر اولیای دولت علیها  
فرمودند از جمله استاد جعفر معمار کاشی بود که برای رسیدگی

ارتفاع کنبه مقرر در سرچوبت رفته بود که ارتفاع آن  
چوبت از زمین قریب بده ذرع میشد از آنجا تخته چوب

که در زیر پای او بود شکسته مشارالیه بضر بزرین افتاد  
لکن از باطن آنحضرت واجداد او با اینکه همانجانی که افتاد

بسیار سخت بود و کلامم دم خیال کردند که یکجا خوردند  
مطلقا و اصلا آسیب و اذیتی با و نرسید و نه بحد کمال

سلامتی برخواست

سایر ولایات

برء حرد از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته

چون بهر سال در وسط عقرب موسم بارندگی بود و امسال

تا حال باران با ولایت نیامده است زارعین و اهالی آنجا

تدری تشویش داشتند اما امیدوار بودند که تا آخر عقرب

بارانی بیارد که تفاوت در تسخیر جنس آنجا بهم نرسد

دیگر نوشته اند که در جبت و دویم ماه صفر قرار بود که نواب  
مستطاب بنزاده و الا بتاراجت مالدوله خان میرزا بسبت

ارستان و عربستان حرکت فرما نواب ایلدرم میرزا احد  
نواب معزی ایله نوشته بودند که برای سیورسات عرض

جو تیر شد زیرا که امسال در لرستان جو هیچ بعل نیامده  
نواب اجتسام الدوله قدغن نمودند که مباشرین دیوانی بر جرد

بقدر یکصد خردار جو برای سیورسات حمل بچشم آباد نمایند  
که از آنجا نواب ایلدرم میرزا اجل منازل عرض راه یابا

دیگر نوشته اند که سی و پنج نفر توپچی که از پارسان مامور  
بر جرد بودند عوض آنهاسی و نه نفر از توپچیان کروسی و

ادز با بجانی درین اوقات وارد شده اند و نواب شاهزاده  
و الا بتاراجت مالدوله بجه اسمعیل بیک علام پیشینست که

مامور رساندن مواجب لوکر آنجاست حکم نمودند که در اطراف  
میدان نشسته سان توپچیان پارسان و امسال ایدند

مواجب ششماهه آنها را حسب حکم بهر یک هر یک نقد دادند  
طواریا بهر دریافت کرده اند

عربستان

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در هنگام  
حفه نزرک بجهت بسن صد ناصری سنک سفید شفاف و براف

از زمین پیدا شد ورق ورق می شد مثل طلق در جوف آن  
سنک سفید دانه کوچک بود مثل سلیمانی بیرون آوردند

و بسیار خوش ترکیب بود و تازگی داشته است

دیگر نوشته اند یک عماره توپ بلند که دو ذرع و چهار  
قد دارد از قدیم در حوزة افتاده بود بدون عماره درین عمارت

پاشا خان یا ورتو پنجان که در رکاب نواب امیرزاده بسبت

۱۲۷۹

سدناصری رفته بود توپ نر بوز را دیده بود چون بسیار خوش تزکیب و بی عیب بود توپ نر بوز را با غلطک از حویزه بشوشت آورده و هم چنین یک توپ جلوه که در دز فول بوده است بشوشت آورده نواب امیرزاده آدم فرستاده اند از نجیبیاری چوب قذاق و عراده آوردند مشول سوار کردن توپهای نر بوز هستند

### فارس

امورات سمت را هر فرد در نهایت انتظام و رعایای استیجا آسوده مشول زراعت و فلاحت می باشند

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا تبار موید الدوله بعد از آنکه مقرب انخاقان عبدالدخان صادم الدوله را با توپخانه و افواج و قورخانه و تدارکات لازمه روانه بندر عباس کرده بودند نواب عبدالباقی میرزا پسر خود را نیز با فوج عرب و استعداد کامل روانه آنجا کرده اند

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده والی عربستان در میدان کنار آب شوشتر قرار مشق جنگ دادند محمد مراد خان سر تیپ با فوج نظام بسته و پاشا خان توپخانه با توپچیان ابوابجهی خود بنای شلیک توپ و تفنگ بقاعده نظام گذاشته بسیار بقاعده و خوب و چابک مشق و شلیک کرده اند و جمیع اهل شهر که تماشا آمده بودند بسیار تعریف و توفیق کرده اند

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده موید الدوله میرزا سلطان میرزا بیابانی را بجهت حساب او خواسته بودند حسب احکام محاسب او رسیدگی شده چون مبالغی مال دیوان در نزد مشالیه باقی بود نواب معزی ای حکم کرده اند او را قبول اند

دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان که از جانب نواب مستطاب شاهزاده والا تبار احتشام الدوله مامور بنظم صفحات سرحد سوره و آن اطراف است در انجام خدمات دیوانی نهایت اهتمام را معمول داشته است آنچه در سمت را هر فرد که مشارالیه اتهام ریا و نموه و شلوک کاری و ذوان بر او انداخته است پسر ساله طایفه شوره و ربه دست با اموال رعایای آنجا میزدند امسال نتوانسته اند حرکتی یا از اول سال تا حال یکدو دفعه در مقام دست اندازی بر آمده در هر دفعه کله کوه سفندی بغارت برده بودند عالیجاه شیخ فارس خان در هر دو دفعه جمعیت فرستاده آنها را مغلوب و کوه سفند را استرداد و چند نفر از اشرار مقتول و زخمی کرده و دیگر بعد از آن جرئت هرزگی نکرده اند

### کرمان

دیگر نوشته اند در شب بیستم محرم در بندر ابوشهر زلزله شدیدی واقع شده بود اما خرابی بجائی و اذیت بکسی نداشت

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امیرالاعظم محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در دویم ماه صفر از شهر کرمان روانه یزد سیر شده و پیروز در آنجا توقف کرده و مقرب انخاقان میرنجه را با قشون و استعداد بر حسب حکم اولیای دولت علیه روانه طرف بندر عباس نموده اند و در راه انداختن قشون کمال اهتمام کرده اند و بهر یک از بلوکات مس آدم فرستاده تفکیکی اخبار کرده اند که رفته بقشون مامور بندر عباس ملحق شوند

### خراسان

چون نواب مستطاب شاهنامه افخم والا بتار فرزند  
 فرما نبرای مملکت خراسان بجا رفت از نظم امور حسن  
 بطرف آنو عشق آباد و آخال و آنحدود تشریف برده بودند  
 که در انصفا ت نیز نظم کامل بدین طوایف ضالنه ترکان  
 جنر تشریف بردن نواب مغزی الیه را شبده  
 بو حشت و اضطراب افتاده در اول بحیال محالنت  
 اجتماعی نموده سر خود سری داشتند و زور و نواب  
 شاهنامه در عشق آباد که اول خاک اکت است سوار  
 ترکان نمودار شده قریب یک ساعت ما بین ترکان و عیال  
 امیرخان سرستپ سواره قورت پیکو که پیش قراول بود  
 و با جوادخان سر کرده سواره شقاقی جنگ و جدال افتاد  
 می افتد هفت هشت نیره سر و چند نفر ایسرا که ترکان  
 گرفته میشود اب مقاومت نیارده و فرار مینمایند و  
 نواب شاهنامه را در نیرباتوب و سواره و پیاده از رشت  
 رسیده در عشق آباد توقف مینمایند و فردا بمر طرف  
 از اطراف اکت که محل سکنا ی ترکان اکت نشین است  
 میفرستند احدی از اعدا تهمه کمانیه یافت نمیشود که کلا سر  
 نموده بودند نواب مغزی الیه حکم میکند جمع قلعه جات  
 اکت را که شش قلعه بوده است خراب کرده با آذوقه و تنبا  
 در آنجا داشته اند آتش نیرت دو بعد از چند روز  
 مینمایند و بسیار امیدوارند که بعد ازین چشم زخم دیگر  
 صفات خراسان از ناخت و ناز طایفه ضالنه ترکان مهو  
 و محفوظ ماند و در ازای این نوع استهسا میکند از نواب  
 در انظام انصفا ت و فتح آخال و سکت ترکان بطور

رسیده در خاکهای مبارک زیاد مستحسن و مقبول افتاده بود  
 محض و فور محنت طوکانه در حق نواب مغزی الیه میکشود  
 و تبای ترمه از طبوس بدن مبارک بضمیمه یک قبضه کار و  
 دسته مرصع مکل مال باس از جانب سنی الجوانب علی حضرت  
 پادشاهی با فشار نواب شاهنامه در محنت و عنایت  
 کردید در حق سایر سرگردگان و صاحب مضامین که  
 در سفر همراه نواب مغزی الیه بوده خدمت کرده اند و آثار  
 رشادت بطور رساینده اند و نواب مغزی الیه مراتب  
 خدمتگذاری هر یک را مفصلا و مشروحا با اولیای دولت  
 علیه اظهار داشته بودند ازین تر از خلعت و نشان مر  
 شده بصحابت عالیجاه علی محمد سیک یا و رارسال شد

سزا براهیم خان سرستپ پنجمه محمد سخا ن سرستپ فرامانی  
 نشان عمیل تری قطعه  
 سعادتمندان سپهر سلطنت جواد خان سر کرده  
 نشان وری ویم نشان وری ویم  
 نشان وری ویم نشان وری ویم  
 نشان وری ویم نشان وری ویم

یعقوب سیک یور حسین علی سیک او باقر سیک نایب  
 نشان وری ویم نشان وری ویم نشان وری ویم  
 و بعد که سایرین نیز از جانب اولیای دولت علیه نوشتجات  
 و احکام مشتمل بر اظنار الثقات صادر شده بصحابت عالیجاه  
 علی محمد سیک یا و رارسال کردید که از شمول التیات  
 اولیای دولت علیه میدواری کامل حاصل نمایند

### تقریر

از تدریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند امر سخا  
 از اهمیت ات اولیای دولت علیه و نواب شاهنامه  
 سفا ت سیرا کمال نظم دارد و بجهت انالی انجمنیات اسه و کی  
 و آسایش حاصلست و نواب مغزی الیه در نظام مولات نهایی

۱۲۸۱



از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امثال در همه عاشورا  
 مقرب الخاقان و الفقارخان در مراسم تفریه داری جناب سید الشهدا  
 لوازم اهتمامات را مفعول داشته هر ساله پنجاه تومان در یکجه دار الشهدا  
 که قرب چو حضرت معصومه علیها السلام است بجهت مناجات از  
 دیوان اعلی داده میشود امسال مشارالیه بجهت از دیاد عاکوئی زیاده  
 از یکصد پنجاه تومان برای اطعام فقرا و سادات و غرض دیگر بجزیره  
 دیگر در باب حوض سلطان چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شده است  
 عالیجاه مشارالیه حسب الامر مناسیح و ملت علیه اهتمامی کامل نموده است  
 و آب در آنجا پسار فراوان گردیده است و نخر که با آنجا جاریست  
 و همچنین سه فرسخ مسافت دارد بنا و عمله و اسباب فرستاده همه را با  
 آجر و آهک در کمال استحکام ساخته اند که هر قدر آب که از دهنه شفا  
 مزبور بیرون می آید بدون کسر و نقصان بحوض مزبور میرسد چون در  
 سنوات سابق بجهت خرابی نخر مزبور آب درست بحوض نمیرسید بجهت  
 پر کردن حوض محتاج به آب باران بودند و لکن حالاً اگر چه سطحین می  
 متعدد بجهت جمع کردن آب باران نیز ساخته اند اما آب قنات مزبور  
 بطوری بحوض سلطان میرسد که احتیاج به آب باران نخواهد بود  
 غابرین و تندر دین زمین مرجه کمال شکر گذاری می آرند  
 دیگر نوشته اند که در باب کشیک خدمت آستانه منوره حضرت  
 معصومه مقرب الخاقان و الفقارخان تدارک می رست داده است  
 از جمله سابقاً بجهت بی مبالائی خدمه جمع فروش رواق و حرم از  
 از کثرت شمع که در وقت سوختن آب میشد و میریخت و متوجه نمیشد  
 هر کس زیارت میرفت رخوت او چرب و چرکین میشد درین باب  
 قدغن اکید کرده است که شمعها نیکه در آنجا سوخته میشود و شمع مومی باشد  
 و از خدمت نیز التزام گرفته است که در سر خدمت و کشیک خود حاضر بوده

و در پاکیزه و معجب داشتن فروش اگر غفلت نمایند مورد  
 مواخذه باشند  
 دیگر در روز عید مولود معهود اعلی حضرت پادشاهی نوشته اند  
 که تا سه روز و سه شب اسباب عیش و سرور و چراغانی  
 فراهم آورده دکاکین و بازارها را این بسته و لوازم توقیر و  
 احترام عید سعید مولود همایون را بعمل آورده اند  
 دیگر نوشته اند که خلعت آفتاب طلعت همایون پادشاهی که با شفا  
 مقرب الخاقان و الفقارخان در رازا خدمات او که در باب آب حوض  
 سلطان و سایر خدمات دیوانی بعمل آورده است مرحمت شده بود  
 در این اوقات که بر تو وصول افکنده مقرب الخاقان مشار  
 با جمیع اعیان و اشراف قم با استقبال خلعت آفتاب طلعت  
 شتافته و در خارج شهر خلعت همایون را زین برود و ش  
 مفاخرت نموده و بعد بشهر آمده در دار الحکومه صرف شربت  
 و شیرینی نموده و لوازم توقیر و احترام خلعت همایون را بعمل آورده است  
 دیگر نوشته اند که در این اوقات سرقت و دزدی نسبت  
 سابق در قم بسیار کم اتفاق می افتد و اگر ایا مانندرت سرقت  
 اتفاق نیفتد مقرب الخاقان مشارالیه اهتمامی درین باب  
 کرده است که سارق پیدا شده و مال مسروق بصاحبش  
 میرسد از جنبه ضعیفه فرمانی در بازار حبس بر بازی خرید  
 و تنخواه آنرا داده و بقیه پول از خاطرش رفته بجا کند اشتبه بود  
 بعد از رفتن ضعیفه بر از ملقت کیسه شده و رسیدگی کرده بود  
 پنج تومان پول ریانش بوده است بنزد داروغه برده بود و  
 داروغه جراحی انداخته ضعیفه را پیدا کرده و تنخواه او را تسلیم کرده بود  
 دیگر شخصی باس فرش از درب کان ملاقه بندی پنجره جراب برداشته بود  
 که رقمه بر در آن دو اشفاقان آرد و رهبار بصاحبش تسلیم سازد و این نیز مضمون نموده بودند

۱۲۸۲

### اخبار دول خارج

**انگلیس** تیغ کاغذ آخر که از نیولایت رسیدیم  
 پنجشنبه وارد محرم نوشتہ بود چنانکہ قاعدہ آولایت  
 حاکم شہر لندن کہ سال سال از خود اعیان آن شہر معین شد  
 درین روز با بیست سال آئینہ معین کرده بودند و در سر و  
 کہ ہر سال دارند کہ ہم ماہ نو تبرکہ مطابق چہ شنبہ ہفتم صفر است  
 در جای حکومت خود ہا ہشت

از جہت دیوان حکم شدہ است در جنس ایراکنی کہ در  
 شمالی واقعند اگر چہ جنس و مالک انگلیس ہستند اما قدر  
 از خنکی دورند و در بعضی جا ہا سنکو و حصار در کار  
 دریا نزدیک بلنکر کا انجا بسیارند

### فرانسہ

چنانکہ در روزنامہ گذشتہ نوشتہ شدہ است اردو بیست  
 و حرکت کلیہ قشون نزدیک بشہر بولان جمع شدہ بودند  
 ہمشا و ہنر از نفر در آن اردو بودند و خود امپراطور در انجا  
 تشریف داشتند و ماہین شہر بولان قبضہ دور در پنج  
 فرسخی از بولان دور قشون مشغول مشق و حرکت کردیدند  
 روز دیگر قشون کلا از حضور امپراطور گذشتہ در ہما ہنجا  
 کہ ناپلیان اول پنجاہ سال پیش ازین قشون فرانسہ  
 جمع کردہ بود و بعد از آن امپراطور فرانسہ با زوجہ اش  
 مراجعت پاریس پای تخت فرانسہ کردند و در عمارت  
 سنت کلوڈ قرار گرفتند در ہنگام توقف امپراطور فرانسہ  
 در بولان پرنس البرٹ از ولایت انگلیس مدین آمدہ بود  
 و در ورود مشارالہ کمال ساس لازمہ احترام بعل آوردند  
 و پادشاہ بلژ با ولیعہد خود دوک وہ برانت و پادشاہ

پور تو قال ہمہ ممان امپراطور فرانسہ شدہ بودند  
**سایر ممالک فرنگستان**

در روزنامہ دمشق نوشتہ اند بتاریخ ششم ذیحجہ کہ مردم ہمیشہ  
 با آذوقہ و ماہیجات با استقبال حاج کہ از کلمہ معظمہ مراجعت  
 میکنند میروند روانہ شدہ بودند و ہمہ در زیر حکم دست در آن  
 مملکت جمع شدہ و با کمال نظم با استقبال حاج رقبہ بودند  
 کندم در انجا قدری ترقی داشت با وجود اینکہ حاصل سال  
 آئینہ منراوانی و آمد تمام داشت بیش این میدانند کہ  
 بعضی مردم در آن اطراف جنس میخرند و انبار میکنند کہ  
 کران بعبہ و شد

بتاریخ پست و سیم ذیحجہ در روزنامہ اسلامبول نوشتہ اند  
 عیال لاردا استر قور و سیفر کہ دولت ہمہ انگلیس میتم  
 اسلامبول از ولایت انگلیس با اسلامبول مدہ بود چگونکہ  
 کل مردم از خاص و عام خصوصاً کمال محبت از او دیدہ اند  
 مراجعت او باعث خورسندی ہل انجا شدہ بود

چنانکہ در روزنامہ سابق نوشتہ شدہ است چند مسالت  
 در فرنگستان خیری اشراج کردہ اند کہ با سیم و چہ سنج استی  
 خبر از شہر بشہر و از ولایت بولایت میفرستند حال این سبب  
 بطور دیگر ساختہ اند کہ بتوانند حمل و نقل نمایند تا دو  
 فرسخ بنیم تا سہ فرسخ سیم ہمراہ خود بار کردہ میبرند و ہمہ در  
 دو عرادہ جاگیر میشود و میتوانند فوراً یا در خشکی یا در زیر آب  
 بکشند و از جایکہ بیشتر از دو سہ فرسخ نباشد خبر نیندند  
 در ہجرت ذیحجہ از شہر اورنیہ نوشتہ اند کہ مردمی کہ بجهت ناخوشی  
 و با متفرق شدہ بود بتاریخ مزبور ہمہ مراجعت  
 با وطن خود کردند

۱۲۸۳

در ایام قدیم جزیره رود سن جای بسیار آباد بود و تجارت  
 زیاد بولایت اطراف داشت لنگرگاه سبزه کشتیها در آنجا بود  
 و از برای اینکه شب راه را کم کنند فانوسی بترکیب غریب ساخته  
 بودند ترکیب آدمی ساخته بودند از برنج بسیار بزرگ و پام  
 کساده که کشتی از میان دو پای او میگذشت و فانوس در  
 داشت که شب روشن میکردند بعد از آن این لنگرگاه کم کم  
 خراب گردیده از زریک و سنگ پر شد بطوریکه کشتی  
 مشکل از آنجا عبور میکرد و آن شکل برنج را وقتی که سلاطین  
 متصرف آن ولایت شدند برسم زده شکسته برنج اورا به تجارت  
 جهودان فروختند و شهر آنجا را خراب کردند درین اوقات  
 دولت عثمانیه بنا دارند که لنگرگاه مزبور را باز تعمیر نمایند  
 و اسمعیل رحلی با حاکم جزایر یونان که در تصرف دولت عثمانیه  
 با چند نفر از چاکران عمده دیوان با تجارت است که این  
 کار ثواب رازد و پراه میدارد و مهندسیین و مکتوبات  
 که مشول این کار شده بودند قدغن آگهی کرده اند که این کار  
 هر دو با تمام برسانند و گزارش اورا بخیل پاشا وزیر قون  
 سنجری دولت عثمانیه نوشتند

پس کشتیان که از شی بسیار روزنامه اسلامبول نوشته  
 و آنهم چاپ زده است تفصیلاًش اینکه در کنار دریا تری  
 بانه گاو مارا کشتی میکشند و کشتیانان پارهنه در  
 میان آب بودند ناگاه ماهی زهر دار پهای یکی از آن کشتیان  
 زده و زده و آتاس زیاد کرد بطوریکه کم مانده بود که  
 پایش جراحت کرده بیفته درین بین نایب قونول فرانس  
 که در آنجا بود این گزارش را شنید کشتیان مزبور را بخانه  
 خود برده و جراح آورده و اورا معالجه کرد و خوب شد

در بعضی روزنامه های فرنگستان نوشته اند که دولت  
 سنی دنیای شمالی بنا داشتند یکی از ممالک کوچک ایتالیا را  
 که مناکوتینا منند از حکمران آنجا با پول بخرند مملکت کوچک  
 در سابق دولت جداگانه بود و مانند سایر ممالک فرنگستان  
 حکومتش تسلماً بعدش بود و موافق قاعده ارثی با ولاد یکی از  
 آن سلسله که از قدیم حکومت در آن ولایت کرده اند میر  
 چند وقت پیش این ولایت کوچک را داخل ممالک سارده  
 کردند حال حکمران ولایت مزبور میخواهد حق خودش را  
 بدولت جمهوری سنیکی دنیای شمالی بفرستد و در بعضی  
 نوشته اند که دولت جمهوری مزبور میل بخریدن این ولایت  
 داشته که در بحر سفید لنگرگاه سبزه کشتیها و تجارت داشته  
 و لکن در بعضی روزنامه های دیگر مینویسند که دولت سنیکی  
 شمالی چنین خیالها نداشته است مدتی که در روزنامه های این  
 گفتگوست و لکن هنوز نامعلوم است که آیا اصل داشته یا با  
 در مملکت اسپانیول بنا داشتند در هر بلوکی و شهری  
 قاعده دارند و کیل معین میکنند که پای تحت برود فرا  
 در دست در امور ات ولایت بگذارند و لکن هنوز نامعلوم  
 و از نظر یک مردم در فرنگستان گمان میرند بسیار مشکل است  
 که این ولایت نظم درست بگیرد و دایم الاوقات بجز  
 جزئی در میان خلق که در آن ولایت تیره به تیره شده اند  
 میشود

۱۲۸۴

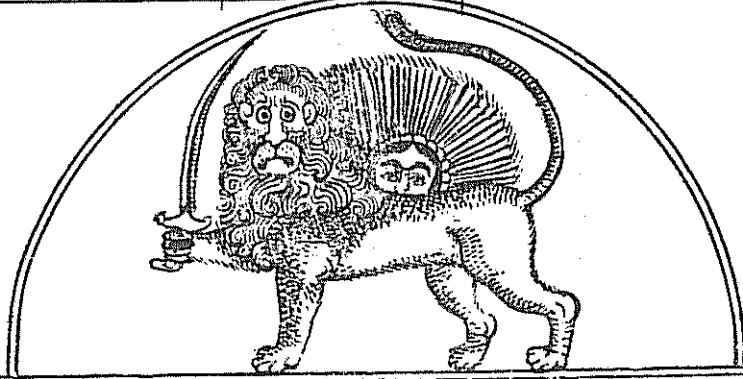
# روزنامه و قایم اخبار پنجشنبه هجری ۱۲۸۵

منطبه دارا خلاق طهران

قیمت اعلانات

یک خط چهار خطی یک روز

بیشتر با هر خطی هر



نمونه دویست و یک

قیمت روزنامه

یک نسخه ده شایر یک

صفتان و چهار هزار

## اخبار و حمله ملک محروم پادشاهی

### دارا خلاق طهران

### امور مردم نیامند

در روز پنجشنبه هجری ۱۲۸۵ ماه اعلیحضرت پادشاهی تشریف فرمای شکارگاه جاجرو و گردیدند جناب جلالت با صدراعظم و سایر انسانی دولت علیه و خواص خدمت و ملتمس رکاب هایون بوده چون این اوقات موسم شکار لک و سایر شکارهای انجاست موکب هایون چند روز بجهت شکار و تفریح در آنجا توقف خواهند فرمود چون در غیاب موکب سیروزی کوکب هایون نظم دارا خلاق با نواب مستطاب شاهزاده و الایتبار اردیبهزاد حکمران دارا خلاق طهران و مقرب انخاقان میرزا موسی با درین اوقات نیز که موکب هایون تشریف فرمای شکار جاجرو و گردیدند نواب شاهزاده و مقرب انخاقان میرزا در ان نظام امیر شهر و محلات و رسیدگی با امور و عبادت مردم بحال اهتمام را معمول میدارند و بجهت اندهایت آسودگی برای االی دارا خلاق حاصل است و نواب معزی الیه چند روز است که بت نوب می کنند و لیکن با وصف ناخوشی شب در اوقات خود را صرف خدمات دیوانی و رسیدگی

امسال بقاعده سال بارندگی که در دارا خلاق و میشد تا حال تنده است و باین سبب قدری در جو و گاه تسخیر بهم رسیده است و لکن سایر چیزها از خستین امسای دولت علیه فراوان است و از قراریکه خبر شده است و سبب امیدواری مردم گردیده امید است که در دارا خلاق نیز بارندگی بشود و تسخیر اجناس دارا خلاق در هفته آینده نوشته خواهد شد و درین موسم پای بسیار خوش گذشته و ناخوشی نسبت به سایر سالها کمتر مگر ناخوشی آید که درین اوقات در میان اطفال شیوه دارد

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد چند وقف ازین اعلیحضرت پادشاهی مشق کل افواج کوچه چار نظام و سوار رسیدگی فرمودند و بعل چند سین که در بیرون شهر قلعه میسازند و تیراندازی توپخانه مبارک بدقت رسیدگی فرموده و ترقی آنها پسند خاطر هایون شده بود حال ام

چون در غیاب موکب سیروزی کوکب هایون نظم دارا خلاق با نواب مستطاب شاهزاده و الایتبار اردیبهزاد حکمران دارا خلاق طهران و مقرب انخاقان میرزا موسی با درین اوقات نیز که موکب هایون تشریف فرمای شکار جاجرو و گردیدند نواب شاهزاده و مقرب انخاقان میرزا در ان نظام امیر شهر و محلات و رسیدگی با امور و عبادت مردم بحال اهتمام را معمول میدارند و بجهت اندهایت آسودگی برای االی دارا خلاق حاصل است و نواب معزی الیه چند روز است که بت نوب می کنند و لیکن با وصف ناخوشی شب در اوقات خود را صرف خدمات دیوانی و رسیدگی

۱۲۸۵

در غیاب اعلیحضرت شاهنشاهی در مشق خود همه روزه بر  
سبیل استمرار توپچی در میدان ارک و افواج قاهرین  
میدان خواجه دروازه دولت مشغول میباشند و صاحب  
نهایت اهتمام را در مشق آنها دارند

در روز دوشنبه گذشته در خانه مجلس شرب بود  
و در نفر غلام و سه چهار نفر که مشغول شرب بودند  
آخر کار شان بزراع و بدستی کشید و نفر از آنها هم  
رخسار شده بودند مستحقین خبردار گشته آنها را گرفته  
خدمت نواب مستطاب بزرگوار و الا تبار آوردند و  
الآن در حبس اند تا حکم آنها بشود

مرحوم میرزا ابوالقاسم امام جمعه دارالخلافه طهران  
مقامه که چندی مریض و بستری بود در روز چهارشنبه  
پانزدهم اینجاه داعی حق را الیک اجابت گفته بجوار رحمت  
ایزدی پیوست بجهت توفیر و احترام جانب علمای اعلی  
جمیع و کاکین بازارها و کاروانسراها را بسته و عموم خلق  
دارالخلافه حسب احکام نواب مستطاب بزرگوار و الا تبار  
اردشیر مرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع به  
تشیع جنازه و مجلس فاتحه خوانی او حاضر گردیدند  
از اینکه مرحوم مشارالیه متخلق باخلاق حسنه و بحسن  
سلوک موصوف بود و با عموم اهالی دارالخلافه از بزرگ  
و کوچک لوازم تواضع و رفتار خوش معمول میداشتند  
قاطبه خلق دارالخلافه از فوت او زیاده متأسف میباشند

سایر ولایات

کرمان از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته  
امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان

چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شده در راه انداختن  
قشون بسمت بندر عباسی اتمامات کافی و کامل معمول گشته  
از جمله از بر دسیر که چند روز در آنجا بجهت انجام تدارک  
قشون توقف داشته سیورسات یکجا به قشون مأموره را

که مسراهم مقرب انخافان عبدالدهخان میرنچه روانه بندر  
مرفور نموده براه انداخته است با اینکه امسال سببه خشکی سال  
ادو قه در اولایت کم است و بقدر سیصد بار تو قورخانه  
همراه قشون مأموره روانه داشته و این سیورسات یکجا  
علاوه بر سیورساتی است که سابقا حاصل دو آب نموده در منزل  
عرض راه قشون مهیا داشته اند و علاوه بر اینها مبلغ سیزده

تومان وجه نقد هم بجایگاه کلبعلی خان یا در فوج کرمانی و چند  
نفر تجار معتبر داده اند که جنس موجوده انبارهای خود را  
برای سیورسات آماده داشته در وقت ضرورت  
روان نمایند

دیگر از فرار اخبار کرمان که نوشته بودند مقرب انخافان  
عبدالله خان صدارم الدوله که از فارس با قشون مأمور  
بندر عباس بود با افواج خود در لار مشغول تدارک بوده  
و درست کر میرات و بنادر فارس هم غلظت کم یاباست  
سپاهی و رعیت فی اجماع تویش از کم یابی ادو قه دانند

دیگر نوشته اند که در شب و روز عید مولود مسعود بجا یون دشتی  
که امیرالامرا العظام سردار در بر بدیر توفیق داشتند در شهر کرمان حسب احکام مقرب انخافان  
مشارالیه لوازم چراغانی و آتش بازی و اسب سحرین و سرور و شادمانی

معمول داشته اند و همچنین خود امیرالامرا العظام مشارالیه هم در بر دسیر  
معمول داشته اند و همچنین خود امیرالامرا العظام مشارالیه هم در بر دسیر

۱۲۸۶



### فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته بودند عالیجاه محمد ابراهیم خان  
 سرتپ افواج اصفهان با افواج اصفهان در عشق شهر صفر المظفر  
 در کمال راستگی و نظم وارد شیراز شده اند و قبل از ورود او پناه  
 لطیفی خان سرتپ فوج قشقایی با صاحب منصبان فوج مزبور  
 که در شهر بودند و عالیجاه عبدالحسین خان سرسنگ توپخانه مبارک  
 با جمعی از لشکر گردگان سواره و صاحب منصبان ملازمان  
 با استقبال رفته با احترام تمام عالیجاه محمد ابراهیم خان را  
 با افواج اصفهانی وارد شهر کردند و از فرستادگی نوشته بودند  
 افواج اصفهان در عرض راه با کمال نظم و قاعده حرکت کرده اند  
 و بقدر معمولی از آنهایی نظمی ظهور رسیده است و در روز  
 ورود نواب شاهزاده و الاتبار مؤیدالدوله نیز خلعت خویش  
 بعالیجاه محمد ابراهیم خان سرتپ داده و مبلغ یکصد تومان بهم  
 بهر دو فوج اصفهان انعام مرحمت کرده اند و روز دیگر با جمیع  
 سرگردگان صاحب منصبان و اعیان بعینم ملاحظه رسان  
 افواج مزبوره بخارج شهر رفته اند و بدقت بسان آنها رسیدند

### مهم

در روز نوشته اند شخصی بهمانی چند بار اجناس تقیم می آورده است  
 در دو فرسخی شهر خندفسر پیاده با و بر خوروه پیکار جنس او را  
 بغنف گرفته بودند مشارالیه مراتب را در قم عرض کرده مقرب  
 انخاقان ذوالفقار خان چند نفر سوار تنجس فرستاده بود  
 بعد از دو روز تنجس سارقین را در کوچه ممک در حینیکه اموال  
 مسروقه را قمت می کردند گرفته بنزد عالیجاه مشارالیه آوردند  
 اموال شخصی بهمانی را با و تسلیم و سارقین را تنجس بنسب  
 که عبرت سایرین باشد نموده انخراج مبلد کرده است

و همچنین شخصی کزازی چند بار روغن تقیم می آورده است یکبار  
 روغن او در راه مفقود شده بود و نفس سوار از قم فرستاده  
 الاغ و بار روغن را پسید کرده آورده بصاحبش تسلیم نمودند  
 دیگر نوشته اند که مال شخصی خراسانی زوار را که نقد اجناس  
 تومان کسری بوده است در خیابان سرقت کرده بودند مقرب  
 انخاقان ذوالفقار خان قدغن اکید کرده بود که حکما باید  
 مال مسروقه پسیدان شود بعد از دو روز تنجس معلوم شده  
 بود که شخصی اصفهانی اموال مزبور را سرقت کرده است اموال  
 استرداد و بصاحبش تسلیم و سارق را بعد از تنجس کامل در حبس  
 بند

### پیرو

از فرستادگی در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالامرا  
 العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان مقرب انخاقان  
 محمد یوسف خان را از یزد در ماه صفر بحجت دیدنی خواسته بود  
 مشارالیه در ششم ماه مزبور بهت کرمان فرستاده  
 دیگر نوشته اند که عبداللهدیک یا توپخانه که از دربار پهلویان  
 با توپچی و قورخانه مامور کرمان بود در سیزدهم شهر مزبور وارد  
 دارلعباد یزد شده و سه روز در یزد توقف کرده از آنجا  
 روانه کرمان شده اند

و همچنین نورالله خان نایب توپخانه با توپچیان مامورین و العباد  
 یزد در چهاردهم شهر مزبور وارد کرده اند و بعد از سه  
 روز عالیجاه محمود خان نایب سابق که در یزد مامور بود با توپچیان  
 مامورین سابق روانه دارالخلافه طهران گردیده اند

دیگر نوشته اند که حاجی محمد صادق تاجر طرانی غلامی سیاه دشته است  
 قدری پول حاجی مزبور را برداشته فرار کرده بود و در عرض راه باقی سدا  
 بشهر آوردند و پول را هیچ خرج نکرده بود تبار که نوشته تسلیم حاجی مزبور و در تنجس مضبوط  
 کرده اند

۱۲۸۸

### انبار دول خارجه

انگلیس علیا حضرت پادشاه انگلیس در عمارت خود که در  
جزیره ویت است توقف داشتند در فصل تابستان گذشته  
که هوای آنجا بسیار صفا دارد و بسیار اوقات کشتی خود  
سوار شده در جزایر آن ریاساحت میکردند و بنا داشتند  
در آخر تابستان مملکت اسکاتلند بروند چند روز در عمارت  
حالی رود که عمارت سلطامینت و نشین پادشاهان قدیم  
انگلیس است توقف خواهند کرد و بعد از آن کوهستان  
مملکت اسکاتلند میروند بجهت شکار کوزن که در آن است

### سداوان میشود

درین وزه در لندن انبار یکی از بنایان و مهندسان آتش  
گرفته بود و چنین آتش گرفتن از آنوقت که مشورتخانه ای  
سوخته شده بود تا حال در سحر شدن اشاق نیشاده است  
ابتدای این آتش گرفتن معلوم نیست که از کجا سراسر کرده بود  
خلق آنقدر هینده اند که آتش کمی از بالای ماهی پیرون می آید  
و چونکه این انبار را در کنار رود طمس و افتد و عکس آتش در میان  
آب افتاد در شب اشاق افتاده بود خالی از متاشا نبود صد  
ذرع بیشتر از انباران سایر اطرافها و خانه ها سوخته شدند  
میکویند که دو بیت هزار تومان بیشتر ضرر با انبار رسیده است  
و نصف انبار که در آنجا بود سوخته نشده بود که نظام آتش  
خاموش کن پیرون آمدند و آتش را خاموش کردند

### عظمایه

از حبه معدون که درین مملکت بسیار بکار آمده است و غال  
سنگیت که در پامپن نهر نبار بالای اسلامبول منوب و مت  
و جایگه این معدن هست هر گلی مینامند و در آنجا بخت در

پانزده فرسخ اغلب جا های آن هر جا می کنند ذغال سنگی در  
می آید و این ذغال سنگی در کوه واقعت چهار صد فرسخ و  
پانصد ذرع از محب محیط ارتفاعش بیشتر است و نزدیک بساط  
قراذیکزست هفده سال پیش ازین ابتدای پیدا شدن  
این معدن ذغال سنگی بود و لکن درین وزه زیاد منفعت کرده  
بجهت اینکه ترود کشتی تجار در آن صفحات زیاد شده است  
تا بحال آن ذغال سنگی که در زمین پیدا است کنده اند و  
در آورده اند آنقدر که در کوه زرقه اند که بدانند ذغال سنگی که در زیر است  
چگونه است و لکن آنجف که از علم معدن ذغال سر رشته دارند  
میدانند که ذغال سنگی هر چه از ته عتیق پیرون می آید بهتر شود

پشتر از صد یا صد و پست ذرع نکنده اند و باید قدری خرج  
کرد و باید گذاشت که درست بکار بیفتد و منفعت کلی پسند  
حال سالی سی و چهار طنونه هر طنونکی تخمینا سه خروار تبریز است  
از آنجا پیرون می آید و در تابستان پوشش قاطر و غیره بار کرده  
و با سلا مبول میبرند که نشسته از آنکه در کشتی و لنگه میکذارند  
کشتیهای تجارین را با انجا آمده ذغال سنگی بجهت مصرف  
خود بار میکنند در یکی از وزه ها مهندسان معدنچیان انگلیس  
گذاشته اند که کار میکنند راهی ساخته اند تا کنار دریا و حالا میروند  
روزی چهار صد یا پانصد طنون پیرون بیارند که تخمینا هزار و پست  
یا هشتاد و پانصد خروار بوزن هشت عباسی باشد و از دستار  
تصدیق صاحب منصب مهندسین که ترکیب خشکی و عتیقی دریا در آن  
سمتها امتحان کرده اند نوشته اند نزدیک به هر گلی سنگ گاه خوب است

بجهت کشتیها ته دریا خاک قهز چسبیده است که لنگه کشتی  
در آنجا خوب گیر میکند و خشکی چنین ترکیب افتاده است که کشتیها  
در آنجا از صد م تلام امواج محفوظ اند ذغال سنگی درین روزها



در اسلامبول خسرواری پست و دودنار دینار است و سپارتم  
نسبت بسابق کران کم بابت و حساب کرده اند که اگر ذغال  
شکل ازین معدن هر گلی سپرون می آید خسرواری هفت هزار  
بفروش برود منفعت کلی میکند

### فرانسه

یکی از نویسندگان فرانسه درین روزها نوشتجات لویی پانزدهم  
پادشاه فرانسه را جمع کرده چاپ میزند و این نوشتجات را در پیشگاه  
نوشته بود که امپراطور نرپور در حصار محروس بود در ایام  
سلطنت لویی فلپ چون بعضی چیزها درین نوشتجات مطابق  
مبصحت دولت فرانسه این ایام می آید دیوانیان فرانسه نویزند  
مزبور را حشر کرده اند که من بعد چنین نوشتجات را چاپ نزنند  
احوال متصرفه در یکی از روزها می نویسد  
که ماهی که سه ذرع و نیم قد داشت و از بهمان قسم ماهی درنده است  
که فرانسه زکن مینامند در ولایت انگلیس گرفته اند و این ماهی  
بسیار کم اتفاق می افتد که در آن دریا ماهی بسیار بشوند زیرا که ماهیها  
درنده در دریا می گیرند پس ایشانند در سرد  
بجست غلام و کثیر سیاه که از یکی نیان آزاد میشوند و در آن ولایت بنا  
بمیکنند و جانی معین کرده اند در کنار مملکت آفریقه که آنجا در پیش  
مینامند که برفند و آنجا ساکن باشند و چون آنجا که میراست آنها  
خوش میگذرد و درین روزها نوشته اند که درخت قهوه در آنجا  
کاشته بودند و قهوه خیلی خوب بهم آمده بود کجان ارند که قهوه  
در آنجا آن قدر ببل ساورند که بنجارج بفرستند  
در نیویارک سینکی دنیا از خارج بسیارند و حساب کرده اند که در  
مصد و پانزده نفر که در آنجا هرده اند پانصد و هشتاد و دو نفر  
ولایت بوده اند و باقی هسل خارجه

در پرنسپو کوشکی دنیای جنوبی در فضل باران که در وسط استانبول  
امسال بارندگی بسیار شده بود آب رودخانه بالا آمده و چپ نهر  
در میان آب غرق شده بودند و بقدر صد هفتاد تومان ضرر  
بخلق خورده بود

نزدیک پاریس پای تخت فرانسه جائی با صفا هست که نواده بلو  
مینامند و پشته است در پیشگاه حصار دور شهر پاریس را  
ساخته بودند این پشته را قدری کوچک کردند بجهت ساختن حصا  
و باستیان غیره حال نبادارند قدری ازین پشته بفرشند  
اهل پای تخت ازین مرحله نخورند بجهت اینکه آنجا جامی تفریح بود بجهت  
بزرگ و کوچک و نزدیک شهر بود  
در میان آنجا نیویارک سینکی دنیای شمالی پول کم یاب بود برشته که  
منفعت پول در تجارت که در اکثر اوقات از سفر سالی صد تومان  
پنج تومان است این روزها شده است سالی صد تومان و د تومان  
بلکه هم بعضی اوقات پانزده تومان میدهند آنهم در جائیکه  
معتبر باشد  
از مملکت اسپانیول نوشته اند که در بلوک اندکس که میراست  
آن ولایت و جای حاصل آور حاصل غله و مقابل حاصل سال  
گذشته آمده بود و در بعضی ولایات ایتالیا یک و نصف  
قیمت کندم تنزل کرده بود آنهم بسبب فراوان آمدن غله  
بود هم در آنجا و هم در سایر ممالک کنارا ق و کینر  
دولت پوتوقال بنا دارند در کنار رود طاکوس راه آهن بنا  
بجست تردد کالسکه بنجار از شهر سنطره الی بحر محیط بشخصه فرار  
خرج ساختن این راه را بر آورده اند که تخمینا سه کرو  
صد هزار تومان پول ایران میشود اکثر منفعت این پول از  
اجاره بناها و سکونای کنار دریا حاصل میشود و منفعتش از راه کالسکه

۱۲۹۰

در روزنامه سابق نوشته شده بود در خصوص فرس سحری  
 که از رود نیل مصر بولایت انگلیس آورده بودند این جوان  
 حالابلاست انولایت مزبور بیای تحت لندن رسیده است  
 یکی از سابق در لندن داشتند نر بود و اینکه حالا آورده  
 داده است و آنکه سابق آورده بودند چه بود حالا پنج ساله است  
 و اینکه درین اوقات آورده اند پاشای مصر بولایت  
 انگلیس فرستاده است آب و هوای انگلیس نسبت بولایت  
 مملکت افریقیه که اسب آبی از آنجا بصل می آید بسیار سرد است  
 و لکن معلوم میشود که باین حیوان خوب سازش می کند از آنکه  
 اینبار که بولایت انگلیس آورده اند خوب به شده اند

در مابین مملکت کاناده و خاک دولت جمهوری نیکی دنیا  
 شمالی دریاچه های بزرگ آب شیرین است که بعضی چهل چاه  
 فرسخ طول و هفت ممت فرسخ تاده فرسخ عرض دارند  
 در آنجا کشتی تردد می کند و لکن چون در رودخانه  
 لاریس که از آنجا بحر محیط میرود آبش تند جاریست  
 در بعضی جایها عبور نمی کند زیرا که آب از سنگ سنگ  
 کوه بکوه مانند آب میریزد کشتی در آنجا شکسته و خرق  
 میشود و در شهرهای گوبک و پنیفکس که دو شهر مشهور کاناده  
 نیکی دنیا شمالی اند مدت که کشتیهای خوب بزرگ  
 و لکن تا بحال در دریاچه های آب شیرین که بالای رودخانه  
 پنا کشتی بزرگ ساخته اند که بدریا بفرستند بسبب  
 جاری شدن آب چنانکه نوشته شد درین روزها شخصی  
 کشتی ساز کشتیهای بزرگ در خطر آنطور که بالای مانیفراست  
 ساخته است و از آنها بخار آرد بار کرده و یکس از آن دریا  
 آب شیرین بولایت انگلیس فرسته است و تا بحال این

تا جرم کشتی بزرگ در آنجا ساخته و بدریا روانه کرده اند  
 یکی هشتصد و چهل و دو طن و دیگری هزار و پنجاه و یک تن  
 و آنکه اول ساخته بودند قدری ازین دو کشتی کوچکتر است

در شهر توکیل مملکت انگلیس جان آتش افتاده و سوزندگی شد  
 بود که تا بحال هیچکس در آن شهر اینطور سوزندگی نجا  
 ندیده است اول آتش میان انبار ریمان تابی افتاده بود  
 و چون که کارخانه مزبور بلند بود باستعانت باد و زود سوخت  
 و سقف بام میان آتش افتاد و درین بین حرارت آتش  
 چنان شدت کرد که انباری که پر از کبر در آن نزدیکی  
 بود گرم شد بطوریکه کبر در آب شده بیرون ریخت و قشک  
 جاری شد و بیرون آمد کب آتش کرد ابتدای آتش  
 از ظهر بود و کبر در آتش گرفت بعد از آن انباری که  
 پر از پیله بود آتش گرفت در انبار دیگر نیز سرب زیاد  
 انجم از شدت حرارت آتش آب شده بیرون جاری  
 شد این انبارها هشت مرتبه بودند و پیله کداحته و سرب کبر  
 داخل هم بیرون می آمدند بطوریکه مانند آب آتش بود کشتیها  
 که در رودخانه بودند اهل کشتی آنها را دور بردند که مبادا  
 آتش با آنها نیز سرایت نماید و درین هنگام امید داشتند که  
 آتش را بتوانند خاموش بکنند که بجای دیگر سرایت ننماید  
 اما در انبارهای نزدیک با آنجا فقط و شور و پیله و کبر  
 و غلیاب زیاد داشت و میکویند که کمی بار و طهم در آنجا  
 بود اما محض تنبت انبارها که این اشیا در میان آنها بود  
 بسیار محکم و مضبوط ساخته شده بود بطوریکه گمان داشتند که  
 آتش با آنجا تاثیر نماند دیدند که کرای این سوزندگی تاثیر کرد

۱۲۹۱

بطوری که انبارها که آتش با آنها رسیده است نیز گرم شده  
یکبار دیدند که انبارهای مرزبور که ارتفاع زیاد داشتند  
مانند بار و ط آتش گرفته به هوا بلند گردیدند و زمین مانند  
زلزله حرکت آمد پلها که در رودخانهها ساخته بودند کم  
بود که خراب بشوند و رودخانه مانند دریا موج میزد در  
که سببه بودند از صدمه آتش کسوده شدند کوچکها  
از شیشه شکسته و سفالینه و غیره پر گردید مردوزن و  
اطفال که خوابیده بودند همه ازین مقدمه بیدار گردیدند بگوچها  
ریختند که ببینند چه خبر شد و آنها که در کنار رودخانهها  
ایستاده بودند دیدند که پل بلند که در روی رودخانه ساخته  
بودند مانند سیم نازک در حرکت و لرزه است و فریاد  
و بیابانک خلق با سمان میرفت اطفال پدر و مادر خود را  
کم کرده بودند و پدر و مادر پی اطفال خود می گشتند بچاه نفر  
سرباز که در آنجا بودند طولبند آب با شمی می آوردند نفر  
از این اشخاص سوخته و تلف و سی و دو نفر محترق که زنده  
اما قریب هلاکت بودند تا بحال معلوم نیست که چند کشته  
و زخمی شده اند آنچه معلومست بقدر پانصد نفر کشته و زخمی  
شده اند اما گمان میبرند که بسیاری در زیر خاک و حرا  
مانده اند که بعد معلوم خواهد شد ضرر که بمردم خورده است  
از چهار گروه پول ایرانت و ضرب آتش گرفتن انبارها  
مرزبور ازین معلوم میشود که تا دو فرسخ دور شهر تخته و کاغذ و کتابها  
و غیره در روی زمین پاشیده بود و در کل خانهها که صد  
ذرع در صد ذرع دور آنجا بودند بکامیش خرابی بهم رسیده بود  
و از احسن اتفاقات اینکه این سوزندگی در کنار رودخانه  
بزرگ شده بود بطوریکه از آب تنگدستی نکشیدند و الا

۱۲۹۲

احتمال ضرر و خرابی بیش ازین مشهور بود انظر ولایت  
انگلیس که آتش گرفته است بسیار آباد است شهرها و قصبه  
هم نزدیک بهم اند و از آنجا با نظام آتش خاموش کن با  
چرخ آب پاشی فوراً با آنجا حاضر شدند چنانکه فاعده است در  
اینطور آتش گرفتن اعیان شهر جمع میشوند که تحقیق نمایند تحقیق  
گردند اما معلوم نشد که در آنجا بار و ط بوده است یا نه بعضی  
میکویند که همان اجزا که در آنجا بود از شدت حرارت آتش  
خود سجد مانند بار و ط آتش میگیرد و خرابی میرساند در  
مملکت انگلیس قدغن است که کسی بار و ط زیاد در میان آب  
نگاه ندارد و اگر کسی بار و ط زیاد داشته باشد باید بسیار  
خبر کند که بجای خاطر جمعی بگذارند از آنجهت یک صاحب  
از ویوان مامور شده است و با آنجا آمده که درین باب تحقیق

مکند

در روزنامه انگلیس نوشته اند که در پنجاه و شش سال  
پیش ازین که این دولت با دولت اسپانیول جنگ داشتند  
چهار کشتی کوچک انگلیس دو کشتی بزرگ اسپانیول را گرفته  
و بولایت انگلیس آوردند و بار این کشتیها خاک طلا و نقره و  
بود در ولایت انگلیس فروختند و پولش سیصد و یازده هزار  
شصد و نود و پونصد شده بود که تخمیناً یک کرو و صد و بیست  
هزار و سیصد و شصت تومان این ولایت میشود در حین  
جنگ در روی دریا تاخت و عارت میشود و لکن چنین  
که در یکروز بدستشهای مرزبور اقدام اتفاق می افتد

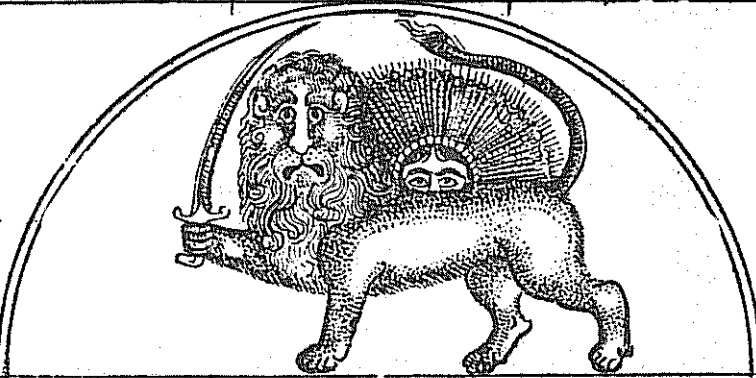
# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه سی و نهمه ربیع الاول مطابق با سن ۱۲۷۱

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر اولی چهار سطر کنیزارید

پشت باشد هر سطر پنجشنبه



نزد دویت دوو

قیمت روزنامه

یک نسخه دو شاهی

دو تومان و چهار هزار

## اخبار و حمله مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

و ظهور مراتب و داد با سفرای دول متحابه بجهت هر یک هر یک از  
 شکارگاه شکار کبک و عینره مخصوصاً به دارالخلافه مبارکه  
 و ستاندند و در هنگام مراجعت در روز یکشنبه بعد از ظهر  
 حب الامرهایون چند فوج از افواج متوقف دارالخلافه مبارکه  
 با توخانه و عینره در میدان خارج دروازه دولاب حاضر  
 شده بعضی مشق حرکات قشون و جنگ مغلوبه که طرزها  
 و تازکی داشت حضور مبارک نمودند و حرکات افواج قاهره  
 مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه افتاد و دو ساعت بغروب مانده  
 از دروازه دولاب داخل شهر گردیده و ارضی در آن  
 داردارک مبارکه سلطانی شدند

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده بود  
 که شکارگاه جابره و تشریف فرما شدند چون رسم شکار  
 درین دولت علیه خصوصیت دارد و در هیچ یک از دول دیگر  
 این قانون باین اساس و جلال که انمای دولت علیه و  
 چاکران حضرت کردون بطلت سینه و عموم نوکر باب با  
 لوازم اسباب شکار باید طرز رکاب همایون باشد  
 معمول نیست لهذا این قانون درین دولت علیه تفسیح و  
 اساس تمام دارد و هر ساله بعضی این شکارگاهها موکب  
 همایون حرکت میفرمایند درین اوقات که شکارگاه جابره  
 تشریف بردند چنانچه سابقاً نوشته شد جناب جلالت مآب  
 امجد الفقم صدر اعظم و سایر خدم و حشم و اغلب اهل سلاح در  
 موکب همایون بودند و در آن اطراف توقف فرمودند  
 و شکار از هر قسم فراوان شد و از آنجا بجمار امیر که شش  
 فرسخت تا شهر تشریف برده سه شب در آنجا تشریف داشتند  
 و نظر با احترام جانب علمای اعلام و القات خاطر ملوکانه  
 بعضی شاهزادگان عظام که در موکب همایون بنویدند

از جمله ایرادیکه انالی یوروب برای این مملکت تدارک میدهند  
 یکی اینست که تقصیر متهم ثابت نشده تنبیه میکنند و قرار تنبیه  
 هم بچوب کاریت در تحقیقت این شبهه بی اصلیت که در  
 حق دولت ایران شهرت داده اند و اولیای دولت بصراحت  
 خودشان نه احدی را بی ثبوت حبرم بمقام تنبیه و سزا  
 می آورند و نه چو بکاری و سیاست را بنحو مستحقین و مرکبتین  
 تقصیرات عظیمه در باره کسی جانیز وروا میدارند بلکه کسیکه

۱۲۹۳

از خود اهل یوروب در این مملکت هستند کمال ابرام و نهایت  
 اصرار دارند که محض ادعای این که فلان کس در نظر ما  
 مقصود است بدون رسیدگی و تحقیق تنبیه شود آنهم  
 بچو بکاری لا عیند و انحنی در سر کو چها که خبر و خفت  
 آن در این مملکت از هزار گونه مشکبجه بدتر است دور  
 نیست که این نوع تباهی کار آنها باعث اینگونه ارا حیف  
 بوده باشد باری اولیای دولت ایران محض رفع  
 اینگونه شبهه های امانی یوروب و استمرار در طریق  
 حقانیت و معدلت بر خود تدار دادند که تا تقصیر متهم  
 ثابت و محقق نشود پتنبیه او نپردازند و تنبیه هم منحصر  
 بحبس باشد آنهم باندازه مجرم و تقصیرش دیگر بنا بر  
 اصرار مدعی هیچ متهم را بدون اثبات تقصیر تنبیه که  
 منحصر بحبس است نکنند و بنا با اصرار آنها تمکین آن نوع  
 تنبیه که در نظر کل امانی یوروب خوش آیند نیست نیند  
 و بهنگ حرمت مردم و مکیونع زجر بشکجه عدالت

هر چند کمال قدری خشک سالی شد باز بقدر کفایت  
 خلق غله نو و کهنه بست که پارزانی خرید و فروخت شود  
 اما چون از یک طرف مردم هول برداشته در فکر این  
 افتادند که تدارک آذوقه کل سال را یکدفعه به سپند و از  
 طرف دیگر صاحبان املاک و مایه بمقام امبار داری  
 برخو استند بدو جهت مسطوره چند سیت که روز بروز  
 همت غله بالا میرود و از آنجا سیک همیشه رفاه و آسایش  
 عموم خلایق منظور نظر میایونست حسب الامر الافدس مقرر  
 آمد که امبار داری موقوف شود و نرخ غله و گاه در  
 دار الخلافه طران از قسرا تفصیل ذیل باشد که رفاه مشتری

۱۲۹۴

د فروشنده بر دو همت کیم بر  
 مقربی الخاقان میزرا موسی وزیر دار الخلافه و فسخ خان  
 و احمد خان نوائی و قاسم خان جارچی باشی مامور شدند  
 که هر جا انبار سراغ نمایند بجهت مصارف ارباب احتیاج  
 ضبط نمایند و قیمت آنرا از قسرا تفصیل فوق کار سازی  
 کنند بموجب این اعلام نامه بر همه کس لازم میگردد که هر جا  
 انبار غله سراغ نمایند مقربی الخاقان مشار الیهم را اطلاع داد  
 که آنها از روی دستور العمل خود قسرا نمایند و از آنجا نیکه  
 در حقیقت مقربی الخاقان مشار الیهم مامور بتدارک آذوقه  
 سالیانه خلق هستند و مکیونع ضامن رسانیدن آذوقه  
 بقمت مسطوره فوق میباشد لهذا لزومی ندارد که هر کس  
 یکدفعه آذوقه سالیانه خود را بخرند بلکه میتواند بتدریج  
 خریداری نماید و مطمئن باشد که عسرت نخواهد کشید و نیز  
 بتمام ولایات نزدیک اعلام میشود که هر کدام بتواند بقمتیکه  
 معین شده است غله بطهران رساند باندازه این نوع  
 خدمتش مورد الثقات خاص سرکار عالیحضرت شاهنشاهی  
 خواهد شد دیگر بجموع امانی طهران تکلیف میشود که هر کس  
 مال و دو اب زیادی دارد در طهران نگاه ندارد یا بخارج  
 بفروشد یا جائی بفرستد که خسروانی و از زانی باشد

### سایر ولایات

آذربایجان از قسرا یک در روز نامه آذربایجان  
 نوشته بودند امر آنجا از اهتمامات اولیای دولت علیه  
 کمال نظم و انضباط را دارد و نواب شاهزاده و الاتبان  
 نصره الدوله نایب الایاله آذربایجان و مقرب الخاقان  
 قایم مقام در نظم امور مملکت و تحصیل موجبات آسایش

و آرایش رعیت کمال اهتمام را دارند و از هر کس  
 خلاف قاعده ظاهر شود اعم از اهل نظام و غیر نظام  
 مقرب الخاقان مشارالیه در رفع آن کمال اهتمام مینمایند  
 از جمله بعضی افواج که احضار شده به بتسری وارد  
 شده بودند بنای وزدی گذاشته که سفندی می گشته اند  
 و اخلال با مرقصا بنجانه می کرده اند مقرب الخاقان شایر  
 قدغن کرده اند که کشتن کوفه سفند را موقوف دارند تا جماعت  
 قصابان با سود کی و فراغت مشغول کسب خودشان  
 باشند و آنها یک مصدر هرزگی شده بودند مقرب الخاقان  
 مشارالیه میت نفس از مقصیرین را در اطاق نظام حاضر  
 کرده تنبیه نظامی از آنها بعمل آورده اند و بالفعل امر  
 قضا بنجانه آنجا کمال نظم را دارد

سرحد دار نیم و نرهای شیر ما مور سفر می پور و بلوچستان  
 بود در هشتم ماه صفر از سمشد با تو بنجانه و قورخانه روانه  
 گردید بعد از ورود به بم کاعدی از مشارالیه رسیده  
 بود که بقدر دو هنر از نفر از بلوچیه سیتان و آنظر فها  
 باراده تاخت و تاز و وزدی در شب که سیتان جمع شده  
 بوده اند و جاسوس آنها بدین جات نرهای شیر آمده هه  
 تفکیکی و فتراول مستعد دیده مراجعت کرده بود در روز  
 مراجعت جاسوس مزبور ناخوشی در میان اشرار مزبور  
 افتاده بعد در چهار صد نفر آنها بلتف شده بودند و  
 باقی یکدیگر را در سرحد سیتان تاخت و تاز کرده متفرق  
 شده اند امیر الامرا العظام سردار بعد از استماع این خبر  
 نوشتجات بعالچاهان سردار علیخان حاکم سیتان و  
 ابراهیم خان و دوست محمد خان بلوچ نوشته و با  
 چاپار روانه داشته اند که یا متفقاً اشرار مزبور را  
 تنبیه و کوشمال بدیندیاصریا بنویسند که ما قوه دفع  
 این اشرار را نداریم تا از کرمان قشون ما مورد دفع  
 آنها شود

مازندران

نوشته بودند بقدر هشتصد تومان جوایر و اسباب  
 عالچاه حبیریل خان پسر مصمام خان سرتت شده بود  
 مراتب را مقرب الخاقان قایم مقام معلوم داشته صادق  
 داروغه را خواسته باوقدغن کرده بودند که مال را از تو  
 میجویم او بهم سپرد کرده آورد و تسلیم صاحبش کرد  
 از قراریکه نوشته بودند کوچ جناب محمدالمجتهدین حاج  
 میرزا با تمام جمعه و جماعت وفات یافته بود در مسجد  
 مجلس فاتحه خوانی برپا کرده بودند مقرب الخاقان قایم  
 مقام و دسر محمام خارج مجلس تغزیه جناب شایر  
 رفته اند و وزیریم نواب شاهناده بنجانه جناب اباجم  
 تشریف برده مجلس تغزیه را برچیده اند

از قتراریکه در روزنامه مازندران نوشته بودند بعد از وفات  
 مرحوم مصطفی قلی میرزا از بابت نبودن حاکم فی الجمله اختلالی در نظم امور آنجا  
 حاصل شده بود سه نفر از متابعین اروغ بلده با فروش برای اخذ خراج  
 شهیدی اسمعیل نام عطار با فروش انگک ده صدمه کلای و آورد آورده بودند که  
 نزدیک بلاکت ده مرده بود مراتب بعرض نواب شاهناده امیر تریب حکم صادر کرده  
 آدم فرستادند که رفته مکتب را که رفته نیاورد آنها را که خدمت نواب محرم  
 آوردند موافق حکم شرع و رضای رفته مقتول قمار کرد و قائلین بقصاص علی بنی

کرمان

نوشته اند که قشونیکه با شاق عالیچاه موسی خان

۱۲۹۵

۱۵۹

### شیر خا س از انجلی طهران

نمره

دارچین یک من یک تومان	کندم یک خسروار پست و دو هزار
زعفران ده سیر شانزده هزار	چوبک خسروار نهجده هزار
قدیزی یک من چهار هزار و نهصد و پنجاه	گاه یک خسروار هشت هزار
قداری یک من هفت هزار	سجودرسی یکخروار سه تومان
زیره یک من دو هزار و یک عباسی	ماش یکخروار بیت و پنجاه
رز شک بیانه یک من سه هزار	لوبیا یکخروار سه تومان و یکریال
رز شک تبریزی یک من چهار هزار	عدس یکخروار سه تومان
شکر یک من سه هزار و پانصد و بیست	ارزن یکخروار ده ریال
بنات یک من پنجاه دینار	کرچک یکخروار سه تومان و ششصد
فلفل یک من چهار هزار و پانصد	سنگینک یکخروار پانزده هزار
سکنجین یک من سه هزار	کنجد یکخروار چهار تومان و نیم
آب لیمو یک من دو ریال	پونجه خشک یکخروار یازده هزار
حلویات خوب یک من پنجاه و بیست	برنج عنبر لو یک من دو هزار و سیصد و پنجاه
تباکوی اعلی چهار من شانزده هزار	روغن چهار من سیزده هزار و پانزده
تباکوی وسط چهار من یک تومان	برنج کرده چهار من دو هزار

### اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید بیت و پنجم محرم بود علیا حضرت پادشاه انگلیس در آن تاریخ در عمارت و تیراز تشریف داشتند و زرا که اهل خاص پادشاهند حسب احکام جمع شده بودند و حکم کرده بود که اهل مشورتخانه وکلای رعایا و خوانین بتاریخ ۲۰ صفر در مشورتخانه لندن بجهت انجام امور دولتی جمع بشوند این همه خلق اعلام کرده اند و لکن چنین میدانند که در وقت جمع نخواهند شد و در آن بین حکم ثانی صادر خواهد کرد

شیره چهار من دو هزار و نهصد	تان یکخروار بیت و سه هزار و پانصد
پینه که اخته چهار من هفت هزار و پانصد	گوشت یک من هزار دینار
شع یک من دو هزار و چهارصد و بیست	پنیر شور چهار من شش هزار و ده شاهی
ماست چهار من یک هزار و نهصد و بیست	بیل یک من بیت و یک هزار
میخک یک من چهار هزار و پانصد دینار	

جده بزرگ مستان جمع بشوند در روزنامه اسپانول خبری که با نسیم و چرخ آتشی از لندن بتاریخ ششم صفر رسید نوشته بودند که آتش در میان خانهای شهر لوزن پول افتاد و خانهای بسیار سوخته و اموال زیاد از مردم تلف شد

### اسپانیول

درین ولایت برهنجوردکی مجذوب در میان خلق شده بود و امید داشتند که کم نظمی در آنجا بگذارد که خوینیزی و اقتشاش نشود

موسیو سوکه وزیر مختار از جانب دولت نیکی دنیایی نامور مدرو پای تحت اسپانیول از دولت اسپانیول اذن مراجعت خواسته بود و دوستی مابین دولتین را که هم زده بود خودش از ملک اسپانیول پروردن فتنه بود و در خاک فرانسه نزدیک بسرحال نشسته بود و تا از دولت خودش چه حکم شود تفصیل سبب برسم زدن دولت مابین دولتین را نوشته اند و لکن چند وقت است که گفتگو مابین دولتین مبرور است در خصوص جزیره کوبو بعضی مطالب دیگر و کمان داشتند که سایر دول فرنگستان در میان توسط و میا بجیکری بکنند و الا این دو دولت هر دو طالب جنگ اند

### فرانسه

تاریخ روزنامه آخر که درین هفته از این ولایت رسید روزنامه انگلیس بود چونکه در اکثر بلوکات فرانسه حاصل آمده بود وقت غله تنزل کرده و ازان شده بود و امید داشتند که در اندک مدت بقیمت سنواه سابق برسد تا چونکه در بعضی بلوکات نیکی دنیای که از آنجا غله بفرنگستان

حاصل بسیار کم آمد و خشک سالی شده بود احتمال میرفت که غله در فرنگستان چندان تنزل کند تا بعد ازین چه معلوم بشود و در بعضی بلوکات نیکی دنیای شمالی که در سالها متعارف افتاد غله فراوان دارند که نصفه حاصل آنها بخارج میرفت اسال زیاد از قدر کفایت خود انالی آنجا بعضی نیاید است بلکه در بعضی جایها عوض اینکه غله بخارج حالا باید از خارج بخرند و در نیت که کم آمدن غله نیکی دنیای باعث این بود که غله در فرنگستان چندان تنزل نماند

در ولایت فرانسه و ایتالیا و انگلیس و بعضی جایهای دیگر غله بسیار اسال بعضی آمده است احوال و اوضاع اهل فرانسه از سبب بسیار منظم و خوب بود و ولایت ایت نام داشت همیشه و متعلی در آن ولایت خوب شرف داشت و هر کونه رزاعت خوب آمده بود مگر حاصل انکور که با زرافت بیان تاک انکور افتاده بود و آنها که در سمت جنوب فرانسه و اسپانیول و سایر جایها گذرانشان وابسته بجا انکور بود ضرر کلی ازین مرضه با آنها دار و خواهد آمد

در روزنامه اسپانول نوشته اند که اعلیحضرت سلطان عبد المجید بجهت جناب مرشل کونت و لینظ وزیر جنگ فرانسه نشان مجذیه از مرتبه اعلی فرستاده است و جناب ولی الدین رفت پاشا سفیر کبیر از جانب دولت عثمانیه مامور پاریس بای تحت فرنسه نشان مبرور را بوی جنگ مشارالیه در آنجا داده است

### سایر دول فرنگستان

پادشاه دینارک که در تابستان گذشته در روی دریا

۱۲۹۷



نزدیک بولایت خود شگفت و سیاحت میکرد چونکه  
بعضی املاک در مملکت سوید وارد بر کشتی املاک خود با کجا  
رفته بود

پادشاه پورتو قال که مدتی است در فرنگستان سیاحت  
میکند در شهر برلین قدری ناخوش شده بود و لیکن صحت  
یافته و از آنجا بمتدین پای تخت مملکت استریتیه

احوال متصرفه

از جمله چیزهای غریب که درین روزها در ولایت انگلیس  
در کارخانه تازه ساخته اند یک ورق کاغذ بود که در

نه خروار بود و طولش بیشتر از شصت ذرع

شیلات در مملکت انگلیس امسال منفعت خوب کرده است  
خصوصاً از داماهی در یکی از شیلات آنجا که این ماهی

میکیند درین چند ماه تاستان که موسم گرفتن این ماهی  
بیشتر از سیصد خروار بوزن هشت عباسی ماهی گرفته بود

و بر روی هم بر کین چهار هزار و پانزده شاکی بوزن  
رفت بود

در بعضی جایهای فرنگستان رعایا در عرض میزم خاک چمن  
میوزانند و نکا بدشتن خاک چمن باین طریق است که چمن

دایم آب وارد و خاکش سیاه شده است باین می  
و خشک می کنند و نزدیک بخانه خودشان بجهت سیریم

میدارند مانند سوخت کا و وعیره که در این ولایت میوزانند  
میوز و حال در مملکت بواریه این خاک چمن را بطوری حمل

می آورند که مانند غالی سکی می شود و در عرض غالی  
در بعضی چرخهای بنجار مصرف می کنند و بجهت چرخ کالک

که در انولایت تردد و عبور میکند هم مصرف آمده است

از شهر استورپ مملکت منته که در اصطلاح فرانسه است  
فیما مندر نوشته اند که در ششماه اول امسال پانزده هزار  
هشتصد و نود و شش نفر از آن شهر خارج شده اند که بروند

به یکی دنیا و جاهای دیگر سکنی بگیریند و این بیشتر از آن است  
که در تمام سال گذشته از آنجا بیرون رفته اند ازین اشخاص

که از شهر استورپ بیرون رفته اند ده هزار نفر از اهل سوید  
هستند و حساب کرده اند که از هر سیصد نفر یک نفر از اهل

سوید درین یکسال و نیم از انولایت بیرون رفته اند که  
در جایهای دیگر ساکن میشوند

در مملکت استورپ که روزی یکی از جوانین معتبر فرانسه بود  
درین روزها فوت کرده است و از قراریکه نوشته اند

مشارالیهما یکسال عمر کرده بود

فراوانی حاصل غله امسال در مملکت انگلیس در بعضی بلوکات  
ازین معلوم میشود که یکی از زراعت کاران سمت جنوب

انولایت که چهار هزار خروار تخم امسال کاشته است  
که در مدت چهل سال که باین شغل مشغولم تا حال بنجامطرم

نمی آید حاصل اینطور آمد کرده باشد و نذرت است که در  
اکثر جایها که خودش تخم کاشته است تخم بفرده تخم بفرده

بیاورد

راه آهن بجهت تردد کالک بنجار ما بین اسکندریه مصر و قاهره هنوز  
گشوده نشده است و لکن در فصل بهار آیند تمام خواهد شد

اقتادان راه مرز بوسیش این بود که در نزدیکی رود نیل  
جایها باید ارتفاعش نیم ذرع بلکه به چهار یک بیشتر از آن باشد  
که سابق بر آورد کرده بودند برای اینکه در وقت تدابیر  
بالا می آید ضرر بر راه مرز برسانند

۱۲۹۸

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در بعضی جناب ایرویان  
 که اکثر حاصلش از میوهات خشک است خصوصاً قهوه  
 کاشمش نسبت بسالهای سابق بسیار خوب عمل آمد  
 بود اگر چه باز آفتی میان تاک انکور افتاده بود و لکن بعضی  
 از اعیان آنجا ظلم غریب بخلق کرده بودند قیمت کیشمش  
 در طریقت مملکت استریه که اکثرش بانجامیرود همگیله  
 که چهل و چهار حقه است از شانزده فلارن تا پست فلارن  
 میشود که تخمیناً صد و شصت یا دویست قروش راج مملکت  
 عثمانیه است بخلق حکم کرده بودند که هر کیله شصت قروش  
 بفروشند و خودشان غنماً میخریدند و بخارج میفرستادند  
 این کذا ریش زود بعضی امنای دولت رسیدند  
 ظلم از اهل آنجا کردند و ستپنه که سزاوار اعیان بودند نمودند  
 دیوان در محافظت احوال رعایای آنست اهمیت کامل دارند  
 از جمله مبالغ کلی خرج کرده اند بجهت کوه کردن و تعمیر  
 لنگرگاه کشتیها که بانجامی آیند و بار میرند که حاصل  
 رعایا بزودی و سهولت بفروش برود و لکن بعضی از اهل  
 خود آنجا بطوریکه نوشته شد ظلم کرده بودند

در شهر کل در انبار قبا افتاده بود شهر محل یکی از بزرگترین شهرها  
 مملکت پروسیه است و چونکه در کنار دریا واقع است تجارت  
 عمده بدولت خارج دارد و یک ساعت بعد از غروب آفتاب  
 ابتدای آتش گرفتن ظهور کرد چون باد شدت میوزید  
 زود بخانههای اطراف سرایت کرد و بانبار سیرم رسید نظام  
 آتش خاموش کن در آن شهر زیاد مضبوط است اما چون که  
 در اکثر خانههای اطراف انبارهای بزرگ از قبیل و کتان داشتند  
 بسبب باد شدید نتوانستند خاموش کنند بعضی از کشتیها  
 که در لنگرگاه بود میان ریاشیدند که از آتش سالم باشند بعضی  
 که آتش گرفته بود زیرش را سوراخ کرده در بهانجا غرق کردند  
 که آتش بجای دیگر سرایت نکند و هزار ذرع ازین شهر آتش گرفته  
 و کوچها و جایهای خوب آن شهر همه خاکستر و خراب شده اند  
 ضرابخانه دولتی پنج مدرسه و تماشاخانه سوخته شده است  
 معلوم نیست که چه قدر ضرر بخلق خورده است و لکن معلوم است  
 که چند کرویر بحساب پول ایران میشود در روزنامه که تاریخ آن  
 دوروز بعد ازین آتش گرفتن بود نوشته اند که حساب کرده اند  
 پنجاه میلیون فرانک بحساب فرانسه که تخمیناً کرده و پول ایران

ضرر بخلق رسیده است

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که علی افندی  
 که مدتی از جانب دولت علیه عثمانیه در برلین مصلحت گذر  
 بود بعد از مامور شدن کامل افندی برلین بمنصب وزیر  
 شکاری مشارالیه باسلامبول مراجعت کرده است و در آنجا  
 توقف او در برلین پایتخت پروسیه در امور دولتی محول نمودند  
 کمال اهتمام و غیرت و درستی عمل آورده است  
 در روزنامه برلین پایتخت پروسیه نوشته اند که آتش

در روزنامه سابق نوشته شده بود که دولت جمهوری نیکی دنیا  
 شمالی میخواهند استندیکی از ممالک کوچک ایتالیا را که مناکو مینامند  
 بخرند در سرلین مطلب خیلی کشکوشد که بعضی از دول راضی نبودند  
 که دولت فریوز زمین در اطراف بحر سیفند داشته باشند حال از  
 قرار نوشته آنها معلوم میشود که یا اصل داشت یا معاطله آنها سرکرت  
 اگر چنین کشکوشی بود پسار مخفی بود و در آنمیکه روزنامه دولی مملکت  
 فرانسه پاشد نوشته اند که این مطلب از اول اصل نهشت

۱۲۹۹

در شهر پست مملکت استریه مردم زیاد کرده و مجوس کرده اند  
 و در سایر ممالک مجار که جزو ممالک استریه میباشند نیز بسیار  
 از مردم را گرفته اند اکثرشان زاعیمان و از کیششان بزرگ  
 دین آنها هستند از صاحبان اطلاق و مردم متمول سبب گرفتن  
 و مجوس کردن این اشخاص درست معلوم نشده است  
 در روزنامه انگلیس نوشته اند که کار معدنچیان در مملکت بر  
 بسیار خوب پیش میرفت و معادن خوب کار میکردند چنانچه  
 نذار که معادن ولایت فربور با نیرتبه در کار باشند اکثر  
 معادن این مملکت از مس و قلع و معدن قلع در دو جای  
 دارند که اکثر ممالک روی زمین از ایام قدیم ازین دو جا قلع  
 میخریدند و حالا هم همینند یکی در جزیره بکار که یکی از جزایر  
 بحر هند است و یکی در مملکت انگلیس معدن قلع در ولایت انگلیس  
 از تواریخ معلومست که دو هزار سال پیش ازین در کار بود  
 و آنوقت هم قلع از آنجا بممالک اطراف بحر سفید میرفت که مصر و  
 عربستان و ایتالیا و اندلس و غیره در آن ایام مکه پیش ازین  
 قلع از ولایت انگلیس میخریدند

در روزنامه جزیره سیلیا نوشته اند که حاصل غله در آنجا بسیار  
 خوب بعل آمده بود و امید داشتند که حاصل انکور سیندر آن  
 ولایت خوب بعل یابد  
 در حساب تجارت دولت نیکی دینای شمالی نوشته اند که در  
 چهار سال گذشته چهارده هزار تنه وارپوزن هشت عساکا  
 کهنه بجهت ساختن کاغذ از ممالک خارج داخل آن ولایت شد  
 در سمت جنوب هندوستان جایی هست که جگر نات مینامند  
 که در آنجا بت بزرگ از سنگ تراشیده در روی عرابه نگاه میدارند  
 و سالی یک دفعه آن بت را دورتجا میگردانند و هندو واکه بزبان

۱۳۰۰

می آیند بعضی خود را در زیر عرابه می اندازند و خورد میشوند اما سال  
 هندو و ما زیاد با بخار گرفته اند بطوریکه آذوقه آنها را نمید و بسیار  
 از آنها از کرسنگی درهما بمالفت شدند

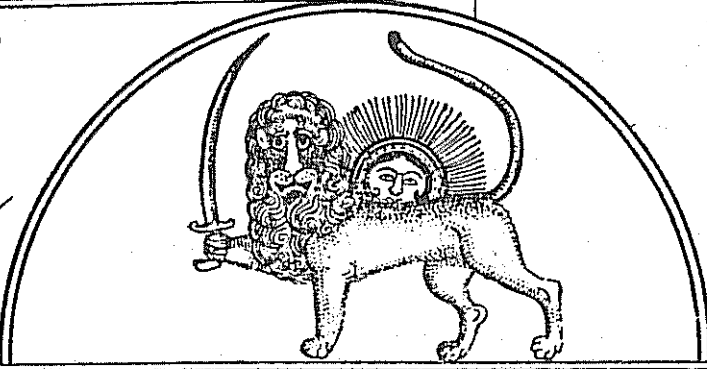
در روزنامه کشتیکه از ولایت نول نالندی آمد نوشته اند که در  
 فصل بهار گذشته وقتیکه رسیده بودند بدرج نجاد و شش  
 عرض جنوبی و صد و چهل یک طول مغربی کوهی در میان دریا  
 دیده بودند اول سه چارپشته پیدا شد بعضی یک میدان آب  
 طول و نیم میدان عرض و صد ذرع ارتفاع داشتند هوا  
 رطوبت زیاد داشت و تاریک بود و کمال احتیاط بجهت کشتی  
 داشت و وقتیکه بالای تیر کشتی رفتند از هر طرف که نگاه میکردند  
 دریا پر از کوهی بود و کمال احتیاط در رفتن کشتی داشتند که نشکند  
 بشی کشتی سبکی ازین کوهها خور و و لکن بطوری نخورده بود که شکسته  
 بشود چهار روز در میان این کوههای سیخ بودند و حساب کردند  
 که بقدر صد فرسخ دریا این سیخ را داشت تا رسیدند بکپ مان  
 که سمت جنوب نیکی دینا میباشند در میان دریا سیخ بود بسیار کم  
 اتفاق می افتد که درین درج دنیا اینقدر سیخ پیدا بشود

### اعلانات

کتابهای چاپی دار الخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید  
 باسپی در محله نزدیک دروازه دولا ب انطباع شده از انقباض  
 فروخته میشود  
 کتاب و سایر با فهرست یک جلد ده تومان  
 جنبه نظامی دو تومان و پنجاه  
 سرایر دو تومان  
 زبده المعارف دو تومان  
 صراج السعادة یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ششم شهریور الاول مطابق سال ۱۲۷۱

نزدیکیت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شش ماهی  
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار خطی که هزار  
بیشتر باشد هر خط پنجاه

اجمار داخل ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیت و ششم این ماه اعلیحضرت پادشاهی  
بجهت تفریح و تماشای اطراف دارالخلافه سوار گردیده تا  
یافت آبادت شرف بردند و الی حوالی عصر در آن اطراف  
بسیار مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک  
سلطانی مراجعت فرمودند

نظر بخدمات و حسن صدقت عالیجاه حاجی محمد بیک پیشکش  
درین اوقات از قرار فرمان مبارک بطلب غانی سرفراز گردید  
درین اوقات چون بجهت نیامدن باران غلّه قدری تسخیر  
و مردم بی انگله تشویش داشتند از آنجا که اعلیحضرت پادشاهی  
اوقات رفاه و آسایش عموم رعایا را منظور دارند حسب الامتداد  
مقرر گردید که غلّه دیوان که زیاد از حد ضرورت بود بردم بقدر  
و بقدر بکیزار حوزوار غلّه که در دارالخلافه انبار بود بخلق فروخته شود  
اطراف فردین و غیره نیز علی التوالی حسب الحکم دیوان  
می آورند و بسبب حسن تدبیر امنای دولت علیته  
رفع تشویش خلق گردیده درین چند روزه نیز یکدوم  
بارانی در دارالخلافه و اطراف آمده باعث امیدواری  
خلق گردیده و امید است که بارهجم بارندگی بشود  
و قیمت غلّه تنزل بکند که رعایا و برابا آسوده خاطر باشند

عالیجاه جعفرقلینجان سرتیپ و فوج مراغه که احضار بدار  
بها یون شده بود این اوقات برکاب فیروزی امتیاز  
اعلیحضرت شاهنشاهی آمده در میدان ارک از حضور بجا یون  
گذشتند چون دو فوج مزبور زیاد آراسته بودند و عالیجاه  
جعفرقلینجان سرتیپ آنها را با کمال نظم و شکوه آورده بودند  
لوازش و الطاف سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی گردیده  
نسبت بعالیجاه پیش از لیه از جانب سنی البجوان پادشاهی  
مرحمت ملوکانه بذول افتاد و زیاد تحسین فرمودند

درین اوقات نواب سام میرزا پیر مرحوم شاهزاده ملک از افراس  
استخط بجا یون اعلیحضرت پادشاهی منصب حلیل ملک الشرفانی نواب  
مستطاب امیر نظام سرفراز گردید

افواج قاهره نظام هم روزه در میدان خواجه مشغول مشورت  
سایر ولایات

۱۳۰۱

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند بعلت نماندن  
باران جماعت جنابان آنجا قیمت نان را گرانتر کرده بودند  
عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان مطلع شد  
جماعت جنابان حاضر کرده بمیه معھولی نمودند قدغن کرده بودند  
که ناز از قراریکه شاهی سه عباسی بفرستند حتی کیستیم  
از مغرب گذشته خود عالیجاه مشارالیه بازار رفته بود  
که از کیفیت خرید و فروش نان مطلع شود بعد از آنکه  
بود جنابان فی السجده قلبی کنند چند نفر آنها را در جماعت  
قبضه کرده بودند فردای آن روز قیمت نان ارزان شده بود  
بهرسانده بود که در سه روز گذران فروخته می شد

دیکر نوشته اند که در قریه از قراریکه آنجا نام دشتیان  
بارضا نام رعیت آنجا تراغشان شده سه چهارچوب  
پهلوی رضاناام زده بعد از دو سه روز از صدمه جان  
که بر پهلوی او زده بود فوت شده است عالیجاه چراغعلی خان  
بر این فقره اطلاع یافته فرستاده تقی نام را آورده بعد از  
ثبوت قاتل را بدست ورشه مقول داده بود و چون که پانچ  
صغیر در میان بوده است موافق حکم شرع انور قرار  
بأخذ وی واده تیبیکه بل از قاتل بچل او رده است

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند قافله  
از بهرات بمشهد مقدس می آمد و قافله هم از مشهد  
بهرات میرفته است در مابین کوستان بهرات دکان  
جمعی از سواره قرایلی با محمد شیخ بفرم تاخت و نماز آمد بودند

خبر سبخرخی رسیده رئیس آنها با قصد نفر سوار همراه خود  
برداشتند باباخان هزاره را بهم اخبار کرده بود که من  
بعهد و پیمانی که در اطاعت و انقیاد دولت علییه با نواب  
مستطاب هزاره و الاتباء فرما فرما کرده ام رجوع بشما  
ندارم برای محافظت قافله از تاخت و نماز محمد شیخ میردم  
قافله که از مشهد میرفته اند در قلعه مشهدی ریره که از توابع  
باخرزاست و نواب هزاره آنجا را امسال تعمیر کرده بودند  
توقف نموده و باباخان و محمد رضاخان هزاره در صید  
کنجا باری آنها برآمده بودند و لکن قافله که از بهرات مشهد می آمدند  
گرفتار محمد شیخ شده اسپر شده بودند خبر لجه الامار العظام  
سید محمدخان ظمیرالدوله رسید جمعیست با استخلاص آن قافله  
فرستاده بود درین بین محمد شیخ محاورت کرده بود مابین آنها  
و جمعیست بهرات و سوار جامی و خوانی و هزاره که با بدو جمعیست برنی رفته  
بودند نزاع شده اسپر دو کوفندی که سواره محمد شیخ برده بودند تا  
والگذار کرده فرار اختیار نمودند مخلوب و مسکوب شده اند و سوار  
و بهراتی قدری راه جنگ کنان آنها را تعاقب کرده چند نفر از  
ترکانمان را زخمی و مقول نموده و بعد از محبت کرده اند چون آنها  
و کوفندی که از ترکانمان استروا کرده بودند از اسرار اسلام  
و متعلق بریت این دولت علییه بودند نواب مستطاب هزاره  
و الاتباء فرما فرما و مقرب انخاقان و زیر نظام لجه الامار العظام  
ظمیرالدوله نوشته بودند که قدغن نماید سواره بهراتی اسرانی را  
که مستخلص کرده بودند و نایب از قراریکه خبر رسید پنجاه و یک نفر  
از اسرار در بهرات تسلیم میرزا محمد علی آدم مقرب انخاقان  
و زیر نظام کرده اند لکن جمعیست و پنجاه کوفندی که پس گرفته اند  
نور پس داده اند

### اجتار دول خارجه

تقسایمیه چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده چند وقت پیش ازین پادشاه سقیانیه فوت شده بود و چونکه بی اولاد بود برادرش آمده بجای او بسلطنت آنجا برقرار کردید از فتد ارکشکوی خلق در فرمگستان دور مینت که در این مملکت برهمن خوردکی بشود چند وقت پیش ازین که در کل دول فرمگستان یاغی کری و برهمن خوردکی بود درین ولایت نیز اغتشاش روی داده بود و زور پادشاه سقیانیه آن فتد ربوند که این اغتشاش را خاموش نماید پادشاه پروسیه قشون با مداد او فرستاده ولایت را آرام داد و لکن خلق رضا از پادشاه و برادرش نداشتند پادشاه که در این روز فوت شده است چندان دخل و تصرف بکار ولایت بعد آنکه آرام گرفت مینکرده امر دولتی را بوزرا و چند نفر از خواین و اگزار کرده بود خودش بسیار مایل به تحصیل علوم مخصوصا علم معرفت نباتات که در فرمگستان از جمله علوم عمده است اهل این مملکت دو مذہب از عیسوی اند اکثرشان پراتتند اند و لکن سلسله پادشاهان آنجا کتولیک اند این را هم سببی دیگر بجهت مشکل راه رفتن امر آنولایت میدانند چند بار هم در پای تخت اغتشاش شده است و همین شاهزاده که حالا پادشاه شده است در هنگام سلطنت برادرش از برتس از و حام خلق از پای تخت فرار کرد و ازین دلایل مشکل میدانند که کار این ولایت بار پیش برود از سایر دول خارجه چنانکه مناسب

روزنامه باشد بنویسد مگر آنچه در احوالات متفرقه نوشته شد

### احوال متفرقه

در گوہستان مملکت اسکاتلند که پادشاه ہر سال بجهت شکار کوزن و خوشی آب و هوای آنجا با نجایرود عمارت تازه بجهت علیا حضرت پادشاه انگلیس ساخته و سپار عمارت بازیت و خوش شکب شده در مملکت کانادہ ہینکی دنیای شمالی کہ ہر سال غلہ زیاد بخارج میفرستند اسال حاصل چنین فراوان است کہ ششصد ہزار حنہ و از سال گذشتہ پشتر است در بلوکات سمت جنوب غربی دولت جمہوریہ ہینکی دنیای شمالی ہم حاصل غلہ فراوانست و لکن در بلوکات شمالی دولت چنان کہ در روزنامہ ہمیشہ گذشتہ نوشتہ شد غلہ کم آمدہ و کم یابست

در مملکت ایرلند در و کران اسال مدخل خوب کردہ روزی سی شاہی تا دو ہزار و ستم ہزار فرد گرفتہ اند غیر از خوراک خودشان سابقا زارعین این مملکت بسیار بخارج میفرستند زیرا کہ در خود آن مملکت گذرانشان خوب نمیشد اسال سپار کم بخارج رفته اند و اکثر آنها اشخاصی بودند کہ اقوامشان رفته بودند خودشان آن قدر بی بضاعت بودند کہ نمیتوانستند کہ عقب اقوام خود خوب روند آنها کہ بخارج رفته بودند سخواہ بجهت اقوام خود فرستادہ اند کہ عقب اقوام خود رفته اند

یکی از دو سازنای مشہور فرانسیسیکویند چغری ساخته است کہ بجای کنہ کنہ بکار میتوان برد چونکہ کنہ کنہ در این سالها بسیار گران و کم یاب شدہ است اگر چنین چغری باشد خیلی بکار خلق خواهد آمد

۱۳۰۳

از جمله حیوانات غریب که در مملکت استرالیای پیدا میشود  
 قسی از طپور است که بسیار شباهت به بوقلمون دارد  
 و گوشتش را گول و بسیار خوب و لذیذ است و در جنگلهای  
 آن مملکت یافت میشود و مرغی بسیار خایف و چون  
 و غرابت این مرغ این است که در عوض اینکه مانند  
 مرغها شبانه باز در روی تخم بنشیند تا جوجه  
 برک و علف و غیره که در جنگل ریخته است در یکجا جمع میکند  
 و اینها بر روی سسم مانده بخار می کند و گرم میشود و بعد از آن  
 تخم خود را در میان آن میکند و و گاهی آمده با و نگاه میکند  
 و تخم در آنجا میماند تا بهمان حرارت بخار که از برک درخت  
 و علف منور حاصل شده جوجه بیرون می آید بعد از آن مادر  
 سایر مرغها جوجه را همراه خود میبرد و میپروراند و قطعه  
 از این مرغها بجهت تماشای ولایت انگلیس آورده اند و در  
 همانجا بهمان طریق که نوشته شده جوجه در آورده است  
 و بعضی اوقات خروش را دیده بودند که میرفت و علف  
 روی تخمها را پس کرده تا شامی کرد و لکن ماده او چندان  
 نزدیک تخمها میرفت امید دارند که این مرغها نیز مانند  
 مرغهای خانگی در ولایت انگلیس عمل آمده یا باشند  
 در اجبار بند و ستان نوشته اند که گمان داشتند که  
 دو کشتی که به تصد نفر در میان آنجا نشسته بودند دریا  
 غرق شده باشند یکی از آنها کشتی بودند که عمده از اهل  
 چین در او سوار شده بودند که بملکت کلیفاریا میروند  
 نزدیک جزیره فارموسه در بحر چین بنام جوزده و  
 کشتی کوچک در آنجا بود با باد آنجا رفت بعد و چهل و هفت  
 نفر از آنها را سلامت بیرون آورد و لکن سصد و نود

نفر دیگر آنها خود را بر روی تخت و تیرهای آن کشتی شکسته  
 بیرون از آب بود کشیده چون نه آب داشتند و زاده  
 گمان داشتند که خلاص بشوند کشتی دیگر هم از شهر مدیترانه  
 روانه شده بود که به برمه برود و غیره اگر کشتیمان سصد نفر  
 سر باز در او بود که میخواهند با ولایت بروند و از آنها  
 هیچ خبری نیست چونکه در هنگام رفتن کشتی طوفان زیاد  
 شده بود گمان دارند که این کشتی بطوری غرق شده که اثری  
 از او باقی نمانده باشد

اعلانات

اسباب چارنوٹا صاحب محدثی رعیت دولت استرالیه  
 که در سال قبل در دارالخلافه فوت شده در روز دوشنبه  
 ربیع الثانی در کاروانسرای ارمانه در محله عالیجا خواجه  
 قرابطا جراباشی بطور هراج فروخته میشود از قبیل ساعت  
 و کمانچه فزکنی و غیره است هر کس طالب باشد در روز دوشنبه  
 محله عالیجا هاشا را لیه برود

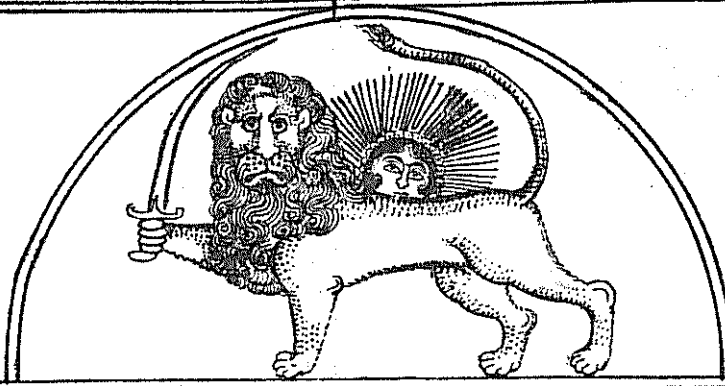
کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید  
 با سچی و گلنزدیکی در وازه دو لای الطباع شده از این قرار گرفته  
 میشود

دو تومان	وسایل بافندگی یک جلد
دو تومان و پنجاه	حمت نظامی
دو تومان	سرایر
دو تومان	زبدۃ المعارف
یک تومان	معراج السعاده

۱۳۰۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم ماه ربیع الثانی مطابق سن ۱۲۷۱

مره دولت چهار  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شاهای یک  
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره المجهول مطبوعه  
بیشتر با هر طریقی

اخبار واحده ممالک محروپه و شاهای

دارالخلافه طهران

چون هوای دارالخلافه طهران و اطراف وین اوقات بسیار خوب است و نسبت بفصل بسیار لطیمت و خرمی و لذت و رفعت گذشته اعلیحضرت پادشاهی بعضی روزها عزیمت تفریح و تماشای اطراف دارالخلافه فرموده بجهت کشت و تفریح سوار شدند و بعضی روزها را بمیدان مشرف قاهره نظام تشریف فرما گردیده ملاحظه مشق آنها فرموده

پروان آمدند و در قلوب مردم بکنوع اطمینانی از این باریدگی حاصل آمد و فی الحقیقه در آن روز از مبارکی قدوم نزلت اعلیحضرت شاهنشاهی دو رحمت بابل ایران نازل شد یکی نزول رحمت جهانی و یکی شمول رحمت طائفی

طایفه اعراب و سید ثوبی پسر امام مسقط در تابستان بسای بنای خود سری گذاشته بی خبر جمعیت زیاد بدو در بند عباس آورده آنجا را که ملک مختصی این دولت علیه است تصرف نموده این اوقات حسب الامر مقرب الخاقان عبدالغفار

در روز یکشنبه سیم شهر ربیع الثانی سرکار اعلیحضرت تشریف فرمای خانم جناب جلالت تاب اشرف امجد اکرم صدر افخم شده بنهار در آنجا صرف فرموده تا عصر در آنجا تشریف و بعد از صرف عصر اینه و چای معاودت بمرسلطت عظمی فرمودند و از حسن اتفاقات در آن روز که از جانب سنی ابواب مابون این نوع رحمت خاصی در باره جناب معزی الیه مبذول افتاد با اینکه مدتی بود که در دارالخلافه بارندگی نشد هیچ خلق منتظر رحمت الهی بودند از صبح آرزوی غروب چنان بارندگی که همه مردم از اضطراب و تشویشی که بسبب نیامدن باران داشتند

میر پنجه پسر امیر الامرار نظام محمد حسن خان سردار حکمران و کرمان با فوج کرمانی ابو الجحشی امام علی خان سرهنگ فوج خیران قراقرز و ابو الجحشی عالیجاه رستم خان سرهنگ فوج و سواره کرمانی که پنج شش هزار نفر قشون و سوار کرمانی بوده عزیمت بند عباس کرده با متحد و فرستند و از آن طرف هم امیرزاده عبدالباقی میرزا پسر نواب مویذ الدوله حکمران فارس با مقرب الخاقان عبدالغفار صادم الدوله و دو فوج ابو الجحشی او و عالیجاه رضاقلینجان با فوج عرب ابو الجحشی او و استعداد و جمعیت عزیمت قله فرورده کرده روز دوم شهر ربیع الاول

۱۳۰۵



وارد آنجا شده اند و چند نفر با جرم و مردمان که قدس نشینند  
سید توپنی پسر امام مسقط فرستاده هر چه اورا نصیبی و دولت  
کرده اند مفید فایده اتفاق بیفاده است و سنکر بیار محکم  
بفاصله پانصد قدم از قشون دولتی با جلیت و سب در مساخته  
و خاکریز کرده اند و سه غراب بزرگ و ده بجه کوچک  
در نزد یک قلعه میان آب دریا لشکر انداخته ایستاده بودند  
و دو عراده توپ در سنکر گذاشته و بیت و پنج عراده  
در سر قلعه گذاشته بودند قشون دولتی هم بعد از مشاهده  
این حالت هر چه سرباز و تفکیچی و غلام و مهاجر بوده صفیاً  
کرده هزار قدم از اردو جلورفته بودند که بلکه از اعراب از  
قلعه و سنکر بیرون آمد مشغول جنگ شوند چند توپ از  
دریا بقشون دولتی انداخته اند کلوله با آنها نرسیده است  
بقدر دو ساعت در آنجا ایستاده بودند دیگر از اعراب  
حرکتی ظاهر نشد بود قشون دولتی هم آرامی گرفته برآ  
باردوی خود کرده بودند و تا هشتم ماه ربیع الاول قشون  
فارس و کرمان بملاحظه اینکه تازه وارد شده بودند و حواشی  
بودند آرامی بیکرند صبر کرده بودند و در هشتم ماه جمیع قشون دولتی  
بالاتفاق حاضر شده از یک طرف مقرب انخاقان عبد الله خان  
میر پنجه با قشون کرمان و توپخانه و از وسط مقرب انخاقان  
صهارم الدوله با افواج جمعی خودش و از طرف دیگر امیران  
و رضا قلیخان با فوج و توپخانه جمعی خود صف آرانی کرده بودند  
بسکری اعراب برده بودند طایفه اعراب از یک طرف از  
سنکر توپ می انداخته اند و از یک طرف از قلعه تیر می انداخته  
و از یک طرف این سمت دریا که نزدیک بقشون دولتی بوده اند  
از غرابها توپ خالی میکرده اند تا چهار ساعت تا بین قشون دولتی

۱۳۰۶

و اعراب جنگ و نزاع اتفاق افتاده با اینکه قشون دولتی  
سنکر و قلعه نداشتند اندک دفعه علی الاتفاق با تفک و شیر  
نزدیک سنکر اعراب رفته آنها را از سنکر بیرون کرده اند  
و دو عراده توپ و یک خمپاره که در سنکر گذاشته اند  
و سه بارش از دست اعراب گرفته اند بعضی از اعراب فرست  
ایکة بقلعه بروند مکرده خود را بدریا انداخته و برخی فرار کرده  
قلعه رفته اند و بعضی اسیر و مقتول شده اند و از طرفین جمع کثیری  
بقبل رسید تا اینکه قشون دولتی قلعه مزبوره را تصرف کرده  
مفتوح داشتند و سید توپنی پسر امام مسقط بعد از مشاهده  
این احوال تاب مقاومت نیاورده با سپر خودش و دو  
کنیز کرجی که همسراه داشته از دروازه طرف دریا بگشتی  
نشسته فرار کرده است و لکن سید نفراز اعراب بدو بیخ  
قلعه و لند نیز رفته از آنجا بطرف قشون دولتی کلوله انداخته  
می کرده اند تا اینکه قشون دولتی یک شبانه روز جنگ کرده  
یورش بان دو برج برده داخل میان اعراب شد مشغول  
و محاربه شده اند و اعراب را مغلوب و منکوب و آنها را  
مقتول و دستگیر کرده اند و از قرار تقریر چا پاران شیخ عبدالرحمن  
تشی و شیخ سعید شیر زاده شیخ سیف که نشا اینستند  
و فساد و محرک پسر امام مسقط بوده اند در آن دو برج و لند نیز  
بوده بقبل رسیده اند و لکن تا هنوز خبر صریحی در خصوص قتل  
این دو نفر نرسیده است تا از روی تحقیق نوشته شود  
و چون چا پاردیوانی از طرف فارس و کرمان مرده فتح و  
تصرف قلعه بندر عباس را در کمال تعجب خدمت اوبیای  
دولت علیه آوردند بعالجه اسمعیل خان چا پارچی باشی کلانی  
شال کشیری از جانب سنی انجواب اعلیحضرت شایسته

خلعت مرحمت شده در باره هر یک از چاهاران کرمان و فارس بکفاه شال کرمانی خلعت عیاشی

و جان نثار بر اهل آورده خدمات آنها مستحق و مقبول است ملوکانه گردیده لهذا در ازای خدمات آنها از اینقر خلعت

عالیجاه مقرب انخافان میرزا مصطفی قلی مستوفی که محاسبات خراسان را پر داخته عزیمت دارالخلافه نموده بر کاب مبارک می آید این روزها وارد شده شرف اندوز حضور های یون و مورد احترام ملوکانه گردید

عالیجاه مقرب انخافان عسکرخان / عالیجاه امامقلیخان سرمنگ سرسبز / فوج هفتم

شمشیر غلاف / کل مرصع / نشان اول حمایل سفید شال / و فلان طلا / قطعه / قطعه / رشته / طاقه

چون مقرب انخافان میرزا احتیاجان نایب الحکومه عراق در نظم امور عراق کمال اهتمام نموده محاسن انتظامات او بعضی خاکپای مبارک سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بارنانه هم انقاد حضور های یون داشته بود یکشوب جنبه ترمیم بر رسم خلعت از جانب سنی انجوائب های یون بافتن عالیجاه مشارالیه رحمت و ارسال شد

در وجه چهار نفر یا در / در وجه سایرین / عالیجاه فتح البید / عالیجاه قزوینی / نشان شال / نشان شال / نشان شال / قطعه / قطعه / قطعه / قطعه / قطعه / قطعه / قطعه / قطعه / قطعه / قطعه

نظر بخدمات عالیجاه محمودخان کلانتر درین اوقات خدمات استحقاق و مقبول خاطر اقدس های یون اعلیحضرت شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده از جانب سنی انجوائب ملوکانه یکشوب جنبه کرمانی بسیار خوب اعلی بجالیجاه مشارالیه بر رسم خلعت مرحمت گردید

و نشان در حق آنها رحمت گردیده در خص خانه شدند و عالیجاه عسکرخان بجهت انجام بعضی امورات خود چندی در کاب های یون توقف نموده بود این روزها روانه آذربایجان گردید

### سایر ولایات

کرمان از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند خلعتی که از جانب سنی انجوائب ملوکانه بجهت امیرالامرا العظام محمد حسن سردار حکمران یزد و کرمان مصحوب عالیجاه حبیب اللهخان قاجار انقاد شده بود در سیم ماه بیج الاول بر تو وصول انکنند امیرالامرا العظام مشارالیه در باغ خارج شهر خلعت های یون رازیب برود و شش مهابات خود ساخته و صرف شربت و شیرینی نموده و بقاعده منسّمه اجرا شد شیک توپ نموده لوازم توفیر و احترام خلعت های یون بعین آورده اند

چون عالیجاه نصراللهخان مباشر خالصجات کیدان و جوه قسط دیوانی را خوب رسانیده از عنده خدمت محول بقرار شایسته برآمده بود لهذا بکفاه شال ترمیم و یکشوب قبای رزمی از جانب سنی انجوائب اعلیحضرت شاهنشاهی بر رسم خلعت بافتن را و رحمت و ارسال شد

چون دو فوج هفتم و ششم افشای جمعی عالیجاه مقرب انخافان عسکرخان سرسبز دو سال در سفر خراسان لارمه خدمت

۱۳۰۷

# فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند در روز ششم  
صفر که عید مولود مسعود اعلیحضرت پادشاهی بود نواب  
مستطاب شاهزاده والاتباع مویده الدوله طاسب میرزا  
حکمران مملکت فارس در میدان در ب خانه بساط سیلا  
کترده جمیع اعظام و اشرف و خوانین عظام و صاحب  
نظام و غیره در کمال شکوه و آراستگی حضور بهم رسانده  
اجرای شلیک توب نموده و لوازم جشن و سرور و  
شادمانی بعل آورده اند

دیگر نوشته بودند که بر حسب حکم نواب مویده الدوله ایالت  
کوکینلو به نواب امیرزاده لطفعلی خان معوض و مرجوع گردید  
و نواب معزی الیه با فوج ایالت قشقایی نقل مکان بخارج شهر  
نمودند که رفته در مقام مشیت و ایصال مال دیوان انصاف برآید

قتیبه اجناس شیراز را در این اوقات نوشته اند که در حرم و سایر  
چهار تومان و نیم وجوه تومان و سایر اجناس نیز بهین نسبت تسعیر و  
دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده مویده الدوله باقتضای  
امور ولایت عالیجاه نصرالدخان لاری را که باعث اختلا  
امراض صفیات بود حکم کرده اند گرفته در توپخانه بقراول  
انداخته اند و سالی بقصد و بچاه تومان بجهت معیت او  
معین نموده و محل داده اند که گرفته صرف گذران عیال  
خود نماید

دیگر نوشته اند که شخصی که آنی مرکب قتل یک نفر از آن  
یادیه شده بود که مقتول آمده مراتب را بعض نواب  
مویده الدوله رسانده نواب معزی الیه محصل بعین فرمودند

قاتل را گرفته بحضور آوردند بعد از تحقیق و رسیدگی که  
محقق گردید او را حکم کردند بدست در شته مقتول دهند که  
قصاص نماید پیره زالی که مادر مقتول و وارث شرعی او بود  
زنجیر قاتل را گرفته بمیدان برده خوابانده بود و سنگی برد  
انقدر بسر و مغز او کوبیده بود تا او را هلاک کرده و قصاص  
خون پسر خود را نموده بود

دیگر نوشته اند که محمدقلیخان کلک زن که از اهل این و حشام  
و سالها بود که بسرقت و شرارت اشتغال داشت  
و پیوسته دست اندازی بقوافل و مترودین مینمود بر حسب  
حکم نواب شاهزاده مویده الدوله مقرر گردید که مقرب الخاقان  
محمدقلیخان اینجانی او را دستگیر کرده بحضور نواب معزی  
بیاورد مشار الیه او را گرفته بحضور نواب شاهزاده آورد  
چون زیاده مصدق و بسرقت و شرارت شده بود حکم  
نواب معزی الیه بسرای علی خودید

حکم نواب شاهزاده مویده الدوله عالیجاه محمد کریم خان باور  
با چهار صد نفر سربازان فوج فریدن مامور روانه باخلو  
بندرا بوشهر گردیدند

## اخبار دول خارجه

انگلیس علیا حضرت پادشاه انگلیس در عمارت وزیر  
که نزدیک شهر لندن است تشریف داشتند تا  
کاغذ اخر که ازین ولایت سید روز چنبه و هم صفر بود

جناب جلالتاب لارده پاستور وزیر امور اتا خله  
بنا داشت بشهر پاریس برود که بخدمت اعلیحضرت  
امپراطور فرانسه برسد

### عجمان

تاریخ روزنامه آخر که از اسلامبول رسید رویش نوشته  
 ربع الاول بود و در آن تاریخ در روزنامه که بزبان  
 فرانسه چاپ میزند نوشته اند که بربط دستخط های  
 اعلیحضرت سلطان محمد رشید پاشا وزیر دول خارجه  
 جلیل صدرت عظمی سرفراز گردید و همچنین پاشا که سابقا  
 وزیر اعظم بود معزول شد و در جای دستخط عالی پاشا  
 میر مجلس مشورتی نایبهاست بجای جناب رشید پاشا که  
 صدر اعظم شده است و وزیر دول خارجه گردید تاریخ  
 دستخط های یون دوم ربع الاول بود و در همان روز  
 جناب رشید پاشا و جناب عالی پاشا بیاب عالی رفیق  
 هر یک بجای مخصوص منصب خود قرار گرفتند و کل  
 انمای دولت بمبارکبادی منصب وزرا اند

باینطور نوشته اند کدم فرسفت روم ایلی کیده چیل و  
 فروشش تا پنجاه و سه فروش کدم سفید نرم روم  
 از چهل و پنج فروشش تا پنجاه و سه فروش کدم وسط چیل  
 دو فروشش رزت بیت و هشت فروشش و هشت  
 فروشش جو بیت و هشت فروشش تاسی فروشش  
 در جزیره رودس هم غله ترقی داشت چونکه این جزیره  
 جای خرید و فروش غله است مردمی که شنشان دادند  
 غله است در آنجا جمع می شوند حاصل آن هست فراوان  
 بود چند نفر از دولتمندان آنجا که صاحب تخواه بودند غله  
 و بنای انبار داری گذاشته بودند که اگر غله در دست  
 خودشان باو کران بفرستند

ایضا در همین روزنامه نوشته اند که درینت و دویم  
 صفر چنان طوفان شدیدی در قراقرم و مالک آن اطراف  
 شده بود که هیچکس تا بحال چنین طوفانی نجا طنداشت  
 حتی مردمان بسیار پیر و عمر طوفان باین شدت و امواج  
 باین بلندی یاد ندارند بسیاری از کشتیها شکسته و غرق  
 شده اند و ضرر زیاد به تجار خورد است

وزیر مختار دولت اسپانیول بقیم اسلامبول در تاریخ  
 ۲۷ صفر از اعلیحضرت سلطان اذن مرضی حاصل کرده  
 بود که تاملتی بوطن خود مراجعت نماید و بعد از چندی که در  
 وطن خود اقامت کرد باز آمد بجای خود و فرار باشد

### فرانس

کفکونی مابین این دولت و دولت جمهوری سیکلی دنیا  
 شمالی شده است در خصوص موسیو سوله که سابقا وزیر  
 مختار بود در دولت اسپانیول مشارالیه اصلش فرانس  
 و چند سال پیش ازین بجهت اینکه در اعتقائش فرانس  
 دخل و تصرف کرده بود اخراج بله شده و از آنجا به سیکلی  
 دنیا شمالی رفت و نوکر آن دولت شد بمنصب وزیر  
 مختاری مامور پای تحت اسپانیول گردید و لکن حکم فرانس  
 او را محکوم فرانس باز برقرار است و درین چند سال که  
 بدولت اسپانیول ماموریت المچی گری میرفت از خاک

اجناس در اسلامبول موافق روزنامه ها که نوشته اند  
 و موافق نوشته جات تجار قدری ترقی داشت کدم هر یک که  
 چهل حقه میباشد سابقا سبی و هشت فروش و چهل فروش  
 فروخته میشد حال کمتر از چهل و دو فروش فروخته میشود  
 آنهم کدم وسط و سببش این بود که بجهت باد مخالف کشتیها  
 که غله بار کرده بودند با اسلامبول نمی آمدند و قیمت اقلام خیر را

۱۳۰۹

فرانسه عبور کرد و لکن در آنجا توقف نکرد حال که چنانچه  
 در روزنامه سابق نوشته شده است دوستی ما بین  
 دولتین اسپانیول و جمهوری یونانی دنیای شمالی از هم  
 زده است و خودش از خاک اسپانیول بیرون  
 آمده است میخواست در مملکت فرانسه مکث و توقف نماید  
 و زیر امورات داخله فرانسه حمایت کرد و از آنجا موسیوی  
 بولایت انگلیس رفته است در خصوص مشارالیه در روزنامه  
 دولتی فرانسه که ما نیز مینامند نوشته اند که سابقا  
 که موسیو سولارین مملکت عبور میکرد با کمال عزت و حرمت  
 از آنجا عبور میکرد حالا که بنای توقف است باز با کمال  
 عزت و حرمت او را خبر کرده اند که توقف او در فرانسه  
 ممکن نخواهد بود و امنای دولت جمهوری یونانی دنیای شمالی  
 بناید از این معنی کلمه مند و منحور باشند زیرا که قاعده  
 این است که هر دولتی اختیار انتظام امور خود را باید  
 داشته باشد خصوصاً در باب اهل دول خارجه که  
 اگر نخواهند که یکی از اهل دول خارجه در دولت خود ساکن  
 بماند میتوانند آن شخص را از آنجا بیرون کنند بدون  
 اینکه سبب آنرا برانمایند تاریخ کاغذ آخر که از پاریس  
 آمده است بوم شبیه دوازدهم ماه صفر المظفر بود  
 اردوهای مشرق شمال مملکت فرانسه که مدتی در بلون  
 جایهای دیگر جمع شده بودند درین روز نامخص  
 متفرق شده اند  
 بند و کستان  
 موافق روزنامه های این ولایت در کل آن صفحات اقیانوس

و ارامی بود که در مملکت برتبه که هنوز درست نظم نگرفته است  
 در چین نزدیک بکانتان کار یاغیان در پیش بود و چنانچه  
 که همیشه با نجاشی آمد و داد و ستد چای بجهت اکثر روی  
 از آنجا می شد کم یاب شده است مدت یکسال می شود  
 که قشون یاغیان نزدیک پای تخت هستند و لکن زورساز  
 میرسد که رفته پای تخت را بگیرند و زور پادشاه نیز  
 تقدیر است که آنها را قلع و قمع نماید و متفرق بکنند قشون  
 از اهل تاتارستان که نسبت با اهل چین بسیار است  
 جنگی و شجاع هستند با نجاشی آمده اند و امید پادشاه  
 می کنند و نگاه داشتن پای تخت از رشادت آنها  
 شده است در اکثر سایر ممالک چین کار یاغیان پیش  
 و لکن در هر جایی که قرار گرفته اند نظم تمام در اولایات  
 نگارنده است و بیچکس از آنها بعد از اطمینان از جنگی  
 ندیده و کلمه ندارد  
 چند سال پیش ازین یکی از اهل انگلیس یکی از خبررسانند  
 رفته بود و در آنجا جمعیت بدو خود جمع کرده و در اولایات  
 تسلط یافته بود و اسم این شخص سر جان بروک بود و  
 مدتی در اولایات حکمرانی میکرد و در دریای آن سیت  
 نظم تمام گذاشته بود و چونکه آنجا جانیت که دایم الا  
 دزدان رفته کشتی تجار را تاخت کرده و اهل کشتی را می  
 حاکم نموده بر پیوسته با این دزدان جنگ می کرده چنان  
 دزدان را تنبیه سخت نمود که آنجا که سابقا نهایت  
 اغتشاش داشت در آن اوقات کمال امنیت بهم  
 بود و لکن در جنگ با دزدان مبرور خونریزی و خایه  
 کشتی سوختن زیاد می شد درین بین بعضی از اهل انگلیس حاکم

۱۳۱۰

مرزور نسبت به رحمی دادند و بر حسب عرض خلو دولت  
 اورا از آنجا برداشتند که در بعضی مواد تحقیق شود از فر  
 روزنامه هندوستان اجدا از برداشتن حاکم مرزور از  
 جزیره وزدان باز سر برداشته اند و اذیت زیاد نسبت  
 مبرودین آن در یامی کنند و اهل ممالک آن اطراف بسیار  
 افسوس از برداشتن حاکم مرزور از آنجا میجوید

**سایر ممالک خارجه**

مشورخانه خوانین و وکلای رعایای دولت بلژر آنجیمه از  
 صفر خیر کرده بودند که در بر و سلسله پای تخت آنجا جمع  
 بجهت انجام امور دولتی مشورخانه مملکت دینارک هم  
 شده بودند و احکام به بلوکات آن مملکت رفته بود که  
 از خلق وکیل معین کرده پای تخت آنولایت نفرستند  
 مشورخانه مملکت اسپانیول تبار پنج شانزدهم صفر  
 کشوده شده بود و خود پادشاه با آنجا آمده و بعضی  
 لانه که ضرور بود با اهل مشورخانه و خوانین فرموده بود  
 پادشاه پور تو قال که مدتی در ممالک فرنگستان گشت  
 سیاحت میکرد و تبار پنج خنده دوازدهم ماه ذیحجه بر  
 بلژر یون پای تخت مملکت خود کرده بود و اهل آنجا از  
 خوانین و رعایا عموماً با کمال شرف و شادمانی اورا استقبال  
 کرده بودند

مفل پیک صاحب منصب مهندس فرانس که مدتی در  
 مصر مانده بود و میخواست بندی در رود نیل باز  
 درین روزها باز بلولایت مصر آمده است ابتدای سابقین  
 بند رود نیل در ایام عباس پادشاه بود بعد از آن بجهت  
 احرا جانش موقوف شده بود حال صاحب منصب مرزور

امید دارد که سعید پاشا و االی آن مملکت بند مرزور تمام  
 بکنند تا بحال شش کرور و نیم حساب پول ایران در میر  
 بند خرج کرده اند و تا تمام بشود باید همین قدر هم خرج  
 و لکن چونکه زمین مصر تجبه بی آبی لم بزرع مانده است اگر  
 این بند بسته بشود حساب کرده اند که حاصل بصیرت  
 مقابل بلکه سی مقابل زیاد تر خواهد شد و امید دارند  
 که درین ایام بند مرزور تمام نمایند

**احوال مصر**

کرستینه و الهه پادشاه اسپانیول درین روزها  
 با بعضی از عیال خود به پاریس پای تخت فرانسه  
 موافق روزنامه نیکی دنیای شمالی حاصل پنجه سال گذشته  
 که در روز چهار صد و سی هزار لنگه بوده است و از  
 سالهای گذشته کمتر آمده است بلکه سیصد هزار لنگه  
 از سال گذشته کمتر آمده است

از آن ماههای بزرگ که سال بسال اهل بعضی ممالک  
 بحر منجر بشکار او میروند اما سال در سمت کناره مملکت آنجا  
 و بعضی از آنها بدست اهل سواحل آنجا افتاده اند و حاصل  
 از رعین آنها دریافت کرده اند

چنانکه در روزنامه سابق نوشته اند بنا دارند سیم حرج نسی  
 در زیر بحر سیه از فرنگستان تا مغرب زمین بگذرانند تا بحال  
 دو سیم تمام کرده و گذاشته اند در روزنامه مملکت ایطالی  
 نوشته اند که سیم دیگر که سیم سیم باشد از جزیره  
 ساردانی مغرب زمین گذاشته و تمام کرده اند

۱۳۱۱

مکه راجه دهل ب سینگ که پسر رنجی سینگ حکمران سابق  
 پنجاب بود بعد از آنکه آنولایت بدست آقا داد اورا برده  
 در ولایت هند ساکن گردید مدتیست در ولایت  
 انگلیس است و در روزنامه آنولایت نوشته اند که در  
 کوهستان مملکت اسکاتلند کشت میساخت میکند  
 سیم چرخ آتشی که در هندوستان می کشند بنا دارند  
 از هندوستان تا رنگون مملکت برمه هم ببرند از  
 ولایت پکو میگذرد تا رنگون میرسد در سمت دیگریم  
 از رودخانه براس رسیده است و درست شمال غرب  
 هندوستان این سیم را حاضر کرده اند که از رود سطلج تا ولایت  
 پنجاب بکشند بطوریکه وقتی که این سیمها هم کشیده شد  
 از کل ممالک هندوستان در چند دقیقه بگلگت پای تخت  
 و سایر شهرهای بزرگ حشر میرسد

در بنجاب هندوستان سال بسال تریاک زیاد بعمل می آید  
 و داخل عمده اهل آن مملکت همین تریاکست در روزنامه تجارت  
 حساب کرده اند که حاصل تریاک اسال چهل و هشت  
 هزار صندوقست

قاعده است در مملکت انگلیس در فصل دروغه بسیار  
 از اهل ایرلند بان مملکت می آیند که حاصل را در و نمایند  
 اسال بجهت کثرت شغل کمترین رفته اند و فرد زیاد هم  
 گرفته اند در بعضی جای روزی چنبر اجرت در روز  
 در روزنامه اسپانیول نوشته اند که در ویای سان کدشته  
 از شهر بارسلون ششزار نفر تلف شده اند و چون که  
 جمعت آن شهر تخمینا صد و هشت هزارست از آن شهر

از هر هفت نفر یک نفر تلف شده اند و این نسبت بسایر  
 شهرهای فرانکستان خیلست که و با این قدر آدم در آنجا  
 تلف کرده باشد در شهر لندن اکثر اوقات که و با در آنجا  
 افتاده است از هر سیصد نفر یک نفر برآورد کرده اند  
 که تلف شده است

در فرانکستان روز بروز اسباب زیاد از چودن و  
 این میسازند چونکه بسیار کم قیمت است و حمل و نقل آن  
 نیند باسانی میشود از جمله درین روزها تماشاخانه بجهت  
 مملکت استرالیادرو ولایت انگلیس از چودن ساخته  
 خانه مزبور دو از ده زرع و نیم ارتفاع دارد و ده زرع طول  
 و شش زرع و نیم عرض و بتدریک زرع و نیم در میان  
 خاک می نشیند قهوه خانه و راهس و پله همه چیز تمام دارد  
 و هر را پارچه پارچه کرده میان کسی گذاشته زوان  
 کرده اند

اعلانات

کتابهای چاپی دارالمخلاف طهران که در کارخانه حاجی  
 عبدالمجید باسچی در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شد  
 از این کتابت فروخته میشود

- وسایل باهرست یک جلد ده تومان
- نسخه نظامی دو تومان و پنجبرار
- سرایر دو تومان
- زبدۃ المعارف دو تومان
- معراج السعاده یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه چهارم رجب الثانی مطابق سال بارسی ۱۲۷۱

منظومه دارالخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یکسطل ایچا سطر کله باره  
بیشتر با هر سطر پنج



بزه و یوب و بیخ  
قیمت روزنامه  
یک نسخه دو شاهی  
ه تومان و چهار هزار

### اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلاف طهران

در روز یک غروب آفتاب بارک مبارکه سلطانی و مقر  
سلطنت عظمی معاودت فرمودند  
این روز نظر بشمول رحمت طوکانه در باره مقرب الخاقان  
عین الملک از جانب سنی اجزای طوکانه یکسطل کلجی  
خزاز طوکوس بن مبارک با فقار مقرب الخاقان  
مشاریه خلعت محبت و عنایت شد

در روز شنبه گذشته سرکار اعلیحضرت پادشاهی دربار  
الماس نشسته بار سلام عام داوند امنای دولت  
علیه و مقربان حضرت کردون بسط سینه و ضامن  
نظام و سایر اهل سلام شرفیاب حضور مبارک گردیدند  
هر یک در مرتبه و مقام خود ایستادند و عالیجاه محمد  
که نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مؤید اله و له حکمران  
فارس با فتحنامه بند عباسی بخاک پای مبارک فرستاده  
بود و در بین سلام شرفیاب حضور مبارک گردیدند  
بندرم نور در حضور جایون خوانده شده و صد نیزه  
و سید نفرزنده که در جنگ دستگیر گردیده بودند  
سرمه را با اسب پیشکش که نواب معزی الیه فرستاده  
بود از حضور مبارک گذرانیده و آنها را که در جنگ  
شده بودند معروض پیشگاه جایون گردید که در عقب اند  
و این روزها وارد خواندند گردیدند

محمد علیخان بختیاری مدتی بود که بنای هرزگی و شرارت  
گذاشته قلعه دزرا که بسیار محکم است محکمه خود قرار داده  
بود و ماظنمان حصانت قلعه فرورده هر روز صد نیزه  
شده چنان میدانست که محاصره و گرفتن در امرت محال  
و آنجا را نمیتوان تصرف کرد این اوقات امیرزاده  
ابراهیم میرزا بجهت رفع دفع آثار هرزگی او جمعیت و  
استعدادی فراهم آورده بادیست نفر از فوج عالیجاه  
محمد اداخان سرتیپ و خود عالیجاه مشارالیه روانه  
طرف دز شده بودند و بختیاری هم تا کید کرد  
بودند که بطرف دز بیاید با جمعیت خود پس از آنکه امیرزاده  
با فوج و جمعیت بختیاری وارد آنجا شده بودند با آنکه

در روز یکشنبه اعلیحضرت پادشاهی بجهت تفریح اطراف  
دارالخلاف سوار گردیدند و تا حوالی عصر بتفریح و سیاحت آن



جای بسیار محکم و کوه بسیار صعبی بوده است حکم مجازاً نوشته بودند در شهر ربیع الاول خود عالیجا پیشانی  
 کرده همه روزه در پای قلعه فرورفته بنای مجاد که داشته بیوک بر خوار رفته قرار نشد آنجا را موافق قاعده داده  
 بوده اند و راه و رخنه که بوده است همه روزه از دست کمال مهربانی و دلجویی در باره رعایا بعمل آورده مرا  
 محمد علی خان نجیب ساری گرفته نادروازه دینگر زده و از بیهر کرده است و بعد از آن در شرفانی شهر فرور  
 هر طرف راه آنها را مسدود کرده بودند و تا سه چهار روز بیوک لیجان و لیجان رفتن کل دات این  
 بهین منوال عرصه را بر محمد علیخان و جمعیّت و تنگ کرده و بیوک را سرکشی نموده قسار نشق آنها را بطور شایسته  
 چهارشنبه شانزدهم شهر ربیع الاول تفنگچی و میر که با امیرزاده بوده اند بصوابه امیرزاده شش ساعت از  
 شب گذشته یورش برده دروازه که محل شهر خود محمد علیخان بوده است گرفته بودند و بعد رعبیت نفر اجمعیّت محمد علیخان  
 مقتول و زخمدار شده بودند محمد علی خان بعد از مشاهده این احوال تاب مقاومت نیاورده همان شب با سیاهان  
 خود از قلعه در سپاهین انداخته فرار کرده بود و لکن امیرزاده ابراهیم میرزا تا صبح بر فرار کردن او مطلع نشده بودند  
 بعد از آنکه اطلاع یافته بودند فردای آن شب چند نفر از تفنگچی حینقلی دان را عقب او فرستاده بودند بلکه  
 او را بگیرند مشا را الیه سم تا عصر آنروز با جمعیّت خود از فراری که در روزنامه اصفهان نوشته بودند بعد از آنکه  
 معاف او رفته اثری از او نیافته بود بعد از آن امیرزاده ابراهیم میرزا اللهیارخان را با دو سیت تفنگچی خود  
 و صد نفر تفنگچی حینقلی خان روانه کرده بودند که بکوه کرسیرا رفته در هر جا که هست محمد علیخان را بدست آورده  
 سایر ولایات اصفهان از فراری که در روزنامه اصفهان نوشته  
 عالیجاه چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان در نظم  
 و نسق بلوکات اصفهان کمال اهتمام دارد از جنبه کمال خوبی و پاکیزگی لوازم تغذیه داریرا بعمل آورده است

۱۳۱۴

### استرآباد

چون مقرب الخاقان محمد و لیخان بیکر کی استرآباد در  
 نظم امور و ولایتی و امنیت آن حدود و دفع و رفع آثار  
 شرارت و هرزگی طایفه ضاله ترکمانی و حفظ شعور  
 کمال مراقبت و اهتمام خود را ظاهر ساخته محاسن اینها  
 خود را بیش از پیش منبسطه ظهور رسانده بود لهذا این اوقات  
 از جانب سنی ابراهیم سمرکار اعلیحضرت شاهی  
 یک قبضه شیر براق طلای کل مرصع بافتار عالیجاه  
 مشار الیه رحمت و عنایت گردید

### خراسان

از فراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند جعفر آقا  
 کلاتی که چندی پیش بعد از تصرف کلات فرار کرده از آنجا  
 بچقوق رفته بود از آنجا مراجعت کرده بقرایاب آمده و  
 قریب یکمزار نفر سواره قرایابی همراه خود برداشته  
 بدور کلات آمده است و خواسته است از راهی که  
 چند نفر سرباز در آن راه قراول بوده است در چل  
 کلات شود سربازان مرنور خبردار شده بنیای شکیلیک  
 بودند خبر بجالیجاه میرزا ابراهیمخان سرتیپ رسیده بود  
 قدری سرباز بکوک آنها فرستاده بود قریب پنج شصت  
 سرباز را دعوا کرده با اینکه شب بوده است شکت فاش  
 بسواره مرنور را داده همسر امتواری ساخته و چنگ  
 از آنها را بقتل رسانیده بودند و چند نفر از آنها را زخمی  
 کرده بودند عالیجاه میرزا ابراهیمخان سرتیپ آن پنج  
 سرباز را بمشهد مقدس خدمت نواب مستطاب شاهزاده  
 خشم و الاتبار فرمانفرمای مملکت خراسان و رسانده

و پنج نفر از آدمهای جعفر آقا از نزد او فرار کرده روز شنبه  
 ۲ ربیع الاول خدمت نواب معزی الیه آمده از فراریکه  
 عرض کرده بودند یک برادر جعفر آقا هم زخم کلوله برداشته  
 و در حالت نزع بوده دریا ده از یکصد نفر هم از سواران  
 او زخمی شده اند

و دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شاهزاده خشم و الاتبار  
 مملکت خراسان درین اوقات مشغول دیدن سان علامان  
 عراقی و خراسانی میباشند و قدغن نموده اند که سان  
 آنها را لشکر نوبیان بدقت دیده مواجب آنها را  
 بپردازند و در اسب و اسلحه و تدارک هر چه تا مامی داشته  
 باشند تهیه و تدارک نمایند که در وقت ماموریت بخدمت  
 بهیچوجه معطلی در تهیه و تدارکات آنها نباشد

### عربستان

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب  
 شاهزاده و الاتبار احتشام الدوله در ۷ ماه گذشته  
 نسبت عربستان حرکت نموده در روز دهم وارد خرم آباد  
 و در ۱۱ از آنجا نسبت عربستان حرکت کرده اند  
 دیگر نوشته اند که دولت نرف فرج مراغه که بر حسب امر اولیا  
 دولت علییه امور خدمت نواب مستطاب احتشام الدوله  
 بودند در بیت و یکم ماه گذشته وارد بروجرد شده اند  
 که از آنجا روانه عربستان شوند و چون در عرض راه  
 بهم میرسید قبل از ورود آنها صاحب احکم نواب شاهزاده  
 احتشام الدوله سیورسات این سرباز و سیورسات  
 فرج خدا بند لورا که مامور عربستان هستند در عرض راه  
 کرده اند که معطلی در راه نباشند

۱۳۱۵

### کرمان

۱۴

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند دو  
 و شکور یک فرستادگان جناب سردار کمند خان  
 حکم آن قندار که عیضه بدر باره ایون می آوردند در  
 کرمان امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران  
 یزد و کرمان آنها را احضار داده نگاه داشته و عیضه آنها  
 بدر باره ایون روانه نموده بود درین اوقات که جواب  
 عیضه آنها رسید مقصی المرام نسبت قندار رحمت  
 کرده اند و امیر الامراء العظام سردار اخراجات و انعام  
 و قیمت اسب و شتر بانها داده و از جانب دولت  
 علییه لوازم الققات را در باره آنها معمول داشته در ۶۹ه  
 ربیع الاول از انجا معاودت نموده  
 دیگر نوشته بودند که در باب ان نظام امر چا پارها  
 ان ولایت و سرحدات انجا امیر الامراء العظام سردار  
 نهایت اتمام را معمول داشته آنچه متعلق بنجا کرمان  
 خود مضبوط نموده اند و جناب سردار کمند خان  
 و عالیجاه علیخان نیز نوشته اند که چا پارها نهایت  
 بنجاک خود را مضبوط نمایند که بجهت چا پار و وصول ابصار  
 مکاتیب و غیره معطلی حاصل نشود  
 دیگر نوشته اند از پار سال الی این اوقات باران  
 در ان ولایت نیامده بود و مالی انجا قریب تسویش بودند  
 در ماه ربیع الاول نزول رحمت خداوندی در ان ولایت  
 شده بارانی بسیار بموقع و بامفعت یک شبانه روز  
 متصل باریده زیاده باعث امیدواری مالی انجا گردید  
 تقدیم شکرانه و شادمانی نموده

دیگر نوشته اند که عالیجاه عبدالدبیک یا ورتو پنجاه  
 با یک عمرا ده توپ ۱۲ پوند و قورخانه که از در باره ایون  
 اتفاق شده بود در ماه گذشته وارد کرمان گردیده اند  
 و چون قبل از وصول آنها امیر الامراء العظام سردار قورخان  
 منصب بطی نسبت بند عباسی فرستاده بود احتیاج  
 بقدرت اودن این قورخانه شده است مکرر دوا زده با  
 کلوله ۲ پوند و خمپاره و باروط مصحوب دوا زده  
 نفور خاچی با همان دوا بی که از دار انخله قورخانه با  
 حمل کرده بوده اند از انجا کرایه داده روانه بند عباس  
 از قرار یک تسعیر خبا س کرمان را نوشته اند در ماه ربیع الاول  
 کدم حومه یکخوار سه تومان و پنجاه  
 کدم بز دیکر یکخوار سه تومان  
 کدم یکخوار دو تومان و دوریال  
 کاه یکخوار چهار هزار و پانصد  
 نان یکخوار سه تومان و دوریال  
 گوشت یک من هزار دینار  
 روغن یک من سه هزار و پانصد  
 نبات یک من شش هزار و ده  
 قند نباتی یک من هفت هزار و ده  
 قند وسط یک من شش هزار  
 قنداری یک من نه هزار  
 شکر یک من چهار هزار و شصت  
 برنج اردونی یک من یک هزار و صد و بیست  
 برنج چمپا یک من نهصد و بیست

۱۳۱۶

### اخبار دول خارجه

انگلیس در اجبار این مملکت نوشته اند که نیست  
 که این مملکت رتس امید بعلیا حضرت پادشاه انگلیس  
 عریضه نوشته و مستدعی شده اند که اذن بدو  
 انو لایت نیز مشورتخانه مانند ولایت انگلیس راه بنیدار  
 و حاکم آنجا نیز که جائین پادشاه است اذن کشون  
 مشورتخانه و بحث و مشورت در امور آنولایت در مشورت  
 مزبور داشته باشد در این اوقات فرمان پادشاه  
 در طبق عرض آنها بانولایت رسیده و مشورتخانه  
 گشوده شده است و چون که خیر و صلاح مملکت را در این  
 میدانند باعث افتخار و شادمانی کل مالی آنجا شده است

تاریخ کاغذ آخر که از لندن رسید پنجمه شب چهارم  
 صفر بود درین وقت سال همیشه حاکم تازه بجهت شهر لندن  
 معین میشود و قاعده است که وزیر و ایچیان همه همان  
 حاکم مزبور میشوند امسال هم برب قانونی که دارند  
 این جنیافت با کمال نیت و اساس شده است

### فرانسه

در روزنامه این ولایت تاریخ بیستم ذی حجه بود  
 که ناخوشی و باذرا آنولایت بسیار کم شده بلکه بالمره  
 رفع گردیده بود از جمله چیزهای غریب که اطبا در آنجا  
 کرده اند یکی این است که خیلی مردم از خوردن کافور  
 شده اند اطبا در فرنگستان کافور را مانع سیرت باخوبیها  
 مسدی میدانند ازین سبب مردم در فرانسه در ایام  
 ناخوشی مزبور هم کافور در میان رخت خود میکشیدند

و هم در میان عرق آب کرده میخورند دیدند آنها که بنا  
 کافور خورده بودند معدهشان عیب کرده بود و لکن در ابتدا  
 این ناخوشی جوهر کافور را بجهت معالجه مفید استند بنا  
 که یک قطره جوهر کافور در روی قند ریخته در بر ریح ساق  
 بر ریح میدادند تا مریض گرم شده عرق میکرد و صحت می یافت

در باب گفتگوی بین این دولت و دولت جمهوری  
 شمالی در خصوص موسوسوله که تفصیل آن در روزنامه  
 گذشته نوشته شد از قرار روزنامه که تازه رسیده است  
 از قرار روزنامه که تازه رسیده است با گفتگوی  
 زیاد دولت فرانسه متعهد شده اند که حاکم آن سمت  
 فرانسه که پادکلی میانند و وزیر مختار مزبور را خبر کرد  
 بود که از آنجا برود از حکومت آنجا بر دارند و بنا بود که  
 دولت فرانسه از دولت جمهوری یونانی و نیای شمالی بزرگ  
 عذرخواهی نماید و لکن هنوز معلوم نبود که دولت یونانی  
 شمالی عذرخواهی دولت فرانسه را قبول نمایند یا نه در  
 یکی از روزنامه های آنجا که سیه کل میانند نوشته اند  
 که گفتگوی مابین دولتین اسپانول و نیکی دنیای  
 شمالی بوساطت دول دیگر بطوری باصلاح انجامید که  
 بنا بود موسوسوله مراحتت بملکت اسپانول نماید  
 و در بین راه اراده داشت که چند روز در قصبه ای  
 که وطن او بود توقف نماید که اقوام خود را که چند سال است  
 ندیده است دیدن نماید

### احوال مفرقه

در شهریان مملکت فرانسه بکطافه شان بجهت زوج همرا  
 طوری

۱۳۱۷

اتولایت یافته اند که چهل هزار فرانک که تخمیناً چهار  
هزار تومان پول ایران باشد تمام شده است و  
دولت انگلیس و فرانسه را در آن باقی مانده

در تابستان گذشته پادشاه پروسیه ارکاک که افتاد  
پایش قدری معیوب شده بود اطباء و جراحان صلاح  
دانسته بودند که کنار دریا رفته باب شور دریا آب تنی  
نمایند مگر در کنار دریا بود و لکن چندان فایده از آن  
معاوجه ندیده بود

در روزنامه دولت جمهوری یونانی شمالی نوشته  
که در یکماه آنقدر خانه و انبار آتش گرفته است که خلق  
چهار ملیان دلار که تخمیناً هفت کرو و صد هزار  
تومان پول ایران باشد متضرر شده اند

در روزنامه هند نوشته اند که سه ایچی مختاریکی از جانب  
دولت انگلیس و یکی از جانب دولت فرانسه و یکی از  
جانب دولت جمهوری یونانی شمالی بشهرانگان  
چین رسیده بودند و بنا داشتند به پکن پای تخت

چین بروند که عهدنامه که سابقاً بسته شده بود دوباره  
تجدید نموده و قرار بدهند سر ایچی هم بنا گذاشته  
بودند که بر جایهای خودشان قدغن نمایند که با جنگ ما بین  
یاغیان و پادشاه چین هیچ وجه دخل و تصرف ننمایند  
اعتناش آن ملک بسیار تا تاثیر با مورات تجار کرده است  
حساب کرده اند که درین سال داد و ستد تجار چهار  
کمر از سالهای دیگر گردیده است و بسیار هم متضرر شده اند  
سبب اعتناش درین ولایت در اول جنگ ما بین یاغیان  
و پادشاه چین اکثر اهل دول خارج خیر خواه یاغیان بودند

و امید داشتند که اگر یاغیان تسلط بیابند کار اولایت  
بهر راه برود و حال می بینند که هر طور که باشد باز نظمی که  
سابق داشتند بهتر از اعتناش این ایام بود و هر طرف  
غالب بیابند نظم سابق تا چند وقت دیگر قرار نخواهد  
گرفت

سیاحتی از فرانس که در جزیره مدیگر سیاحت کرده است  
درین روزنامه اجبت ولایت فرانس کرده چند تخم مرغ  
مراه خود آورده است و لکن مرغی که این تخمها را گذاشته  
ندیده بوده است و این تخمها بزرگ اند بقدریکه تخم شتر مرغ  
از تخم مرغ خانگی بزرگتر است این تخمها هم از تخم شتر مرغ  
هفتصد برابر بزرگترند

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه چاپی  
باسمه چی در محله رزک دروازه دولاب چاپ شده  
از این قرار فروخته میشوند

- وساین با قدرت یک جلد ده تومان
- ختم نظامی دو تومان و پنجاه
- سر ایر دو تومان
- زبدۃ المعارف دو تومان
- معراج السعاده یک تومان

۱۳۱۸

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه و یکم ماه ربیع الثانی مطابق سال باسنه ۱۲۷۱

شنبه دین و شمس

قیمت روزنامه

یک نسخه شش بهر یکسال

هفتان و چهار هزار



منبعه دارانخلافة طهران

قیمت اعلانات

یک خط واحد

بیشتر

اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

دارانخلافة طهران

آینده مندرج خواهد شد

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بجهت ملائمت و تزیین هوا غنیمت تفریح و سیاحت اطراف دارانخلافة مبارکه را فرموده سوار گردیدند و تا حوالی غروب سیاحت ساعات اطراف مشغول بودند نزدیکی از آفتاب مبارکه که سلطانی و مملکت عظیمی است بارندگیهای متوالی که بموقع آمد تا شیر بسیار در شیر آبها

در روز شنبه گذشته سرکار اعلیحضرت پادشاهی از حالت تحصیل و ترقی در یک از آنها خاطر مبارک پادشاهی قرین آگاهی شود ازین نوع مراقبتهای بزرگ و عمده که در کار مدرسه میشود امیدواری زیاده حاصل است که در اندک وقتی شاکر کرده است معین بر علمی از علوم مدرسه کمال برسند و قابل رجوع خدمات عمده دولتی شوند تفصیل احکام و فرمایشهای طوکانه و تشریفات در ادوایا دولت علیته بهر طور که مقرر شده باشد در روزنامه

بهم رسیده و نسبت سابق هرگز که جنس نهایت فوراً در دوهوای دارانخلافة طهران در نهایت ملائمت و خوشنویسی مایون توجه طوکانه با حوال معین مدرسه پادشاهی و از حالت تحصیل و ترقی در یک از آنها خاطر مبارک پادشاهی قرین آگاهی شود ازین نوع مراقبتهای بزرگ و عمده که در کار مدرسه میشود امیدواری زیاده حاصل است که در اندک وقتی شاکر کرده است معین بر علمی از علوم مدرسه کمال برسند و قابل رجوع خدمات عمده دولتی شوند تفصیل احکام و فرمایشهای طوکانه و تشریفات در ادوایا دولت علیته بهر طور که مقرر شده باشد در روزنامه

بهم رسیده و نسبت سابق هرگز که جنس نهایت فوراً در دوهوای دارانخلافة طهران در نهایت ملائمت و خوشنویسی مایون توجه طوکانه با حوال معین مدرسه پادشاهی و از حالت تحصیل و ترقی در یک از آنها خاطر مبارک پادشاهی قرین آگاهی شود ازین نوع مراقبتهای بزرگ و عمده که در کار مدرسه میشود امیدواری زیاده حاصل است که در اندک وقتی شاکر کرده است معین بر علمی از علوم مدرسه کمال برسند و قابل رجوع خدمات عمده دولتی شوند تفصیل احکام و فرمایشهای طوکانه و تشریفات در ادوایا دولت علیته بهر طور که مقرر شده باشد در روزنامه

سایر ولایات

دارالمرکز از فراتر بود در روزنامه این ولایت نوشته است نواب شاهزاده احمد میرزا و عالیجا مقرب المحضه العظمی اخبار امیرزاده درین اوقات وارد بلده ساری گردیدند و محل حکومت خود فرار گرفته اند و حسیع اهل مازندران از

دارالمرکز از فراتر بود در روزنامه این ولایت نوشته است نواب شاهزاده احمد میرزا و عالیجا مقرب المحضه العظمی اخبار امیرزاده درین اوقات وارد بلده ساری گردیدند و محل حکومت خود فرار گرفته اند و حسیع اهل مازندران از

۱۳۱۹

۱۳۱۹

حسن سلوک نوابش برآده و عالیجا پسر زاسد العیال  
رضامنذی و شکر گذاری دارند و امیدوارند که روز بروز  
بر حسن سلوک خود افزوده الهی اولایت را قریب آسودگی  
دارند

الهی اولایت شده است  
کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند در ماه ذیحجه  
ضعیفه جو سیه بشرف اسلام مشرف شده و امیر الامراء  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان خرجی با و داد  
بزیارت ارض اقدس رفت بود بعد از مراجعت از  
زیارت نه نفر از اولاد و خویشان خود را ترغیب به  
اسلام نموده بهمکنی بشرف اسلام مشرف شده اند  
و امیر الامراء العظام سردار رعایت حال آنها را  
نموده اخراجات یکساله با آنها داده با کمال شکر گذاری  
مشغول دعای و ام دولت قوی شوکتند

دیگر نوشته اند که از ششمین ماه الی یازدهم باران  
بسیار خوب در مازندران آمد بطوری که از جمیع رودخانه  
آب جاری شده و رعایا ازین مرحله زیاده مشغول  
و شکر گذار گردیده اند و بکار شیپار زمین و تدارک  
زراعت مشغول میباشند

دیگر از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران  
یزد و کرمان در انتظام امر اولایت اهتمامات  
کافی معمول داشته و در نظم شهر و محلات و نظارت  
طریق و سوارع و سردعات بطوری اهتمام نموده  
که راهها نهایت اخیست دارد و قافله از آن راهها  
در کمال اطمینان و خاطر جمعی و دعا گوئی عبور  
و مرور می نمایند و در شهر و محلات و بلوکات  
نیز کسی عدت و یاری حرکت خلاف قاعده نداند

دیگر نوشته اند که عالیجا مقرب انخاقان میر اعلیخان  
سرتیپ فوج خواجه و نذو عبد الملکی در امور متعلقه  
کمال نظم را معمول دارد و طایفه مزبور که همیشه  
بشرارت و فساد بودند و بجابین دست و پدین آن  
دست اندازی میکردند درین اوقات از اهتمامات  
عالیجا هشا رالیه احدی از آنها یاری حرکت خلاف  
ندارد و همگی با نهایت انتظام حرکت می کنند و الهی آن  
اطراف ازین فخره کمال آسودگی دارند

عربستان و پروچ

از قرار یک در روزنامه پروچ نوشته اند تغییر اجناس  
در اولایت رو برقی بود و مردم بجه خشک سالی و نیاید  
باران تشویش زیاد داشتند اما بعد از آنکه باران  
در اولایت آمد امیدواری کثی برای الهی انجا حاصل گردید  
رفع تشویش مردم شده جنس بهان تغییر که بود دیگر  
ترقی نگردد و امیدوارند که باران دیگر اگر بیاید ازین  
هم که دارد تسزل بکنند با بجد بارندگی متوجه بسیار باعث امیدوار

دیگر نوشته اند در باب فرستادن قشون  
به بندر عباس که تقصیل آن در روزنامه های  
سابق نوشته شده است امیر الامراء العظام سردار  
بطوری اهتمام نموده بوده اند که از روز حرکت

۱۳۲۰

مقرب انخاقان عبداللہ خان میرپنج بہت بندر نور تارود بائج در ہر یک از منار علی التوالی تقنیکی و کوک و آذوقہ باردوی مہر مہج می شد است و روز بروز جمعیت اردوی مزبور زیاد تر و آذوقہ بیشتر میگردیدہ است و نہایت کفایت و کاردانی را در فرستادن قشون ہامورہ بقاعد نظم لعل آورده است چنانچہ در اردوی مقرب انخاقان عبداللہ خان میرپنج جنس از ہنہ جای آن اطراف بیشتر و از آن

### خراسان

از فرار یکہ در روزنامہ خراسان نوشتہ اند در اطلاق موقوفی سرکار فیض آثار بعضی خدمت آن سرکار دست تصرف قوی کرده بودند بطوریکہ ہر کس ہر جانی را کہ در تصرف داشت خود را مالک باستحقاق آنجا میدانت حتی در قبائل زوجات خود می انداختند درین اوقات مقرب انخاقان وزیر نظام درین خصوص وقت کامل نمودہ ہر کس ہر قدر مقرری داشتہ نقدًا جنتا باد میسراند و باقی منافع محصولہ اطلاق مزبورہ صرف ہمت و تعبیر سخن دیوان و غیرہ خود حضرت و اطعام فقرا و مساکین میشود و خدای کہ بسبب اجحاف سایرین سخن خود میسرند درین اوقات ازین سردار داد نہایت ضایعند و شکر گذاری دارند

دیگر نوشتہ اند کہ سابقا معمول بود کہ غلہ در انبار سرکار فیض آثار جمع و انبار می شد و اینمغنی معایبی داشت لہذا مقرب انخاقان وزیر نظام قرار انبار را موقوف کردہ و قرار گذاشتہ اند کہ آنچه محصول اطلاق موقوفی سرکار فیض آثار راست قیمت عادلانہ وقت بخلق فروختہ شود و تنخواہ آن بمصارف شخصی خود

### سرکار فیض آثار برسد

دیگر نوشتہ اند کہ فوج کروسی کہ بقراول خانہای ارض اقدس مامور شدہ بودند نسبت بقراولہای سابق و قرارہائی کہ مقرب انخاقان وزیر نظام در امر قراولی گذاشتہ بود قدری بردم بدستور کی کردہ بودند مقرب انخاقان وزیر نظام سرتیب و صاحب مضیمان انبار اجزاء و مدغن نمودہ بود کہ از قراول سابق تخلف نمایند و بہمان طور کہ قراولان سابق رعایت کسب را موافق شان دانظور شدہ اند انبار منظور دارند و اگر بعد ازین خلاف بیایب احترامی و بدستور کی انبار نسبت بکسی سر نیز نمود و مواخذہ تمیہ نمایند

دیگر نوشتہ اند کہ از مال شخصی ہراتی چندی قبل ازین بیست و چہار امبرہ بزرگ ہزارہ در ارض اقدس بسرقت بردہ بودند مشار الیہ بمقرب انخاقان وزیر نظام عرض نمودہ و بکلانتر و داروغہ قدغن شدہ بود کہ حکما مال او را پیدا نمایند یا از عمدہ قیمت آن برآیند و درین اوقات معلوم شدہ بود کہ برکہار اشخصی سبزواری بسرقت نمودہ و بردہ در در زودنشا لوہ سپردہ است حسب احکام دستار دہ برکہار ابعیینہ با آن شخص سابق آوردہ برکہار ابصاحبش تسلیم و سارق را تمیہ مضبوط کردہ اند

۱۳۲۱



### کردستان

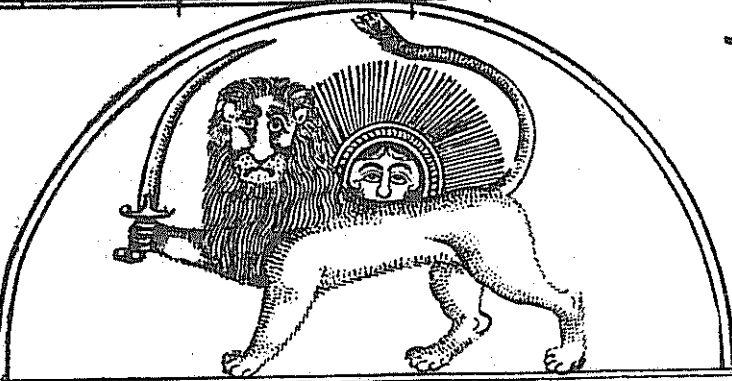
از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب الخاقان  
 وزیر نظام در انتظام امر آنجا اتهامات کافی معمول داشته  
 و اهل آن ولایت خصوصاً اهل ارض اقدس قرین کمال  
 رفاه و امنیت هستند و راه شرارت و دزدی شهر ابطور  
 محکم بسته شده است و اگر اجناس مالی از کسی سبقت برود  
 حکماً داروغه و کدخدایان یا پیدای کنند یا از عهد به  
 و مردم از این جمله نهایت شکر گذاری دارند  
 دیگر از قرار یک تعمیر اجناس ارض اقدس را نوشته اند  
 بجهت الله نسبت بعضی مالک محروسه نهایت وفور  
 ارزانی را دارد از جمله کندم خرواری یازده هزار و آرد  
 خرواری سیزده هزار و نمان خرواری سیزده هزار و جو  
 خرواری شت هزار و پانصد دنیا و برنج رسی یک من  
 هفتصد دنیا و برنج غنبر بو یک من چهار عباسی و گوشت  
 یک من چهار عباسی و سایر اجناس را نیز که مفصلاً نوشته  
 بهین قرار مطلق تعمیر دارد  
 دیگر نوشته اند ضعیف در صحن مقدس آمده مقرب الخاقان  
 وزیر نظام عرض کرد که اسبابی از خانه من سبقت برده اند  
 و رد پای دزدان هیچ طرف معلوم نیست مقرب الخاقان وزیر  
 نظام اسباب او را گفته بود بسیار کرده بودند تخمیناً  
 یازده تومان و کسری بوده است حکم کرده بود که داروغه  
 یا سه روزه پیدا نماید یا از عهد و وجه آن برآید داروغه  
 رفته بهسایگان اطراف آن خانه گفته بود که حکم وزیر نظام  
 این است که اسباب این ضعیف از هر خانه که برور بگذران  
 خراب نمایند ثب اموال ضعیف را تمام و کمال آورده بخانه او  
 ریخته بودند

از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند امورات آنجا  
 از اتهامات اولیای دولت قاهره قرین نظام و انضباط  
 و مقرب الخاقان امان الله خان والی در انجام خدمات  
 و حصول امنیت و رفاه و آسودگی رعیت نهایت اهتمام  
 دارد و بجهت نیامدن باران امسال رعایای آنجا قدری  
 قرین توشش بوده اند و لکن درین روزها از قرار یک نوشته  
 در سرحدات آنجا بارانهای خوب آمده و رفع توشش  
 مردم گردیده و امید داشته اند که در خود سنج نیز  
 باران بساید که زیاده باعث امیدواری اهل آنجا  
 دیگر نوشته اند که رودخانه بزرگی نزدیک بسنج میکند  
 که آنرا رود قشلاق مینامند و در اوقات طغیان آب عبور  
 سواره و پیاده از آنجا متعذر است مرحوم امان الله خان  
 والی سابق پی در آنجا ساخته بوده است ولی برور ایام ولی  
 اتهامی حکام بعد که تعمیر آن پل نگردیده بودند کم خراب و  
 قدری قسم که باقی مانده بود در سال گذشته که آب طغیان  
 نمود بالمره از بنیان کنده و برده بود مقرب الخاقان والی  
 امسال محض رفاه عابرین و مترددین و حصول دعا کونی  
 ذات اقدس همایون مخارج نموده و پنی در کمال استقامت  
 و خوبی ساخته است که بتصدیق اهل آنجا محکمتر از پل  
 اول است و مترددین ازین حمله آسوده خاطر و دعا  
 ذات اقدس بیهال پادشاهی بینند

۱۳۲۲

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم ماه ربیع الثانی مطابق سال ۱۲۷۱

نمره دویست و هفت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه دینار میسافه  
ه تومان و چهار هزار



منظومه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار خط یک خط دینار  
بیشتر با هر خط بیشتر

## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی عریضت تفریح و شکار فرموده و سوار شدند و تا حوالی عصر بساحت اطراف مشول بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک مبارکه سلطانی و مقرر سلطنت عظمی مراجعت فرمودند

چون جناب نظام الملک نایب ممدار عظمی شخص دویم دولت علییه ایران در انجام خدمات دیوانی و سایر محاسبات مراتب کفایت و کاردانی خود ایشود و ملحق با پیشگاه حضور مهر ظهور خسروانی داشته و طرز دریا و خدمتگذاری او که همه اوقات مصروف خدمت دولت

جاوید مدت علییه است در نظرافدس هیایون سرکار اعلیحضرت پادشاهی مستحسن و مقبول افتاده در این اوقات نظر بظهور و فورم مراسم طوکانه بکثرت خرقه خزیره تر از طلبوس خاص بدن مبارک بجناب معظم الیه خلعت مرحمت فرمودند که هر روز به با همان خرقه بسلام حاضر شده و بد لکرمی در رسیدگی محاسبات و سایر خدمات

دیوانی خاطر هیایون رئیس انجمن راضی و خوشنودان

چون نواب عماد الدوله اهمتلی میرزا حکمران کربلایان در جمیع خدمات دیوانی و انتظام آن ولایت کمال اهتمام نموده بود خاصه بهتر از همه است که جدیدی تدبیر کرده بود که بتر

امپریال اشرفی دوره بخیره و صیقل دو تومانی که بکری آن ضرب آن ولایت مسکوک بود و بکروی دیگر آن بتصویب هیایون مزین بود و این معنی بسیار در خاکپای اعلیحضرت شاهنشاهی مطبوع و مستحسن افتاد لکن اموازی بکثرت کلیه ترمه از طلبوس بدن مبارک برای نواب مغزی الیه

خلعت مرحمت و اتفاقا در دید

درین اوقات چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شده چند دفعه باران متوالی در دارالخلافه طهران و اطراف آمد و هوای نسبت بهای دیگر ملائمت داشت اما چند روزی که یکدفعه برف خرفنی آمد و بعد از آن هوا سرد شد است بطوری که در پنجاهها آب ندانند و بخیچ میگیرند

در نمره ۲۰۴ این روزنامه ها که بتاریخ ۲۳ ربیع الاول بود

۱۳۲۳

نوشته شد که جو را در بیچه هزار و کندم را در دست  
 هزار بفرود شد اگر چه منظور امنای دولت بجهت آسودگی  
 رعایا و کل امالی دارالخلافه این بود که غله باینطور فروخته  
 و لکن بسبب اینکه سخنواستند بصاحبان اتمانجا کبری  
 بشود سعی و کوشش تمام کردند که رفع معطلی خلق شده اجناس  
 در دارالخلافه فراوان بشود شتر و قاطر و سایر دوپا  
 بارکش سحرخان و قزوین و سایر جایها که غله زیاد بود  
 فرستادند و غله فراوان حمل و نقل دارالخلافه نمودند بجهت  
 و علاف دادند که جنس زیاد باشد و از آنها در لوا  
 هم که دایم بجهت احتیاط غله نگاه میدارند فروخته و بجهت  
 کندم دادند و کار آنها را پیش انداختند و این کوشش امنای  
 دولت علیه نتیجه خوب شد اگر چه اجناس باین قیمت  
 که منظور بود فروخته نشد و قیمت بقرابت که در آخر  
 این روزنامه نوشته میشود و لکن هرگونه جنس فراوان است  
 رفع تنگی و تسویش و خوف و معطلی خلق شده است و امید  
 کلی است که روز بروز قیمت اجناس تنزل یابد

نظر باینکه در این سنوات مستری ارباب و ظایف را  
 در ماندن دران خوب نمیرسانند و مردم از اینجهت ناراضی  
 بودند مراتب بعضی امنای دولت علیه رسیده قرار دادند  
 که از هذ هتنه و ما بعد مستری ارباب و ظایف تنزل  
 عایجاه میرزا اسدالدین و زیر باتفاق و اطوع کاشته  
 مقرب انخاقان عضد الملک با ارباب و ظایف درست  
 برسانند که موجب دعا کوئی موطنین شود

سایر ولایات

از ری پایتخت از فراری که در روزنامه آذربایجان

نوشته بودند مقرب انخاقان قایم مقام در لوازم تعزیه  
 داری مرحوم امام جمعه دارالخلافه طهران کمال استقامت نمود  
 و ختم سکین خوب سه روز گرفته اند  
 دیگر نوشته اند که در بناب مرافعه بکنفر توپچی را یکی از رعایا  
 بقتل رسانده بود صاحب منصبان توپخانه قاتل را گرفته  
 بدست عایجاه یحیی خان ایلمخانی حاکم مرافعه سپرده مراب  
 بتوسط عایجاه محمد علیخان سرزنک توپخانه مقرب انخاقان  
 قایم مقام عرض شده محصل فرستاده اند که قاتل را با  
 ورشته مقول به تبریز بیاورند تا آنچه مقتضای عدالت و  
 احقاق حق است عمل یابد

دیگر نوشته اند که حاجی زمان نام تاجر مشهور بار دوپا  
 رعیت این دولت علیه از آقا فرج نام اهری مسلخی  
 مطالبه طلب میکرد و دو سه سال بود که مثار الیه در  
 ایصال طلب او ملاحظه نمیداد کماهی بدست میرفت و قاضی  
 ستواری می شد در این اوقات که بیرون آمد بود حاجی زمان  
 عارض شد که طلب او را بگیرند بعد از آنکه آقا فرج را حاضر  
 کردند و مستر را داده بودند که در خانه حاجی زمان با جلاب  
 این امر را بگذرانند جمعی از تجار را هم حاجی زمان بجهت  
 گرفته و در باب طلب خود گفتگو کرده بود آخر شب سکار  
 بمنازل خود مراجعت کرده و آقا فرج در منزل حاجی زمان  
 خوابیده بود و صبح فوت شده بود ورثه او کمان  
 کرده بودند که حاجی زمان او را مقول کرده باشد نبرد  
 حکام شرع رفته درین باب مرافعه داشتند درین

بین حاجی زمان سم وفات یافت

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان قایم مقام محض مزید عا

۱۳۲۴

بجته ذات اقدس همايون مطالبه وجه حق الحکومه را  
از تبریز و نواحی آن موقوف کردند و احکامی که درین  
باب نوشته بودند در اطلاع عام خوانده شد مردم  
اقدام بدعا کولی و شکر گذاری کرده اند

دیگر نوشته اند که یک لکنه امیر پال مال حاجی عبدالرزاق  
تاجر که حاجی علی جلوه دار شیرازی در قرا ملک کم کرده بود  
عالیجا همیر انصیر که خدا با شکی پیدا کرده بصاحبش تسلیم  
و قبض رسیدگی دریافت کرده است

دیگر نوشته اند که سید محمد نام همدانی قریب یکسال بود  
که در کار و شرای حاجی سید حسین منزل کرده بود  
وظایر اصلاح و سداد استه بود تجار کار و انتر استه  
رعایت جانب او یکصد تومان در میان خود سیاه  
کرده بودند که باو بدهند ولی سید مزبور بجا و صلاح  
سدا و ظاهر و سه دفعه در خفیة از حجات تجار نقد و  
سرفت کرده بود چون کسی بجان دزدی باو نمیبرد متعرض  
اومنی شدند تا نوبتی از حجره تاجری باز بشتاد امیر پال  
سرفت نموده اقا صادق دار و نمه دیده و اورا گرفته بود  
بعضی اموال سر و قدر از او استرداد و بصاحبش تسلیم  
و بجته مطالبه باقی اموال سر و قدر که تفریط کرده بود او را در

حسب دارند  
و همچنین سیدی رشتی آمده در کار و انترای میرزا شیخ  
منزل کرده و گفته بود بار بار بر شرم دارم و در عقوبت  
می آید چند روزی در آنجا مانده یکشب از حجره حاجی علی  
تاجر مرندی بفرود دست سبصد تومان نقد و حبس  
نموده بجا سحر رفته و اسبی خریده بود که فرار نماید اقا

دار و نمه خبر شده اورا گرفته و در حبس است تا حکم او بشود  
اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند در تعمیر  
خواجه که خرابی بهم رسانده بود و حسب الامر اولیا  
دولت قاهره مقرر شده بود که تعمیر نمایند عالیجان  
چراغعلینجان نایب الحکومه و میرزا زکی پیشکار اصفهان  
اتهام کرده و تعمیر نموده با انجام رسانده اند بطوریکه  
بسیار باشکوه و خوب شده است که اگر بهتر از روز  
اول نشده باشد البته مثل آن است

استرآباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب  
محمد و لیجان بیکر یکی در شهر استرآباد بوده و این اوقات  
بناد استه است بمیان کوکلان برود اگر چه ریش سفید  
کوکلان آمده و چند ریس اسب پیشکش کرده بوده اند  
که مشارالیه رفتن خود را موقوف نماید و لکن بناد استه  
که بعد از انانام سان هوج قدسکی که عالیجا همیر احمدی  
شکر نویس سان آنها را می بیند برای مطالبه مالیات  
بمیان طایفه مزبور هفت و اموات آنجا را منظم نماید

دیگر نوشته اند که عالیجا همیر اسمعیل خان مشغول بازنده  
بروج و باره شهر استرآباد و جایهائی که مقرب الخاقان  
بیکر یکی ساخته است بود بعد از فراغت از آنجا به بازنده  
بند کرکان رفته بود چون پل آنجا خراب بوده است در  
عبور یکیش را البه را آب برده است

دیگر نوشته بودند درین اوقات هفت سوار  
بسر فرجه محمد آباد آمده طفل را میخواستند بکیرند اهل فرجه

۱۳۲۵

خبردار شده بپت نرسوار بهر راه ترکمانان رفته  
 و بعد از زد و خورد دو نفر از ترکمانان با داور رس  
 بدست آمده با بقی فرار کرده اند و آن دو نفر ترکمان را  
 با ستر اباد بنزد مقرب انخاقان بکلر بیکی آورده اند  
 در حبس دارد

دارالمرزمازندان

از فراری که در روزنامه انولایت نوشته اند امورات  
 این اوقات از حسن اتهامات نواب احمد میرزا حکمران  
 و عالیجاه میرزا اسد الله وزیر انتظامی کامل دارد و از آنکه  
 بعراض و مطالب مردم رسیدگی میشود امالی آنجا کمال  
 رضامندی و شکر گذاری دارند

دیگر نوشته اند که نواب احمد میرزا و عالیجاه میرزا  
 اسد الله در انتظام امر چاپخانههای آنجا اهتمام نموده و  
 قرار گذاشته اند که هر کدام خرابی داشته باشند تعمیر نمایند و در  
 کار تعمیر میباشند و سایر لوازمات چاپخانهها  
 نیز از هر جهت منظم و مضبوط دارند که برای چاپ  
 هیچگونه معطلی نبوده باشد

گردستان

از فراری که در روزنامه گردستان نوشته اند در  
 دو روز دهم ماه گذشته صفر عالیشان رضایک نایب توپخانه  
 که از جانب اولیای دولت قاهره مامور بخدمات گردستان  
 بود با توپچیان ابو ایچم خود بان مقرب انخاقان و  
 رسید به یکی در کمال استیقامت و انتظام سان داده اند  
 و مقرب انخاقان مشارالیه از جانب اولیای دولت  
 علیه آنها را مورد التفات نموده و همه روزه در میدان

دارالایاله مشغول مشق میباشند و با کمال نظم حرکت میکنند  
 دیگر نوشته اند که یک نفر از نوکرهای عالیجاه بختعلی خان که  
 از جانب والی حاکم جوانز و دست بجهت تحصیل مالیات  
 بدست آن سرحد میرفته است در بین راه بگریس اسب

عربی بسیار خوب دیده بود که بی صاحب بجز مشغول است  
 اسب را گرفته و صاحب آنرا بر چاقوی خود نیافته بود  
 بنزد عالیجاه بختعلی خان برده بعد از تفحص زیاد معلوم شده بود  
 که اسب منور مال جناب آقا عبد الله محمد کرمانشاهی میباشد  
 که از دست آدم او گریخته سجاک گردستان آمده است  
 اسب را با بعضی تفاوت از خود مصوب آدم خود بنزد جناب  
 آقا عبد الله فرستاده است

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا تقی فرزند شای جناب جلالت  
 اشرف افخم صدر عظم که مامور بگرفتن اشرف ایشار و ستم  
 در نهایت معقولیت خدمات خود را با انجام رسانده است  
 بطوریکه امالی انولایت کمال رضامندی از حسن سلوک و  
 او داشته اند و فرایشان ابو ایچمی او هم بملاحظه نظم و معقولیت او  
 جرت ارتکاب خلاف و مناسی نداشته اند درین

مأموریت مشارالیه یک نفر از فرایشان جمعی او بی ادب  
 بهمانی تاجری رفت و مرکب شرب شده بوده است  
 صبح که مشارالیه مطلع شده فرایش را تا دیگ کمال  
 نموده تا جرایم مانع از جهان بردن بی اجازت  
 کرده است که در آینده خلاف نظمی واقع نشود  
 دیگر نوشته اند که بعضی املاک گردستان مورد دست مالک بیرون رفته و دیگر  
 بوده اند مقرب انخاقان الی حکم صادر کرده که بنصف مالک حقیقی بپردازند و در هر فاضل

۱۳۲۶

### اخبار دول خارجه

انگلیس از قرار روزنامه این ولایت که نوشته اند از علیا حضرت پادشاه انگلیس حکم شده بود که بتاریخ دوازدهم ماه دسامبر انگلیس که مطابق سه شنبه ۲۱ ریح الاول است اهل دوشورخانه در پای تخت جمع شوند بجهت قرار امور دولتی اکثر سالها قاعده این بود که بگاه از نرستان گذشته اهل مشورتخانه جمع میشد امسال زودتر از سالهای گذشته بحکم جمع شده اند معلوم است که بجهت امور عمده دولتی خواهد بود

غله در مملکت انگلیس قدری ترقی داشت و بسبب این پیدا شد که در سه ماهه پاییز از خارج بانولایت غلکم آورده بودند در تابستان غله در ولایت انگلیس تنزل داشت و اینهم چندین سبب داشت یکی این بود که حاصل ولایت انگلیس بسیار زیاد آمده بود که بچگونگی آنست که حاصل باین فراوانی در انولایت بعین آمده باشد و چونکه در ممالک خارجه که غله از آنجا می آوردند قیمتش کم تر بود بولایت انگلیس آوردن منفعت نمیکرد از آنجهت غله بجای دیگر فرستاده فروختند ازینکه دینار و پروسه و مصر و اسپانیول که جای غله خیرند و دایم الاوقات در ولایت انگلیس در ممالک که غله کم یاب است از آنجا غله میفرستند درین سه ماهه هیچ غله فرستاده بودند و در خود ولایت انگلیس نزدیک سحر واری یک تومان ترقی داشت و خرواری هشت تومان میفرجستند حال که غله آورده اند و منفعت میکند و کشتیهای زیاد دارند و حمل و نقل غله اشکال ندارد معلوم است که در اندک مدت غله زیاد آنجا خواهند آورد و در اکثر جاهای

فرنگستان حاصل گشته بسیار فراوان آمده است و از عین در عیای انگلیس امسال منفعت زیاد کرده اند بجهت اینکه حاصل خودشان چنانچه نوشته شد امسال خیلی زیاد آمده بود و قیمتش نسبت به سالهای پیش زیاد بود معلوم است آنها که تا بحال غله زیاد نگاه داشته اند و باین قیمت که این غله میفرستند منفعت زیاد خواهند کرد

دیگر در روزنامه این ولایت نوشته اند که بنا بود در اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانس با رواجش بدین علیا حضرت پادشاه انگلیس بیایند و مردم از این طرف بسیار حورسند و مشغول اند از آنرا که علامت دوستی و یگانگی دولتین است و اهل انگلیس بسیار خیر خواه امپراطور فرانسند از آنرا که سلطنت او باعث نظم انولایت شده است و نظم باعث ثباتش در مملکت فرانس دایم است بسیار ممالک سریت می کند

### فرانس

تا سنج کاغذ آخر که ازین ولایت رسید ما ریح الاول بود درست جنوب مملکت فرانس بکان اعتشاش داشتند و چند نفر بجهت تحقیق گرفته و مجوس کرده بودند بعد معلوم شد که اصل نه است و همه را مرض کرده اند از این اشخاص بعضی جا کران دیوان بودند باز هر یک در کار خود برقرار شدند اعلیحضرت امپراطور فرانس در پایتخت پاریس بودند و بنیاد استندرتستان را در عمارت تویریز بنا نهادند لار دپارستمن وزیر د خنده مملکت انگلیس پاریس آمده و منتهای محبت و التفات از اعلیحضرت امپراطور دیده بود در شهر پاریس باز مشغول تعمیر و آرایش

۱۳۲۷

شهر بودند بعضی کوچه ها و خانه های کهنه را خراب میکردند و از نو میساختند و درخت می نشاندند و همه کس تصدیق میکند که در آقام پیک از پادشاهان سابق فرانسه چنین تعمیر و آرایش از پاریس پایتخت فرانسه شده بود و الهه پادشاه اسپانیول پاریس وارد شده بود

احوال متفرقه

در مملکت ناپولی از دیوان حکم شده است که از سالیانه مالک ایالت لیاچ روزنامه داخل آن ولایت نشود در مملکت سیسی تازه معدن نقره کشف شده اند اگر چه چندین منفعت نمی کند اما جمعی از دولتمندان آن ولایت با هم شریک شده در معدن مذکور کاری کنند

در بسکام ناخوشی و باد شره آتیرن پایتخت یونان در اوایل هزار نفر از آن شهر فرار کرده بودند و کل جمعیت آن شهر از سی و پنجاه هزار نفر بیشتر نیست

از مملکت اسپانیول نوشته اند که جماعتی از کشتی سازان از قسم رزویت میمانند از آن ولایت بیرون کرده بودند مدتی است که در خصوص این کشتی سازان مابین دولت سبخت و کفکوش است اهل اسپانیول اشخاص منورا چونکه در ایام الاوقات مشغول فساد بودند میخواهند از آنجا بیرون نمایند و دولت استریه مانع نمیکرد آخر الامر دولت اسپانیول آنها را از آن ولایت بیرون کردند و لکن در مملکت فرانسه کفکی داده اند و آنان در شهرهای میباشند

در مینم خانه برلین پایتخت پروسیه ستاره دنباله دار

دیدند و لکن چنان بزرگ نیست که بدون دوربین چشمی بنظر نیاید

در مدینه پایتخت اسپانیول فراریها از دول دیگر بسیار بودند و از دیوان حکم شده بود که کلاً تا مدت شش روز از آنجا بیرون بروند سبب بیرون کردن آنها را چنین میدانند که در برانگشاش که در آنجا زوی میدهند اشخاص منور شریک یا غیبان میشوند بلکه خودشان باعث غشاش و برسم خوردگی آن ولایت میکردند از آنجهت حکم کرده اند که کلاً از آنجا بیرون بروند

در مملکت ساردینیه در فصل پائیزت و لرزه محرقه و مطبقه و ناخوشیهای دیگر بسیار میشود انسال چنان یاد شده است که لاپشند که گذاشتن سیم چرخ آتشی را بجهت بردن جنبر موقوف نمایند بجهت اینکه الله رفعله و عکله پیدا کردند که در آنجا کابکینند

دولت انگلیس بدولت اسپانیول نوشته اند و خواست کرده اند که حکم سخت بشود در خصوص بردن اعلام و کینز که این عمل در آن ولایت موقوف بشود و اشخاصی هم که مشغول این عمل هستند مثل وزدان دریا هر وقت که بدست بیایند کشته بشوند

در روزنامه دینازک نوشته اند که پادشاه آن مملکت کل اهل مشورتخانه و کلای رعایا را مرخص کرده بود و حکم کرده بود که رعایا و کلای دیگر معین نمایند و پیش این بود که وکلای رعایا با وزیر راه میرفتند و حرفشان با وزیر در خصوص امور دولتی مخالف بود

در قورخانه فرانسه توبی ریخته اند که چند لوله است و لوله ها را

۱-۱	چهار تومان	یکخوار	سجودرسی	قرار چنان داده اند که میکردند مانند طباخچه شش لوله
۱-۲	تومان و پنجاه	یکخوار	لوبیا	هشت لوله که چند سال است میازند و نفر توپچی میخوانند
۱-۳	تومان	یکخوار	عدس	توپ مزبور را پر کنند و خالی نمایند و در یک دقیقه دوازده
۱-۴	دو تومان و هفتاد و پانصد	یکخوار	ماش	تیراز او خالی میشود
۱-۵	پنج تومان	یکخوار	کنجد	در روزنامه یکی دینامی شمالی نوشته اند که در آخراه
۱-۶	چهار ده هزار	یکخوار	ارزن	صفر در بعضی جایهای آنولایت برف ریاض آمده بود
۱-۷	هشتاد و پانصد	یکخوار	کاه	با اینکه در آنولایت هیچکس نخاطر ندارد که رستان اینطور
۱-۸	دو هزار و پانصد	چهار من	شیره	پیش افتاده باشد
۱-۹	چهار هزار	چهار من	خرما	در شهر نیویارک یکی دینامی شمالی از وقت قدیمی کران سده
۱-۱۰	هفتاد و پانصد	چهار من	پیه کداخته	و بعضی مردم فقیر بی بضاعت حال از آنجا محبت نفرگستان
۱-۱۱	نه هزار	یکخوار	همه	میکند حساب کرده اند که از اشخاصی که با آنجا وارد
۱-۱۲	یازده هزار	یکخوار	یونجه خشک	شده بودند از هر صد نفر بارزده نفر محبت کرده اند
۱-۱۳	چهار هزار و پانصد	یکخوار	کنک	در شهر محل درین روزها آتش افتاده است کلیسا
۱-۱۴	سیزده هزار	یکخوار	سینک	پنج مدرسه و نه دست عمارت دیوانی از دفترخانه
۱-۱۵	تومان	یکخوار	نان	و انبار و غیره و دولت و پنجاه و شش خانه و هشتاد
۱-۱۶	شش عباسی	یکمن	گوشت	انبار از تجارت و صدوسی و سه طوبه و چهل کال که خانه
۱-۱۷	دو هزار و چهارصد	چهار من	برنج غنبره	و دو سیاه سوخته شده و ضرر که بخلق خورده است
۱-۱۸	دو هزار و یکمسی	چهار من	برنج کزده	هشتصد و چهل و شش هزار و الار پول آنجا است که بجا
۱-۱۹	سیزده هزار و پنجاه	چهار من	روغن	پول ایران سیصدوسی و نه هزار و دولت تومان میشود
۱-۲۰	دو هزار و چهارصد	یکمن	شعیر	و این غیر از مال تجاری است که تلف شده است
۱-۲۱	سی شاهی	یکمن	روغن خراج	
۱-۲۲	دو هزار و شصت	چهار من	ماست	
۱-۲۳	پنجاه	چهار من	پنیر شور	کندم سا و جلا خوب یکخوار سه تومان
۱-۲۴	هفت هزار	یکمن	قداری	جو یکخوار دو تومان و پنجاه

### مطالعه تعمیر اجناس در آنجا و طرآن

۱۳۲۹



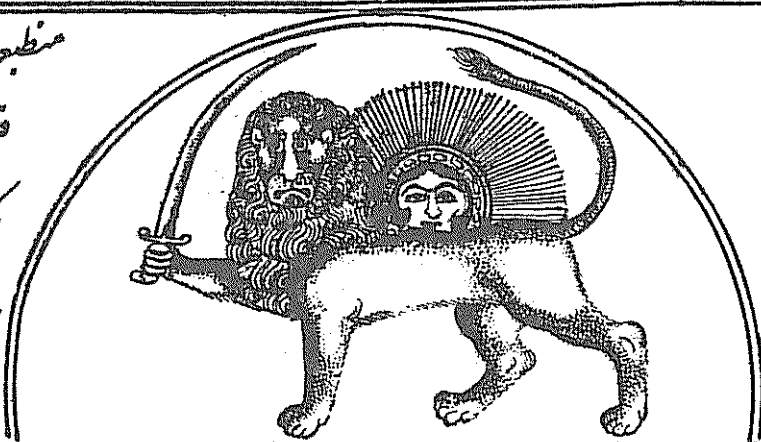
۱۰۰	۱۰۰	قندیزوی یک من چهار هزار و مفسد	۱۰۰	۱۰۰	حمه نظامی دو تومان و پنجاه هزار
۱۰۰	۱۰۰	نبات یک من چهار هزار	۱۰۰	۱۰۰	سرایر دو تومان
۱۰۰	۱۰۰	شکر یک من سه هزار و پانصد	۱۰۰	۱۰۰	زبدۀ المعارف دو تومان
۱۰۰	۱۰۰	هل یک من بیت و دو هزار و پانصد	۱۰۰	۱۰۰	معراج السعاده یک تومان
۱۰۰	۱۰۰	میخت یک من چهار هزار	۱۰۰	۱۰۰	شاهنامه چهار تومان و نیم
۱۰۰	۱۰۰	دارچین یک من یکتومان و دهی	۱۰۰	۱۰۰	حدیقه شیخ هشت هزار
۱۰۰	۱۰۰	لفل یک من پنجاه و پنج شاهی	۱۰۰	۱۰۰	شرح کبیر دو جلد ششش تومان
۱۰۰	۱۰۰	زیره یک من دو هزار و پنج شاهی	۱۰۰	۱۰۰	شرح لغت سه تومان
۱۰۰	۱۰۰	زر و چوبه یک من دو هزار	۱۰۰	۱۰۰	تصحیح پانزده هزار
۱۰۰	۱۰۰	زر شک بیدانه یک من دوریال	۱۰۰	۱۰۰	
۱۰۰	۱۰۰	زر شک تبریزی یک من چهار هزار	۱۰۰	۱۰۰	
۱۰۰	۱۰۰	تباکوی اعلی چهار من شانزده هزار	۱۰۰	۱۰۰	
۱۰۰	۱۰۰	تباکوی وسط چهار من و اوزده هزار	۱۰۰	۱۰۰	
۱۰۰	۱۰۰	آب لیمو یک من دوریال	۱۰۰	۱۰۰	
۱۰۰	۱۰۰	کنجبین یک من دو هزار و پانزده شاهی	۱۰۰	۱۰۰	
۱۰۰	۱۰۰	خرپوزه فی یک من ده شاهی	۱۰۰	۱۰۰	
۱۰۰	۱۰۰	مرغ قطعه ده شاهی	۱۰۰	۱۰۰	
۱۰۰	۱۰۰	تخم مرغ چهار بیضه صد دینار	۱۰۰	۱۰۰	

### اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد  
 با سه چپ در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع  
 شده از این قرار فرخته میشود  
 وسایل با قدرت یک جلد ده تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه ششم جمادی الاول مطابق سیال پارسین ۱۲۷۱

نمره دولت وشت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه و هشتای یکسال  
۷ تومان و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسطر چهار سطر یکمتر در روز  
بیشتر باشد هر سطر پانزده

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی عزیمت فرمودند  
حضرت امانزاده عبد العظیم و تفریح آن اطراف فرموده  
سوار گردیدند و نهار را در باغ دولت آباد صرف فرمودند  
بعد از آن تشریف فرمای ریارت امانزاده واجب العظیم  
شده و تا حوالی عصر بیاحت و تفریح آن اطراف مشغول  
بودند و نزدیک غروب آفتاب مبارک که سلسله  
معاودت فرمودند

چون مقرب انخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله درین  
اوقات خاطر اقدس هایون را از حسن اتمامات  
خود در خدمات دیوانی خورسند داشته بود لهذا یک  
خرقه ابره ترمه بطانه پوست بمقرب انخاقان شایسته  
خلعت مرحمت گردید

چون شیلات مازندران و استرآباد بعالیجان میر  
علی اکبرخان دریا بسکی و میر عبد الصمدخان از جانب  
دیوان اعلی واکذا گردیده درین اوقات شرفیاب  
حضور مهر طور خسروانی شده مورد التفات گردیدند و  
بهریک یکسویب جبهه کرمانی خوب خلعت مرحمت گردید

نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره نواب شاهزاده حاجی  
محمد ولی میرزا درین اوقات از جانب سنی ارجوانب  
اقدس هایون شاهنشاهی یکسویب خرقه ابره ترمه بطانه  
پوست بنواب مغزی الیه خلعت مرحمت گردید

عالیجا به بند جایگاه سیمون صاحب قونول دولت بهت  
انگلیس که سابقا مقیم تبریز بود و این اوقات ما بوقایع  
دارالخلافه طهران گردیده در روز یکشنبه دویم اینماه  
وارد دارالخلافه طهران گردید

و همچنین بطور مرحمت ملوکانه در باره نواب شاهزاده  
فرهاد میرزا یکسویب جبهه ترمه دور حاشیه از جانب  
اعلیحضرت شاهنشاهی خلعت بنواب مغزی الیه التفات گردید

سایر ولایات

۱۳۳۱

### آذربایجان

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب انجاقان  
 قایم مقام درین اوقات داده است در بازار جا کشیده اند که  
 در ایام هفته روزهای شنبه و پنجشنبه را بجز هر عرض و بی  
 باشد بیاید کسی نفع او نیست از عالی و ادانی درین دو روزه سیاه  
 و عرض مطالب خود را نموده بکارهای بر کس رسیدگی کنند

دیگر نوشته اند که فوج دویم خومی در فراول خانهای تبریز  
 مشغول فراولی هستند روزه در سربازخانه حاج شهر  
 جمع شده مشق کامل بنمایند و عالیجاه ابراهیم آقا سیرت  
 مزبور نهایت اهتمام در مشق و انتظام و پاکیزگی بلبوس و آرا  
 آنها دارد و با کمال نظم حرکت می کنند و در قون مشق کمال  
 مهارت را بهم رسانده اند خصوصا از موزیکه چیان فوج مزبور

بسیار تعریف نوشته اند که صاحب منصبان دول حاج  
 تصدیق می نمایند که مثل موزیکه چیان خوب فرنگستان  
 میوازند

دیگر نوشته اند که در ماه گذشته بیع الاول مقرب انجاقان  
 قایم مقام بواسطه و تلی که عارض شده بود نسبت بد خانه بیاید  
 حتی در منزل خود هم نیتوانستند بنشینند و در خت خواب تبری بود  
 مع ذلک اوقات را تا شام مصروف رسیدگی بکارهای خدمات  
 دیوانی در رسیدگی بعلایض مردم داشتند نواب مستطاب شاهزاده  
 و الا بتا نصره الدوله در سبت یکم ماه مزبور بعیاد مقرب انجاقان  
 مشایخ آید عصرانه و چای را در انجا صرف نمودند

دیگر نوشته اند که در ۱۷ ماه مزبور که عید مولود جناب خان  
 میرزا

بقانون معموله نواب شاهزاده سلام گشتند و اجرای شلیک  
 توپ کردند و لوازم احترام عید مزبور را معموله گشتند

### استرآباد

از فراری که در روزنامه استرآباد نوشته اند در شهر ریج  
 سه چهار روز بارندگی زیاد شده است و از شدت بارندگی  
 خرنی خرنی هم در خانهای مردم اتفاق افتاده بود و مقرب انجاقان

محمد ولیخان بکلیر یکی در نظم امور ولایت و رفع مآخض و تمان  
 ترکمانان کمال اهتمام دارد و عالیجاه میرزا مهدی لشکرلویش هم  
 که مأمور بدیدن نوسان نوکر استرآباد و رساندن مواجب آنها  
 بود سان نوکر پیاده آنجا را تا نادیده است مگر فوج قدر  
 که چند نفر از آنها حاضر نبوده اند آدم فرستاده است بیافریند  
 تا سان آنها را هم تا ما به پند

از فراری که در ضمن روزنامه استرآباد نوشته بودند محمد تقی نام  
 کرد و محمد زنی داشته است درین روز از فرار کرده بچانه بد خود که  
 در ساری بوده است رفته بود شوهرش رفته او را از ساری راضی کرد

آورده بود در شانی فرار کرده با سترآباد بچانه یک نفر از طلا  
 آنجا رفته بود شوهرش با غصب او آمده زن از رفتن با نموده گفته بود  
 میخواهم در شهر بمانم و بگردم حمله نمی آیم شوهرش نیز قبول کرده رفته بود  
 که اثاث البیت خود را بشهر سپارد و وقتیکه سباب خود را برداشته  
 بشهر آمده بود دیده بود در نش شوهری دیگر رفته و حاله نیر نیست  
 معلوم نیست که از شوهر اول حمل داشته یا از شوهر ثانی حمل برداشته است

### اصفهان

از فراری که در روزنامه اصفهان نوشته اند این اوقات نسبت  
 غله و نان عرصه بر مردم تنگ شده بود و عالیجاه چراغعلی خان  
 نایب الحکومه اصفهان در شهر نموده برای سرکشی نسق بلوکات رفته

۱۳۳۲

۸  
۳۶

بعد از آنکه خبر بی نامی شهر بجایجا هشار الیه رسیده بود فوراً رفت  
 شهر کرده پس از ورود دیده بود که مردوزن فریاد و شکایت  
 از بی نامی میکنند چند نفری را که میدانست جنس دارند حاضر کرده  
 خوش آنها را راضی کرده بود که خودشان هر یک سه چهار جیناز  
 قبول نمایند که تا سرخرمن کندم بجایجا نمانند که نان پنجه بفرود  
 بعد از این قرارداد فردای آنروز زمان و فوری بهم رسانده مردم  
 آرام گرفته بودند و قرارداد داده بود که کندم را از قرار خرواری  
 تومان و دو هزار و پانصد و کسری رایج دیوان بفرود شدند  
 نان را از قرار یک ششصد دینار رایج که خرواری سه تومان  
 بفرود شدند و با طرف قسم قدغن کرده است که جنس خارج  
 و همه روزه شتر و قاطر و مال گرایه چهار محال روانه میکند  
 مشد جا جنس بشهر بیاورند و تقسیم بجاعت جیناز نمایند  
 از اینجهت کمال اطمینان و آسودگی برای امانی اصفهان  
 حاصل شده است  
 و یک نوشته اند که عالیجا چهراغعلی خان در نظام امور مبارک  
 فوج که که که مانور باصفهان مستد کمال اهتمام دارد و همه  
 فوج مزبور مشغول مشق هستند و با کمال نظم و قاعده حرکت  
 رتقا ریتمایند و همیشه بجایجا محمد شام خان سرسنگ  
 سایر صاحب منصبها تا که کرده زغیب و تحریص بینمایند  
 که هیچوجه از خدمت و مشق غفلت نکنند  
 بروچرد و عربستان  
 از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند بعد از باران  
 که بانولایت آمده بود که در روزنامه سابق نوشته شد دیگر  
 بارانی نیامده بود و مردم با زنی بجمه تسویش داشتند تا از  
 اول جدی الی ۷ و ۸ متصل برف و باران در بر وجود

و مضافات آمده بطوریکه امانی آنجا زیاد امیدوار  
 و بجای از تسویش که داشتند آسودگی حاصل کرده اند  
 تخم و تخم زار که در تابستان از نیامدن باران هر چه  
 رزوده بود و مردم از محصول آن مایوس بودند  
 بارندگیهای متوالی همه سبز و خرم گردیده اند و رها یان  
 این بارندگیها بسیار مشوق و شکر گذارند  
 درین اوقات که خبر فوت مرحوم امام محمد دارالخلافه بآنجا رسید و جیناز  
 آقای میرزا محمود سله الله تعالی در مسجد بروجر مجلس فاتحه خوانی  
 سنگین برپا نموده نواب جلال الدین میرزا و عموم امانی آنجا  
 فاتحه خوانی حاضر شده لوازم احترام معمول داشته  
 عراق  
 از قراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند خلیفه که بمقرت  
 میرزا حنجان بلاخط خند مات و حمرت بود و در ورود  
 تا یک فرسخ استقبال کرده است با اعیان و امانی شهر بکمال عزت  
 و اکرام خلعت مبارک رانید بر و دوش خود ساخته خلعت پوشان  
 بسیار سنگین کرده است  
 و دیگر نوشته بودند که آب شهر سلطان آباد منجم یک فئات وقفی است  
 آن خراب بوده است و آب قلیلی از آن می آمده و در تابستان  
 باهل شهر از کمی آب بد میکند شسته است و آب خوراکی  
 از نیم فرسخی می آورده اند مقرب انخاقان مشار الیه  
 سید تومان از خود سخاوه داده فئات مزبوره را  
 تقسیم خوب کرده اند و بالفعل در هر یک از کوهها  
 آنجا نهری جاری و امانی آنجا قرین شکر گذاری میباشد و در خارج  
 دروازه قبله که آن فئات حارث بیدستان چمنی بنا نهاده  
 بسیار جای باصفائی شده است

۱۳۳۳

میرزا

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند مقرب انخاقان  
 قرین انتظام است ولی بجهت خشکالی و بعضی نیامدن مسوولان  
 اهل آنجا قدری بعسرت میکند رانند از جمله در عهد اولت که  
 حاصل عمده آنجا انار بود و هر ساله انار سپار از آنجا حاصل  
 میشد امسال هیچ نیامده است و اجناس آنجا را از فروردین  
 نوشته اند ترقی دارد و این قرار است  
 کدوم یکخوار پنج تومان و سی شاهی  
 جو یکخوار سه تومان و چهار  
 گاه یکخوار یک تومان  
 روغن یکمن سه هزار و پنج شاهی  
 گوشت یکمن چهار عباسی  
 ذغال یکخوار نه هزار و دینار  
 بیله یکخوار چهار هزار و پانصد دینار  
 برنج چمپا یکمن چهار عباسی  
 برنج رسی یکمن سه عباسی  
 انار یکمن ده شاهی  
 رب انار یکمن هزار دینار  
 دیگر نوشته اند که درین اوقات زوار زیاد که زیارت  
 عبات عالیات رفته بودند مقضی المرام صحیحاً سالمه  
 با وطن خود کرده اند و از ایت راهها کمال ضمانندی  
 و شکر گذاری داشته اند  
 یک نفر بتا در عمارت شخصی مشغول بنائی بوده است درین پلان بر سر و فرود  
 در زیر خرابی مانده بود بعد از آنکه بیرون آوردند فوت شده بود

میرزا حسنخان در نظر و آبادی و معموری و ولایت کمال  
 اهتمام دارد و در هر جای شهر سلطان آباد که خرابی  
 بوده است همه را تعمیر کرده است از جمله دکاکین شاهی بازار  
 سلطان آباد که خراب و غیر مسکون بود تعمیر کرده است  
 و از قم و بروجرد و همدان و اطراف از هر قبیل صنعت کار  
 آورده در آنجا نشاند و همه را سرمایه داده است که مشغول  
 کاسبی باشند در سابق جزو دکان عطاری و برآز حتی  
 دکان خبازی هم نبوده است و مردم در خانه نمان  
 می نختند و می فروختند حالا در بازار سلطان آباد از  
 همه صنف هم میرسد حتی سراجی و چیت سازی و دکان  
 خبازی ده باب دایر است و کار میکنند  
 و همچنین عمارات دیوانی که انجلی خراب بوده تعمیر کرده است  
 و در وازهای شهر که خرابی داشته است و از گل و خشت  
 ساخته بوده اند از نو با کچ و آجر ساخته تعمیر کرده و سفید کاشی  
 و نقاشی نموده نشان شیر و خورشید دولت را در آنجا  
 همه در وازه نقش کرده است و تخته پلهای هر چهار در وازه  
 خراب کرده اند از نو آجری ساخته است از هر در وازه  
 که داخل شوند بنظر باشکوه و بارونق و خوب می آید  
 باغ شاهی که در بیرون در وازه ارک است و خرابی داشته  
 و اشجار او را بریده بودند مقرب انخاقان مشا راسیه  
 داده است خرابیهای آنجا را همه تعمیر خوب کرده اند و  
 از نو اشجار نشاند است

۱۳۳۴



مترجم باشد بدو آنخانه شاهی و خلوت مشهور بکرنجانی آمده  
 در آن بین الحواش بهم خورده بعد از اظهار اینکه چشم سیاه  
 میشود و دلم بهم میخورد گفتن همان و رفتن همان بعضی المباح  
 گفتند شاید سگته کرده باشد فصد کردند مفید نیفتاد  
 در گذشت از غریب اینکه خود مرحوم حاتم خان پدشاه الیه  
 سال قبل ازین بدون انار مرضی بدر بار تا یون آمده  
 در مراجعت بخانه خودش بهین قسم فوت کردید

سایر ولایات

خراسان از فرار یک در روزنامه این ولایت  
 نوشته اند در محبت و سیم ماه گذشته ربیع الاول بود  
 مستطاب امجد و الایثار شاهزاده فرمانفرمای ملک خراسان  
 به ضیافت مقرب انخاقان وزیر نظام تشریف فرما گردیدند  
 و نهار را در انجمن فرمودند جمیع کشمیری از میران پنجه  
 و صاحب منصبان نظام و خوانین و اعظام و اشراف  
 در آن مهمانی بودند و مقرب انخاقان شارالیه ضیافت  
 سنگین نموده و نهایت تکلفات اسباب ضیافت را  
 بعمل آورده و زیاده در نظر نا جلوه نموده بود و خصوصاً در نظر  
 ترکمانان سرخس که ایل و ام اند و اینگونه اوضاع را ندیدند  
 بوده اند پنجاه هفت نفر از آنها که در آن مهمانی بوده اند  
 از وفور اطعمه و اشراف و اوضاع کمال تعجب با نهایت  
 بوده است

التماس کرده است که اورا بحرم جناب امام رضا ببرند  
 کسان او اورا پشت پنجره فولادی برده اند بعد از گریه و  
 استغاثه بسیار در شب جمعیت و چهارم از توجه جناب امام  
 بهام شفا یافته و تقاره شاد و یانه زده آ

دیگر نوشته اند که سی و شش نفر سوار ترکمان تباختند  
 لواحق خراسان میرفته اند در کافر قلعه سه خانوار هزاره را  
 که از برات بقلعه کار بزمی آمده اند اسپر کرده اند از جمله  
 یکی گریخته خود را بقلعه کار بزمی رسانده اهل انجا را خبر نموده بود  
 فوراً ترکمانان را تعاقب نموده بودند نزدیک غروب در  
 کنار رودخانه بهرات بسواره مر بوره رسیده بعد از ساعتی  
 رز و خورد سه خانوار هزاره را مستخلص ساخته اند با عیال و  
 و سه نفر هم از ترکمانان مقتول و سه نفر نیز زنده و سیر  
 شده اند و چند روس اسب نیز از ترکمانان گرفتند اند چون  
 شب بوده است بقیه ترکمانان فرار کرده اند و امانی قلعه  
 کار بزمی ترکمان خود بخت نموده اند

دیگر نوشته اند که حسن نامی از اهل ارض مقدس شب فرشته  
 از خانه محمد خان عرب قلیل اسبابی بسرقت برده بود  
 دیگر هم باز بزم سرقت رفته چون کار در برهنه در دست  
 داشته است زن محمد خان از ترس اینکه مبادا اورا با  
 بزند صد انکرده بود و رفت همه همایکان را خبر کرده بود  
 چند نفر آمده بودند که اورا بگیرند فرار کرده بود و لکن اورا  
 شناخته بودند صبح مراتب مقرب انخاقان وزیر نظام  
 عرض شده فرستاده بود اورا گرفته آورده بودند اسباب  
 مسروق از او استرداد و بصاحبش تسلیم کرده و اورا با  
 حدت نواب فرمانفرما فرستاده اند تا بدینچه حکم فرماید معمول شود

۱۳۳۶

# فارس

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در ماه  
گذشته ربیع الاول مقرب الخاقان مهر علیخان شجاع الملک  
وارد شیراز گردیده و بکارهایی که مقرب الخاقان شیرازی  
بر حسب امر اولیای دولت قاهره محول است هر روز  
در ویو انخانه آنجا نشسته با مقرب الخاقان شیر الملک  
رسیدگی نماید و نهایت اتهام را در امورات محول بخود  
معمول میدارد

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان حاجی قوام الملک  
عازم بندر ابوشهر بوده است و در هفتم ماه ربیع  
الفوج اصفهان روانه مقصد گردیده است و بنا بر  
که میرزا محمد علیخان ناظم الملک نیز همراه مقرب الخاقان  
شیرازی به بندر ابوشهر برود که از آنجا روانه عسکرات  
عالیات بشود

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب هزاره و الا تبار مؤید الدوله  
حکام فارس نواب امیرزاده لطفعلی خان را چنانچه در  
روزنامه سابق نیز نوشته شد بگومت بهبهان مامور  
و عالیجاه میرزا بزرگ زانیر پیشکار نواب معزی الیه نموده  
با عالیجاه لطفعلی خان سرریب در یازدهم ماه ربیع  
روان نموده اند و در عرض راه در دست ارشاد فرار یک  
بودند همو بطوری سرد شده است که بقدره نفرات  
سربازان شیرازی از نظر تلف شده اند

دیگر از فرار یک تغییر اجناس شیراز را نوشته بودند که  
خرواری شش تومان و نان خرواری پنج تومان و جو خرواری  
چهار تومان و بر اجناس نیز با این معنی تغییر یافته است

# اخبار دول خارج

اسپانیل امور این مملکت درین اوقات دور بروز  
روبط است و پادشاه اسپانیل از تقصیر مفسرین  
که در این اغتشاش آخر بدست دولت افتاده بودند  
و انحراف اعفو فرموده است و امید داشتند که کم کم قریب  
و قانون درستی در آن ولایت گذاشته شود که دیگر باین  
برسختی روی نهد

# دینارک

پادشاه این مملکت با طراف سرحدات ولایت خود  
سیاحت میکند و چنانچه در روزنامه سابق نوشته  
شد اهل مشورتخانه کلام خص شده اند و بنا بود که از عیال  
و کلای و یکرب پای تحت بنسبت این و کلاهور مخرج شده  
و لکن از فرار یک نوشته اند معلوم است که وکلای تازه  
بعضی مصلحتها که در سابق بخت با این وزراء وکلای اوقات  
بود حرفش مطابق بیاید

# پیدمانت

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در مشورتخانه  
ریا د شده بود در باب گرانی اجناس با اینکه حاصل  
امسال از سالهای گذشته بیشتر آمده بود باز گرانی بود  
اهل مشورتخانه میخواستند قدغن نمایند که جنس از انول  
بیرون نبرند اما اکثرشان صلاح ندانند و گرانی اجناس  
درین ایام باین سبب میدانستند که اگر چه از خارج غله  
ریا د آورده اند زیاد هم بیرون فرستاده اند چنین دانستند  
که اگر بیرون بردن جنس را قدغن میکردند از خارج هم  
جنس باستانی آوردند بلکه در خود این ولایت گرانتر از خارج

۱۳۳۷



میشد از آنجه درین باب هیچ حکمی صادر نگردد و تجارت  
غله را مانند سایر تجارتها بازاری قرار نگذارد

### احوال متفرقه

موافق حساب دیوان که در ولایت بکلیس نگاه میدارند در ماه  
دو کور و سیصد و شصت و دو هزار و صد و سی و شش نسخه  
از روزنامه تصور در شهر لندن رده اند که تخمیناً در هر  
هفته صد و چهار هزار از آن روزنامهها پخش و پخش رفته است  
و بیشتر از همه روزنامهها این روزنامه شکلدار پخش میشود

در بعضی روزنامههای فرنگستان نوشته اند که پرنس ناپلیان  
که وارث تاج و تخت دولت فرانسه است بنا دارد که دختر  
پادشاه بلژیک را که نوه لوی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه است  
بیکر و درین صورت اگر لوی ناپلیان امپراطور فرانسه بی اولاد  
پادشاهان فرانسه که اولاد پرنس ناپلیان خواهند بود از دولت  
سلطنت نبوت خواهند داشت

درین اوقات در شهر لندن فواره تبریک غریب ساخته اند  
که حوض پائین او اینست و آبش میت و پنج ذرع فواره  
رده بالا میرود و سر از پر میشود روی این حوض را سقف رده  
در و ستانی از اینها می آید و آن داده اند که آب فواره مانند  
شعاع الماس رخکارنگ مینماید و تکیه قطرات آب  
از فواره سر از پر میشود بسبب پرتوی که از اینها می آید  
باومی افتد مثل جواهر الوان بنظر می آید خیلی تازکی دارد  
و مردم بسیار بتاشای آنجا رفته اند

و کده برانست که ولیم و وارث تاج و تخت دولت  
بلژیک باشد اراده داشت در پاییز گذشته با روجه خود  
ایتالیای بود و بلکه در استان راجم در آنجا ماند

دولت استرلیه درین اوقات پول زیاد خرج میکنند  
که رود طونه را از سنک و ریک پاک نمایند که مانع  
کشیمان شود چونکه از رودخانه مزبور بجهت بارهای تجارتی  
و اجناس آنولایت تردد زیاد میشود دولت استرلیه  
این خرج را می کنند بجهت اینکه تجارت ولایت خوشایان  
رواج باشد

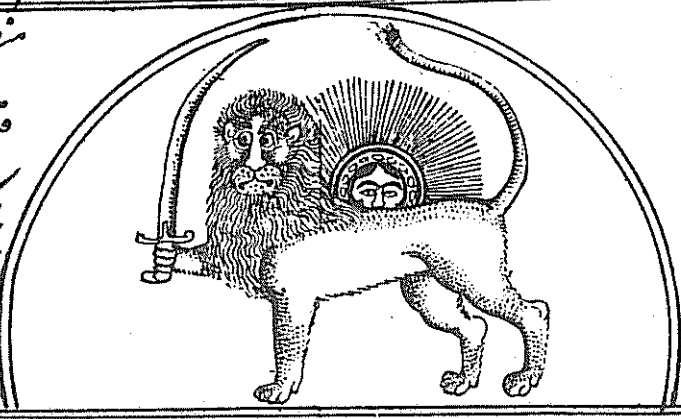
از دولت بسیاری از راههای آنجا میخوانند فعلین رفت  
در آنجا ساکن بشوند زیرا که آن مملکت را ارض اقدس میدانند  
و بعضی از دولت عثمانیه خواهش کرده اند  
که در آنجا بناها جاید که ممکن نمایند

شخصی در مملکت بکلیس سبابی تازه اختراع کرده است بجهت  
در آوردن درختهای بزرگ با خاک و ریث از جای خود  
و نشاندن بجای دیگر چند سال پیش ازین این سباب را در  
کرده بودند و لکن از قراریکه در روزنامه فرانسه نوشته اند  
این سباب که حالا این شخص درست کرده است خیلی بهتر  
از سباب سابق است شخص مزبور این سباب را بولایت فرانسه  
برده و حسب احکام امپراطور فرانسه برایشه بواده بلون فرستاد  
و امپراطور یک درخت بزرگ در آن داده است و گفته است  
در بیاورند در اندک مدت این شخص با سباب مزبور آن درختها  
با خاک و ریث در آورده و بجای دیگر نشاندند که هیچ عیب  
نگرفته است امپراطور حکم کرده است که سباب مزبور ازین  
شخص بخرند زیرا که در ولایت فرانسه بسیار بکار خواهد خورد  
بنا دارند از این سباب متعدد بازند که در ولایت فرانسه  
متداول بشود

۱۳۳۸

# روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ یوم ششم ماه جمادی الاولی مطابق سیال با سن ۱۳۳۹

نزهت و ده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده بریکه  
رفاق و چهار بره



منطبه دارا خلاق طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره اجناس مطر بکهر دینا  
شیر با هر مطر پنج اسر

## اخبار دوله مالک محروسه پادشاهی

### دارا خلاق طهران

درین اوقات هوای دارا خلاق طهران در کمال میانه  
میگذرد یکدو دفعه برف جزئی آمد و دو سه روز هوای  
سرد کرد بطوریکه در پنجاه سالگی بیخ گرفتند بعد از آن  
هوای ملایم و مانند بهار گردید تا در روز یکشنبه شانزده  
جمادی الاول بعد از ظهر بارانی بطور ترشح گرفته تا بعد  
باینطور بود و بعد از مغرب الی صبح باران شدیدکی  
متصل آمد که بیم سیلاب و خرابی بود و روز دو شنبه  
نیز همانطور بارید که بعد از خرابی بجایی نرسیده است و  
این بارندگی امیدواری منافع کثلی برای اهل زراعت حاصل  
و مردم فارغ از تشویش گرانگی شده اند اگر در سایر ممالک  
محدوده نیز اینطور بارندگی شده باشد نشانه غلظت در  
هر جا ترشیل کثلی خواهد کرد

### سایر ممالک محروسه

در پایتخت علی آقای شکاک اردمی که سابقا اجمال  
در خدمات نخوه خود داشت و از واهم حکام اردمی است

و در ست بخدمت اقدام نمیدانند این روزها از استقام  
مقرب انخاقان قایم مقام و حسن سلوک نتیجه انخو این  
حسنی خان پیشینت خاصه اعلیحضرت شاهنشاهی که این  
شکاک سپرده با دست مشارالیه نهایت دقت و تمام  
در خدمات خود دارد و پیش احمد آقا را با چند نفر از  
آقایان این شکاک بجاکپای مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی  
فرستاد که در رکاب هائون مشغول خدمت باشند و خود  
در سایر ایل مشغول خدمت است

### استرآباد

از قراریکه در ضمن تحریرات روزنامه استرآباد نوشته  
بودند این اوقات در آنجا باد و باران غریبی آمده است  
که از صدمه همان باد و باران خرابی و خسارت کثلی با آنجا  
و اهالی آنجا وارد آمده است از جمله پنج شش کله که سفند  
و یکدو نفر در بلوکات استرآباد و پنج شش نفر در شاهکوه  
که ییلاق استرآباد است تلف شده اند و هم چنین در کاک  
هم از صدمه آن باد و باران خسارت کثلی وارد آمده

۱۳۳۹

از آنجمله آب جایش تمهید را یکجا گرفته تسبیح کاو با الاحق  
 و اثبات اینست که داشته اند همه زلف کرده است  
 ششیری که از جانب سنی بجواب همایون بافتن مقرب بخاقان  
 محمد و لیخان پیکریکی است آباد محترم شده بود این اوقات  
 با بخار سیده لازم توقیر و احترام را در استقبال آن بعل  
 آورده با کمال افتخار و سربلندی زینت پیکر اعتبار خود ستا  
 و در شرایط احترام آن لازمه اهتمام را بعمل آورده است

**عربستان بحرچند**

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند از او  
 ماه ربیع الثانی تا آخر ماه فروردین متصل برف زیاد در جز  
 و بلوکات و نواحی آن اطراف آمده است در یلاقات  
 بر تبه برف باریده است که میچکس باین زیاده برف  
 بخاطرند شده است راهها از کثرت برف مسدود بوده  
 رفع تشویشی که انالی اولایت از کرانی غله داشتند شده  
 اگر چه بسبب مسدود بودن راهها غله از خارج بانو لایت  
 نمی آید ولی بسبب زیادتی برف و باران که خاطر جمعی  
 بصاحبان اطلاق و زراعت حاصل شده است و ایتمات  
 نواب جلال الدین میرزا انبارها که در شهر بوده است غله  
 آنها را انجبار و علاف داده اند و نان نخایت و فور را وارد  
 و قیمت گندم درین اوقات در بر و جز و خرواری دو تومان  
 پنجهزار است  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد ادهان سیرت در شیراز  
 ماه با فوج زرندی وارد بر و جز و شده اند و بواسطه  
 از دزفول از راه کیلان که اقرب طوق است بحرم آباد  
 بودند و در کیلان بشدتی برف آمده بوده است که بگردد

۱۳۴۰

راه را در سه روز طی کرده بودند از سرباز کسی تلف شده  
 و لکن بقدر رسید الاغ از آنها در میان برف مانده و تلف  
 شده است سربازان نیز چهار روز در بر و جز و مانده و  
 مقصد کرده اند

و همچنین فوج خدا بند که روانه عربستان شده بودند  
 سه روز در پای کیلان توقف کرده و بجهت شدت برف  
 و سرما نتوانسته بودند از آن راه بروند ده پانزده شتر از  
 آنها در میان برف مانده و تلف شده بود آخر از راه  
 جای در روانه مقصد گشته اند

**فارس**

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب  
 مستطاب پزاده و الا تبار مؤید الدوله حکمران فارس  
 در باب تعمیر اجناس اولایت اهتمام زیاد نموده اند  
 اوقات بسبب سعی و ایتمات نواب سعزی الیه قیمت  
 اجناس نسبتاً بق منزل نموده گندم از فرار خرواری  
 چهار تومان و جو و زیت خرواری بیت و پنجهزار و سایر  
 اجناس نیز همین منظمه تنزل نموده است

**کرمان**

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند در چهارم ماه گذشته  
 ربیع الثانی تاج محمد خان و سایر آدهای آزاد خان حایر  
 که عریضه پیشکش در بار همایون آورده بودند و در خص  
 یافته وارد کرمان گردیده اند از اینکه مالهای سواری آنها  
 مفلوک بود امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران  
 و کرمان چند روز معاند برای آنها تعیین نموده و نهایت  
 محبت و نوازش را با آنها نموده و هر یک را فراخور حال

خلعت و انعام داده و نوشتجات محبت آمیز منبسطی بر  
 ترغیب خدمتگداری دولت علیه بازاخان نوشته  
 و آنها را مقضی المرام بخش نموده است و بجایگاه علی قلی خان  
 قاجار نایب عالیجاه موسی خان سردار بزم و وزیر  
 و بلوچستان نوشته است که همه جا آدم همراه نموده  
 آنها را ببردند

دیگر از سر آنکه نوشته بودند این اوقات در کرمان  
 بارندگی زیاد شده است و در جلگه و حوالی شهر باران  
 آمده و در کوهسار برف زیاد آمده و برای امالی آن  
 اطمینان کلی ازین بارندگی در امر زراعت خودشان  
 شده است

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه ربیع الثانی در دول  
 شیدی عارض امیر الامراء العظام سردار شده بود  
 بقستی که متعلقش نهایت اضطراب بهم رسانده بود  
 و حکیم صاحب ابایکه مریض بستری بوده حاضر کرده بود  
 مشارالیه بتجویز انداختن زنبور شکم و پهلو کرده بود و زنبور  
 بسیار انداخته بودند فایده کرده و در دول تسکین یافته بود  
 و سردار بزم قنبیه اش را بلوچیه روانه شده بود در منزل  
 اول باز در دول عارض شده حکیم مزبور را حاضر کرده بود  
 مجدداً بگرفتن خون و دادن دوائی مسهل معالجه کرده فایده  
 حاصل شده است

از فراریکه در ضمن روزنامه کرمان نوشته بودند در عرض  
 جنیص مجبری میباشد که دو فرسخ مسافت آن است و  
 عبور و مرور از آنجا ممکن نیست و باید هر کس از آنجا میگذرد  
 از اسب پیاده شود و با مشقت زیاد از آنجا عبور نماید  
 امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان  
 محض ملاحظه آسودگی مردمین و عابریین قرار داده اند از  
 خود خرجی متحمل شده پسند آن راه را هموار نمایند که  
 مردم با آسودگی عبور نمایند

دیگر نوشته اند که در شهر ربیع الثانی خبر با امیر الامراء العظام  
 سردار رسیده بود که جمعی از طایفه بلوچ از راه لوط بجزیم  
 تاخت و تاز آمده اند بجز دستخوار قرار داده بود که روانه  
 جنیص شده در صد در رف تاخت و تاز بلوچ بر ایدار قرار  
 نوشته بودند با حالت ناخوشی خود با چند نفر مشیخت  
 و نوکر روانه شده و اخبار کرده بود که جمعیت و ادوقه  
 هم از غلبت روانه لوط نمایند که رف تاخت و تاز آنها را  
 از آن حد و نموده گذار دی اعدالی و تعرضی از آنها با  
 الصفحات وارد آید

دیگر نوشته اند که درین اوقات مقرب انخافان عبداللہ  
 میر سنج عالیجاه امام علی خان سرمنگ را از بند عباسی با  
 دو عااده توپ و یک خمپاره و دو دست و شصت تیر  
 سر که در جنگ اعراب آنجا بدست قشون که مانی افتاده بود  
 روانه کرمان نموده است و چون امیر الامراء العظام سردار  
 در شهر نبوده است مشارالیه توپها و خمپاره و سردار در  
 کار و سهرامی خارج شهر مستحفظ و قراول گذاشته خود بنزد  
 سردار رفته است تا بدینچه حکم شود معمول دارد

دیگر از بند عباس نوشته اند که بعد از فتح آنجا قشون کرمان در خارج  
 و قشون فارس در قلعه ستمند و در دوی قشون کرمان از دوقه از هر  
 زاویه است و سیورتی امیر الامراء العظام سردار در سیفند و روزه روز و  
 کرده بود علی التوالی حمل دواب بارکش شده روانه بند عباس شد

۱۳۴۱

### مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته بودند آقا جان نامی  
 نعلبند که از ایام حکومت مرحوم مصطفی قلی میرزا پداروغلی اینجا  
 برقرار بود این اوقات سه نفر از همای و ببار با مطابقتی  
 رفته بودند از صاحب دکانی منفکی خواسته بودند او در مقام  
 امتناع برآمده بود چوبی بر سر او زده بودند فوراً پلاک شده بود  
 نوابش برآورد احمد میرزا و نفر از آنهارا تنبیه و سیاست نمود  
 مرض کرده اند و یک نفر دیگر که اصل قاتل بوده در حبس  
 دارند که پورته مقبول داده بقصاص یا دیه امر آنها را بگذرانند

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند درین اوقات  
 اراض خان و سایر ترکمانان سرخی بجهت اظهار اطاعت و  
 انقیاد این دولت قوی آیت و اطمینان نواب مستطاب  
 افخم و الاتبار فرمانفرمای مملکت خراسان و مقرب انخافان  
 وزیر نظام ارخسن خدمتگذاری آنها با طایفه قرایایی که سر از  
 اطاعت این دولت علیه باز زده بنای خود سری گذاشته اند  
 در مقام مخالفت برآمده از جمله سفید نفر سواره سرخی بتخت  
 قرایایی رفته بودند و دست نفر آنها جدا شده بسر قافله که از  
 بخارا غلبه برای طایفه قرایایی می آورده اند رفته و غلبه آنها را  
 برگردانده اند و سفید نفر آنها نیز بسر قافله که جنبه و بلعاز  
 حمل و نقل میگردند رفته اند و دست نفر نیز بتخت قرایایی  
 رفته و از قرایایی نیز سوار بیرون آمده با هم نزاع و جدال کرده  
 چند نفری از طایفه قرایایی مقتول و مابقی مخدول و لاکشته اند و  
 قدری شتر و کوسفند از آنها باد و نیزه سر بدست ترکمانان  
 سرخی افتاده و نیزه سر را بحضور نواب فرمانفرما آوردند

بودند و با آورنده سر با انعامی از جانب نواب مغزی لیه  
 مرحمت شده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات خبر بارض احمد تن رسید  
 که جعفر آقایی کلانی قدری سواره ترکان از طایفه قرایایی  
 برداشته بنرم تاخت و تاز اطراف کلات آمده است  
 نواب مستطاب هزاره پنجم فرمانفرما مجروح استماع پانصد نفر  
 سواره و پیاده خراسانی با دافعون متوقف کلات و نشان  
 که مراقب بود مانع از تاخت و تاز او بشوند

دیگر از وقایع اتفاقیه ارض احمد تن نوشته اند که شخصی  
 از اهل محله حیدری خانه مرصع بود بعد از آنکه صحت یافته  
 بخانه خود رفته و گفته بود که قدری ذغال بیاورد پیش  
 کرده خود را گرم کنم منقلی آتش آورده پیش او گذاشته  
 بودند بعد از ساعتی که متعلقانش بسر وقت آورفته اند  
 دیده اند که خون زیاد از کلهی او آمده و هر دو دست و  
 صورت او سوخته و فوت شده است معلوم نموده که بخا  
 ذغال او را در هوش نموده و دستها و صورت او سوخته  
 و مرده است یا مرض دیگر در گذشته است

دیگر از قراریکه در ضمن تحریرات خراسان نوشته بودند صد نفر سوار  
 بغرم تاخت و تاز بسر حد جوین آمده بودند عالیجاه کریم آقایی پسر  
 عالیجاه محمد ابراهیم خان حاکم جوین با سی نفر سوار بجلو آنها رفتند  
 مقابله و مجادله کردند آشته آنها را کشتند و حش داده مغلوب و منکوب  
 ساخته است و چند نیزه سر و چند نفر اسیر آورده است  
 بعضی خاکپای مبارک رسیده از جانب سنی بجوانب  
 بهایون شمال و قبالی برسم خلع بافتخار عالیجاه کریم  
 مرحمت و ارسال گردید

۱۳۴۲

روزنامه قایم اتفاقیه پنج یوم خورشیدی و هفتم ماه جمادی الاول مطابق سال با رسایل ۱۶۷۱

نمره قیمت یازده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شاهریک  
صافان و چهار نبرار دنیا



منطبه دارا خاوه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر الا چهار سطر کلید  
بیشتر سطر پنج سطر

### اخبار و احکام محروسه پادشاهی

#### دارا خاوه طهران

این اوقات بتدقیق ابویای دولت علیه چنان معلوم  
که بعضی از مردمان متقلب بنای تقلب در احکام دیوانی  
گذاشته مهر جناب جلالت تاب امجد شرف اکرم  
افختم حبه بر لب خوش مردم حکم نوشته بدست این  
سیدانند جلب منفعت می نمودند از جمله سرسید محمد نام  
پسر میر عبدالمجید اصفهانی است که اینطور تقلبات را پیشه  
امر محاش خود ساخته بهر جناب معزی الیه احکام جعلی  
بدست مردم میداده است و این روزها تقلب او ظاهر  
شده است احکام مجعوله او بدست ابویای دولت علیه  
که چند تعلیف بهر جناب معزی الیه ساخته خود نیز در حد  
ابویای دولت علیه بعد از استکشاف تقلب خود اقرار  
و اعتراف نمود و باینجه در معرض قبیح عظیم برآمده از خاک  
ایران اخراج بلدند و چون اینگونه تقلبات مردم با  
احتمال و اعتناش در احکام دیوانی می شد لهذا ابویای  
دولت علیه ازین تاریخ بیعده فرار دادند که آنچه از احکام  
دیوانی نوشته میشود هر چه را که ممکن باشد جناب معزی

بخط خود شرحی در حواشی آنها بنویسند و اگر بواسطه کثرت  
مشاغل ممکن نشود بخط خود شرحی بنویسند اینطور قرار داده اند  
که آنچه متعلق بعلالیاتی و داد و ستد دیوانی است حاشیه  
جناب مقرب الخاقان نظام الملک شرحی بخط خود نوشته  
مهر نمایند و آنچه متعلق بمعامله و داد و ستد قشونیه است  
آن احکام را مقرب الخاقان میرزا فتح الله شکر نویس با  
شرحی نوشته می نمایند و آنچه متعلق بعل سفارتخانه وزارت  
دول خارجه است حواشی آنرا مقرب الخاقان میرزا سعید  
بخط خود شرحی بنویسند و میرزا و آنچه متعلق بامور دیوانخانه  
میاید از امنای دیوانخانه مبارکه بر طبق آن حکمی درست  
صاحب مسئله باشد و آنچه سایر احکام متفرقات حواشی آنها  
مقرب الخاقان میرزا محمد حسین دبیر الملک شرحی نوشته  
نمایند و حکام و ولایات مالک محروسه هم ازین تاریخ بیعده  
تعلیفه و حکمی که صادر میشود درست ملاحظه نمایند اگر این  
علامات یادستخط خود جناب معزی الیه در احکام و  
تعلیفه باشد آن حکم را مجری دارند و الا حکمی که در آن  
دستخط جناب معزی نباشد با این علایم را از نوشته پادشاهی

۱۳۴۳

نگاه داشته مراتب را خدمت امپای دولت علیه عرض نمایند  
هر طور حکامانی صادر شد از آنرا قیام نمایند

در عهد سلاطین سلف امارت بر این منتم رسم چنان بود که  
در شب عید نور و سلطان به بعضی از نوکران بزرگ دیوانی خلعت

عیدی حرمت می شد برود و در وقت رجای این قاعده بطوریکه  
صد اول شده بود که همه چاکران دیوانی حتی ادانی هم تمام

خلعت عیدی میگردید و بعضی که هم سالی سی چهل هزار تومان  
خلعت می گرفتند و خرج کزاف بیجانی برای دولت حاصل

بود و هم عظمی برای خلعت پادشاهی و فرقی مابین مقربین و اعلا  
و ادانی مانده بود و اینهمه در نظر ما بسیار لیک و بد اینست

لهذا حب الامر پسین قرار شد که از عید نور و در وقت عید  
بیل خلعت عیدی بکلی موقوف شد و هیچیک از چاکران دیوانی

اعتم از اعلی و ادنی خلعت عیدی حرمت نشود تا برای خلعت  
پادشاهی عظمی باقی ماند و درین تشریفات دیوانی فرق  
تفاوتی مابین اعلی و ادنی باشد

چون در مدرسه دارالفنون چند نفر از شاگردان مشق نوشتن  
میکردند و در نزد عالیجاه موسیو کریشیش قاعده در موزن مشق

می نمودند و درین مدت در تیراندازی توپ امتحان نشده بود  
باینجه عالیجاه موسیو کریشیش برای امتحان اطفال خود شنیدند

هش عراده توپ بیرون دروازه ببرند که در آنجا شاکردان  
مدرسه دارالفنون را امتحان نمایند لهذا در وقت شب عراده

توپ بیرون دروازه دولت بردند و در آنجا برای تیراندازی  
امتحان نشاندند که هشت و رایی همانون شایسته علاقه یافت که دو

عراده از توپهای بزرگ میان میدان درب خانه راهم که تا بحال  
انهار از میدان ارک در آنجا به بیرون حرکت نداده بودند

آنروز برای امتحان بی بیرون دروازه ببرند سرکار اعلیحضرت  
شاهنشاهی هم در آنروز خاطر مبارکشان بران تعلق یافت که بیرون

دروازه تشریف برده امتحان کردان مدرسه و تیراندازی توپها  
بزرگ را تماشا نمایند بعد از آنکه بیرون دروازه تشریف بردند

چون افواج قاهره در میدان مشق حاضر بودند و با کمال شکوه و نظم  
و ترتیب ستاده بودند سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی اول بمیان

افواج تشریف برده مشق آنها را ملاحظه فرمودند و بعد از آن تمام  
شیک توپها تشریف بردند و عالیجاه موسیو کریشیش اطفال

دارالفنون را در حضور آنها یون شاهنشاهی و جناب جلالت تشریف  
احمد اکرم صدر اعظم افخم در مشق توپخانه امتحان کرده تیراندازی

نمودند

نظر با اتمامات نواب پسرده سیف الدین میرزا حکمران قزوین در انجام  
خدمات دیوانی و رسیدگی با امور رعایا و برای ای انجام درین اوقات

خدمات او مقبول و حسن خاطر ملوکانه افتاده یکم شوی کلجه از بلوس بدن  
بر رسم خلعت نواب معری الیه حرمت و ارسال کردید

چون نواب ابراهیم میرزا در تیراندازی چهار لنگ چنانچه در روز  
سابق نوشته شده کمال اتمام و رشادت را بعمل آورده بود خدمات

مطبوع و حسن خاطرهایون افتاده درین اوقات یک ثوب جبهه  
از جانب سنی ابجواب ملوکانه با و خلعت حرمت و انفاذ کردید

چون عالیجاه چراغ علی خان نایب الحکومه اصفهان در تقدیم خدمات محول  
و نظام و انضباط امور ولایت مراتب اتمامات خود را بطور شایسته ظاهر

حسن خدمت و فطرت صدقت او مشهود و کشف رای جهان را برای علینت  
پادشاهی افتاده و مقبول گردید لهذا نظر بطور حرمت ملوکانه درباره او

یک ثوب جبهه ترنمه کشبری بر رسم خلعت ابجواب سنی ابجواب تشریف  
پادشاهی بصحبت

۱۳۴۴

### کرمان

از فراری که در ضمن تحریرات کرمان نوشته بودند این اوقات  
ادامی از امیر قاین بجا پاری نیز د امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار  
حکمران یزد و کرمان آمد خبر آورده بود که بلوچ زیادوی از رود بآ  
سیستان بغرم تاخت قاینات آمده و در آنجا کاری نموده بطرف  
همتا در راه آمده اند مقرب الخاقان مشار الیه مجروح و وصول این خبر  
بهنه دینہ جات آدم دست داده خود نیز با آنکه ناخوش بوده در  
دوازدهم شهر ربیع الثانی چهل پنجاه نفر سوار از خان زاده و غیره  
ایلیجار کرده بخصیص که متصل بلوت است رفته و از بلوکات و ایلات  
نزدیک هم تفنگچی خواسته بود و در ساعت ورود خصیص ده نفر  
از مهاجرین را که نوکر خود مقرب الخاقان مشار الیه بوده اند با سی نفر  
تفنگچی خصیصی مامورت نموده است که بسرا هر شان قاینات بروند و  
و آذوقه آنها را بشه ای خود حمل نموده از فراری که نوشته بود آن چند نفر مهاجر  
در حوض ماور که پانزده فرسخ از خصیص دور و در میان لوط واقع است که شسته خود با یکدیگر  
و نهاره خانه که بیت و پنجره انظر حوض نارت رفته و در آنجا سی نفر بلوچ مفت روست  
اشه اند و در نرسور بهر موقوف و در حقیقت به انرا لظاف رده و در نرسور رفته بود بلوچها  
و در خیال کرده بود که این چند نفر اولند و از عجب و حیرت و خواهش از آنکه اینها بر حوض نرسور  
انها بکوی عظیم با تفنگ رفته و آنجا را شکر کردند از سواران که بفرجه اخبار سوار و دیگر با خبر یکدیگر  
نادر که شته بود نرسور و شت سوار یکدیگر با بلوچها نرسور یکدیگر و در آورده شت بلوچها را که بزرگ  
بسیار بان نوشته و سواران هم دعوی آنجا فرسخ آنها رفته و از بلوچها بکوه و بکرفته  
اتجار اسکر کرده بودند چون جای بلوچها بسیار صعب بود سواران نمیتوانستند بجا  
بروند عقب بنه و شتر آنها رفته بکنفر از بلوچها را با شترهای بنه و آذوقه ایشان  
بطرف حوض ماور آورده اند و با بقی بلوچها از آنجا فرسخ اختیار کرده در سیستان  
لوت بی آذوقه میمانند و از فرار تقریر آن یک نفر بلوچ که دستگیر شده بوده است  
چهار نفر از بلوچیه همسیر خود و فرزند شده اند

عالیجاه میرزا بابیک پیشخدمت باشی جناب جلالت نواب امجد شرف  
اکرم صدر اعظم انجمن با فتحار او مرحمت و عنایت کردید  
چون عالیجاه میرزا اسمعیل مباشرت ثلث مراتب خدمت کردی  
خود را مشهور ای اقدس هالیون داشته بود درین اوقات  
یکتوب جبهه ترمه برسم خلعت از جانب سنی انجوانب طوکانه بجهت  
او مرحمت و ارسال شد

### سایر ولایات

عربستان از فراری که نواب مستطاب هنزده و الا تبار  
حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و خنیشاری نوشته  
در باب سده ناصری جویره اهتمامات کافی معمول داشته اند  
طالع فیروزی مطالع اقدس هالیون شایسته ای سدی که تا بجا  
پیشک از صاحب اختیاران سلف با وجود اختیار و اقتدار و روح  
کلی نموده اند با تمام برسانند درین اوقات در نهایت خوبی و  
استحکام با تمام رسیده و آب بقدری جویره جاری شده است  
که بی زورق عبور از آن نمیتوان کرد و عجب اینکه سیستان  
امسال آید است که سه زرع از روی سدم نور بالا زده و با  
وصف این خرابی بدم نور نرسور است بلکه باعث استحکام  
آن شده است و مامورین سرکارت دم نور با وجود شدت گرما  
آن صفحات که چند نفر را با دسام گشته است از بنا و عمله و سبر  
و غیره حسب الحکم نواب مغزی الیه کمال استیاده کی نموده و کار را  
با تمام رسانده اند و حال از اطراف مردم هجوم آورده در فکر  
آبادی خانه و عمارات و نخیلات جویره میباشند و عمارتین  
هالیون شایسته و اهتمامات نواب مغزی الیه آنجا بسبب  
سدم نور نهایت محموریت و آبادی بهم خواهند رسانند

۱۳۴۵



۱۳	رنگ یکم هزار دینار	دیگر نوشته اند که درین اوقات قوافل شیراز و یزد با امتعه
۱۴	یکم یک هزار و پانصد	تجارتی و غیره وارد کرمان شده بودند و از این راهها
۱۵	یکم دو هزار دینار	و آسودگی عابرین و مستردین زیاد تعریف و تویف
	مرد	معموده اند
	از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند چون خبر	از قرار یک سیم اجناس کرمان را نوشته بودند در این
	که طایفه ضاله بونج جمعیت کرده باخت و باز آن صحافت	اوقات از این قرار است
	آمده اند مقرب الخاقان محمد یوسف خان سر تپه ناخاک	گندم یکم هزار و پانصد
	یزد و چاه آسودگی مستردین و عابرین بگدسته سر باز با	جو یکم هزار و پانصد
	سلطان دست مرزور بقراولی نه گنبد فرستاده است	گاه یکم هزار
	که در اینجا مستعد و آماده باشند و قافل که عبور مینمایند	تنباکوی شیرازی یکم هزار
	آدم همراه آنها کرده منزل میرسانند	تنباکوی وسط یکم دو هزار و پانصد
	دیگر نوشته اند که یک دکان صرافانی را شب برید بود	برنج شهری یکم بمقدد دینار
	مقرب الخاقان محمد یوسف خان سر تپه حکم نموده بود	برنج ارزولی یکم شش عباسی
	که سارق حکما باید پیدایشود چیرگی که از دکان مرزور برد	برنج چنپای فایه یکم نوزده شاهی
	بودند یک فخری که بقدر بیت و پنج تومان نقد و جنس در	برنج رسی یکم ده شاهی
	میان آن بوده است بعد از اطلاع بر حکم مقرب الخاقان	گوشت یکم چهار عباسی
	مشاریه شب مجری را با نقد و جنس آن آورده در	روغن یکم دور یا ل
	میان کوچ اندخته بود	قند ارسی یکم هشت هزار
	دیگر نوشته اند که سر باران فوج جدید کرمان متوقف	قند یزدی یکم شش هزار
	دارالعباده یزد همه اوقات مشغول مشق میباشند	نبات یکم پنجاه و سه شاهی
	و مهارت خوبی بهم رسانده بسیار خوب مشق	شکر یکم چهار هزار و پانصد
	مینمایند عالیجا میرزا کوچک خان فشک تمام کرده	دار چینی یکم بیت و پنجاه
	و بانها داده چند روز مشق شیلیک میکردند و اول	هل یکم چهار تومان
	اولایت از مشق و انتظام و حسن سلوک آنها کمال بجز	ریزه یکم چهار هزار
	و اظهار رضامندی مینموده اند	حنا یکم دو هزار

۱۳۴۶

### اجبار دول خارج

انگلیس در روزنامه این ولایت نوشته اند که علیا پادشاه که در عمارت و نیز از شریف داشتند چند روزی آمده در شهر لندن مانده بعد مراجعت بعمارت منزل نور نمودند و لیحد پادشاه انگلیس بتاریخ ۹ ماه نوامبر بقاعده انگلیس که مطابق ۱۷ صفر است سیزده سال تمام بود و در روزی که پادشاه مهانی سنگین بالواز م حسن و اس تام برپا بودند

قیمت بعضی اجناس را در شهر لندن باین تفصیل نوشته اند که م اعلی خرواری نه تومان کندم وسط خرواری پنجومان سه هزار خرواری پنجومان بزرگ خرواری شش تومان نان یک من میت و دو شاهی نان وسط یک من چهار شاهی جای زیاد بفروشش نیرفت و قیمت جای اعلی را نوشته اند و لکن جای وسط خیلی فروخته بودند قیمت یک پوند که شش سیر پیمانده هزار دینار شکر شازده من بی و پنج شیلینگ که بحساب پول ایران سه تومان و شش هزار و ده شاهی میباشد قد اعلی شازده من به پنجاه شیلینگ که پنجومان و پنجاه است قد وسط شازده من چهار تومان و شش هزار و هشتاد شازده من پنجومان الی پنجومان دو و هزار دینار است که خسته شازده من هفت تومان و چهار هزار دینار است شش خروار و بیت من شش تومان و پنجاه الی دوازده تومان موافق خوبی و بدی گوشت کا و یک من و شش سیر سه هزار و ده شاهی الی چهار هزار و دو و عباسی گوشت یک من و شش سیر سه هزار و چهار عباسی الی چهار هزار و دو

### فرانس

بتاریخ آخر ماه صفر از ولایت فرانس نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور این ولایت بنا دارد که در استان آئیده مهانی و ضیافت جشن و خوش گذرانی تمام در شهر پاریس برپا نماید که هم بجهت خلق خوش بگذرد و این جلال و اس پاریس پای تخت فرانس را که مشهور است ببینند و بجهت زیاد خرج شدن پول صنعت کاران و نفع ببرند خصوصاً آن قسم مجلس که مجلس رقص است و هر کس که در آنجا است باید لباس مختلف که سواکی استعاره فی است متلبس باشد خود اعلیحضرت امپراطور چندین مهانی سنگین از بر قسم خواهد کرد و بعد از آن حکم میکند هر یک از وزرا که آنها نیز هر یک مهانی سنگین برپا نمایند تماشا خانه بزرگ که آپار پامینا مند در دست دولت است و امپراطور حکم کرده است که هر یک از وزرا و چاکران عمده در آنجا جای بگیرند

چند نفر از نویسندگان مشهور فرانس مشغول نوشتن کتاب هستند موسیو کیزو که در ایام لوی فلیپ از وزرای عمده بود تا شیخ خلکت انگلیس را مینویسد موسیو ویکتار کوزن کتابی که موسوم به معرفت عالم است مینویسد و حق نظر نویسندگان دیگر هم برین قسم کتابها مینویسند اول برنی که در شهر پاریس آمده است در روز پنجم ۲۱ صفر بود و این برف نسبت با ولایت بسیار زود بود چونکه یک ماه بزمستان مانده بود اما بعد از آن هوا ملایم شد و برف در زمین مانده و لیکن هوا رطوبت زیاد داشت

۱۳۴۷

### چین

از کاتان چین نوشته اند که یاغیان نزدیک آن شهر بودند و کمان داشتند که یکطرف شهر بدست آنها بیفتد اول شهرم از دیوانیان رضامندی نداشتند و دور نبود که باند یاغیان برچینزند راهها خواه آب و خواه راه خشکی همه در دست یاغیان بود و در دریا زیاد شده بودند و در روی آب تاخت و غارت بسیار میکردند و این همه ضرر تجارت چای که تجارت عمده آن شهر است کم می آمد و آنهم که وارد می شد بسبب اینکه هم یاغیان کم کم زیاد می گرفتند و هم دیوانیان کران و کم یاب بود

بزرگ یاغیان حکمی صادر کرده و شراب خوردن را در آن مملکت منع کرده امت و قدغن نموده است که هیچکس شراب نخورد  
هند

در روزنامه این مملکت نوشته اند که کلاب سینک حکم آن مملکت کثیر بسیار ناخوش بود و کمان نداشتند که خوب بشود و اگر وفات یابد و در نیت که دولت انگلیس لا بد داخل و تصرف در آن مملکت نمایند زیرا که پسر کلاب سینک که موافق قاعده ارثی باید بجگرافی آن مملکت برقرار باشد بسیار بدسلوک بود و مردم از او بیچ رضامندی نداشتند

در ولایت اوژی لظسی و اعتشاش زیاد بود و از قسم دزدی و برهنه کردن مردم و دولت آنجا آن زور را انداخته که در آن ولایت لظسی به در دولت دکن که آنجا نیز مانند

ولایت اوژد دولت جداگانه و تابع دولت انگلیس است اعتشاش بود یکی از خوانین صاحب اطاک که در آنجا زمینها مندرجند نفر از الواط بدو خود جمع کرده بود و بقدر بیست هزار پوند پول انگلیس که تخمیناً چهل و چهار هزار لوان پول ایران است وجه نقد از یک مجال گرفته بود و این وجه غیر از جواهر آلات و اسباب کراهنها و سایر اجناس است که بزور از خلق گرفته بود

### سینکی و نیای شمالی

بتاریخ ۲۴ نومبر که مطابق سیم ربیع الاول است کشتی بخار بشهر نیویارک وارد شده بود و پیغمت یک طیاره نیمه و الازرنگی فارسیا با آنجا آورده بود که هر دو الاری چهار هزار و چهارشاهی پول ایران است

شخصی بدست چاکران دیوان افتاده بود که اسیر فروشی میکرد و غلام و کنیز از افریقته بیسنکی و نیایبرد حکم قتل او را داده بودند لکن احتمال داشت که امنای آن دولت از سرخون او که شسته تنبیه دیگر با و بکنند بلکه جسلی بر بی

### احوال مرقه

باین دولت سنیای پول و پور تو قال گفت کوفی شد است که بلکه کرک را در آن ولایت بی بکنند و بیک طوبیگیرند که بجهت خلق در کرک اذیت نشود و بعد ازین از برای سیاح بجهت کرک گفت نباشد بطوریکه هر وقت شخصی داخل یکی از سردرات این ولایات شد و کرک مال خود را در آنجا داد از ستر سر مملکتین هر جای دیگر که عبور کنند دیگر در خصوص کرک و راهداری در هیچ جاد دیوانیان حماقت نکنند و شورخاها این دو ولایت مشغول حاضر کردن این حکم بودند

۱۳۴۸

موافق حساب که در روزنامه مکتوب نوشته اند حاصل معدن  
 نقره این ولایت در یکسال یک ملیان دالار که تخمیناً یک  
 گرو و چهار صد هزار تومان پول ایران است ریاد در آن محل  
 روی زمین شده است باینطور که در یکسال از همه معدن  
 نقره روی زمین سی و دو ملیان دالار نقره حاصل شده است  
 و از معدن مکتوب در یکسال سی و سه ملیان دالار نقره حاصل شده است  
 که از فرار بردن لاری چهار هزار دینار تخمیناً بیت و شش گرو  
 و دو بیت هزار تومان پول ایران حاصل یکساله معدن ولایت  
 منور است

پارسال که سر شماری در مملکت کانادامیکر و ده چهارده  
 نفر مرد و نوزده نفر زن در آنجا بودند که سن آنها از صد سال  
 گذشته بود از جمله پیره مردی بود از مردمان وحشی که ولایت  
 که صد و بیست سال داشت و زن او نیز از صد سال بیشتر عمر  
 داشت

شخصی درین روزنامه یکی از راههای آهن ولایت انگلیس کشته  
 شده است و وصیت غریب با منزه کرده است این شخص صاحب  
 انگلیس بود و لکن درینگی دنیا بسیار سیاحت میکرد و قتیکه  
 شده بود دوستان و اقوامش او را با کمال حرمت دفن کرده  
 بودند بعد از آن جمع شده بودند که وصیت نامه او را کشوده  
 ببینند که اموالش بیکه باید برسد چونکه او بسیار متمول میشدند  
 و قتیکه وصیت نامه او را کشوده اول چیزی که نوشته دیده  
 این بود که چون من ازین دنیا بتنگ آمده ام هر چه اموال که در  
 خواه در ولایت انگلیس یا در خارج وصیت میکنم که بمن  
 اموال بصاحبان هر راه آهنی که من در آنجا کشته بشوم  
 و امیدوارم که زودتر از محبوبس خانه این دنیا خلاص بشوم

و در آخر وصیت نامه هم نوشته بود که خاطر جمع شدم که  
 کشته خواهم شد پس کشته شدن ازین بهتر نمی شود که در  
 راه رفتن کاسک بخار کشته بشوم که خورد کرد دیده زودتر  
 از اذیت خلاص بشوم و چونکه امیدش این بود که در راه آهن  
 کشته بشود و ایم در سفر بود در انگلیس و یلز و فرانس و ممالک  
 آنست هر جا که راه آهن بود میرفت و هر کاسک که تندتر راه  
 میرفت و تشویش ریاد تر داشت در او نمی نشست یک  
 با کاسک در زیر آب ماند که کاسک کشته و بروی خانه افتاد بود  
 و لکن کشته نشد یک قدم کاسکها چپ و راست نزدیک کاسکها

که او کشته بود هم خورده خورد و سگته شدند و خلق بسیار کشته  
 و زخمها کردند دیدند اجزای خلق سگته و سنجوشتان خورد کردید  
 و لکن باین شخص اذیت رسید دید در فرنگستان کشته نمی شود  
 برینگی دنیا که در آنجا بجهت تند رفتن کاسکها و بیاباکی اهل آنجا  
 بلکه مقصود خود برسد سمت او ختو و مسپنی و نیا کرده رفته بود با  
 وجود اینکه کزد یک بخار کاسک تر کیده بود یا زیاد اذیت سگته  
 سر تا سر آنولایت وسیع رانفته بود و لکن کشته نشده بود تا بطن  
 خود مراجعت کرد و ما بین شهرهای بریتن و لندن کشته کردید  
 و مقصود خود رسید توام او با صاحبان آن راه آهن مراد  
 و میخواهند ثابت بکنند که شخص منور محبوب بود و وصیت او  
 صحیح نیست و لکن صاحبان راه آهن پیش خواهند برد و اموال  
 شخص مقبول با آنها انتقال خواهد یافت

اثر گرفتن شهر محل که تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته شده است  
 ریاد با این اجازه است که کشته اند که انقدر ما نشان تلف شده است  
 حال بجهت خراب شدن انبارها و نامروری شهر تجارت روسی که در آنجا  
 تجارتها بود از آن شهر بریده شده و در شهر کانگوز پورغ می شود

۱۳۴۹

چون چند سال است که در سمت جنوب مملکت فرانسه و بعضی  
 ممالک دیگر فرنگستان آفت در میان تاک انگور می افتد امیر  
 فرانسه حکم کرده است که مگر کی که از شرابی که از خارج می آمد  
 می گرفتند برداشته شود چونکه در میان اهل سمت جنوب آن  
 مملکت شراب از جمله ما محتاج خلق است که همیشه با طعام کمی  
 میخورند هر وقت که گران شود بخلق بد میکند و بلکه پیش  
 اعتیادش هم در میان آنهاست از آنچه حکم امیر اطور  
 که شراب از خارج بی مگر که داخل آن ولایت شود با  
 اسودگی خلق شده است

در سمت رود موصل که داخل ممالک است اکثر شغل  
 اهل آنجا بعل آوردن تاک انگور بجهت شراب است حاصل باغها  
 آنجا را در اول صفر چیده بودند و بسیار خوب بعل آمده بود  
 و لکن ششیک حاصل سالهای متعارفی نبود و از این  
 ضرر کلی بصاحبان املاک و زارعین آنجا رسیده است  
 در حساب تجارتی مملکت روس که چاپ میزند نوشته اند  
 که در نه ماه سال گذشته چهل و دو هزار و نه صد و بیست و یک  
 چلیک پیه از آن ولایت بخارج فرستاده بودند

و معدن مس در نزدیکی به آنکشند در مملکت سوئد  
 درین روزها تازه برآه انداخته اند و کمان دارند که منفعت  
 زیاده بجهت اهل آن ولایت بکند  
 مرکبات که در ولایت نخیس فراوان میشود از قسم پوپوفا  
 و نارنجی و لیموی سرش است امسال این مرکبات را زود  
 بولایت نخیس آورده بودند بلکه یکجا پیش از ایام متعارفی  
 آمده بود که در وسط ماه ربیع الاول این میوه در ولایت  
 نخیس فراوان بود اکثر این مرکبات را از ممالک اسپانیول

و پور تو قال می آورند و قدری هم از ولایات اطراف  
 سحر سفید

شغل کشتی سازی در ولایت نخیس بسیار رواج دارد  
 و بنجارا که در آنجا کار می کنند مزد زیاد میجوهند صاحبان  
 کشتی نیز لایق این مزد را نخواهند داد

در روزنامه که نوشته اند که امسال فرنگستان زود آمد در  
 وارش در اوایل ربیع الاول کالکهای پنج برافراشته  
 بودند

در کوههای پرانی درین اوقات زلزله شده است و از سترها  
 آن کوهها تاثیر کرده است که مابین فرانسه و اسپانیول  
 میگذرند و از دریا تا دریا نیز تاثیرش معلوم بود و لکن چند  
 خرابی در هیچیک از شهرها و قصبهات آن ولایت نگردیده بود

در وصیت نامه امیر اطور ناپلیان بزرگ نوشته بود که نصف مال  
 بعد از وفاتش در میان اهل آن شهرها که در جنگ آخر بسیار  
 و خرابی دیده بودند تقسیم شود درین روزها بعضی از فقرات  
 این وصیت نامه را بعل آورده اند و حکم شده است که بخواه  
 فرانک بشهرهای سمت رود سین تقسیم بشود در سر این  
 کرده اند و میجوهند پول مزبور را با انشعاع آن برسم ستمی  
 سربازهای پیر و ضعیف و زخم دار بدهند که االی آن شهرها  
 بیباشند

۱۳۵۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم ماه جمادی الثانی مطابق سال ۱۲۷۱

نزهت و سیزده  
قیمت روزنامه  
یک نخود و شکر  
و قان و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسایه چهار سطر یکروز  
بیشتر با هر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه گذشته سرکار علیحضرت پادشاهی عزیمت گشت و تفریح اطراف دارالخلافه مبارکه را که در این اوقات سبب ولایت هو اکمال خرمی و صفادار فرموده سوار گردیدند و تا حوالی عصر ساعات اطراف گردش کرده نزدیک غروب آفتاب به ارک مبارکه سلطانی مراجعت فرمودند  
افواج قاهر نظام این اوقات هر روز مشغول میباشند و با نهایت ارادت و تعظیم و احترام سوار نظام و سرباز در میدان خارج شهر و در میدان ارک هر روز مشغولند و صاحب منصبان اهتمام وافی در مشق آنها دارند و بعضی اوقات سرکار علیحضرت شاهنشاهی خود به تماشای مشق و حرکات آنها تشریف فرمایند و همچنین ایشان را در سواران و اراغتون هم هر یک نهایت سعی در تحصیل فنون حرب و طب و مهندسی و غیره دارند و ترقی خوب برآنها حاصل شده است

چنانچه در روزنامه هفته گذشته نوشته شده است که در روز تیر اندازی حب الامرتایون دو توپ از توپهای بزرگ میدان ارک را هم بیرون برده تیراندازی کردند چون توپهای مزبور میانشان صاف نبود خوب بود و امتحان کردید لهذا صاحب اشاره این مقرر شد که آن توپها را پاکیزه پرداخت نمایند و چند روز است که بر روی توپهای بزرگ که در روی تخت میدان ارک گذاشته اند چادر زده و سوهانکار و غیره مشغول پرداخت آنها میباشند  
هوای دارالخلافه طهران و اطراف درین اوقات بسیار خوب و لطیم است اگر چه امسال منستان بر چنانچه باید در شهر و جلگه میامده و بیخ هم مثل سالهای سابق گرفته نشد و لکن بارانهای نافع خوب آمده و رفع تشویش مردم که از خشکسالی و کرائی غله داشتند شده است و امید است که بعد از این هم بارندگی خوب شود  
نظر بطور محنت طوکاره در باره نواب جهانسوز نیز

۱۳۵۱

ولایت و نیابتی و اتهامات نواب معزی الیه در انجام خدمات محول بخود که از بد و سر بازی نیابت اجودان با کبر سرافراز گردید درین اوقات از قرار فرمان مبارک او را

بمنصب جلیل تیرپی و فوج عرب و عجم سرافراز فرمودند غلتکایون در ازای منصب مزبور نوبت می آید بر کز

### سایر ولایات

فارس از قرار یک در ضمن روزنامه فارس نوشته بودند نواب مستطاب هزاره و الا تبار موبد الدوله حکمران فارس در انتظام و انضباط امور مملکت بتخصیص جناب اسودکی رعیت کمال اهتمام دارند و در ایام هفت روزگی

سه شنبه و چهارشنبه را بیرون آمدن بارعام میدهند عموم مردم خدمت نواب معزی الیه رسیده و عراض خود را عرض میکنند و نواب معزی الیه بعبراض مردم رسیدگی مینماید و مقرمانجا قان شجاع الملک و شیر الملک نیز در خدمت نواب هزاره بقرار و مدار معاملات و جهات

محول بخود اشتغال دارند

### خراسان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند از اتهامات نواب مستطاب هزاره و الا تبار فرمانفرمای مملکت خراسان و مقرب انجاقان و وزیر نظام امورات نواب در نهایت انتظام است و بجهت وفور نعمت و کمال ازرا

واعالی و اوفانی بدعا کوفی و شکر گذاری قدم دارند

از نکلات نوشته بودند که عالیجا میرزا بر اسم خان پسر در حفظ و حرمت نکلات و حسن سلوک با امانی آنجا نهایت اهتمام را دارد و اهل آنجا کمال رضامندی از حسن سلوک و وفای

او دارند حقیقتاً کلماتی با سواره زیاد از قرار بانی دور کلمات آمده بوده است شک فاحشی خورد و محذولاً و بنا بر حاجت کرده و یکرازه خبری نیست

دیگر نوشته اند از قرار یک خبر رسیده بود شاه مراد ایلیا که از متعلقان خان خنوق است با دو هزار سوار و دو عراده توپ و قوش بیگ نامی نیز با هزار سوار بمز آمده است و نواب مستطاب ما نفر با جمیع ولایات خراسان احکام فرستاده

که سواره و پیاده قشون دولت علیه در هر جا مستعد و آماده باشند که هر وقت احضار نمایند بدون محطلی حاضر شوند و از فرار مذکور خود خان خنوق نیز وارد قریا باشد

بوده است

دیگر نوشته بودند که در دهم شهر ربیع الاول قافلگی از بخارا وارد ارض اقدس شدند و پوست بخارانی و جبه و ترنجبین و غیره حمل داشتند و چون ترکانان سخرنی که خدمت باین دولت علییه مینماید محافظت قافلگی را

کرده صحیحاً سالماً با رض اقدس رسانده بودند نواب

مستطاب هزاره و الا تبار فرمانفرمای مملکت خراسان سه ثوب جبه ترمه بیک نفر از پسران اراض خان و توشند

و رحمانقلی خان ترکان خلعت داده اند و منتهای توارش را

بآنها نموده اند

دیگر نوشته اند که نظر باینکه ترکانان سخرنی حال نوکری و اطاعت این دولت علییه را می کنند و مصدر خدمات

میشوند نواب هزاره و الا تبار فرمانفرما بآنها اذن داده که مالهای خود را از کاو و کوسفند و شر از کوه فردوران بخرند و اوردند در ده فرسخی ارض اقدس زمین غلف چردا شسته با

۱۳۵۲

دیگر نوشته بودند که امالی قدمگاه نیشابور بارش است  
 بتظلم آمده بودند که صاحبان تجار جایز یا ذتی کرده و زیاد  
 از سرخطی که دستور العمل داده اند از رعایا گرفته است  
 مقرب انخاقان وزیر نظام به اقا سید میرزا حاکم نیشابور  
 شرحی نوشته قدغن آید کرده اند که رسیدگی بکار ضابط  
 آنجا بار رعایا بکنند در صورتیکه زیادتی کرده باشد او را  
 تنبیه کامل نماید و آنچه زیادتی کرده باشد از او ببرد  
 و بصاحبانش تسلیم کند

### همدان

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب انخاقان  
 معتمد الملک در انتظام امر آنولایت و آسودگی رعیت اهتمام  
 کامل دارد و خلاصی بی از کسی صادر نمیشود و اگر احیاناً ماضی  
 یا خلاف قاعده از کسی اتفاق بیفتد در مقام رفع آن بر می

### کرمانشاهان

از فراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند نواب  
 عمادالدوله در انجام خدمات دیوانی و رسیدگی بکار رعایا و  
 اعلی ولایت کمال اهتمام را معمول میداند و در باب سنگ  
 وقت نموده اند که کسی بسنگ کم چیزی نفوشد از جمله شخصی پارتو  
 سیرکوست از قصابی گرفته بود و دوسیر او کم بوده است  
 بعرض نواب عمادالدوله رسیده قصاب را تنبیه کامل نموده  
 و قدغن کرده اند که هر کس از کس بسنگ کم چیزی نفوشد  
 مواخذة و جریمه خواهد بود

### کرمان

از فراریکه در ضمن روزنامه کرمان نوشته بودند عالیجناب  
 سیتانی که از جانب اولیای دولت قاهره مامور کابان

گردیده بود درین اوقات اعرایض جناب امیرکرم  
 و سردار کندان خان حکمرانان کابل و قدما و روار و کرمان  
 گردیده امیر الامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمرانان  
 یزد و کرمان چند روزی مشارایمه را مرتضی کرده که از خشکی  
 سفر بیرون آمده بعد روانه دیار جاپون شود و او پر اسیم میرزا  
 که سابقاً منصب غلام شیخ متی سرپرست خاصه در نواز گردیده بهر  
 مقرب انخاقان مظفرالدوله بعد از فرستاده بود معاودت نموده وارد  
 کرمان گردیده امیر الامرا العظام سردار کمال احترام را بعل آورده و منزل  
 داده و محتاج او را از هر چیز میرسانند و لازمه ها را بر او برسانند

دیگر نوشته اند در پانزدهم ماه جمادی الاول شت نفر تازه سواران  
 سردار علیخان حاکم سستان شت نیزه سر از بلوچیه وارد کرمان  
 و از فراریکه نوشته اند رالیه بعد از آنکه طایفه خندان بلوچیه بغیرم تاخت را کرمان  
 و غیره اند بودند و امیر الامرا العظام سردار چنانچه در روزنامه نوشته اند  
 شت دفع آنها رفته بود و بعضی از آنها خمدار و دیگر دست و پا زده و نماندند  
 بیش از نفر آنها که خوراک و کوهسای آن کشید و بتدریج جان برودند  
 عالیجناب علیخان در دیده با استعداد با آنها برخورد و همه را بقصد میاند  
 و شت نفر آنها را که اعمار و شمار و بجدوت شیو بود و سر نموده و  
 بران فرستاده بود چون قبل از ورود سرفی بلوچیه امیر الامرا العظام  
 عالیجناب امینخان ماکونی را با او براده توپ یک چهاره و سه  
 و اسیرمانی که از بنای جاسن است آمده بود روانه دیار جاپون نمود  
 بر این شت نیزه سر را بر شتاب فرستاده است در عرض راه بشار الیه بر

که در دیار جاپون بیارند

دیگر نوشته اند که زود حسین لاف این وقت پسری یک کدو است پای او  
 انگشت دارد و پنج دندان در رحم در آورده بوده است

۱۳۵۳



از قزاق که در ضمن روزنامه کرمان نوشته بودند درین	تباکوی علی چهارمین شانزده هزار
اوقات روزه فحلی نام شالیان بیک شکم دستر	تباکوی وسط چهارمین دوازده هزار
زائیده بود امیر الامراء العظام سردار چچه سلامتی خود	چهارمین هشت هزار
مبارک شایه و از اینک اینگونه موالید را چه است	چهارمین دوهزار و صد
اوستس با یونشکون میداند انعام و مدد محال	البغوره یکمین یازده شاهی
بانه داده است	یکمین هفت شاهی
منظمه تعمیر اجناس و الخلاقه طهران درین هفته از قزاق	دوچینی یکمین یکون و ده شاهی
کندم ساوجبلاغی یکخوار سه تومان	فلفل یکمین شش هزار
کندم غریب یکخوار سه تومان	زیره یکمین دوریال
یکخوار بیت و دوهزار	زرشک بیله یکمین دوهزار
یکخوار هفت هزار	زرشک تبریزی یکمین چهار هزار یکعباسی
یکخوار نه هزار	بنات یکمین پنجاه و یک عباسی
چهارمین دوهزار و چهارعباسی	شکر یکمین سه هزار و ده شاهی
چهارمین چهار هزار	قد زردی یکمین چهار هزار و پانزده شاهی
چهارمین دوهزار و دو عباسی	قد روسی یکمین هفت هزار و پانزده شاهی
چهارمین دوهزار و یک عباسی	زعفران یکپچارک شانزده هزار
چهارمین دوهزار و چهارعباسی	لمبوی عثانی یکمین دوریال
یکخوار هشت هزار	آب لیمو یکمین دوهزار و پانزده شاهی
یکخوار سه هزار و پانزده شاهی	
چهارمین دوهزار و یک عباسی	
چهارمین دوهزار و صد نیا	
چهارمین ده ریال	
یکمین شش عباسی	
یکمین دوهزار و یکعباسی	
یکمین هفت عباسی	

۱۳۵۴

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یکم پیرمرد و چهارم اردیبهشت ۱۲۷۱

نزدیکیت و سیزده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی  
و تومان و چهار هزار



منظومه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره چهار سطر یکمیزه از  
بیشتر به سطر پنج سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه گذشته نظر تجوی میوهای شیرینات  
که درین اوقات کمال صفا و خرمی را دارد موکب بهایون  
اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف برمای آن ساعات کردید  
تا در بند و آن اطراف گشت و تفریح فرموده نزدیک  
غروب آفتاب بارک سلطانی محبت فرمودند

کسیان در انجام خدمات دیوانی و تحصیل موجبات  
اسودگی رعیت مشهود خاطر اقدس شاهنشاهی کردید  
درین اوقات یک قبضه کار در دسته مریض و یکسره  
کلیچه ترمه از بلوس بدن مبارک بمقرب الخاقان شارلیه  
از جانب نسبی الجوانب ملوکانه محبت و ارسال کردید

چون مراتب لیاقت و شایستگی و فطانت و بایستگی  
عالیجاه مقرب الخاقان میرزا علیجان پسر جناب عالی  
شرف امجد افخم صدر اعظم اکرم مشهور خاطر و محظوظ  
نظر اقدس شاهنشاهی گردیده در این اوقات  
مقرب الخاقان مشارالیه را بمنصب جلیل وزارت  
استطاب شاهزاده والا تبار امیر نظام سرانوار فرمودند

چون درین اوقات منصب تجویلداری و قریحه مبارکه  
حاجی میرزا موسی خان حسب الاشارة العلیه محبت کردید  
لذا در ازای منصب مزبور یکسره حبشه کرمانی اعلی شاهنشاهی  
خلعت محبت کردید

که از روی کفایت و ذرات مقتضیات منصب مزبور اقدام  
نمایند و در ازای منصب مزبور یکسره حبشه ترمه بخرید  
و یک قبضه کار در دسته مریض از جانب نسبی الجوانب  
ملوکانه باو محبت کردید

چون سرکردگان و صاحب منصبان و قشونی که از نظر  
فارس امور تنجیر بند عباس بودند در فتح و تصرف  
استیلا خدمت و رشادت و جلالت کرده بودند لهذا در  
ازای خدمات آنها بدین موجب خلعت و نشان از جانب نسبی الجوانب

نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا مقرب الخاقان عبدالعزیز صادم  
نشان سیرچال جامیل سرخ حبشه ترمه نشان میرچمکی حبشه ترمه  
قطعه رشته قطعه قطعه

چون مراتب اهتمامات مقرب الخاقان عیسی خان و ای

۱۳۵۵

عالیجاه ابدال خان یا و فرج  
طایری

نشان در ماسک قبا  
سرمه سنج  
قطعه طوقه ثوب

علاء محمد حسین سلطان فرج  
نشان طلائی سلطان

قطعه

عالیجاه مصطفی قلی سلطان صوبه دار  
توشخانه مبارک

نشان طلائی سلطان  
قطعه

س

مرحمت و ارسال کردید که موجب مزید افتخار و دلگرمی  
انها شود

چون مراتب اتهامات و محاسن خدمات عالیجاه علی قاف  
شکاک را در سر پرستی ایل عشایر این اوقات عالیجاه

نتیجه الامراء العظام حسنعلی خان شیخ مت خاصه بعرض چاقی  
سبارک رسانید لهذا یک طاقه شال ترمه و یک ثوب قبا  
رزی بجهت او خلعت مرحمت کردید و ارسال شد

در سال گذشته عالیجاه رضا قلیخان که منصب سرهنگی  
عرب را داشت بملاحظه خدمتی که در فتح بندر عباس کرده بود

بمنصب سرپیشی سرافراز شد و لکن بعد از آنکه برب امر  
اولیای دولت علیه ترار شد که فوج او را در بندر عباس  
ساخته بگذرانند فوج او با جمعی اوتقاعه و احوال و رزین هرگز

نمودند حسب الامراء و مقرر شد که فرمان سیرپیشی او پس  
گرفته و اظهار بی التفاتی نسبت باو شد تا اینکه ایندفعه  
خدمت ثانوی فتح بندر عباس میان آمد عالیجاه مبارک

با فوجش ایندفعه آثار کمال حسن خدمتگذاری خود را طاقاً  
ساخته درین مغزوب خدمت کردند و نواب شاهزاده  
والا تبار موبد الله و له طهاب سیرز احکمان فارس از خدمت

او رضا مندی نوشته بودند لهذا حسب الامر مجده آن منصب  
سیرپیشی سرافراز شده یکثوب حبیبه ترمه برسم خلعت  
باقضای او مرحمت و ارسال شد

چون این اوقات عالیجاه محمد ابراهیم خان سیرپیشی  
اصفهان فی میر احمد خان اوزی را که از جمله اشرف فارس

بود و همیشه آثار شجارت و بهرزیکی از مشارالیه در  
استخدمت و دبطهور میرسید گرفته قلع او را خراب کرده بود

و مراتب این نوع خدمتگذاری مشارالیه در خاکپایی  
مبارک مستحسن و مقبول افتاد لهذا یک ثوب حبیبه ترمه  
باقضای عالیجاه مبارک مرحمت و ارسال فرمودند

چون قبادخان قشقایی بدتی بود که شیمه خود را منصرف  
بدزدی و راهزنی و اغتشاش امر ولایات و محالات  
حول و حوش فارس کرده بود و همیشه آثار بهرزیکی از

او بطهور میرسید این اوقات عالیجاه لطفعلی خان سیرپیشی  
قشقایی بر حسب حکم اولیای دولت علیه او را گرفته بود  
لهذا نظر حسب خدمت عالیجاه مبارک الیه یکثوب حبیبه  
ترمه برسم خلعت بافتخار او مرحمت و ارسال شد

### سایر ولایات

خراسان از شهریکه نواب مستطاب  
شاهزاده والا تبار افخم فرمانفرمای مملکت خراسان  
در طی تحریرات خود نوشته بودند چند دست از طایفه

ضالان ترکمانیه از طرف بوجنورد گذشته لغرم تاخت  
و تاز به بسطام میرفت اند عالیجاه محمد رحیم خان حاکم بوجنورد  
مستخر شده سوار بجلو ترکمانان فرستاده و آنها را برهم

زده است و پنج نیزه سر از زوس ضاله ترکانه بارین  
اقدس خدمت نواب شاهزاده فرستاده است و نواب  
معین الیه هم بلاخط حسن خدمتگذاری او خلعتی برای  
او فرستاده اند

### عربان

از فترت اریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
آنجا از اتهامات نواب مستطاب شاهزاده و الایثار  
احتشام الدوله قرین اطمینت و انتظام است و امر قزاقان  
و مستحق آن صفحات بسیار مضبوط و رعایا از جهتم  
استوده خاطرند مگر اینکه بارندگی در آنجاها امسال نشده است  
و سبب کمرانی غله اهل آنجا قدری پریشان حالند و بعبرت  
میگذرانند

دیگر در روزنامه بسطام نوشته بودند که در ماه گذشته  
جهادی الاول میت نفر سوار از طایفه ضاله ترکان بقره  
رویان که در سه فرسخی بسطام است شب تاخته و سیر  
نفرشان را که در سر کوه سفند بوده اند اسیر کرده بودند  
عالیجاه مطلب خان بعد از استحضار چون خودش میر  
بوده است بقدرسی سوار که موجود بوده اند بتعاقب آنها  
فرستاده بود سوار بعد از طی پانزده شایزده فرسخ  
ترکانان رسیده اسرار استخلص کرده بودند و چند قبضه  
تفنگ و شمشیر هم از ترکانان بدست آورده چون شب  
شده بود و اسبهای مأمورین نیز خسته بوده اند دیگر  
ترکانان را تعاقب نکرده مراجعت نموده بودند

دیگر در بند رنجره در او اخر شهر مزبور کاغذی برای تاجار  
آمده بود که در او اوسط ماه صفر در مجبئی چنان باد و طوفان  
برخواست بود که جهازات بسیار که در لنگرگاه بودند  
اکثری را غرق کرده بود

دیگر از سر بازار و کوچی متوقف اولایت بسیار ضعیف  
نوشته اند که بسیار با نظم راه میرند و اهل آنجا  
رضامندی از آنها دارند

و هم چنین در سیزدهم ماه مزبور نیز سی چهل نفر سوار  
بعزم تاخت بلوک بیار بسطام گذشته بودند عالیجاه  
سی نفر سوار متعاقب آنها فرستاده بود بعد از طی سی فرسخ  
مسافت حوالی عصر ترکانان رسیده و جنگ در پیوسته  
بودند سواران مأمورین نیزه سر از ترکانان گرفته و  
پنج رست اسب نیزه تیر کلوله زده بقیه ترکانان هر چند  
سکین اقبیل پوشاک و آذوقه داشته اند تخته باسه  
نفر زخمدار فرار کرده بودند سواران تا پنج شش فرسخ آنها را  
تعاقب کرده چون شب شده بود مراجعت کرده بودند

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا ابوالفضل در انجام خدمت  
دیوانی و رسیدگی بکار نوکر و رعیت مجرّمه و آن اطراف  
کمال سعی و اهتمام را معمول میدارد و اهل آنجا عموماً کمال  
رضامندی از حسن سلوک و رفتار او دارند و همچنین عالیجاه  
شیخ فارس خان حاکم چیب و مضافات در خدمات  
محموله بخود و کارهای آنجا کمال اهتمام و حسن سلوک را معمول داشته است  
و در وصول ایصال ایلیات دیوانی اهتمام زیاد بعمل می آورد و سربازان  
فوج و رفغان نیز که در چیب مستند با کمال نظم رفتار مینمایند و عالیجاه  
شیخ فارس خان نهایت رضامندی از آنها نوشته بود

۱۳۵۷

# فارس

از تفریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده و الاتجار مؤید الدوله حکمران فارس در باب تعیین اجناس آن ولایت اهتمام زیاد دارند بعضی اینبار را که داشته اند حسب احکام نواب معزی الیه سگت غله آنها را بجناب زو عطا فرودخته اند و چندی باین واسطه نرخ غله تنزل کرده نان یک من دو عباسی و جو یک من پنجای و نیم بوده است بعد دوباره تنقی کرده بود در ثانی دو انبار دیگر که مال بقا بوده است حسب احکام نواب معزی الیه شکسته پنج هزار من غله در آنها بوده است بجناب زو عطا داده اند و مقارن آن سم در آن اوقات برف و باران زیاد در فارس آمده و رفع تشویش مردم گردیده است

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان شجاع الملک در انجام دیوانی و وصول و ایصال مالیات اتمام سعی و اافی دارد و در انجام سایر خدمات دیوانی و رسیدگی بجا عموم کمال اهتمام را معمول میدارد

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان شیر الملک درین اوقات و جشایی اشرفی را حواله تقسیم کرده بود و در انتظام امور ولایت و مالیات نهایت اهتمام را معمول میدارد

دیگر در ضمن روزنامه آنجا نوشته اند که یک نفر از این دیوانه با زنی مرتکب فعل شنیع بشود او را گرفته خدمت نواب مؤید الدوله آوردند و لاجرم بیست او نموده بعد از آنکه مقرب انخاقان شیر الملک شفاعت نمود حکم کرد که در تنبیه مضبوطی از او بکار آورده و او را جسد نموده

# کرمان

از تفریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امر توپخانه آنجا از اهمیتات امیر الامرار العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بسیار نظم است و توپچیان همه روزه مشغول مشق میباشند عالیجاه عبداله پیک یا ورتو پخانه در مشق نظام آنها سعی و اهتمام معمول میدارد هم در مشق و رزیده و ما بر شده و هم با نظم حرکت می کنند و کتری خلاف قاعده از آنها بطور میرسد مگر یک نفر از توپچیان در جمعه بازار که رسم است در روز جمعه بیسج میشوند و داد و ستد نمیکنند و عمو کرده بوده عالیجاه عبداله پیک در میدان توپخانه تازیانه مضبوطی باورده است

راهبهای کرمان چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شده است اهمیت خوب دارد و قراولخانههای دهنه جات و بروج عرض راه از تفریکه نوشته اند همه در کمال انتظام و قراول و مستحفظ در کل دهنه جات با استعداد هستند و برای عابرین و مسرودین ازین رهگذر اطمینان و آسودگی حاصل گردیده است

دیگر امر شهر و محلات در نهایت نظم است و سرقت و قاعده اتفاق نمی افتد و اهالی بلده و بلوک بارفاه و آسودگی کمال شکر گذاری دارند با بقا بواسطه نیامدن باران اهل آنجا بجز تشویش داشته اند و نرخ غله بالا رفت بوده است ولی بعد از آنکه برف و بارانهای بسیار و بموقع که متوالیاً در جلگه و کوه آن ولایت آمده است رفع تشویش اهالی آنجا بکلی گردیده و آسودگی حاصل کرده اند و در پانزدهم جمادی الاول که نرخ اجناس آنجا را نوشته بودند کندم از فرار خرواری سه تومان و نیم و خرواری دو تومان و نیم و گاه خرواری شش هزار و سایر اجناس نیز بهین منظمه تعمیر دارد و همه چیز فراوان است

۱۳۵۸

### اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از ولایت انگلیس رسید  
نوزدهم ربیع الثانی بود مشورتخانه وکلای رعایا و خوانین

بپای تخت آمده و در تاریخ بیت و یکم ربیع الاول در  
مشورتخانه جمع شده و مشول پیش بردن امور دولتی بود

و بجهت یوم مولود حضرت عیسی که در بیت پنجم ماه و نهم  
بقاعده فرنگستان که مطابق دو شنبه چهارم ربیع الثانی

مرخص شده بودند که ایام عید مزبور و سال نو بگذرد و بنا  
گذاشته بودند که بتاریخ شنبه چهارم جمادی الاول

و باره در مشورتخانه جمع شوند بجهت راه بردن امور دولتی  
وزرا با اهل مشورتخانه اجبار کرده بودند که دستور العمل ملکیت

بجهت سال آینده حاضر کرده بنزد اهل مشورتخانه خوانند  
فرانس

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پایتخت فرانسه رسید  
بیت و یکم ربیع الثانی بود و در تاریخ پنجم ماه مزبور مشورتخانه

اجتبابا جلال و اوضاع تمام کشوده شده بود و خود این  
امپراطور در عمارت طویلیر تیان مجلس آمده بودند

دینمارک  
اهل مشورتخانه که درین ملک حبس حکم پادشاه دینمارک  
از بر شهر و قصبه معین گردیده و در پایتخت جمع شده بودند

در چند مجلس بحث و گفتگو در باب امورات دولتی کرده  
بودند و ایشان با مصلحت و زرا مخالف بود منظور پادشاه

این بود در مرض کردن وکلای رعایای سابق که بلکه وکلای  
تازه با وزراء متفق باشند حال معلوم شده است که  
وکلای تازه نیز با وزراء اتفاق ندارند بلکه در اکثر امور دولتی

وکلای تازه پیش از وکلای سابق با وزراء اختلاف دارند  
و در سایر روزنامههای فرنگستان نوشته اند که بعد

از آنکه پادشاه می بیند که وزراء کار ولایت را نمیتوانند  
پیش ببرند لابد آنها را عوض خواهد کرد

هندوستان  
سمت سرحد پنجاب که مدتی بود از بی نظمی طوایف کوتستان  
آنجانا امن بود درین اوقات امنیت تمام دارد و نظم

خوب در میان طوایف مزبور گذشته است  
سیم چرخ آتشی از کلکتته پایتخت هندوستان تا شهر

اکر که دولت فرانس مسافت دارد کشیده و تمام  
کرده بودند بطوریکه خبر از اکره تا کلکتته کسیری آمد و

تاریخ دویم ربیع الاول کشتی که از مصر وارد بمبئی شده  
بود و خبر از لندن و سایر جایهای فرنگستان آورده بود

در بیچد ساعت این خبر از بمبئی تا لاهور با چرخ الماسی  
فرستاده بودند که البته نزدیک بسید فرانس راه است

و در دوازده ساعت جواب او آمده بود و این خبر از  
لندن تا آخر هندوستان در بیت و نه روز رسید

کشتی مزبور بسبب طوفان دو روز در بحر الاحمر معطل شده بود  
که اگر معطلی برای کشتی روی نمیداد در بیت و هفت روز

خبر از لندن تا آخر هندوستان میرسید  
در بمبئی باران بسیار بموقع آمده بود اکثر اوقات در

آنجانبخشی میکند و موسم بارندگی در هندوستان آخر  
بهار و تابستان است امسال بارندگی زیاد در هندوستان

شده بود و در حتما که در تابستان شکوفه و برک میگردند در  
هندوستان برک و شکوفه کرده بودند و اهل آنجا نیز شکرند که

بارندگی بجهت اشجار باغات و سایر محصولات نفع خواهد داشت  
بایطوفان زیاد در دست جنوب بحر الاحمر شده بود بسیار  
کشیمها شکست و غرق شدند این طوفان در مهبسی بهم  
کرده و بسیاری از درختها را شکسته بود

در گرجی سیزد و ششاینها می غریب پیدا شده بود در آن  
قسم تبرشهاب دو ساعت پیش از صبح ابتدای  
روشناینها بود و تا وقتیکه آفتاب طلوع کرد پیوسته  
این روشناینها بود

### احوال متفرقه

در روس امید تجار و سایر دولتمندان آنجا نتوانستند  
کرده و مردم داده بودند که بروند در میان ولایت  
و کشت بکنند بلکه معدن طلا در آنجا پیدا نمایند  
طلایی که بکار بخورد در آنجا پیدا کرده اند و لکن پارسیان  
معدن مس در آنجا پیدا کرده و برآه انداخته اند  
خوب کار میکنند که در مدت سه ماه سه هزار و  
خزوار مس از آنجا آورده اند و چون عمده و نقد در آنجا  
کم دارند و مزد همد را بیاورند بنیاد شدند از اهل چین با  
بجهت زراعت و مزدوری بیاورند

از فرار یک در روزنامه های فنکستان مینویسند  
و گفتگوی سخت مابین دولت انگلیس و دولت روسیه  
شمالی شده است در چند مطلب یکی در خصوص خبریه کوبه  
که جزو دولت اسپانول است و تفصیل آن مکرر در  
روزنامه ها نوشته شده است دیگر در باب ولایت  
روسیه دنیای جنوبی و شمالی که مملکت آگوه در میان مدینه  
خط استوار میرا که در زیر خط استوا واقع است این

ولایت در دست چند دولت کوچک است چند وقت پیش این  
در سر بخت جزئی یکی از کشتیهای جنگی روسیه  
یک قصبه تازه آباد آنجا را که گویون همین نامند توپ  
خراب کرده و در او ایم سعی و کوشش می کنند که در آن سمت با  
گرفتن اطلاق یا بر نوع که ممکن باشد تسلط آنها پیشتر شود  
دول انگلیس و فرانسه و سایر دول باین معنی راضی نیستند  
بجهت این که اگر اهل روسیه دنیای شمالی در آن سمت تسلط  
بهم برسانند ضرر کلی بر عایا و متبجه دول خارج خواهد رسید  
حال خبر آمده است که معامله در میان است که جزایر کلی با کوه

از اهل مملکت یرو بگیرند و بلیان دلار پول آنجا قیمت  
کرده اند سایر دول از این معنی هم رضامندی ندارند  
داخل این جزایر از دو چیز است یکی اینکه آنجا منزه نگاه  
شماران است که آنجا آمده آب شیرین و گوشت  
و نان و سایر با احتیاج بر میدارند خصوصاً کشتیهای با کوه  
که می آیند با آنجا بجهت تعمیر کشتیها و برداشتن آذوقه و عنبره  
داخل دیگر هم برداشتن زبل مرغابیت که اهل زراعت  
در فنکستان و در روسیه دنیای شمالی بسیار بکار زراعت میزنند  
و بصیقت کران هم میخرند و معلوم است که جزایر مزبور  
اگر بدست اهل روسیه دنیای بیافته غیر از اهل خودشان نخواهند  
گذاشت که دیگران منفعت ازین تجارت ببرند

در نیویارک روسیه دنیای شمالی چیزی غریب است اندامند  
حصار بجهت محافظت شهر چند سال پیش ازین یکی از مهندسان  
آنجا گفته بود که بجهت محافظت شهر نیویارک از حمل دشمنان  
سمت دریا چیزی بسازند مانند گشتی که در روی آب باشد  
اما عرض خوب از این بسازند چون که این چیزی که مانند گشتی

۱۳۶۰

بمانند در میان دهن رود خانه است که ازینویازیک  
می آید و داخل دریا شود که هر کشتی که بخواد بشهر نوبارک  
برود باید از آنجا عبور کند هندس منور بنا دارد که این  
کشتی را کلاً از این باز دارد که هر پارچه او یک چهار یک فرغ  
ایران قطره داشته باشد زیرا که امتحان کرده است که این  
قطر آهن تاب کلوله نوب شصت و پنج پوند را می آورد و  
نیکند چنین هم میمانند که از آب ریاده بلند نباشد  
سراشپ هم میمانند هنوز نام است و لکن اسباب  
تمام خواهند کرد و آنها که دیده اند میگویند که هندس  
بسیار تدبیر غریب و فکر خوبی کرده است

چند سال پیش ازین شخصی در عوض بار و طناب احتراع  
کرده بود که مانند باره طاش می گرفت و زورش از بار  
بیشتر بود و آنوقت چنان میگردند که این طناب جای بار و  
خواهد گرفت و لکن نشد و توشش زیاد داشت یک  
احتیاطش این بود که وقتیکه پر گرم میشد خود بخود آتش می گرفت  
سبب دیگر هم این بود که اگر ضرب از چکش و غیره می خورد  
نیز آتش می گرفت و چون که زود تر از بار و طاش می گرفت بعضی  
اوقات توپ و تفنگ از آتش گرفتن او می ترکید باز هم  
تو پنجاه مملکت استریه بکار می برند و گفتگونی درین خصوص  
در ولایت انجلیس هم شده است که آباد در عوض بار و  
بمصرف می توان بردیانه

در روزنامه مونیخ نوشته اند که پادشاه سابق بواریه  
سکته کرده و افتاده بود و لکن معالجه کرده بودند و در سوختن  
بود و این پادشاه پدر پادشاه این ایام است که در ایام  
اعتمادش هفت سال پیش ازین که خلق از او باغی شدند

استغفا کرده و از آنوقت خاتمین بود  
در کاغذی که از اسکندریه مصر نوشته اند بسیار مدح  
توصیف از حکومت حسن سلوک سید پاشا حکمران مملکت  
نوشته اند که کویا کار آن مملکت را بطوری راه میرد که در  
اندک مدت ترقی کلی خواهد کرد و فوراً حاصل مصر در بر آید  
مشهور کل روی زمین است و حال آنکه اگر درست مرام  
و محافظت بکنند حاصلش ترقی کلی خواهد کرد و عیناً  
حکمران سابق آنجا بسیار خراج بود و اساس زیاد پیدا  
و در بعضی چیزها خرجهای بی مصرف میکرد و اما سید پاشا  
از طریقه معلوم میشود انقدر در قید اساس خیرت کوشش  
وسعی زیاد میکند که کار مملکت خویش برود و از قرار  
اهل دول خارج که در آنجا هستند و اهل خود آنجا چنان  
میشود که کوشش او خوب انجام میدهد

شال بافان مملکت انگلیس بسیار کاست در شهر  
پیرلی ولایت اسکاتلند که دستگاه ریاضت شال بافی دارند  
یک شال بافان بسیار بودند و در شهر دیگر نیز قیده  
مستعد نفر بسیار مانده بودند

در روزنامه هندوستان نوشته اند که درین روزها که  
قرب و کل روی زمین زیاد ترقی دارد حیفا است که در  
هندوستان جمع نمی کنند و سایر ولایات میکارند و  
یا زخم ریاضت را می آورند و لکن در هندوستان خود  
یعنی می آید خصوصاً از یک شاه جهان آباد سمت شمال  
هندوستان

در روزنامه نیکی دنیای شمالی نوشته اند که بعد از آنکه  
تکلیف که سابقاً جزو ولایت کنتیکو بود از آن ولایت موصول

۱۳۶۱



و داخل ممالک دولت جمهوری سنی دنیای شمالی شده است  
 چونکه اهل دولت سنی دنیای شمالی انجارج خوب مراقب بود  
 و محافظت کرده اند زیاد ترقی نموده و در هر جای او زراعت  
 کرده و شکر و نپه و سایر محصول آن اطراف را کاشته  
 و بعضی آورده اند درین روزها معدن و قال سنگی فراوان  
 در آنجا پیدا کرده اند و ذغالش را در می آورند و بکار  
 اینهم یکی از سبب آبادی و ترقی او لایق خواهد بود  
 ایضا در همین روزها نوشته اند که در کنار دریای  
 در فصل پائیز گذشته امواج ماهیهای زیاد که مرده بودند  
 بکنار افکنده بود مردم و سبب درین باب بجان  
 میکردند یکی اینکه ناخوشی در میان ماهیها افتاده باشد  
 و یکی اینکه سبب تشش زیر آب باشد که بعضی اوقات  
 اتفاق می افتد خصوصا در آن استهاک آب گرم میشود  
 بسبب تشش و ماهیها را می کشد  
 در وینت پای تحت دولت استریه مدنی است که بعضی  
 از چاکران دیوان از هر یک از ممالک متجمع شده  
 و در مشورت می نشینند که فراری بمانند که کل طلای  
 سنگوک ممالک متجمع طرح باشد حال چندین دول  
 شده همه پولهای جداگانه با تمام مختلف دارند و با  
 معطلی و اذیت خلق در داد و ستد و اعتشاش و معاملات  
 گردیده است اگر این فرار سربیکر که پول طلای کل ممالک  
 منزه یک وزن و یک سکه باشد بعد از آن بنا  
 که پول نقره و مس را نیز بکطور نمایند  
 از روی پای تحت مملکت ایتالیا نوشته اند که باز در  
 که یکی از شهرهای آنوقت میباشد جزئی ناخوشی و با بود

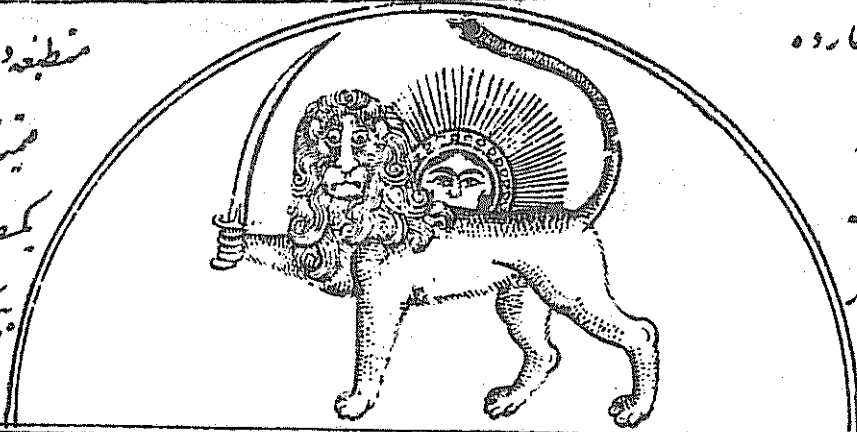
۱۳۶۲

و امور آنولاین بسیار خوشش بود در کومستان آنجا  
 در زمان چنان فراوان بودند که مردمی که سفر میکردند  
 بایت با دست و جمیع بروند و الا در زمان آنها را  
 برهنه میکردند  
 بعضی از کشتیهای انگلیس درین روزها بملکت بیان  
 رفته اند اول اهل آنجا مانع شده بودند چونکه در اول  
 نیز مانند ولایت چین اهل دول خارجه را نمیکند از داخل  
 بشوند بعد اذن داده بودند که بلبنگرگاه میان شهر بروند  
 اینها پنجاه شهرهای آنجا که در کنار دریا واقع اند رفته اند  
 و در هر جایی که رفتند اساس و سبیل و نظم تمام دیده اند  
 و در یک شهر سنگره و توپهای زیاد در کنار دریا دیدند  
 اکثر توپها که در آنجا دیده بودند شصت و چهار پوند وزن  
 کلوا آنها بوده است در میان اهل آنجا بعضی زبان  
 میدانستند و پیش این است که اهل آنجا با تجارت و آمد  
 تجارت دارند شخصی که این کاغذ را نوشته است جمیع آنجا  
 تخمینا چهل طیان که بشمار کرده باشد میداند طعام خود  
 خوب و فراوان است و لکن گوشت در آنولایت کم باب بود  
 چونکه اکثر خوراکی اهل آنجا ماهی و شکر و برنج و نباتات و  
 سبزی الات است و نباتات آنجا بجز بی مشهور است  
 سر کرده کشتی که با آنجا رفته است منظور دارد که عهدنامه  
 با اهل آنجا بنماید و از مضمون این کاغذ معلوم بود که امید  
 کلی داشتند که عهدنامه نیز فرار میکرد

روزنامه وقایع اتنایه تاریخ یوم شنبه روز دهم ماه جمادی الثانی مطابق سال ۱۳۶۳

شماره پیت و چهارده

قیمت روزنامه  
یک نسخه ده هر یک  
و قان و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران

میت اعلانات  
یکصد اجناس طر کیه از  
بیشتر با هر طر یکی

اخبار و احداثیه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه گذشته سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بنا بر تشریف معین و شاکردان مدرسه دارالفنون تشریف فرمای مدرسه مزبور گردیدند و بکار آنها رسیدگی فرمودند و توجه خاطر بایون در کار آنها نمودند از دیاد سعی و استقامت هر یک در تحصیل فنون متعلقه بجز و گردید

روزی در آنجا توقف فرمایند تا عمارت دیوانخانه و باغ ارک مبارکه که سلطانی بجهت عید آرایش و تیرین داده شود و در روز یکشنبه گذشته پیشانی بایون بقصر قاجار رفتند و موکب بایون در روز چهارشنبه تشریف فرمای انجامی شوند

و هم چنین بنا بر خوبی و صفای باغ لاله زار که در این اوقات کمال خرمی را دارد در روز شنبه گذشته طرف عصر سرکار اقدس بایون شاهنشاهی تشریف فرمای باغ مزبور گردیدند تا نزدیک غروب آفتاب بتفریح انجام مشغول بودند و حوالی غروب بارک مبارکه سلطانی و موقظت عظمی معاودت فرمودند

طهران و اطراف شده و در کوه شمیران نیز برف آمده است یعنی زیاده باعث امیدواری زراعت کاران و صاحبان اطلاق و عموم اهالی دارالخلافه گردید و چند روز است که در هوای آنجا ببردوت بهم رسیده است بطوریکه آبها کمی یخ در شبهای بند و لکن یقیناً که در آنجا آبها یخ گرفتند و امید است که بعد از این هم باقی فصل و موسم باز بارندگی شده رفع تشویش خلق از گرانگی غلبگی بشود

درین اوقات که نزدیک بعید سلطانی است سرکار اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی عنایت فرمودند که بفرمایند هر سال بقصر قاجار تشریف فرما گردیدند

فوج اول جدید مهندس کزاز می که در کباب بایون است اینها هم زیاد در مشق دارند و همه روز مشغول مشق میباشند

۱۳۶۳

و صاحب منصبان آنها نهایت اهتمام در مشق آنها دارند و با کمال نظم حرکت مینمایند و درین هفته که روزنامه آنها بنزد ما بشیرین روزنامه گزینت رسید بمقصد نفرمه روز مشغول مشقند سوای یک نفر آنها که نامور بستان است و در مشق خود مهارت خوب بسیار ساندند

سایر افواج قاهره نظام متوقف دارا بخلاف مبارکه نیز همه روزه سواره نظام و سرباز در میدان خواجه دروازه دولت و توپچی در میدان ارک با کمال ارکی و انتظام مشغول مشق میباشند و معلمین و صاحبان نهایت مراقبت و اهتمام در مشق و حرکات آنها دارند و همچنین شاگردان مدرسه دارالفنون نیز هر یک تحصیل علوم و فنون متعلق بنحوه ساعی و معلمین آنها نهایت اهتمام در تحلیم آنها معمول میدارند

نظر باینکه نواب مستطاب شایسته بزرگوار و الا بتبارک حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری در انتظام امور ولایات ابو اجمعی خود و انجام خدمات دولتی و وصول و ایصال ثالیات و حصول امنیت و قطع و قطع اشرا و قطاع الطرق آن صفحات و نظور کفایت و کار نواب معزی الیه در انجام خدمات عمده که از جمله بن نایب حوزیه است درین اوقات خدمات امقبول و مستحق طر ملوکانه افتاده بجهت اظهار وفور مرجم خدیوانه درین وقت یک قبضه شمیر مرصع از جانب سنی ابجوانب اقدس عالی شاهنشاهی بنواب معزی الیه مرحمت و فرمان مهر لعلان

مبارک بافتخار ایشان غر اصدار یافته از دربارهای اولی انقاد گردید

چون مرحوم حاجی ملا اسد الله مجتهد بروجردی که از آن جمله علمای اعلام و فقهای عظام بود درین اوقات داعی حق را البیک اجابت گفته بجز رحمت ایزدی پیوسته بود بجهت تقف احوال بازماندگان او از جانب ابجوانب اقدس عالیون شاهنشاهی دو ثوب عبا بجهت عالیجناب آقا میرزا داود و آقا میرزا فخرالدین پسران مرحوم مر بوجرحمت و ارسال شد

و همچنین درین اوقات عموی جناب آقا میرزا محمود مجتهد بروجرد و بدر بقا ارتحال نموده بود مراتب بعضی امنای دولت علیه رسیده از جانب سنی ابجوانب حضرت اقدس عالیون شاهنشاهی یک ثوب عبا مخصوصی خوب برای جناب آقا میرزا محمود و رحمت و ارسال شد

سایر ولایات

بروجرد و از فترت آن یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در او اواخر حله بزرگ و اول حله کوچک هر ساله هوای آسجاریا بسزد شخصه و پنج پنج ساله رومی انداختند امسال او اواخر قوس و اوایل حبه ی قدری هوا سرد شده و چند روزی پنج بسته شد بعد از آن هوا بر تبه که پنج بسته شود سرد نشد و پنج لهای بروجرد و بعضی ثلث و بعضی نصف سالهای دیگر پنج انداخته شده است

۱۳۶۴

دیگر نوشته اند که از اول قوس تا اواسط جد  
 برف و باران کم کم در بروجبرد و آن صفحات  
 می آمد اما در روز هفتم و بیستم جمادی الاول  
 برف برف و باران در آنجا آمد که با غلبه عارت  
 شهر بسبب کثرت بارندگی خسرابی رسید و به  
 بسیاری از دانهات نیز ازین برف و باران  
 خسرابی رسید و در سیلاقات بشدت بارندگی  
 شده و برف آمده بود که راه عبور و مردان  
 بروجر و بجرم آباد و جاپلق و بختیاری مسدود  
 شده بود بطوریکه از حرم آباد به بروجبرد که  
 سه روز راه است قافله در دو روزه روزی  
 بصعوبت تمام آمده بودند

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین همت  
 گندم در بروجبرد بالافت و خسرواری قومان  
 رسیده بود آنهم در شهر کم بدست می آمد و کالک  
 دیوانی از خارج فرستاده شهری آوردند درین  
 اوقات تنزل کرده و بطوری شده است که خروار  
 دو تومان خسری دارند و لکن جو دو سال است  
 که از اصل بطن نیامده و بسیار کم یاب است

دیگر نوشته اند که در ضمن روزنامه بروجبرد نوشته بود  
 محمد نام بختیاری که در دازخلاف طهران نوکر عالیجا  
 نصرالدخان سردار باشی بود یک روس  
 مشارالیه را با اسباب برداشته بروجبرد  
 فرستاده بود مقرب انخاقان فضاں آقای میرپنج  
 توپخانه مبارکه که مرتب را بنواب جلال الدین میرزا  
 نایب الحکومه بروجبرد نوشته و آدمی روانه کرده  
 بود توابع معزنی الیه نیز بعد از استحضار فرستاده  
 محمد نام را گرفت با اسباب و بروجبرد روانه طهران نمود

فوج گزازی که مامور خدمت عربستان بودند در اوایل  
 ماه جمادی الاول چون برف در سر راه بروجبرد و بروج  
 زیاد بود دسته بدسته وارد بروجبرد شده بودند  
 و مقرب انخاقان علی بنقی خان سر تیب در سر بروجبرد  
 کرده بنده را از طایر وارد بروجبرد ساخته بود و بروج  
 تریب روانه بروجبرد ساخته و خود در عشره او آخر  
 ماه وارد بروجبرد کرده بود نواب جلال الدین  
 جمعی را با استقبال فرستاده آنها را با نظام تمام  
 داخل شهر کرده اند و برای بعضی مدارکات لازمه اجناس  
 جمادی الثانی در آنجا توقف داشته اند و بسیار با  
 وسلوک در آنجا رفتار نموده اند که الهی آنجا از سلوک  
 آنجا کمال رضامندی داشته اند

دیگر نوشته بودند که حبیب الدخان پسر زاده کلانتر کرمان  
 از نواب عماد الدوله حکمران کرمان شامان روگردان  
 شده بود و اولیای دولتی علی بن نواب  
 شاهزاده و الاستبار احتشام الدوله حکم کرده بودند  
 که او را بکسب و نواب معزنی الیه نیز بوصول  
 اکاهی از حکم اولیای دولتی نواب امیرم  
 از لرستان فرستاده و مشارالیه را گرفت  
 مصحوب حسین خان پسر عبدالعلی خان حسنوند  
 بدازخلاف طهران روانه نموده اند

۱۳۶۵

### عربستان

از امورات غریب که در ضمن روزنامه عربستان نوشته شد  
تخیلات مطالع العرب امسال دو مرتبه شمر داده اند اگر چه  
اثار ثانی حس را مثل اول بان نختکی و حلاوت نبوده است  
ولی باز زیاد بمصرف رفت است و درین سال که گفته  
وجود اولایت تعبیر داشته و کم یاب بوده است  
اثار ثانی تخیلات بسیار بخار خورده و افاقه بحال اهلی  
انجا کرده است

دیگر نوشته اند که اکثری از تجار محبم که حال چهار پنج  
سال است از بندر ابوشهر آمده و در محضره توطن نموده اند  
بجهت وفور داد و ستد صاحب بصاعت و استطاعت  
شده بسیاری از آنها امسال زیارت بیت الاحرام  
رفته اند و از محضره تاجده از روی آب بیت روز  
رفته بودند زیارت بیت الاحرام را نموده و درین  
مقصدی المرام مرجع کرده اند

دیگر نوشته اند که در ماه ربیع الثانی در سمت اهنواز  
و حجب و اطراف محضره از تفضلات خداوندی باین  
زیاد شده و زیاده باعث امیدواری و خورسندی  
و امانی انجا گردید و در جمیع جاهانی که محل زراعت  
بود رعایا مشغول بذرافشانی بودند ولی بعلت کم بودن  
بذریه بطوریکه بایست زراعت زیاد بکنند نکرده اند  
مقدورشان بوده است تخم کرده و تخم کاشته اند  
انما در تعبیر جنس فوز تقادتی نکرده بوده است

دیگر نوشته اند که در اواخر شهر ربیع الثانی عایجان  
شیخ فارس خان و میرزا ابوالفضل مابین حجب و

را مهر نوشتند و مشغول وصول و ایصال مالیات  
و رساندن سیورسات نوکری و سرپرستی رعایا شدند  
و نهایت اتهام در انجام خدمات دیوانی دارند  
دیگر نوشته اند که در اواخر ماه ربیع الثانی  
سه چهار شب زلزله رخ بسته بود و اینم حله در نظر  
اعراب آنجا بسیار غریب می آمده و زیاده تعجب  
داشته اند و پیران منعم آنجا میگفتند که درین  
سنواه بنحاطر نداریم که درین ولایت شیخ بسته شود

و برف بسیار در یک سال و سال  
اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه ان که در کاخخانه حاج  
عبدالمجید با سه چی در محله نزدیک دروازه دوازده  
الطباع شده از اینقرار فروخته میشود

- ۱۰۰ - حتم نظامی بیت و پنجاهار
- ۱۰۰ - سریر دو تومان
- ۱۰۰ - رنده المعارف دو تومان
- ۱۰۰ - معراج العاده یک تومان
- ۱۰۰ - چهار تومان و نیم
- ۱۰۰ - حدیقه الشیعه هشتادار
- ۱۰۰ - شرح کبیر دو جلدشش تومان
- ۱۰۰ - شرح لمعه یک جلد سه تومان
- ۱۰۰ - توضیح پانزده هزار

۱۳۶۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم ماه جماد الثانی سن ۱۲۷۱

نزدت و پائزده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شش پیرکله  
و حقان چهار برآ



منظمت دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره اچهار سطر کهر از  
بیشتر با هر سطر پنج

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه گذشته  
نوشته شد در روز پنجشنبه نوزدهم جمادی الثانی  
تشریف فرمای قصر قاجار گردیدند و چند روز  
در آنجا توقف و تفریح فرمودند و جناب جلالت  
اشرف امجد فخرم صدر اعظم و بعضی از خواص خدمت  
مقام رکاب تایون بوده در پنجشنبه معاودت بک سرتیغ و نمود  
در روز یکشنبه گذشته بحسب حکم اعلیحضرت است  
تایون شاهنشاهی افواج قاهره نظام تشریف مشق  
جنگ بقاعده نظام مامور و توپچیان چند عاده توپ  
بیرون برده در زیر قصر قاجار سواره نظام و افواج  
قاهره حاضر رکاب مشغول حرکت جنگ مخلوبه و توپچیان  
مشغول شلیک توپ گردیدند حرکات و چابکی آنها معلوم  
و مستحسن خاطر ملوکانه افتاد مورد تحسین گردیدند و در  
تاوقت دولت تیره سر و شصت نفر اسیر و  
عزاده توپ و یک عاده چهاره که قشون کرمانی مامور بند  
عباس با مقرب انخاقان عبدالدهخان میرنجه در فتح و

بند عباس گرفته بودند آورده بعد از مشق نظام و افواج  
از حضور مبارک گذشت  
درین اوقات هوای دارالخلافه طهران در نهایت خوبی  
اعتدال است اگرچه برستان بخلاف سالهای دیگر  
گذشت و مردم تشویش داشتند و لکن چندیت که با آنها  
نافع بیمار و بهفت نیت که یکروز یا دو روز بارندگی  
و امید است که بهین فراتر اوقتی که باران مطلوب است  
بارندگی بشود  
عمارات و آبادی دارالخلافه طهران و ارک مبارک سلطنتی  
درین اوقات بسیار زیاد شده و هیچ نسبتی باقی نمانده  
و هر کس چند سال قبل دارالخلافه را دیده بود و این اوقات  
می بیند میداند که چقدر بر شکوه او افزوده شده است  
از جمله آبادی بیرون دروازه محمدیه که خانههای بسیار  
شده و روز بروز در تراید است و هم چنین بازار جدید  
مانده است که از دروازه محمدیه تا میدان جدید جلوتخته  
بهم متصل بشود و میدان جدید هم بعضی ناتمامی که داشت  
درین روزها قریب با تمام است و همچنین در عمارت باغ سلطنتی

۱۳۶۷

سمت مالارالماس درین روز صاحب الامرهایون دریاچه بزرگی  
 میسازند و بنا و عمل زیاد و کارند و عنقریب سمت اتمام خواهد یافت و  
 همچنین امنای دولت علیه حسب الامرهایون مقرر داشتند که بروج بیه  
 ارک و شهر هر جا خرابی داشته باشد پاکیزه تعمیر شود

چون خاطر مبارک سرکار علیحضرت قدر قدرت شائسی خلد الله  
 ملکه و سلطانه برانظام امور عساکر فیردزی تاثر زیاد تعلق دارد محض  
 ملاحظه ایمنی رجب است غای جناب جلالت مآب اجل اشرف العجم اکرم  
 صد اعظم در مجده العالی اینروزها دستخط هایون بافشار جناب علی  
 برای استقلال امیر الامرا لفظام سردار کل عساکر منصوره شرف صد  
 یافته بود جناب معظم الیه فرستادند دستخط مبارک را در حضور جمیع  
 سران و سرکردگان عساکر منصوره که در کاب مبارک حاضر بودند در نظام  
 نظام خواندند و ملاحظه اینکه سرکردگان مأمور سرحدات مالک محروست  
 از دول حکم قضا شمول هایون بحضور حاصل نمایند شرح دستخط مبارک  
 در روزنامه اخبار نکاشتن یافت و ان ازین قرار است

جناب صد اعظم  
 الزم و اعظم امولک و دولت نظم قشون است  
 و قشون ایران بطور دلخواه و کثون خاطر انظم کامل ندارد و این بی نظمی کل  
 عدم تسلط بر کل قشون و در حقیقت تسلط بر قشون با شامت اگر چه با آن غشی  
 شهادت ان نظام امولگیه مملکت دید هرگز رضی بی نظمی قشون و بی نظمی  
 لشکر تو امید از آنچه پیدا شد برای تسلط سردار کل این فقرات مقرر فرمایند  
 که در کار خود تسلط تمام داشته باشد و بعد ازین هم مراقب باشید که ازین حالت  
 استقلال نفیقه و کس تکلف کند فرامورد مواخذه شود و پاداش داده  
 او لا موجب قشون را کلاً از نظام غیر نظام و توپخانه و سواره و پیاده  
 کند و بدقت برساند که سر کرده و صاحب منصبان و آن حیف و میل کنند  
 و کس از سر کرده کار بفرماید از مال او کز خورده است حکماً تنبیه کند و موجب  
 بزرگی

گفته برسانند والا اگر معلوم شود در مواجب نوکر کسی افراط و تفریط کرده  
 و سردار از او مواخذه و تنبیه نموده است خود سردار مورد مواخذه  
 و عتاب خواهد شد تا نیار از دولت در حقیقت مواجی که بصاحب منصبان  
 و سرکردگان قشون عموماً داده میشود از اول تا بحال محض تفضل و  
 رحمت ملوکانه بوده بامید اینکه در وقت خدمت بجای آیند این رحمت

در حق آنها فرموده و میفرمایم لکن اینها چنان معلوم میشود که خود را بشخص  
 قابل و مستحق این رحمت میدانند و در مقام ماموریت جزئی تو قعات علی  
 بیجا می کنند اغلب سررنگان بر تبه سیرسی و تیر سپان بر تبه میر خچی و  
 بیجان بر تبه امیر تومانی و سرداری حرکت می کنند و در مشق نظام  
 و درس مدرسه کوتاهی و غفلت دارند و هیچ سعی و تلاش در کار  
 نمی کنند بموجب همین دستخط باید سردار کل این فقره را بکل صاحب  
 و سرکردگان حالی کند که بعد ازین مادم خدمتی از صاحب منصبان  
 ظاهر نشود و در جنگ و محاربه با خصم جلالت و شادت از آنها بطور رسیده باشد  
 بدار زیادتی مواجب و منصب و نشان و حمایل یا حدی داده نخواهد  
 و البته شاکم ازین ندادید بدید مگر مثل صرام الله و که در تخریب و فتح بندر  
 عباسی خود بر جمیع آحاد و افراد قشون سبق حبه شادت و جلالت نمودند

باینطور اگر کسی خدمت ظاهر شود مورد عطف خواهد شد و الا بجهت  
 دیگر زیادتی منصب و مواجب در حق احدی رحمت نخواهد شد تا لثا در  
 بروات مواجب و سورات و احکام نظام قشون کلاً باید بصره و مهر سردار  
 بگذرد و اگر سردار معلوم کند که از صاحب منصبان یا محررین و مشرفین  
 کسی برات غلط گذراند است خود تنبیه نماید و از لشکریان اگر کسی  
 چنین عملی را مرتکب شود و برات غلط صادر کند شاکم بیده در حضور عرض  
 کند تا در مقام مواخذه و تنبیه در آوریم البته بیاید سردار کل این  
 در کار خود تسلط تمام داشته باشد و امور قشون را در حین  
 و منصب و کما یستحق فی شهادت الشانی باین سبب  
 ۱۲۷۱

۱۳۶۸

# سایر ولایات

استرآباد و از قرار یک در روزنامه این ولایت

نوشته اند خلعتی که از جانب سنی احوال سنی ها یون  
با افتخار عالیجاه مقرب انخاقان محمد و لیجان بیکر سنی  
مرحمت و ارسال شده بود در ماه گذشته با آنجا بر تو و  
مقرب انخاقان مشا را لیه لازم توفیر و حرام  
در استقبال خلعت ها یون بعن آورده و حبیب کرک  
و خوانین حاضر شده و صرف شربت و شیرینی نمودند

از قرار یک نوشته بودند درین اوقات بارندگی  
زیاد در استرآباد و اطراف آنجا شده بوده است  
و با مالی آنجا زیاده از بابت محصول ذراعات امیدوار  
حاصل گردیده است

دیگر نوشته اند که امورات نوکر استرآباد از سواره  
و پیاده کمال انتظام و انضباط را دارد و عالیجاه  
شکر نویس مشغول دیدن سان و رساندن موجب  
آنها میباشد

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان محمد و لیجان بیکر سنی  
عالیجاه نصیر خان را با پنجاه نفر غلام میان طایفه خفربا  
فرستاده بود که حق الحکومه او را دریافت نماید مشا را لیه هم  
و چند نفر از ریش سفیدان طایفه فرورانبند و بیکر سنی آورده  
که قرار مالیات و حق الحکومه را بدهند

دیگر نوشته اند که درین اوقات یک کمی در دریا در سمت باغ و  
طوفانی شده و غرق گردید بقدر سی نفر از اهلی کی فرور غرق شده  
و بقیه سلامت حاصل رسیده اند

چون رای جان آرای سرکار علیحضرت قدر قدرت شایسته  
صان الدایم شوکت عن الثمائی تعلق یافت که برای آثار خیر  
کنند روضه منوره و بقعه معتبره که حضرت عبدالعظیم تعمیر نمود  
طلا کنند و انجام این خدمت را بعد مقرب انخاقان حاجب الد  
محل فرمودند تا این اوقات که سمت تمام یافته باشکوه  
و رونق تمام انجام یافت از جانب سنی احوال سنی ها یون و اولیاد  
علیت چند نفر بیاز دید این کار ما مور گردید و بدقت باز دید  
کردند معلوم شد که مقرب انخاقان مشا را لیه کمال امانت و دیانت  
حود را ظاهر ساخته بدستی و خوبی از عهده خدمت محوله برآمده  
بی حیف و میل خدمت محوله را انجام داده است

درین اوقات حسب الامر اقدس ها یون عالیجاه قضی  
عرب منصب سر سنی فوج عرب بسطام سرافراز و یکثوب  
جبهه کرمانی خوب نیز از جانب سنی احوال سنی ها یون و اولیاد  
خلعت رحمت گردید

چون حسب الامر اقدس ها یون علیحضرت پادشاهی عالیجاه  
میرزا عبد الغفار سمرج مقرب انخاقان موسیو کلوه که حکیم باشی  
کتابی از زبان فرانسه بفارسی ترجمه کرده بود در نظر کمی  
اثر ها یون موقع قبول و استحسان یافته مطبوع خاطر طوکانه  
افتاد لهذا یک طاقه شال کشمیری بشا را لیه خلعت رحمت  
گردید

در هیفته گذشته دو نفر در دار اختلاف مرکب سمرقند  
شده بودند آنها را گرفتند و نواب مستطاب شاهر  
والا تبارار و شیر میرزا حکمران دار اختلاف طهران  
توابع آوردند نواب مغزی الیه حکم بیست آنها نمود  
بیست شرعی رسیدند

۱۳۶۹

باز نویسی



### مازندران

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب میر احمد میرزا بکر دیش بلوکات رفته بوده است درین روزها بشهر ساری مراجعت کرده است و امالی آنجا کمال رضامندی از حسن سلوک نواب مغزی ایسه و عالیجا میرزا اسدالله وزیر دارند

دیگر از قراریکه تعییر جنس مازندران را نوشته اند درین اوقات ازین قرار است

ببرنج	پنج من	یکهزار دینار
روغن	یک من	دو ریال
گوشت	یک من	چهار عبا
نان	یک من	پنج شاهی
جو	یک من	صد دینار
مرغ	چهار قطعه	هزار دینار
شالی	چهل من	سه هزار و ده شاهی
قد	یک من	چهار دینار
بنات	یک من	هشت برار
ماهی	یک زوج	ده شاهی

### خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند در یوم جمادی الثانی یک سوار از جانب سردار علیخان سیستانی وارد شده عریضه خدمت نواب مستطاب شاهزاده امجد و الا تبار فرمانفرمای مملکت خراسان آورده بود که قافله از قاین بارض اقدس می آمده اند بلوچ رود باری بر آنها ریخته آنها را قارت واسیر کرده بودند سردار ایسه

مجدد استحضار الیغبار کرده و به بلوچها رسیده جنگ در پیوسته چند نفر از بلوچها مقتول و مابقی اسرا و اموال را ریخته فرار کرده بودند و مشارالیه اموال و قافله را بقاین رسانده تسلیم امیر قاین نموده و قبض رسیدگی گرفته بود و قبوض قافله را سردار علیخان سیستانی بجز و بدر بار بجا یون نزد اولیای دولت علیه فرستاد

دیگر نوشته بودند که خان خبوق از وقتی که وارد مرود شده است تا حال حرکتی نکرده است اگر چه در میان مردم شهرت داشته است که خیال تاخت و تاراجها خراسان را دارد و نواب سردار فرمانفرما عالیجا محمد حسین سرتیپ افواج فرمان را باد و فوج فرمان و یکفوج که در و پانصد سوار و دو عراده توپ به آق در بند فرستاده و خود نواب مغزی الیه هم تدارک میدیده اند که با او قاهره و سواره و استعداد بان ستمها حرکت نمایند و از قراریکه نوشته بودند در مقدم اینجاه حرکت کرده اند

دیگر نوشته اند که سجد الله در ولایت خراسان در و شر او انی است و هر چیزی کمال و فور دارد و امور آن ولایت از مراقبت و اتمام نواب مستطاب شاهزاده امجد و الا تبار فرمانفرما و مقرب انخافان وزیر نظام قرین استقام است

# روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتیوم شنبه ماه حبه مطابین سال تو شقان ۱۳۷۱

منطبه دارانخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یکسیر الاجار مطریکه از  
بیسر با هر مطریکه



نزه ویت و شازده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاکیر  
و تان و چهار هزار

## اجبار و احضار مالک محروپه پادشاهی

### دارانخلاف طهران

صف کشیده بزبانت وجود هایدون مباهی شده و در  
میدان ارک بقاعده که معمول این دولت قوی مکت علیت  
اجرای شلیک توپ و زنجورک شده بعد از آن عالیجاه  
خطیب باشی خطبه بنام سرکار اقدس هایدون شاهی  
خوانده و عالیجاه شمس الشعرا نیز قصیده غرادر پیشگاه حضور  
عرض نموده مستحسن خاطر ملوکانه افتاد پس از انقضای سلام  
دیوانخانه بزرگ اعلیحضرت پادشاهی بهمارت سردرب  
دیوانخانه که مشرف میدان ارک است تشریف فرمایند  
عموم اهل دارانخلاف مردوزن از صغیر و کبیر و برنا و پیر که  
بجته زیارت وجود مبارک شاهی جمعیت وارد حام  
تمام در فضای میدان و سرتاسر بام و حجرات میدان  
نموده بودند زیارت وجود هایدون شرفیاب شدند و  
طب بلوازم اساس جشن و سرور پرداخته از انعامات ملوکانه  
بهره یاب گردیدند

در روز چهارشنبه دویم این ماه یک ساعت و چهار دقیقه  
از طلوع آفتاب گذشته تحویل آفتاب از حوت بجل کردید  
عید نوروز سلطانی و ابتدای سال خیریت مال تو شقان  
شده سرکار اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی در کلاه  
عمارت بانگ که علما و خواص برای مجلس تحویل حاضر شده  
بقاعده مستمره باسلام دادند جناب جلالت مآب  
امجد اکرم صدر اعظم انخست و سایر امنای دولت علیت  
مقربان حضرت گردون سبط سینه و صاحب منصبان نظام  
و خاین عظام هر یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب  
مهر ظهور خستروانی گردیده از دست مبارک شاهی  
عیدی دریافت نمودند و سلام تحویل منقضی شده مقرر کردید  
که فردای آن روز در دیوانخانه بزرگ باسلام عام  
بنام علی بن ادریس روز پنجم که روز دویم عید نوروز بود بغیر  
و خرمی تحت مراد دیوانخانه بزرگ را بوجود فایض اسب  
سخت کرده انعقاد سلام عام فرمودند و بقدر کنجایش  
مبارک که از چاکران دربار هایدون و اهل نظام و غیره سرتاسر

۱۳۷۱

مقرب الخاقان میرزا محمد صادق قائم مقام که استند عاقد بوده  
 برای عید فیروزی شرف اندوز خاکپای های ایون شود  
 یک روز قبل از عید احضار شده در روز عید شرفیاب  
 خاکپای های ایون کشته نه های رحمت بلوکانه در حق او  
 مبذول افتاد و زیاده از حد از نظم و ضبط امیر و خاندان  
 او در مجلس تجویل سرکار اقدس ایون شامشاهی بن  
 و تعریف فرمودند

چون عالیجاه محمد اسمیل خان چا پارچی باشی در انجام عبادت  
 دیوانی و انتظام امر چا پارخانه سعی و اهتمام خود در  
 و مشهود خاطر امنای دولت علیت شسته بود لهندین  
 اوقات خدمات او مقبول و سخن خاطر بلوکانه افتاد  
 از جانب سنی ایوانب ایون سجه مزید استقلال و دلگرمی  
 او در خدمات محوله بخود یک طاقشال کشمیری با و خلعت کمر

**سایر ولایات**

مازندران از جمله اخباری که در ضمن روزنامه  
 مازندران نوشته بودند این بود که در ماه گذشته باریکی  
 زیاد شده باران شدید آمده است و تا سده روز  
 علی الاتصال باران آن باد سختی و زیدن گرفت که دریا طوفان  
 شده است از تراریکه نوشته بودند نیت و شرف  
 کمی تجارتی که بعضی مال التجاره بجه دولت علیت و برخی  
 مال تجره دولت بیته و سیه بوده است شگه اکثری  
 طوفان دریا چنان منفوق و الاثر ساخته است که تا بسجال  
 اثری از آنها ظاهر نشده است و برخی دیگر که باریک  
 از قبیل آهن مس داشته اند در دریا سرنگون و غرق شده

از تراریکه نوشته بودند نواب شاهزاده احمد میرزا  
 حکم آن مازندران و مقرب الخاقان میرزا اسد  
 وزیر در انتظام و الضبط امور و ولایت و تمهید  
 اسباب آسودگی رعیت کمال اهتمام دارند و همچنین  
 در دواج کارخانه شکر و تمهید و جمع آوری اسباب  
 لارجه آن منتهای مراقبت و اهتمام بعمل می آورند  
 محصل تعیین کرده اند که از جمیع بلوکات آنچه فی شکر  
 بعمل می آید محل بکارخانه شکر وقت ریزی کرد قیمت

آزاد یافت نمایند

**استرآباد**

از تراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند  
 محمد دلی خان بیکر بیک در انتظام و امنیت آن حدود  
 کمال اهتمام را معمول میدارد از تراریکه نوشته اند  
 حیدریت عالیجا مشارالیه باقیین رفت و نوکر  
 استرآبادی را خبر کرده است که در آنجا جمع بشوند و  
 مشیت امور مطایفه موت را داده بعد از فراغت از  
 عمل آنها روانه کولکان شود که امور آنجا را نظم کامل  
 داده متوجعات بوفانی آنجا بجهت وصول رساند

**خراسان**

از تراریکه مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام  
 متولی باشی و پیشکار خراسان نوشته بود از مال خود  
 چهار زوج دیرفشره که هر یک دو ذرع طول و یک ذرع  
 سه چارک عرض دارد بجهت اطراف حرم محترم  
 جناب امام ثامن ضامن علی ابن موسی الرضا نام کرده

۱۳۷۲

نموده است و هر یک را بنام نامی سرکار علی حضرت  
شاخهای مزین داشته است

### فارس

از قتراریکه در روزنامه شیراز نوشته بودند بواسطه  
استطاب شاهزاده والایبامویدالدوله  
در بیرون نشسته بعراض فخر و ضعف رسیدگی بنیای  
و مقرب انخاقان شیرالملک نیز مشغول پرداختن سالیانه  
سال کهنه و دستورالعمل سال نومیباشد همچنین  
مقرب انخاقان شجاع الملک هم در خدمات محوله  
بجود کمال اهتمام را دارد و از استقامت او یک  
دولت علیه امور انچه و در هر جهت و هر حثیت  
مفطم و مضبوطات

### عربستان

از قتراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند درین  
اوقات جمعیت و آبادی بندر محمده بسیار شده  
روز بروز بتجار و کسب از اطراف باسجاده مشغول  
داد و ستد میباشد و عنقریب بندر مزبور یکی از بنا  
مفطم خواهد بود

دیگر نوشته اند که توپچیان مامور ساحلوی محسره در  
غزه جمادی الاول وارد آنجا گردیده اند و توپچیان  
سابق که در آنجا بودند از آن مرخصی حاصل کرده و  
روانه بندر ابوشه شده اند که رفته در آنجا مشغول  
خدمت باشند

دیگر نوشته اند که در هشتم و نهم ماه مزبور باران شدید  
در محسره و آن اطراف آمد بطوریکه کل صحرا املو آب

شده بود امانی آنجا از آمدن باران که مدتی بود در آن  
ولایت نمی آمد بسیار خورسند و مسرور گردیده بلوازم  
شکر گذاری اقدام نمودند اگر چه غله باز در آن ولایت  
تعییر دارد ولی بجهت این بارندگی امیدواری کلی  
امانی آنجا حاصل گردیده است

دیگر نوشته اند که او می از عالیجاه محمد اسمعیل پیک  
که مامور بان نوکر آن سرحدات است چهل و پنج تومان  
شخواه شازلیه را مسرف نموده فرار کرده بود عالیجاه  
فتح الدخان یا و فوج امرالی سر باز بتفحص سارق باطراف  
فرستاده او را در میان نخلیات پیدا کرده بودند آوردند  
شخواه مسرور و از او استرداد و تسلیم عالیجاه محمد اسمعیل پیک  
شده و سارق را بعد از تنبیه مضبوط اخراج  
نمودند

دیگر نوشته اند که شیخ حسن ولد شیخ مشکور نجفی بمحرمه  
بود بتجار آنجا هر یک بقدر مقدور اعانتی با و نموده بودند  
و جی فرا هم آورده بجهاز نشسته روانه بصره شده بود  
که از آنجا بنجف اشرف برود و در نزدیکی بصره هوا انقلاب  
بهم رسانده چهارم از ضرب امواج غرق شده بود با اینکه  
ساحل نزدیک بوده و اهل جهاز شنا نموده خود را بکنار  
رسانده بودند مشارالیه با سه نفر غرق شده بودند  
طاحان هر قدر جستجو و تفحص کرده بودند اثری از آنها  
ظاہر نشد بود

از قتراریکه تعیر اجناس آنجا را نوشته بودند که کم خرداری  
شش تومان وارد خردواری هفت تومان و نمان خردواری  
تومان و جو خردواری چهار تومان و نیم و سایر اجناس از انقراض

۱۳۷۳

### کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب  
 شاهزاده والاتب رعنا الدوله حکمران کرمانشاهان  
 در انجام خدمات دیوانی و حصول موجبات آسودگی  
 اهتتامی کامل دارند و نواب امیرزاده علیقلی سرزار  
 که بحکومت محال سفقرفرستاده اند نواب معززی  
 امورات آنولایت را منظم و اشرا را آنجا را منسویب  
 کرده است بطوریکه کسی قدرت و یارای حرکت خلاف  
 حساب ندارد و امالی آنجا از اینمغنی زیاده رضامند  
 از نواب معززی الیه دارند

و هم چنین امورات شهر کرمانشاهان از اهتتامات  
 نواب رعنا الدوله نهایت انتظام را دارد و فرمایشاتی  
 نواب معززی الیه و داروغه و کدخدایان حسب احکام نواب  
 معززی الیه مراقب و مواظب هستند که سرقت و خلاف  
 حسابی از کسی ناشی و صادر نشود

### اسد آباد

از قرار یک در روزنامه اسدآباد نوشته اند از وقتی که لاجا  
 خانباخان با آنجا رفت است اینت تمام در راههای آنجا  
 حاصل گردیده است بخلاف ایام سابق که اشراطی نظیر  
 و چهار دولی اغلب اوقات مرکب سرقت و شرارت  
 می شدند و دست اندازی مال و حال زوار و قوافل میکردند  
 و این اوقات از مراقبت عالیجاه مشارالیه دست نهدی  
 بجلی منقطع و زوار و قوافل با نهایت اطمینان خاطر آمد و رفت  
 بینامیند و از اینر حله کمال شکر گذاری دارند و هم چنین در  
 انتظام امر نوکر و رعیت رسیدگی نموده همه روز در دیوان

خود نوشته بعراض رعایا غوررسی مینماید و اگر کبسی  
 تعدی و اجحافی شده باشد در مقام رفع آن می آید و جوی  
 فوج و سواره آنجا را بمجستی عالیشان محرم بیک تفنگدار که  
 از دربارهایون مامور سازندن موجب آنجا بود پر دست  
 مگر قدری از موجب سواره چهار دولی باقی بود آنهم درین  
 اوقات حسب الامر امنای دولت علیه از نمودیان  
 دریافت و با آنجا داده شده و تدارک خود را دیده اند که بر  
 حسب احضار امنای دولت علیه با تیاوین بیانند

دیگر نوشته اند که درین اوقات یک دو دفعه باران بسیار  
 خوب در آنولایت آمده باعث امیدواری رعایا و زراعت  
 آنجا گردیده است

دیگر نوشته اند که عالیجاه مقرب انخاقان مصطفی فلنجانی  
 که حسب الامر امنای دولت علیه بهمانداری جناب و در غیاب  
 دولت بهتبه انگلیس روانه بود با آنجا که وارد شده است عالیجاه  
 خانباخان با جمعی با استقبال آمده و نهایت معقولیت را  
 در همانداری مقرب انخاقان مشارالیه عمل آورده است

### اعلامات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالمحمد  
 با سهی در محل نزدیک دروازه دولا بطنباع شده از انقباض  
 فروخته میشود

انوار النعمان	سه تومان
وسایل بافست	ده تومان
حمه نظامی بیت و پنجهزار	پنجاه
سریر	دو تومان
زنده العارف	ده تومان

۱۳۷۴

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه و نهم ماه حرم مطهر بیابان اوشان سنه ۱۳۷۱

نزهت و هیبت و مغفده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه و یک پیکره  
و تان و چهار هزار



منطبه دار الخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر چهار سطر یک هزار  
بیشتر با هر سطر پنجاه

## اجبار و چند ممالک محروم پادشاهی

### دار الخلاف طهران

نظر بلاحظه کمال موافقت و یکجائی که این دولت علیه را  
با دول متجا به است و ظهور عنایت ملوکانه در باره جناب  
موسیو اینچکاف شارژد فرد دولت بیست و هفتم  
طهران که بکمال محقولیت موصوف است در هفته گذشته از  
جانب سنی اجواب قدس هالیون یک قطعه نشان دو  
الماس مصور بمثال بمثال هالیون جناب مشارالیه محبت  
کردید

هوای دار الخلاف طهران درین اوقات کمال خوبی و خرمی  
و صفار دارد و بانهایت خوشی و اعتدال است خصوصاً  
بیرون شهر و باغات دیوانی و ساحات شمیران و در  
روز دوشنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی  
خلد الله ملکه و سلطان مایل تفرج شمیرانات کردید  
صفا و خرمی سست در بند و آن اطراف سوار شدند و  
هالیون بدر بند و آن اطراف تشریف فرما گردیده تا حوالی  
عصر مشغول تفرج آن ساحات بودند و نزدیک غروب  
آفتاب بارگه مبارکه که سلطانی محبت فرمودند

نظر بلاحظه یکجائی و اتحاد این دولت علیه با دول متجا به بقا  
دولت علیه ایران و مراسم تهنیت عید در روز دوشنبه  
گذشته جناب جلالت آباشرف امجد اکرم صدر اعظم  
بجمله بازوید عید اول بیدین جناب طامسین صاحب شارژ  
دولت بیست و هفتم رسیده و مواضع بین این دولت  
مرعی داشتند و بعد از آن بیدین جناب موسیو اینچکاف  
شارژد فرد دولت بیست و هفتم رسیده و مراسم دوستی  
و داد و اسلوک داشتند و بعد از آن بیدین عالیجاه فحاش  
همراه جید رفتند و شارژد فرد دولت علیه عثمانیه رفتند  
قواعد یکجائی و اتحاد و لیسین را بعمل آوردند

درین اوقات که ایام بعد از عید نوروز سلطانی است چنانچه  
در بار هالیون از التزام خدمت در ب خانه بجهت دید و بازدید  
عید معاف و محض میباشند و عموم خلق از تجار و کسبه  
خود را بجهت بید و بازدید مشغولند مگر انسانی دولت علیه  
و بعضی مقربان حضرت کردون ببط سینه که بجهت انجام  
محتاج لازم و تقدیم فرمایشات قدس هالیون درین  
اوقات نیز مشغول خدمات اند

۱۳۷۵

مواقف خیر صریحی که رسید و در سما از سفارت دولت بیه  
 روس اعلام شد اعلیحضرت امپراطور دولت بیه روس  
 این سرای فانی بدار جاودانی شتافت و اعلیحضرت  
 و لیعهد دولت مشارالیهما جلوس کرده و اعلام نامه  
 بکل ممالک روسیه از پترزبورغ ارسال شده است این  
 خبر باولسای دولت علیت رسید مقرب الخاقان میرزا  
 محمد حسین عضد الملک حسب الامر اعلیحضرت شامشاهی  
 بفراتخانه رفته در حالتی که کل صاحب منصبان سفارت  
 حاضر بودند از جانب سنی اجواب بیرون بجناب موسیو  
 انچکوف شارژ دفتر دولت بیه روسیه اظهار افسوس  
 از فوت اعلیحضرت امپراطور نمود معترزی الیه و صاحب  
 سفارت را حسب الامر دعوت بحضور مهر ظهور مبارک کرد  
 با اتفاق عضد الملک شرفیاب حضور بیرون شدند اعلیحضرت  
 اقدس همایون بعد از اظهار افسوس زیاد از فوت اعلیحضرت  
 امپراطور استقامت از جلوس اعلیحضرت امپراطور جدید فرمودند  
 جناب شارژ دفتر جلوس اعلیحضرت امپراطور جدید را که عرض  
 کرد از جانب بیرون تهنیت جلوس فرمایش شد و بعد از  
 مرحضی از حضور مهر ظهور همایون بلافاصله بلاقات جناب  
 اشرف امجد رفیع صدر عظم فرستند و بعد در چهار روز  
 از جانب سنی اجواب بیرون و جناب اشرف امجد رفیع شیری  
 از برای تهنیت جلوس امپراطور جدید بفرات ارسال شد  
 و در همان روز جناب نظام الملک از جانب بیرون بفرات  
 رفت جلوس امپراطور را تهنیت گفتند فرزاد ای آن روز  
 جناب اشرف امجد رفیع بفرات خانه شریف برده  
 بجناب شارژ دفتر و کل صاحب منصبان سفارت جلوس اعلیحضرت

۱۳۷۶

امپراطور را تهنیت فرمودند روز دیگر امنای دولت از  
 بزرگان نظام و اعظام و اکابر تهنیت فرست مبارک  
 گفتند  
 بجهت خدمات کلیت که از مقرب الخاقان قائم مقام درین  
 سفر ماوریت با دز با بجان صادر شده و مقبول خاطر  
 خیر مبارک اعلیحضرت شه پاری گردیده هر روز بنوازشی  
 تازه سرافراز میشوند از آنجمله در روز پنجشنبه دهم شهر  
 رجب المرجب محض رحمت و التفات یکجا تمسک تهنیت  
 که بهترین و بزرگترین اسباب مفاخرت است بصحابت  
 عالیجاه عبد العلی خان پیشخدمت خاصه مقرب الخاقان  
 مشارالیه رحمت گردیده بین الامثال مفاخرت حاصل  
 نمودند

### سایر ولایات

اصفهان از فترت که نوشته بودند عالیجاه  
 در انتظام امور رراعات و تقصیف نگاری بلوکات و  
 توابع کمال اهتمام و تاکید تمامی مشاط و عمال میساید  
 و در تقسیم قنات و جدا اول و انهار و مادیهای بلوکات  
 و قنات خالصه کمال سعی و اهتمام دارد و همچنین در نظام  
 امور باغات مبارکات نهایت سعی و اهتمام دارد  
 کمال تاکید به باغبانان و سرایداران و سایر عمال باغات  
 ینماید که در آبادی باغات و غرس اشجار غنهای قنات  
 و اهتمام بعمل آورند

### خراسان

چون چند سبت که خان خنوق با جمیعت و استعداد بفرم  
 یصرف مرز آمده از آنجا هم تجاوز با بنظر گرفته است  
 که بلکه بتواند ایل حسرت را مطیع کرده از آنجا کو چنانچه بفرم

ببرد و از آنها نوگروز کوه بگیرد لهذا اولیای دولت علیه هم  
 بلا حلقه اینک ایل سرخس رعیت این دولت جاوید هستند  
 بنواب مستطاب هزاد فخر و الا تبار فرما نرفا صاحب الامر حکم  
 مفرود اشتد که با جمعیت و استعداد تمام بطرف آن برفتند  
 و پس که بروند که هم استعد و در انظم کامل بپسند و هم باید  
 و حمایت ایل سرخس قشون و جمعیت بفرستند از قراریکه نوشته  
 بودند خودشان در مقدمه شهر جمادی الاخری از ارض  
 اقدس حرکت کرده اند و قریب ده هزار نفر از سواره و  
 پیاده برای این سفر اخبار کرده اند که با جمعیت و توپخانه  
 و استعداد تمام با استعد و بر و ندر پیش از آنکه خودشان  
 باقی در بند و استعد و در بر سنده عالیجا حسن خان سبزواری  
 بادویت نفر سوار بر بخش فرستاده اند که مایه اطمینان  
 ایل سرخس بشود و بدانند که از جانب دولت علیه حمایت  
 و امدادی از آنها خواهد شد از حسن اتفاقات بعد از آنکه  
 دویت نفر سوار با عالیجا حسن خان سبزواری بخرس  
 رفته بودند مابین سرخسی و جمعیت او رکبخی که بغرم تاخت  
 و تاز سرخسی آید بودند منازعه اتفاق افتاد و جمعیتی که  
 از او رکبخی با استعد و آمده بودند مغلوب و منکوب شده  
 شش عراده توپ و پانصد قبضه شمشال و صد نیزه سر  
 از آنها بدست سواره دولت و سرخسی افتاده است که  
 بارض اقدس فروده بودند

دارد و کسی در بلده و بلوک حرکت خلاف حساب  
 ندارد و اهالی آنجا از حصول امنیت قرین شکر گذاری و تقاضای  
 هستند

و یکر نوشته اند که در ماه گذشته جمادی الاخری در کرمان  
 و بلوکات بارندگی زیاد شد اگر چه تعمیر جنبین تجمه این  
 بارندگی بسیار چندی تنزل کرد و زراعت کاران زیاد  
 امیدوار شدند ولی سبب برف و باران شدیدی  
 که سه شبانه روز علی الاتصال آمد بقنوات آنجا از آب سبیل  
 و پشته خرابی بسیار رسیده است بطوریکه اغلب قنوت را  
 باید مخارج زیاد نمود تا ایشان جاری بشود و همچنین در آن  
 برف و باران کوسفند بسیار تلف گردیده است و صخر  
 بسیار بصاحبان قنوت و حشامی که کوسفند داشته اند  
 رسیده است و بهارات شهر و ارک نیز از قراریکه نوشته اند  
 با اینکه اغلبی استحکام داشته اند ازین برف و باران  
 خرابی زیاد بهم رسیده است و امیر الامراء العظام سردار  
 در ضد و تعمیر عمارات ارک میباشدند

در سمت دروازه ارک و شهر کرمان امیر الامراء العظام سردار  
 باغی تازه بنام اعلیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی  
 موسوم بنا صریه طرح انداخته بود از قراریکه نوشته اند  
 در این اوقات که زمان غرس اشجار بوده است از اطراف  
 نهالهای سیوه دار و عنبره از هر قسم فرستاده آورده اند  
 و بطور سلیقه بردلیف و ترتیب نشاندند و بسیار جای با  
 و خوشه است و بهترین باغات آنجا خواهد

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند از حسن کفایت  
 و رعیت داری امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار  
 حکمران یزد و کرمان امور آن ولایت در هر حیثیت کمال نظام  
 از یزد قافلها بجا مشاع تجار تی آورده و متاع کرمان با برگیری کرده اند

و در این اوقات که زمان غرس اشجار بوده است از اطراف  
 نهالهای سیوه دار و عنبره از هر قسم فرستاده آورده اند  
 و بطور سلیقه بردلیف و ترتیب نشاندند و بسیار جای با  
 و خوشه است و بهترین باغات آنجا خواهد

**کرمان**

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند از حسن کفایت  
 و رعیت داری امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار  
 حکمران یزد و کرمان امور آن ولایت در هر حیثیت کمال نظام  
 از یزد قافلها بجا مشاع تجار تی آورده و متاع کرمان با برگیری کرده اند

۱۳۷۷



# فارس

از قراریکه در روزنامه بند بوشهر نوشته بودند امورات  
 آنجا از اتمانات اولیای دولت علیه از بهر جهت انتظام  
 دارد و عسوم مالی آنجا از حصول امنیت و انتظام شکر  
 و دعا کوتی ذات اقدس بایون علی حضرت قوی شوکت  
 شاهنشاهی اقدام دارند و هم در آن اوقات نوشته  
 بودند که باریندگی خوب در آن ولایت شد اگر چه در آن  
 بقدریکه بایست مکرده بودند ولی بهین وقت که رفت  
 شده است خوب است و از اینکه بر حسب قرارداد ادا  
 دولت علیه غله از خارج بآنجامی آورند و از آنجا بآنجا  
 نمیسرند نوع رفاهیتی بجهت مالی آنجا حاصل گردیدند  
 و کمال شکر گذاری دارند

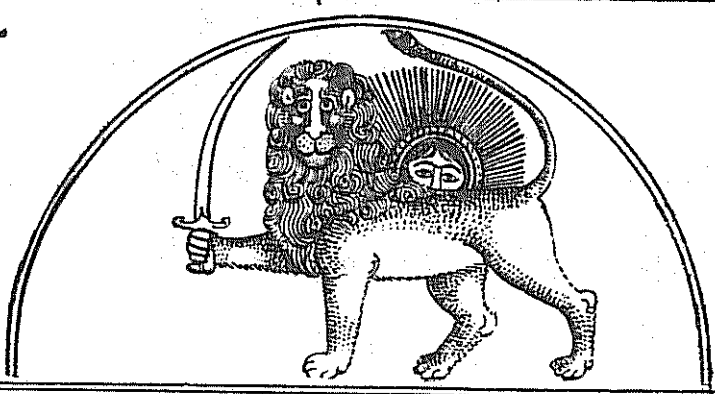
دیگر نوشته اند که باستان بزرگی که حب الامر احد  
 بایون مقرر شده بود در فرین چهار برج مشهور آنجا  
 ساخته شود در نهایت استحکام است تمام یافته  
 و جزئی نامی که در تسمیر اطاقها داشته است انهم  
 درین روزها قریب با تمام است

دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان حاجی قوام الملک  
 که از شیراز روانه بند بوشهر شده بود در سیم ماه  
 جمادی الاول وارد بند ریز شده و در عرض  
 راه در هر یک از منازل لوازم استقبال را از مشارالیه  
 بعل آورده اند و او هم رسیدگی کامل بکار عسوم  
 آنجا نموده و از نظم و رسیدگی او کمال رضامندی داشته  
 و بعد از ورود بآنجا انعامی هم به توپچی و سرباز و  
 فراخو احوال آنها داده است و همچنین فوج فریدن نیز

که مسرا مقرب انخاقان مشارالیه مامور خدمت آنجا  
 بوده اند با کمال نظم حرکت کرده اند و صاحب منصبان  
 آنها نیز مراقب بوده اند که خلاف حسابی بهیچ وجه از فوج  
 مزبور صادر نشود از جمله اوقاتی که فوج مزبور در منزل چاه  
 کوتاه که از مضافات بوشهر است بوده اند یک قبضه طلا  
 از شخصی از اهل آنجا که جوانی جو سبر بازهای مزبور فرود  
 بود منقود شده مشارالیه مراتب را بمقرب انخاقان حاجی  
 قوام الملک و عالیجاه حاجی محمد باقر خان سرمنک فوج  
 مزبور اطلاع داده بود فرستاده سربازها را آورده بودند  
 سربازها گفت بودند ما اطلاع نداریم اگر باشد در میان  
 جوان جو خواهد بود و هنوز جوان را خالی نکرده ایم فرستادن  
 بودند جوان را خالی کرده طلا نچ در میان جوان بود ببار  
 قسم خورده بودند که مانند انستیم و اطلاع نداشتیم و نیز  
 میرزا جعفر نام مباشر فوج مزبور با چند نفر از صاحبان  
 فوج از راه بزازجان بمنزل چاه کوتاه می آمده اند در عرض  
 یک ریس مادیان عربی خوب با جمل و فتار و منج طویله  
 در راه دیده بودند آورده بشیخ حسین نام ضابط آنجا  
 داده و قبض گرفته بودند که بصاحبش برساند و قبض او را  
 بنظر حاجی قوام الملک و سرنک خود رسانده بودند و  
 تا آن اوقات صاحبش هنوز پیدا شده بوده است و معلوم  
 شده است که مادیان از راه دور با آنجا آمده است و هنوز  
 در دست شیخ مزبور بوده است تا صاحبش پیدا شود با کمال  
 مالی آنجا از اینگونه نظم و سلوک فوج مزبور و مقبولیت صاحبان  
 آنها نهایت رضامندی داشته اند

۱۳۷۸

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۷۹

<p>منطقه دارالخلافه طهران قیمت اعلانات یکسره چهار سطر یکبار بیشتر با هر سطر یکبار</p>		<p>نمره جیت و بیجه قیمت روزنامه یک نسخه ده شایکله حوتمان و چهار هزار</p>
---------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------

## اجبار دهنده مالک محروم پادشاهی

<p>حضرت فرجام از توپچی و سر باز سرتاسر میدان صف کشیده و عموم انالی دارالخلافه طهران از ضعیف و کبیر و در فضای میدان و حجرات و بام جمع شده بودند بر بیارت وجود فایض وجودها یون شرف اندوز گردیده اصحاب طرب در حضور مبارک بلوازم جشن و سرور پرداخته از انعام ملوکانه بهره یاب گردیدند</p>	<h3>دارالخلافه طهران</h3> <p>در شب یکشنبه نیز در ماه جیب المرجب که شب عید مولود جناب ولایت تاب امیر المومنین علی علیه السلام بود حسب الامر اقدس هایون اساس چرخ آغانی و تقابلی در حضور مبارک فرهم آورده و شب جشن و شاد فرمودند و در یکشنبه بقانون اعیاد بزرگ انعمای سلام عام در دیوانخانه بزرگ فرهم آمده سرکار عالیحضرت قوی شوکت شامشای خلد الله ملکه و سلطانیه باسلام دادند انمای دولت علیه و چاکران حضرت کردون بیطنت و بزرگان و صاحب منصبان نظام و خوانین عظام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شلیک توپ و تیر در میدان ارک بقانون متداوله گردیده یکصد و ده تیر توپ بعد از آن جناب امیر المومنین خالی شده بعد از آن عالیجا خطیب باشی خطبه عید منور را در حضور مبارک خواند و عالیجا شمس الشعرا نیز قصیده غزالی که بجه عید منور عرض کرد بود خواند بعد از انقضای سلام دیوانخانه اعلیحضرت شاد بعمارت سردرب دیوانخانه مبارک تشریف آوردند</p>
<p>در روز دوازدهم و سیزدهم در هوای دارالخلافه طهران انقلابی بسرسیده باد شدید و گرد و غبار فراوان و هوای ابریم بخلاف اقتضای فصل بطوری سرد گردید که اغلب سردرختی را سرازده است و درین چند روزه با اینکه هوای اقتضای بارندگی داشت باران نیامده است اگر چه بایست در نتیجه تقاضای توپ هم برسد و لکن از اهتمام حسن تدبیر انمای دولت علیه تقاضای در نریخ غله هم برسد و بهمان قرار سابق است و بجه الله همه چیز بحال و فوارد</p>	<p>بعد از آن عالیجا خطیب باشی خطبه عید منور را در حضور مبارک خواند و عالیجا شمس الشعرا نیز قصیده غزالی که بجه عید منور عرض کرد بود خواند بعد از انقضای سلام دیوانخانه اعلیحضرت شاد بعمارت سردرب دیوانخانه مبارک تشریف آوردند</p>

۱۳۷۹

مولود مسعود جناب ولایت آبا میر مومنان علیہ السلام  
 تهیه اسباب آتش بازی دیده در دیوانه آتخا مبارک بزرگ اوصاف  
 آتش بازی را فراموش آورده بود حسن اهتمام او مستحق قبول  
 پیشگاه حضور باهر النور علیخیمت شاهنشاهی افتاد محض حمت  
 یکگاهه شال برسم خلف از جانب سنی احوال با یون  
 بافتخار او مرحت شد  
 منظره تعمیر اجناس دار الحکله و طهران  
 درین هفته که تعمیر اجناس دار الحکله فر نوشته اند  
 بقرائت که درین صفحه مستوی میگردد  
 کد م خمسه و غیره یکخوار سه تومان  
 کد م سا و جلاغی یکخوار سه تومان و دو کال  
 نان یکخوار سه تومان  
 برنج عنبر بو چهارمین دو هزار و صد پنجاه  
 برنج کرده چهارمین یک هزار و نه صد پنجاه  
 گوشت یکمین شش عباسی  
 روغن چهارمین دوازده هزار  
 جو یکخوار دو تومان و یک هزار  
 گاه یکخوار نه هزار دینار  
 ماش یکخوار سه تومان  
 سنجورسی یکخوار چهار تومان  
 لوبیا یکخوار سه تومان و نیم  
 عدس یکخوار سه تومان و نیم  
 ارزن یکخوار شانزده هزار  
 کرک یکخوار پنج تومان

ملک یکخوار سه هزار و پانزده شاهنشاهی  
 همیشه یکخوار هشت هزار  
 ذغال یکخوار هفتده هزار و ده شاهنشاهی  
 شیر چهارمین سه هزار  
 کتشم طعام چهارمین دو هزار و پانصد پنجاه  
 خما چهارمین چهار هزار دینار  
 نبات چهارمین شش عباسی  
 پیرشور چهارمین پنجاه و پنج شاهنشاهی  
 شمع یکمین دو هزار و هفت شاهنشاهی  
 قند روسی یکمین شش هزار و پانصد پنجاه  
 قند یزدی یکمین چهار هزار و چهار عباسی  
 نبات یکمین چهار هزار و سه عباسی  
 شکر خام یکمین سه هزار و یک شاهنشاهی  
 شکر صندوقی یکمین سه هزار و پنج شاهنشاهی  
 بل یکمین دو تومان و پنجاه  
 میخک یکمین پنجاه  
 دارچین یکمین نه هزار و ده شاهنشاهی  
 رز و چوبه یکمین یک هزار و نه صد پنجاه  
 فلفل یکمین پنجاه و پانزده شاهنشاهی  
 زعفران یکمین هفت تومان  
 سرکه یکمین سیصد دینار  
 تنباکوی اعلی چهارمین شانزده هزار  
 تنباکوی وسط یکمین دوازده هزار  
 لیموی عمانی یکمین دو ریال  
 سایر ولایات

۱۳۸۰

# خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته اند در ماه گذشته  
 ده پانزده روز باران پی در پی در آن ولایت آمده و عیناً  
 اطلاق و زراعت کاران از نیر حسد بسیار مشغوف بودند  
 و اظهار شکر گزاری می نمودند و در هر جای آن ولایت  
 فراوانی و ارزانیست و هر چیز از آذوقه و ماکولات  
 وفور دارد

دیگر نوشته بودند درین اوقات بجهت نهایت امنیت  
 و فراغت از برای امانی آن ولایت حاصلست و نواب  
 مستطاب شاهزاده محمد و الا تبار فرما فرمای ملک  
 خراسان و مقرب الخاقان وزیر نظام کمال رسیدگی  
 با مورعوم امانی انجام می نمایند و نواب معزی لب که در  
 هفتم ماه جمادی الثانی بسمت شورش واق در بند  
 حرکت کرده بودند فوج و سواره خراسان بر حسب  
 احضار متوالی بار دوی نواب معزی الیه ملحق میشدند  
 از خیمه فوج قرانی و فوج شاپور و سواره عالیجان  
 عبد الباقی خان و امیر خان قورت بیکلو و سوار دونه  
 در اوایل ماه رجب علی التوالی وارد شده بوده اند  
 و سایر فوج و سوار چشم در شرف حرکت و روانی  
 بار دوی نواب معزی الیه شده اند

دیگر نوشته اند که دو نفر لشکدار که حسب الامر اقدس  
 شامشاهی و جبهه بجهت قشون خراسان برده بودند نتوان  
 مزبوره را رسانده و قبض دریافت و مرخصی حاصل نمودند  
 در سیم این ماه عازم دربارهایون شامشاهی شده

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شاهزاده محمد فرما فرمای  
 ملک خراسان مقرب الخاقان امیر امیر الله خان حاکم  
 قاین را احضار کرده بودند مشار الیه هم در تدارک  
 بوده است که بعد از عید نوزدهم عازم ارض اقدس  
 گردیدند

دیگر عالیجا به مصطفی قلیخان حاکم سبزوار را نواب شاهزاده  
 در عین حرکت باقی در بند مرخص نمودند که بسبب وارفتگی  
 با سر حکومت خود و انجام خدمات دیوانی بسپردند

# کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت  
 از مراقبت امنای دولت علیه حسن مستام امیر الامرا  
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان قرین نظام است  
 و کمال ذاعت و امنیت برای امانی آنجا حاصل است

دیگر نوشته اند که قشون مامور از کرمان ایوا کج می  
 عبد الله خان میر آنچه که در بندر عباسی بوده اند در این  
 امیر الامرا اعظام سردار رجب امر امنای دولت علیه  
 از آنجا بکرمان خواسته و قشون مزبور از بندر عباسی حرکت  
 بسمت کرمان کرده اند

دیگر نوشته اند که عالیجا به میرزا شیخ وزیر کرمان رجب  
 حکم امیر الامرا اعظام سردار همه دوزخ در دفترش  
 باستوفیان کرمان مجاسبه مباشترین و ضابط  
 بلوکات آنجا به وقت رسیدگی کرده و عمل آنها را سپردند  
 دیگر تفسیر اخبار آنجا که نوشته اند که در تهران سبهار و در کرمان و خراسان

### گروکس

از فرار یک در روزنامه گروکس نوشته اند بجه الله در اول  
 ارزانی و ائنت است و عالیجاه زین العابدین خان در نظام  
 امور اولایت و انجام خدمات دیوانی اهتمام زیاد دارد  
 رستان باران و برف خوب در اولایت آمده بود و در  
 ایام عید هم بارندگی خوب شده و غله کمال و فرور دارد  
 و رعایا و مالی انجا از حصول امت و فراوانی کمال شکر گذاری  
 دارند

دیگر نوشته اند که پل خرابی در رودخانه قزلباز بود که  
 خاک گروکس میگذرد و بجهت خرابی پل مزبور عبور زوار و  
 بصعوبت میشد در این اوقات عالیجاه مشارالیه بجهت  
 اولیای دولت علیه که خواهی هم از دیوان اعلی بجهت تعمیر آن  
 مرحمت شده بود پل مزبور را در کمال خوبی و استحکام تعمیر نموده  
 و زوار و عابری ازین مرحله کمال دعا کونی و شکر گذاری  
 میگرد

از فرار یک در روزنامه یزد نوشته اند چون مقرب انجمن  
 محمد یوسف خان سرتیپ بلاخط رفاه حال رعایای انجا  
 و نستان صباط را از جانب خود به بلوکات موقوف  
 در عایار از تحمل مخارج آنها معاف داشته جمع دیوانی  
 هر بلوک و قریه را مشخص دارد و فقر ریش سفیدان انجا  
 متک گرفته بود در ماه گذشته جمادی الثانی که آخر سال است  
 بود که خدایان و ریش سفیدان بلوکات یزد مقرب انجمن  
 مشارالیه آمد محاسبات خود را پیرداخته و میرفتند  
 و رعایای انجا ازین حله کمال شکر گذاری داشته اند  
 دیگر نوشته اند که در ماه جمادی الثانی بارندگی زیاد در اولایت

شد اگر چه از شدت بارندگی بعضی از عمارات شهر و بلوکات  
 خرابی بهم رساند ولی صاحبان املاک و زراعت کاران  
 ازین ووز باران امید واری فراوان بهم رساندند  
 و تشویشی که از تسخیر اجناس شتند رفع شده است

فوج جدید کرمان متوقف در العبادیه یزد از فرار یک نوشته  
 تمامی ایام هفته را بجز روز جمعه و دو شنبه که ایام تعطیل است  
 در میدان ناسخ قلعه مشغول مشیباشند و در حرکات  
 نظامی خوب سنجیده اند و در آن دو روز که ایام تعطیل است  
 عالیجاه میرزا کوچک خان با انجا رفته با مورات سرباز مزبور  
 و ارسسی می نماید رفتار آنها موافق نظم و حسن سلوک است  
 و بندرت اتفاق می افتد که کسی از آنها خلائی کرده باشد که  
 مورد تشبیه نظامی بشود

دیگر نوشته اند که در بیت و سیم و بیت و چهارم ماه  
 مقرب انجمن محمد یوسف خان موجب نه ماهه فوج ساخط  
 در العبادیه یزد در پرده حسته و هر یک از احاد و افراد سربازان  
 موجب خود را دریافت نموده مشغول خدمات خود میشوند

و همچنین از امت طرق و شوارع انجا نوشته اند که عابری  
 و متردین با نهایت الطینان و خاطر جمعی آمد و رفت مینمایند  
 از چند در منزل نه کنند که سابقا بی جمعیت عبور شکل بود حال  
 آبادی بهم رسیده و هر چیزی از آذوقه موجود و فراوان  
 و قراول مستحفظ مشغول حرمت عابری هستند

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریورماه ۱۳۸۳

نزهت و نوزده  
قیمت روزنامه  
یک نخود و یک  
هتاق چهار هزار



منطبه داراخلاق طهران  
قیمت اعلانات  
یک خطرا چهار خطرا  
بیشتر هر خطرا

## اجبار واحدا ملک محروسه و شاهی

### داراخلاق طهران

در روز یکشنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی  
بمیدان ارک سواره شریف فرما کردید و فوج لاریجانی  
و فوج جدید شقایق و سواره چهاردولی که در میدان حاضر  
شده صف کشیده بودند اول بملاحظه افواج تو حیرت  
بعد از ملاحظه آنها بمیان سواره شریف بردند امیرالاعظم  
سردار کل و سایر صاحب منصبان نظام در خدمت افتادند  
همایون بودند از استکلی و انتظام سواره و نظام را تحسین نمودند  
بعد از فراغت از ملاحظه آنها نظر بر امت تو قیر و احترام چنانچه  
علمای اعلام چندین نفر در عیاد رسم است باز دید سپردند  
برادر امام جمعه مرحوم و چند نفر از علما شریف فرما کردید  
تفقدات ملوکانه بمنزول فرمودند و بعد بجهت سلطنتی  
و مقرر غلظت شای مرتبت نمودند  
چون توقیر و احترام جانب علمای اعلام منظور خاطر اقدس  
همایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه است درین اوقات  
جناب جلالت آباء اشرف ارفع الفهم صدر عظیم برسم باری  
عید نوروز بقانون معمول بجانانه هر یک از علمای عظام رفته

مراسم تفقدات را در باره هر یک مرعی داشتند و لوازم  
و اکرام آنها را بعمل آوردند  
چون مقرب انخاقان محمد ناصر خان ایشیک قاسمی باشی در  
عید مولود جناب امیر المومنین علیه السلام نظم و ترتیب  
سلام را بطور خوب و شایسته داده بود و مراتب اهتمام  
او در نظر اقدس همایون مستحسن و مقبول افتاده لهذا بکوشش  
جناب ترمه لاکه برسم خلعت از جانب سنی انجوان ملوکانه  
بمقرب انخاقان شایسته التفات گردید  
از فراری که بعضی اولیای دولت علیه رسید از جانب  
دولت فحیمه فرانس جناب موسیو پوریه سفارت مخصوص  
معین و از راه بندر ابوشهر و فارس و اصفهان عنایت  
در بار همایون را مموده اند بحسب امر قدر اعلیحضرت  
اقدس شاهنشاهی مقرب انخاقان علیخان سرتیپ فوج  
جدید قراکوز لوبمانداری معین و در تاریخ ۱۸ شهریور  
از دربار همایون عازم و راهی فارس گردید که بالوازم  
اعزاز و احترام جناب ایلچی مشایره از جانب سنی انجوان  
ملوکانه پذیرفته شرفیاب در بار همایون باز

۱۳۸۳

تاریخ ۱۳۸۳  
شماره ۵  
نسخه اولیاده

چون مراتب خدقت و مهارت عالیجاه حکیم مرید علی  
در فن طبابت مشهور رای عالم آرای طوکانه گردید و در اور  
سلک چاکران دربار گردون و قاضی ملک و باعظای  
همایون و مرحمت شدن مواجب بین الاقرا ن مقرر گردید

عالیجاه حبیب صاحب مترجم این دولت علیه که حب الامر  
همایون مباحث این روزنامه بود چون مدتی مریض و علیل بود  
و اطباء معایبه او را در تیسر آب و هوای بد بودند و پدر و شوهر  
او نیز از نارایه خواستش کرده بودند که یکساله اذن مرضی  
از این دولت علیه گرفته بولایت انگلیس برود لکن درین  
اوقات اذن مرضی از امنای دولت علیه حب الامر  
همایون حاصل نموده روانه ولایت انگلیس خواستند

چون عالیجاه آقا اسمعیل شیخ مت باشی سلام خداوند  
خود را مشهور حضور همایون داشته بود لکن امور  
عنایت طوکانه گردیده درین اوقات یک قبضه کار در کما  
دسته مرصع با و مرحمت فرمودند

چون حاجی محمد حسین جبه دار باشی این روزنامه بمرمت ایزدی  
پیوست اولیای دولت قاهره محض پاس خدمات ارجوم  
و قابلیت عالیجاه میرزا نصر الدین پسر مرحوم رالیه حب الامر  
همایون او را در جای پدر خود بمنصب جبه دار باشی مقرر  
سبار که سرافراز و یک طاقه شال و یک ثوب قبای زری در حق  
عالیجاه رالیه مرحمت گردید که در کمال امیدواری  
خدمات محوله بخود باشد

چندی قبل ازین که قاطرحی پادشاهی بجهت حسن تقوی بن فیه  
بودند بابا زکی نام قاطرحی با دو نفر تابین خود قریب یکصد و پنجاه

تومان دسری مال التجاره ارفیس پوست بخارانی و غیره  
بسرقت آورده بودند صاحب مال بجهت وادخواستی بدار انخلاف  
آمده عالیجاه کینان که خدمت مطلق شده تفحص و محسوس نمود تا  
اینکه برکه مال را بدست آورد چون خود بابا زکی در شهر  
بنو و بجهت اینکه مشارالیه از مراتب مطلق نبود مطلب دائمی  
نمود و محض ورود بابا زکی او را گرفته و تمامی مال را از او  
استرداد نمود مگر قریب بیست تومان از آن اسباب که  
تقریظ شده و خود بابا زکی حال محسوس است تا از  
عمده بقیه اموال مسروقه برآمده تمامی آن بصاحب مال تسلیم  
و قبض بقیه برداری شود

درین اوقات چند نفر زرد بستاری که خدایان و غیره  
در محلات دار انخلاف گرفته شده بودند هر یک که در خور بست  
کلی نبودند تنبیه مضبوطی شده و هر یک مستوجب سزا  
بسیاری خود در سببه حکم نواب مطابقت بنزاده و الا  
ار دشر میرزا حکمران دار انخلاف و توان از شهر طرا این  
کرده اخراج بلد گردیدند

### امور قسطنطنیه

افواج قاهره نظام از توپچی و سواره نظام و سرباز همه روز  
در کمال ارادت و انتظام در میدان ارک و میدان قای  
در وازه دولت مشغول مشق میباشند و صاحب منصبان و  
معلمین آنها نهایت دقت و اهتمام در مشق و انتظام و حرکات  
نظامی آنها دارند

الفنچی لاریجانی که برب امر علیحضرت شاهنشاهی سرباز شده  
و مخصوص سرکار نواب بنزاده فخر امیر نظام گردیدند  
داشتند کسر آنها را عالیجاه غلامحسین خان ولد مقرب انخلاف

عباسقلی خان که سرمنک فوج است گرفته برکاب هایون  
آورده و در روزیکه در صدر روزنامه نوشته شده است  
نظر مبارک گذشته و مقررت که با آنها تفنگ سرزاری  
داده شود و داخل فوج باشند

چهارصد دست اسباب توپ کشتی سوای هباب  
توپ کشتی سابق که در انبار بود حسب الامر درین روزها  
تازه دوخته شده تحویل انبار و خانه گردید  
در کارخانه کلوله ریزی حب الامر مشغول ریختن کلوله بزرگ

و همچنین فوج جدیدی از شقای حکم شده بود گرفت شود  
درین اوقات با تمام رسیده به برای عالیجاه اللبیار خان  
و له عالیجاه ابوالفتح خان سرتیپ در میدان ارک حاضر  
شده در روز منور با حضور هایون گذشته مورخین نظام  
ملوکانه گردیدند

جته توپهای بزرگ وسط میدان و چهارمای بزرگ بنا  
سایر ولایات

سواره چهاردولی که سابق بر این جته ماموریت کرمان  
احضار شده بودند در روز منور در میدان ارک اول  
شکرزیان عظام سان آنها را دیده و بعد از دیدن  
سان از نظر هایون گذشته سید نفیسه بود

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته است  
عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه آنجا در اهت ولایت و  
نظم و نسق صیغی کاری بلوکات از خالصه و اربابی و عقیده  
انجا و رفاه حال امالی آنجا چنانچه در روزنامه گذشته نیز نوشته

امورات قورخانه مبارکه در این اوقات از اتهامات  
دوات علیه پیرمطم و مصیوط است و کارهایی که در این  
روز اصورت تمام یافته از اینقرار است

شده اهتمام زیاد دارد از جمله چندی وقت پیش این قدری ترمی  
کرده بود و شایسته است از بلوکات و جایهای دست غله فرو  
آورده و در شهر هم جرایب بوده غله در انجا و علاف داده  
و بافضل غله در اصفهان کال و فور و مردم این جهت نهایت اسود  
دارند

بیت لو که چهاره ۶۶ پوند و ۴۲ پوند و ۳۲ پوند و ۲۴ پوند  
ریخته شده و درین روزها مشغول سوار کردن آنها  
مباشند

در ضمن روزنامه های اصفهان نوشته بودند که جعفر نامی فرانسوی  
در ویش خدا داد نامی را که در درج خانی طلب نشده بوده است از آن  
کرده و در ویش آرزوه خاطر شده او را نفرین کرده بود روز دیگر  
همان فرانس با فرانس دیگر از دیوانخانه نبرد تبا که فروشی  
سجده صهی رفقه بودند و با او تراغ کرده و او را زده بودند بعد از آن  
جعفر نام پدر سه صد ماده بود که ناریکند و آن شخص تبا بود

توپهای بزرگ وسط میدان را که حسب الامر سپاده نموده  
و پرداخت و مرمت کرده پاره اسباب آنها را تازه کرده  
و سوار نموده اند

هم بحالت نزع افتاده بوده است درین بین در مدرسه  
منور به جعفر فرانس خبر داده بودند که تبا کوفه فرانس  
که زود می رود است جعفر فرانس در عین صحت بدن فی الفور از او همه  
مردم بود بعد معلوم شد که تبا کوفه فرانس زنده و با افضل زنده است

چهارمای بزرگ که در انبار توپخانه بود حسب الامر برود  
آورده پاک و پرداخت نموده در این روزها سوار  
کرده اند

مردم بود بعد معلوم شد که تبا کوفه فرانس زنده و با افضل زنده است

۱۳۸۵



یزد

از قرار یک در روزنامه یزد نوشته اند در روز عید سعید سلطانی  
 که ابتدای سال فرخنده فال توشقان میل بود عالیجاه مقرب  
 محمد یوسف خان سرپ و نایب الحکومه یزد بلو از م جشن نوروز  
 و شلیک توپ از جانب این دولت قوی شوکت علییه  
 بقانون معهوده اقدام نموده و خطبه بنام اعلیحضرت قوی  
 شوکت شاهنشاهی خوانده شده جمیع حضار ارضاجانب  
 نظام و خوانین و غیره تقدیم شکرانه و دعا کونی ذات  
 اقدس بجا یون را نموده صرف شیرینی و شربت کرده  
 مبارکباد عید نوروز سلطانی را گفتند و منم در آن  
 ایام که امالی آنجا بید و باز دید عید مشغول بودند در  
 سیزدهم ماه رجب که روز خید مولود مسعود جناب  
 امیر المومنین علی علیه السلام بود چنانچه حسب الامر بجا یون  
 در سال گذشته مقرر شد که این عید مسعود را در کل ممالک  
 مانند ایجاد بزرگ بگیرند عالیجاه مشارالیه نیز حسب المقرر  
 بلو از م جشن عید مولود جناب ولایت تاب اقدام نموده و  
 اجرای شلیک توپ و ادای خطبه بقانون ایجاد بزرگ  
 کردید و حضار از خاص و عام آغاز خورسندی و سرور  
 نمودند و از قرار یک نوشته اند این عید مولود را  
 در آنجا مجلسی بسیار باشکوه منعقد شده و امالی آنجا  
 زیاده از اینمختی مشغوف بوده اند  
 و یکر نوشته اند که مقرب انخافان مشارالیه در حصول  
 موجبات آسودگی رعیت و انتظام امر نوکرو ولایت کمال  
 اهتمام را دارد و رعایا و بریاد در نهایت رفاه حال مشغول  
 و دعای این دولت ابدتصال اند

۱۳۸۶

دیگر در ضمن روزنامه یزد نوشته بودند که در شانزدهم  
 ماه گذشته جمادی الاخری در شهر یزد و اطراف بادیه  
 در نیدن گرفت هوا را بسیار تیره و تار کرد و هر جای  
 از بیوتات را که منغذی داشت پراز یک و خاک نمود  
 و هوا را هم شدت سرد کرده تا عصر روز دیگر بهمان  
 باد شدت داشته بعد از آن هوا ملایم شده بود  
 دیگر نوشته اند که از بلوکات یزد بزغال با آنجا آورده  
 بودند که سوای دست و پای متعارفی چهار دست و پای  
 دیگر در زیر شکم داشت که در وقت حرکت آن چهار  
 دست و پای زیاده را از زمین می کشید سایر اعضایش  
 تفاوتی با بزرگالهای دیگرند است  
 دیگر نوشته اند که شخص سیدی مدتی شیوه سرف را  
 پیشنهاد کرده و اموال مردم را برفتمی برده است  
 درین اوقات تازه دزدی کرده بود و مقرب انخافان  
 محمد یوسف خان فرستاده او را بدست آوردند بعضی  
 اموال مسروق مردم را دریافت و بصاحبانش تسلیم  
 و مشارالیه را بعد از تنبیه در حبس دارند که از سایر  
 اموال مسروق نیز اگر بر که برور کند از او دریافت شود  
**اعلانات**  
 گن بهای چاپی دار انخافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید  
 در محله نزدیک دروازه دو لایط ع شده از اینمختی فرجیه  
 اوار انخافیه سه تومان  
 وسایل بافرونت ده تومان  
 م

# روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه دوم شهر شعبان المعظم مطابق سال ۱۲۷۱ قمری

نزهت بیت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شش ماهه  
هفتاد و چهار ریال



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خطرا چهار خط یک ریال  
بیشتر به هر خط یک ریال

## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در این سال فخر شده قال باقضای فصل چندین که  
در بعضی از ولایات ممالک محروسه شده و بارش کم  
آمده خاصه در صفحات دارالخلافه مبارکه که از عید نوروز  
تا این روز تا بارندگی نشد و بلوغت و دامنه از اینجهت  
برای مردم روی داده و تسخیر ماکولات نیز فی الجمله متوقی  
داشت تا اینکه در روز چهارشنبه بیت و سیم ماه رجب که  
اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی دامت شوکتها و دولتها  
از راه ملاطفت و عطوفت ملوکانه بعد از ظهر عزم بازدید  
بعضی از علمای اعلام را فرموده بودند از حسن نیت برکت  
قدوم میمنت لزوم آمدن سها بون در حینیکه هوا صاف و لطیف  
ایر بود و بر رحمت خداوندی در حرکت آمده در آن بین  
بعد یکساعت باران نافع بسیار خوب آمده و شب بیست و چهارم  
نیز تا طلوع آفتاب علی الاتصال ترشگی در میآورد و از این  
طلوع آفتاب الی یکساعت دیگر باران بسیار خوب آمد که  
آب از ناودانها جاری بود و امیدواری زیاد از برای  
امالی دارالخلافه و در نایا حاصل گردید

در روز بیت و هفتم ماه رجب نیز اعلیحضرت قوی شوکتها  
بعضی از علمای اعلام را که باز دید عیدی فرموده بودند بعد  
از ظهر تشریف فرمای منازل آنها گردیده توقیر و احترام  
آنها را بعلل آوده مورد تفضلت و از این ملوکانه فرمود  
در شب عید مولود مسعود جناب ولایت یاب مظهر العجا  
و مظهر العزایب اسد الله العالی علی ابن ابیطالب صلوات  
و سلامه علیه که خبر بخت اتر فتح عت کر منصوره و غیره  
شدن سرخان خینوق بدر آسمان و قارهای یونین پسند  
و معروض خاکپای مبارک گردیده عالیجاه نتیجه انجمن این  
عبد العالی خان ادیب الملک در پیشگاه آسمان جاه حضور  
داشت قصیده پسندیده در تهنیت عید و رسیدن فرود  
بنا کپهای مبارک عرض نمود از فرط شایستگی مورد عنایت و  
تشریف ملوکانه گردیده سرکار راهتسهای یون شاهنشاهی  
یکشوب کلچیز از بلوس تن مبارک عالیجاهت را ایرون  
مبایات و سرافرازی فرمودند و از ظهور اینگونه عنایت  
و التفات ابواب مفاخرت و ابتهلاج بر چهره امیدوار  
کشودند

۱۳۸۷

مصر

مره

جناب جلالت آقا چارلس گتس مری وزیر مختار و ایچو  
 دولت بهیه انگلیس که مامور با قامد و توقف در باره  
 علیه ایران بود بعد از آنکه وارد بندر ابوشهر کرد و در آن  
 اعزاز و احترام از جانب کارگذاران دیوانی بندر ابوشهر  
 بر حسب حکم و اشاره اولیای دولت علیه نسبت بجانب  
 معزی الیه بعمل آمدن است بعد از غایب شدن در بارهای آن  
 تو ابسطاب عماد الدوله اما مقفی میرزا حکمران کرمان  
 از جانب خود عالیجا مصطفی قلی خان دیوان بیکی و عالیجا  
 میرزا صادق طبیب و مترجم زبان انگلیس را بهماننداری  
 معزی الیه مأمور و روانه لبر خدمت نمودند و با کمال احترام  
 ایشان را وارد بکرمانشاه کردند و در کرمانشاه آن  
 مصطفی خان سر تپ که از دربارهای آن برسم هماننداری  
 دولتی از برای پذیرائی جناب وزیر مختار مأمور شده بود  
 ایشانرا پذیرفتند در منازل عرض راه از کرمانشاه آن  
 الی دارالخلافه مراقبت تمام از جانب هماننداری دولتی و سایر  
 و کارگذاران امور دیوانی و مراعات احترام ایشان بعمل  
 در زینت و ششم شهر حبیب الرحیب در قریه نجفی آباد چاد  
 دولتی زده شد و امیر الامراء العظام مقرب اسحاقان  
 میرزا محمد خان کشکیجی باشی و عالیجاه نصر الله خان سر تپ  
 از جانب سنی بجوانب هائون و عالیجاه خانباقا خان سر  
 از طرف جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم و عالیجاه میرزا  
 غفار خان نایب دو تیم وزارت امور خارجه از طرف جناب  
 وزیر امور خارجه و عالیجاه محمود خان کلانتر و که خدا یان  
 و استقبال بسیار از غلام و غیر غلام با استقبال جناب معزی

۱۳۸۸

رفتند و با احترام تمام وارد سفارتخانه خودشان شدند  
 و انظر احترامی که لازم پذیرائی سفر بود موافق تشریفات بطور  
 اکل در حق جناب معزی الیه به جهت بعمل آمد  
 این اوقات نظر چا پارخانها با اینکه اول سال است و تغییر  
 تبدیل در ضابط چا پاران شده است بسیار خوب باشد  
 و خاطر اولیای دولت قاهره از حسن خدمتداری عالیجاه اسمعیل خان  
 چا پارچی باشی و مباشرین چا پارخانه زیاده خوشنود است  
 چنانکه چا پار از کرمانشاهان سه روزه و از کرمان خچور و در  
 در بارهای آن شده و حال اخبار جنگ خراسان با اینکه از چا پارچی  
 مذکور است هفت روزه با اسب چا پاری از خراسان بدار انخلا و آمده  
 علی بن اولیای دولت قاهره در مزید انتظام چا پارخانه زود و خوب  
 رساندن تو شجات مردم قلعن اکتب نموده اند بسیار کمال مردم از آنجا  
 و غیره تو شجات خود را با عالیجاه اسمعیل خان چا پارچی باشی یا میرزا  
 باشی چا پارخانه بدیند و پانزده روزه جواب مطالبه نمایند که بدین  
 عیب خواهد رسید  
**امور قسونی**  
 تو پتچیان و افواج قاهره همه روزه در میدان مشق با جمیع صنایع  
 مشغول مشق میباشند و در شبیه حب الامر اقدس چا پار  
 افواج قاهره در بالای میدان اسب و دوانی حاضر که مشغول  
 مشق و تیر اندازی نشانه شدند بهتر از تیر اندازی سابق  
 نشانه زدند و یک ساعت بزود مانده مخصر شدند چنانچه  
 معین و مستعین در سه دار الفنون همه روزه با کمال  
 و اتمام مشغول تعلیم و تعلم قواعد عربیه و غیره میباشند  
 و نهایت وقت در کارهای متعلقه بنجود دارند

### سایر ولایات

خراسان ملکت خوارزم که شهر سابق آن کرکاج بود که مشهور است باورکنج و شهر مشهور حال آنجا خبیثی است و کس از طرف جنوب غربی متصل است با ستر آباد و از سمت جنوب شرقی پرو اتصال دارد و از آنجا که از قدم الایام از رود جیحون با این طرف همیشه داخل خاک دولت ایران بوده است آنجا نیز در تحت اداره اختیار او امر و نواهی سلاطین ایران بود و حکام آنجا هم اگر چه از جماعت اوزبکیه بودند لیکن متابعت و انقیاد سلاطین ایران را می نمودند و اگر کیوتی یکی از آنها با ستمها بعد مسافت و صعوبت راه خیال خود سری کردند پاداش و کیفر یافتند چنانکه در عهد سلاطین صفوی جلال خان پسر محمد خان اوزبک که حاکم خوارزم بود لوای خود سیر برافراشت در دست مرتضی قلیخان حاکم مشهد مقدس بقبول رسید حاکم دیگر در آنجا تعیین کردند و همچنین وقتی که عبداللہ خان ستانی بخوارزم استیلا یافت حاجی محمد خان حاکم آنجا آمد بشاه عباس صفوی پناه آورد و در سنه یکمزارشش شاه عباس سخراسان رفته غاصبین آنملکت را بقبول رسانده حاجی محمد خان و عرب پسرش را بحکومت آنجا برگذاشت و همچنین همگی سر بر ربه انقیاد اطاعت و خدمت سلاطین جنت کین ایران داشتند تا بعد از انقضای ایام سلطنت صفوی و فرات از زمان که انقلاب استیلا حاصل شد قدری خیال خود را لی کردند و در زمان سلطنت پادشاه که همت بر تنبیه آنها گذاشت و حکمرانی آن عصر و او ان با اولاد فاطمه او بیاق و محمد امین او بیاق بود پادشاه در سنه هزار و یکصد و نود و شصت از طرف آن طرف نموده خان خوارزمی را کشته محمد طایر خان پسر او اوزبک را حاکم کرد بعد از پادشاه در سنه یکمزار و دویست

سردار ایلدیز ابن جوح او بیاق ابن محمد امین او بیاق حاکم آنجا شد و همیشه افتخار آنجا بخد مت و بر کردید کی سلاطین صفوی بود و کمال اطاعت و خدمت بدولت علیہ ایران میکردند و بهین واسطه چند سال بود که اولاد ایلدیز در حکومت آنجا متمکن بودند چنانکه بعد از ایلدیز محمد حسین خان بود بعد پسرش الله قلی خان بود بعد از آن که در عهد قاقان خلد اشیا ن فحشلی شاه مبرور بود و کمال خدمتگذاری و اطاعت داشت و همیشه در ارسال رسول و عرض بعضی و انفا و پیشکش هیچ فرو نگذاشت بعد از رحیم قلیخان که حکومت بر او شد محمد امین خان رسید در زمان دولت شاهنشاه مبرور اولیای این دولت بواسطه بعد مسافت و کم آبی و صعوبت راه اعتنائی با نکرده او هم فرصت غنیمت شمرده از خدمت و دولت کناره گرفت سهل است که پس از چندی بخمال تصرف مرو که رعیت مخصوص این دولت ابدایت است افتاده اسباب تسخیر مرو را فرستاد هر دو سال یک مرتبه مرو می آمد و از آنجا با رسم زکوة چیزی می گرفت و معاودت میکرد و اولیای این دولت و حکام خراسان هم اقدان نمودند و اسم ازین بی اعتنائی جری شد تا درین عهد که الی الابد پاینده با د نیز در سنه هزار و دویست و شصت و نود که حکومت و ایالت ملکت خراسان بعهده نواب حاکم سلطنت محول بود محمد امین خان از حقوق برای اخذ زکوة و مطالبه باج مرو لشکر کشید نواب مغزی الیه بر حسب امر سرکار علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی صان الله ایام شوکت عن التناهی چند فوج از افواج پادشاه با توپخانه مأمور نمود و بنموده بجایت مروی شکست فاحش باو داد بی نیل مقصود مخدول و منکوب معاودت نمود و بدتی سم قشون در مرو بود اگر چه اولیای دولت خیال مأموریت قشون برای

۱۳۸۹

استقام امور آنجده داشتند لیکن بجهت قحط و غلای شیخ  
 که در مرده حاصل شد و ذخیره و آذوقه بجای نایاب بود  
 اولیای دولت بمقتضای وقت قشون را از مرده معاودت  
 دادند و بدین واسطه تنبیه محمد امین خان بعهده تعیین و بر  
 ماند اما در انتظار وقت و انتها فرصت بودند که درین  
 صحه امین خان را مآذ و خود سری در دماغ جا کرده اطاق  
 و خدمت را بگردن کشتی و بر زه درانی مبدل ساخته  
 بیت هزار قشون آورد کجی و حیوئی را بر سر خود کرد آورد  
 بمضمون اینکه صید را چون اجل آید پی صیاد رود و در  
 سینه با رس نیل که فرمانفرمانی خراسان بعهده کفایت  
 نواب مستطاب برزاده فخر فریدون میرزا فرمانفرما معوض  
 بود و بر و آمده از آنجایی آنکه تا نزل کند و ببیند که از ادای جواب  
 جتارت بقه و اینقدر جتارتی که تازه کرده میتواند بر  
 یا کفر آنرا با قبح و ج خواهد دید بی تحاشی قشون بر سر سر  
 که رعیت مخصوص و ایل ترخان این دولت است فرستاد  
 امانی سرخس مراتب را بنواب فرمانفرما معوض داد  
 استمداد و دستجات بستمند نواب معزی الیه نیز بموجب  
 اذن و اجازه اولیای دولت قاهره در اول مقدمه پیش  
 عالیجاه سخنان سبزواری را با سید سوار خراسانی  
 روانه نمودند و متعاقب آن عالیجاه محمد حسن خان سرتیب  
 فوج فراهانی را بآباد دخیج فراهانی و یکفوج کزوسی و چهار  
 توپ و هزار سوار فرستادند که پانصد نفر از آن سواران  
 با یلغار محمد حسن خان سبزواری برسانند و پانصد نفر دیگر را  
 خود داشته به راه پیاده قظام و توپخانه سبز و عالیجاه محمد  
 سرتیب تیراز خراسانیش نواب برزاده فرستادند

پانصد سوار را بمجتار روانه ساخت و خود نیز متعاقب آنها  
 باقی در بند رفت نواب برزاده هم در روز نهم شهر  
 جمادی الثانی با افواج و سواره عراقی و خراسانی و ده هزار  
 توپ حرکت کرده بجانب سرخس جنگ عنایت تاخت و در روز  
 سخنان سبزواری بر سر قشون حیوئی مستحضر شده  
 یغدر و هزار سوار او زنگب از سرخس گذشته سواره سخنان  
 جلویگیری کردند این سواره هم باک و پهم از قلت خود گذشت  
 صد و یکده باقبال بیروال همایون علیحضرت شاهی تکیه کرد  
 پای ثبات در میدان جلادت افشرد و خصم را شکست فاحش  
 داده از پیش برداشته بکلم کم من فینیه قلبیه غلبت فتنیه  
 کثیره ریاده از جیت نفر او زنگب را بی سر کرده پی سپر  
 دارالفرار ساختند و خود صحیحاً سالیابی اسب و کزندی  
 وارد سرخس شدند روز دیگر آن پانصد سوار دیگر متعاقب  
 آمد بر سرخس وارد شدند خبر رسیدن سواره دولتی سبز  
 و آمدن محمد سخنان سرتیب و افواج و توپخانه باقی در بند  
 سخنان حیوئی رسیده پیش دستی بخاطرش آمده فوراً  
 جمعیت کثیر با بد قشون سابق خود فرستاده حکم تجمیع سرخس  
 داد خود نیز متعاقب آنها با قشونی بیحد و مرفیق چهل هزار نفر  
 که از طوایف و اوایات حبشیدی و قریابی و تمینی و میمنه و  
 شیرقان و سالور و یرطوایف ترا که فراسم آورده بود  
 حرکت کرده بجانب سرخس روانه شد چند روز قبل از رسیدن  
 خودش به سرخس که سواره و پیاده او بدو بر سرخس  
 می آمدند همه روزه سواره خراسانی و سرخسی بیرون آمده  
 محاربات دلیرانه میکردند و درین چند روزه چند عاقد توپ  
 و صف شکن و بعد پانصد قرضه سخنان و اسب و شتر بسیار

۱۳۹۰

و سرفزون از شمار از آنها میگرفتند در روز و در خان خجوق  
 بدو سرخس نواب هزاره فرمانفرما بقشون ظفرنون باقی در بند  
 وارد شدند و محمد سخنان سرتیب با افواج و توپخانه شش  
 سرخس رسیدند لیکن نواب والا بکروز بعد از ورود باقی در بند  
 که خبر غیبت خان خجوق و جمعیت او را شنیدند در شب در  
 سلج جهادی الثانی نواب محمد یعلی میرزا و مقر بونجا خان  
 ایلمخانی و شاهزاده محمد یوسف افغان و امیر خان سرتیب  
 قورتن بیکو و محمد حسین خان هزاره را با دو هزار سوار صوبه  
 از اقدربنده که تا سرخس پانزده فرسخ خراسانی است روانه  
 ساختند خان خجوق نیز همان روز در شبانه با آن جمعیت که  
 فزون از چهل هزار بود بدو سرخس آمده اقدام بجاری نمود  
 که شاید قبل از رسیدن قشون کلبه و توپخانه دولتی کاری از  
 پیش بر دلی غافل از آنکه هر که بیهوده کردن افزاز خویش را  
 زکردن اندازد قشون خود را حکم بتخیر سرخس داد و خود در  
 تلی که مشهور است بقالو پشته در دست شرقی سرخس واقع است  
 دو هزار قدم تا سرخس مسافت دارد چادری برافراشته  
 با خواص و اعوان و اصحاب خود فرار گرفت از قلعه سرخس  
 در اول و حله پیش تا سخنان سبزواری با سواران آنجا  
 از طرف دروازه جنوبی که غلبه قشون خوارزمی بود بیرون  
 آمده سرخس هم غیرت و عصیت کرده بیانات اجتماع آنها  
 ذکوراً نصف از دروازه جنوبی سرخس و نیمی از دروازه شمالی  
 بیرون آمده دست بمقابله و مقابله کشوند و قشون خجوقی را  
 منهزم ساخته قریب سه هزار سربا اسب و شتر بسیار  
 شغال و گلهکیشمار و یک عراده توپ میجده پونصد بزرگ و  
 شانزده عراده صف شکن و دو بیدق از آنها گرفته از جا  
 نین

قشون خجوقی را قریب انهزام و انهدام ساخته از پشته که خان  
 خجوق در آن قرار داشت گذزایند و حمله های مرده کرده  
 خان خجوق چون دست سرخس را از خون بمشابه رود و چون  
 دیده خود را در عقاب قماش دیده نمود بمضمون کبریزی  
 سربرجای باز پهلوانی و سرزیر پای اسب خواست که شاید  
 از ورطه بلاکت جانی سلامت بدر بر چون براق آهش را  
 سکلل سجا هر کرده بود بلکه بقاعده سلاطین کوی طلا نیز در دست  
 استوار داشت بمقاد من حرج عن دیده قدمه بدر اساس جلالت  
 اسباب بگشش شده شجاعان خراسانی و سرخی است  
 شناخته بقدر دولت سوار از دلیران و شجاعان خراسانی  
 و سرخی اسب بر روی پشته تا خند و در شکامیکه خان خجوق تانیه  
 بر رکیب فرار گرفته بود خود را با دوسانند اصحاب و اعوانی  
 که نرداو بودند هر یک اسب حاضر داشتند و سوار بودند فرا  
 نمودند و آنچه در دستان با سب ز رسید طمعه شمشیر آیدار شدند  
 تا اینکه خود را با سبی و دو نفر از بنی اعلم و محارم و خواص  
 که اسامی آنها از قرار تفصیل ذیل است بقتل رسانده سرخس

خود خان خجوق بنی اعلم که مشهور قاضی خوارزم عبدالله محرم  
 بتوره اند

دار و غده محرم خدا یار که یکی از دولت یار بیکان دیوان  
 صاحب جنسان مستبر بود

سردار بیکان نیاز علی بیک عبدقلی پوزباشی حق نظر بیک باشی

دولت نیاز پوزباشی پسران خجوقی که تا بهر حکومت خان حاکم  
 پدرش حاکم بود و شغال خجوق مستمنه که با هزار سوار  
 بکوتک آمده بود

بیک مراد باشی سلطان که از روسای مهرشیر مراد که تارک  
 قزاقان قزاقان تاخت خجوقی با هزار از شاه میر قزاقان  
 می آید

۱۳۹۱

صحت نیاز خان سپهسالار خان که از روسای خرس است جدا کرد  
 روسای این را در لبران دیگر بریده چشم سنان ساخته و از سایر  
 صاحب منصبان آنچه مشخص شده دولت و عقدا نفر کشته شده  
 میر احمد خان جمیدی هم زخم کاری برداشته در روز چهارشنبه دوم  
 شهر حجب که روز عید نوروز و نیز در سال های آن فال و شقان  
 بود و روس مزبور را بار دو خدمت نواب و الافا نفر ما آورده  
 و آن دو هزار سوار که نواب مغزی الیه با لیلخار فرستاده بودند  
 در وقت غروب همان روز دوشنبه چینی رسیدند که خان چوق  
 مقبول و قوش منگوب و محذول شده بود و در نتیجه تنگی وقت جنگی  
 راکب و مرکوب شب را آرام گرفته صبح بتعاقب قشون شکسته  
 حیوقی شتافتند و نواب هزاره هم سر ما را با الصحابت عالیجا  
 رضا فلیخان نایب شیک آقاسی باشی بچاری روانه در میان  
 هایون نموده شب سیزدهم شهر حجب المرجب که شب عید بود  
 مسعود جناب امیر مؤمنان <sup>علیه السلام</sup> الله الغالب علی ابن ابیطالب  
 بود خبر قل خان حیوق رسید در شب پانزدهم عالیجا <sup>علیه السلام</sup> رضا  
 با سر ما وارد گردیده در روز شنبه نوزدهم در سلام عام بعض  
 خاکپای هایون رسانند و از آنجا که از بزرگ زادگان آباد  
 بودند و آباد اسلاف آنها با طین جنت مکن این دولت جاوید  
 خدمت کرده و منتجب کلت حنیف احمدی و شیخ شریف محمدی  
 صلی الله علیه و آله بودند احضار سرای آنها را بحضور هایون <sup>علیه السلام</sup> بود  
 داشته امر و مقرر فرمودند که در کمال احترام تغیل و تکفین نموده  
 در جای مناسب فون سازند  
 دیگر در ضمن دو نامه حرا <sup>علیه السلام</sup> نوشته اند چون بر سال معمول بود  
 که چند روز قبل از عید سلطانی فرستای استانه مقدمه رضوی  
 بیرون آورده در میان سخن کرد و خاک آنها را می فشاند

۱۳۹۲

درین سال وقف نامه بیرون آمده بود که ده روز بعد با نده  
 فرستای استانه مقدمه را با علمهای حضرت رضویه و نقاد  
 و جمیع خدام و غیره طرق برده و خادم را در آنجا ضیاف نمود  
 فرستار را در آنجا افتانده و از کرد و عبا ر پاک نموده برو <sup>علیه السلام</sup>  
 بیرون زد مقرب الخاقان وزیر نظام هم اسال از فرار همان  
 معمول داشته و تمامی خدام را شام و نهار داده اند و فرستار را  
 نگاهد با علم و نظاره و احترام تمام پرونده مقدمه آورده اند

### استرآباد

از فرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند در ماه حجب برف  
 شدیدی در آنجا آمده است بطوریکه از کوه کلان تا قیدیک که عابرین  
 و سردین عبور میکرده اند برف تا زانوی آمده است مقرب الخاقان  
 محمد و لیجان بیکر یکی استرآباد در آن اوقات در میان <sup>علیه السلام</sup> نانتظام  
 امور آن صفحات مشغول بوده است سرباز حاجیکر با استرآباد  
 بوده اند و عالیجا پیر محمدی لکرنویس که مامورین نوکر استرآباد است  
 مشغول دیدن آنجا بوده است در دو روز و نیم ماه حجب در وقت  
 نارضیح زلزله در آنجا شده بود ولی از فرار یک نوشته بودند از کبکستی

### نرسیده است

### اعلانات

اسبانی فروخته میشود بقاعده هراج و خایه سترت نزد یک سفار <sup>علیه السلام</sup> بخانه  
 پسته انگلیس از جمله فروش و تحت و یک حمام فرنگی و ظروف و چن  
 چادر و تصاویر و قطعات فرنگی از چند قسم و ده قبضه تفنگ  
 هر کس خریدار باشد در روز دوشنبه اینماه وقت ظهر <sup>علیه السلام</sup> بخانه  
 خریداری نماید

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۷۱

منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسطر الاجهار سطر یکبار در یک  
بیشتر با هر سطر یکسطر



نمبر هر بیت و یک  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شایسته  
ه تومان و چهار برار

## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

و پیاده نوکریاب و تماشای بعضی سالها کرده و خاک زیاد  
احداث می شد درین روز چنانچه نوشته شد در شب  
قبل باران خوب آمده بود و راه عبور موکب فیروزیه کوکب را  
از کرد و غبار شده و زمین تر و حرمت بود بسیار خوشتر از سایر  
و دیگر گذشته و بقرار معمول هر سال از حرکت موکب هایون تا  
ورود بهارت اسب دوانی در سه جاشیک رنبرک شد  
و با کمال از آسکی اهل سلام و صاحب منصبان نظام در حضور  
مبارک حاضر شدند و افواج قاهره و سواره نظامی صف  
شده و اکثر خلق دارالخلافه از صغیر و کبیر بجهت زیارت وجود  
مبارک هایون و تماشای اسب دوانی دور تا دور میدان  
جمع گردیدند بعد از آن اسبهای سوکانی را که از صید هایون  
و سایر شاهزادگان عظام و امنای دولت علیه سوکان  
گذاشته بودند دسته دسته با هم قوشه نموده و کشتی  
و جبهه بجهت هر دسته که مبلغی معین است در پیروی میرفتند  
گذاشته شروع باسب دوانی کردند و هر کدام از اسبها  
اعلیحضرت شایسته و سایر شاهزادگان عظام و امنای  
دولت علیه و امرای کرام که پیش آمدند بنوب جایگاه سوکان

از روز چهارشنبه بیت و سیم ماه حیب که از فضل  
جناب اقدس الهی باران آمده بود و در هفت گذشته  
شد تا این اوقات اگر چه هوا گاهی ابر و بعضی اوقات  
کامیاب تر شوی داشت ولی بطوریکه مطلوب فصل و  
موسم است بارندگی نمی شد تا عصر روز جمعه که فردا  
آن روز اعلیحضرت اقدس هایون شایسته عین  
میدان اسب دوانی داشتند از مویدات اقبال نیز  
هایون باران بسیار خوب تا ساعت از شب گذشته  
آمد که زمین سیراب و آب در کوچه ها از جویها و نهرها جاری  
شد و شب هم با زحمت بارندگی کرد و باقتضای  
فصل بسیار مطلوب بود صاحبان املاک و زراعت و عموم  
امالی ولایت امیدواری کامل حاصل کرده تقدیم شکر  
نمودند  
در روز شنبه چهارم این ماه سرکار اعلیحضرت شایسته  
بقانونی که معمول این دولت علیه است میدان اسب دوانی  
تشریف فرما گردیدند چون سبب کثرت و ازدحام سوکان

۱۳۹۳



انها وجه انعامی شایسته را دریافت نموده بعد از تماشای  
اسب دوانی موکب بهایون مبارک که سلطانی هم  
بترتیب شلیک زنبورک معاهدت فرمودند  
در روز دوشنبه ششم سرکار آهنگس هایون شایسته  
تشریف فرمای خانه جناب جلالت آبا ب شرف ارفع  
گردیدند و از جناب جناب معظم تقدیم قربانی و پیش  
پای انداز گردیده هزار در آنجا صرف فرمودند و تا عصر  
در خانه جناب معظم تشریف داشتند و از برکت قدم  
بینست لزوم آهنگس هایون شایسته ای امروز را تماشای  
باران نرمی که اهل زراعت فایده آنرا سببه حاصل بهتر  
باران شدید میدانند باریده نهایت خورسندی  
امالی دارا خلاصه حاصل گردید علیحضرت شایسته ای بعد  
صرف عصرانه و چای بازگ مبارک که سلطانی معاهدت  
فرمودند  
در شب شنبه نیز از تفصیلات خداوندی باز شروع  
نموده باران بسیار شدیدی آمد بطوریکه شش ساعت  
مستقل بارید و نهرا و کوچهها ملو از آب شد و تلویش پس و جز  
بود و بعضی از آبنی و عمارات که از خشت و گل بود همگی  
خرابی رسید و درین بهار اگر چه چند دفعه بارندگی شده  
روزها مهلا نوشته شد و لیکن باین شدت که در شب  
بارندگی کرد تا این اوقات نکرده بود و عموم امالی دارا  
خصوصا صاحبان املاک و زراعت ازین نزول رحمت  
بینهایت فرین و نورست و شادمانی گردیده بشکرت  
اقدام دارند  
نظر بطور رحمت ملوکانه در باره مقرب انخافان جهانسوز

۱۳۹۴

امیر اخور و مستامات او در خدمات محوله بخود که مقبول مستحق  
آهنگس هایون افتاده در روز اسب دوانی یکم شب کلید  
کرمانی خوب از طلبوس بدن مبارک مقرب انخافان شایسته  
برسم خلعت رحمت فرمودند  
باقضای عدل و انصاف و مراقبت کامله که اولیای دولت  
در ترویج امور تجارت و مراعات خاطر تجار دارند وصول  
ایصال مطالبات حقانه آنها را زیاد منظور داشته و میداند  
و چون طایفه شایچهها در دار السلطنه تیریز از جمله محبتین  
تجار میباشند و از قدیمی رعایای دولت علیه و همیشه مورد  
التفات و مراعیه اولیای دولت علیه بوده اند لذا در حق  
عالیشان آقا محمد قاسم تاجر تبریزی که از آن سلسله و طایفه  
در رعیت دولت علیه است مرحمت خاص مبذول فرموده و با  
وصول کل مطالباتش را لیه قرار محکمی دادند و محض کمال رحمت یک طایفه شایسته  
نیز برسم خلعت شایسته  
تفصیل ورود جناب کفالت نصاب چایس کتسری  
وزیر محنت روایلی مخصوص دولت انگلیس بدار استخلا  
در روزنامه قبل سمت تظیر و تحریر یافته است سه روز  
بعد از ورود روز شنبه ۲۹ شهر رجب المرجب مقرب انخافان  
شهبازخان قویا و باشی از طرف قرین الشرف هایون  
بسفارتخانه رفت جناب معزی الیه و کل اجزا و متصبا  
سفارت را دعوت بحضور مبارک نموده موافق تشریفات  
متداول ایشان را بکثرت کجایه مبارک وارد کردند و از آنجا  
امیر الامار العظام مقرب انخافان محمد ناصر خان یکم قاسمی  
باشی برسم و این معموله جناب معزی الیه و اجزای سفارت  
بانامه مودت بختم در مجلس خاص شرف اندوز برزم حضور

همایون ساخته احوال طرز آداب و اطوار جناب معزی لیس  
 در پیشگاه حضور همایون موقع استیذان پذیرفت چنانچه  
 سرکار همایون با کمال میل با الفاظ دربار کوهنرشار جناب  
 معزی الیه را مورد نوازشات ملوکانه فرمودند و بعد از آن  
 از حضور مبارک با افراد صاحب منصبان مغارب بلافاصله  
 بلافاصله جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم رفته بعد از  
 تعارفات و صحبتها محبت آمیز بهمان ترتیب که آمده بودند  
 معاودت بفراتخانه نمودند روز دیگر جناب اشرف  
 امجد ارفع باز دیدشان تشریف برده شرایط دوستی و محبت  
 بعمل آوردند و روز پنجشنبه دویم شهر شعبان المعظم نیز جناب  
 معزی الیه از جناب نظام الملک دیدن کردند و روز پنجشنبه  
 سیم هم جناب نظام الملک باز دیدایشان اقدام نمودند  
 در روز پنجشنبه پنجم شهر شعبان رمضان نامی که یکدفعه دزدی  
 و بقطع بد سیاست شده در ثانی باز مرتکب سرقت شده  
 و دو کوشش او را بریده بودند باز فایده بحال او نگردیده و  
 دزدی کرده بود این دفعه دست دیگر او را قطع کرده بودند  
 دست او سرقت برنده داشته از زیادتی ملعت میخ طویل در  
 کرده بقتل انداخته می شکست و دزدی میکرد تا اینکه  
 در این اوقات بچانه مرحوم آقا محسود بدزدی رفت او را  
 گرفتند حسب الامر اقدس همایون نیز نواب مستطاب نیز  
 و الا بتبارار و شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع  
 آورده نواب معزی الیه حکم نمودند که او را بجزای اعمال  
 خود برسانند

و همچنین حیدر نامی بر دزدی که یکدفعه دزدی کرده دست  
 او را بریده بودند دفعه دیگر باز دزدی کرده و هر دو کوشش  
 او را بریده بودند درین اوقات در محله عود لاجان بدزدی  
 رفته بود او را گرفت حسب احکام نواب مستطاب نیز نواب معزی  
 او را هم قطع کردند

و همچنین علی نامی ترک بچانه ضعیف هرندی بدزدی رفته بود  
 او را گرفته نیز نواب مستطاب نیز نواب معزی  
 بعد از تنبیه مضبوط هر دو کوشش او را بریده و چهار گروه  
 بیازار کردند

سایر ولایات

استرآباد از قراریکه در روزنامه این ولایت  
 نوشته اند مقرب انخاقان محمد و لیجان بیکریکی استرآباد  
 بانو کر اثرانی و سه عرآده توپ درین اوقات در نوده  
 و رایمان و مستطاد وصول باقی نوکر استرآباد چاشد که  
 آن صفحات را نظم کامل داده مالیات طوائف و ایروان  
 و تاتار و و چچی و غیره را که در آنجا سکند از بجهت وصول برسان  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا مهدی لشکر نویس که از دربار  
 همایون مامور دیدن آن نوکر استرآباد بود درین روزگار  
 تمامی نوکر آنجا را اسان دیده و خدمات خود را انجام داده  
 درین اوقات که احضار دربار همایون گردیده است در  
 مدارک روانه شدن بدار الخلافه مبارک میباشد  
 دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان محمد و لیجان در اوقات رفتن  
 بکوکلان عالیجاه محمد جعفر خان پسر خود را بجای خود در استرآباد  
 گذاشته و مشار الیه کمال قهار حسن سلوک را با ابالی بجای  
 سلوک میدارد

۱۳۹۵

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند عالیجاه چرا  
 نایب الحکومه آنجا همه روزه از طلوع آفتاب الی یکساعت از  
 شب گذشته اوقات خود را مصروف انجام خدمات  
 دیوانی و رسیدگی بعلیض مردم مینماید  
 و همچنین سرباز و توپچی مشغول اصفهان همه روزه مشغول  
 میباشند و عالیجاه نایب الحکومه کمال اهتمام در تسویق  
 آنها مبسوط دارد و با نهایت انتظام حرکت میکنند

دیگر در باب نظم و نسق زراعات خالصه و اربابی بلوکات  
 کمال رسیدگی دارد و نهایت اهتمام را نموده است  
 نوشته اند که هوا چند روز بسیار سرد شد و سردی را  
 سرما زیاد زده است و در بلوک ماریین نوشته اند که  
 آفت سن پیدا شده بود اما چندان شدنی نیست

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا زکی همه روزه با مسوولین  
 اصفهان مشغول تفریح محاسبات آنجا بوده است و در  
 بیت و منقح ماه چوب اراده اندن بزرگهایون و  
 دیگر نوشته اند که عمارات دیوانی اصفهان را  
 بنا و عمده انداخته است و در کمال خوبی تعمیر مینماید و هر روز  
 خود نایب الحکومه سرکشی بجا ز آنها میکند و اغلب عمارات  
 خوب تعمیر شده و بعضی هم که ناتمام است در این اوقات  
 اتمام دارند که تمام نمایند

و همچنین امر قراولخانههای شهر و خارج شهر در نهایت انضباط است  
 در قراولخانههای شهر و سواره اردو قراولخانههای خارج شهر مشغول محاربت میباشند

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند در روز  
 سلطانی نواب هزاره احمد میرزا حکمران مازندران  
 مجلس عید را بسیار باشکوه و آراستگی ترتیب داده  
 علماء و فضلا و خوانین و اعیان ولایت در آن مجلس حاضر  
 شده اند و خطبه بنام اعلیحضرت قوی شوکت شاهی  
 خوانده شده روز عید و روز بعد از عید را هم شبها  
 چراغان کرده و روزها اساس جشن فراسم آورده است

دیگر نوشته بودند که امالی مازندران کمال رضامندی از  
 حسن سلوک نواب هزاره و مراقبت عالیجاه میرزا است  
 وزیر دارند و نواب معزی الیه همه روزه از طلوع آفتاب  
 تا دو ساعت از شب گذشته در دیوانخانه نشسته  
 بعلیض مردم و امور ولایتی رسیدگی مینمایند

دیگر نوشته اند که در روز نهم ماه چوب که یوم عید بود  
 جناب ولایت نایب امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام  
 بود نواب هزاره مجلس عید مانند اعیان بزرگ که رسم  
 این دولت علیه است منعقد نموده و شهر را این بزم و چرا  
 نموده اند و جمیع اعیان و اشراف ولایت و خوانین عظام  
 و صاحب منصبان نظام مجلس نورخوردیم رسانده عید  
 با کمال شگوه و آراستگی گرفته بودند

دیگر نوشته اند که چند روز بعد از عید نوروز باران شدید  
 در مازندران باریده و بعد از آن برف زیاد در آنجا  
 آمده است بطوریکه در همه جا از بلده و بلوکات برف  
 برف در روی زمین بوده است

۱۳۹۶

# فارس

از فترا ریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از اتهامات  
 نواب مستطاب بنزاده و الا تبار موند الدوله کمال ایت در  
 حاصل است و در او اخر ربيع الثاني و اوایل جمادی الاولی  
 چند روز بارندگیهای متوالی در اغلب بلوکات فارس کردیم  
 زراعت کاران چون بجهت نایوسی از باران زراعتی چند آن  
 بودند در بین نزول رحمت الهی و این بارندگیهای پی در پی  
 هر یک بقدر قوه و پیشرفت تخم کاری و بندر فاشی نموده و بسبب  
 این بارندگیها در تمامی بلوکات و شهر زرخ غله تنزل نموده و کمال  
 و خور را بهم رسانده است و رفع تشویشی که از خشک سالی داشتند  
 شده و کمال امیدواری برای امانی آن ولایت حاصل گردیده است

دیگر در ضمن روزنامه شیراز نوشته اند که مبلغ ششصد و شصت  
 تومان وجه نقد اشرفی از خانزاده عالیجاه میرزا محمد علیخان ناظم  
 سرتب کرده بودند مراتب بعضی نواب مستطاب بنزاده و الا  
 موبد الدوله حکمران مملکت فارس سیده چون منظم کلی بنو کره  
 خود را رایه میرفت حسب احکام نواب معزی البه بعضی از آنها  
 گرفته تبس نمودند ولی نتوانستند از جانی بره و زکرم تاجی  
 در وقت نماز که جناب ملا عبد العزیز پیشماز در مسجد عالیجاه میرزا  
 ابوالحسن مشغول نماز بوده است ضعیفه جعبه پیش روی او گذاشتند  
 و اظهار کرده بود که مال ناظم الملک است و خود رفته بود  
 اتمام نماز جعبه را بنزد ناظم الملک فرستاده بود و چنانچه  
 از نتوان فرزوره در میان جعبه بود ضبط نموده بود اما معلوم  
 که ضعیفه که بوده و سارق کدام

دیگر از فترا ریکه نوشته بودند اسامی کتابها که در صفحات فارس  
 از سالهای سابق رزق شده و بسیار و فورا در دار حبله

متعارفی یکم هزار دینار و تنباکوی عطری ممتاز یک مینوی  
 شاهی است

دیگر در ضمن روزنامه فارس نوشته اند که بعد از تسخیر بندر عباس  
 و استقلال قشون و مامورین سرکار اهدس هالیون نوشتند  
 و آن صفحات نهایت ایت حاصل است بعضی از مشایخ  
 و رعایای آنجا که بجهت انعکاس سابق بندر مزبور بیرون رفته  
 بودند درین اوقات بجهت حصول ایت یکی با و طمان خود فراجت  
 کرده و مشغول کار و کسب خود و دعا گوئی ذات اقدس هالیون  
 میباشند

دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد ابراهیم خان سرتب فوج  
 که پسر از متخردن بندر عباسی حسب الامر نواب مستطاب  
 با نظام صفحات لا بود درین اوقات امورات محول بخود را  
 صورت انجام و آن صفحات را نظم تمام داده پیش از مراد  
 کرده است

دیگر نوشته اند که در جدی و دلو که موسم آمدن باران بود  
 در صفحات لا رچندان باران نیامده و مردم آنجا ازین مرحله  
 بسیار تشویش داشته اند و غله هم تعبیر بهم رسانده بوده  
 تا اینکه در شب غره ماه جمادی الثانی از تفضلات الهی باران  
 شدید ریاد در آن ولایت آمده است بطوریکه نوشته بودند  
 در حوالی آنجا بارانداخته و ما لهای خود را بچرا سرداده بودند  
 از شدت باران دواب خود را نتوانستند بودند از صحرای اوج  
 نمایند و پنجاه شصت ریس الاغ آنها در آن شب از شدت  
 بارندگی تلف شده بود و در شب سیزدهم ماه مزبور نیز باران  
 ریاد مجدد در آن صفحات آمده بود بطوریکه آب انبارها و کورال

۱۳۹۷

عذیر ماکلاً ملو از آب شده و امالی آنجا ازین نزول رحمت  
زیاده شکر گذاری داشته اند

بوده است تلف گردیده است

### گرمائشان

از قرار اخباری که از مسقط رسیده بود میرزا علیقلی نام ترک  
بجته پیدا کردن معادن سیاحت در آن اطراف میکرد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب عالی

ماه ربیع الثانی بخیریه هرگز فرستاده معدن که عبارت از  
سرب و فولاد و نقره بوده است پیدا کرده و صید ثوابی

حکمران گرمائشان در انتظام امر آن صفحات اهتمام کامل  
و در ذبگیر و قرا سوران در سر راهها گذاشته اند و باین

مسقط از سنگ آن معادن بمسقط حمل و نقل کرده و در آنجا  
که اخته اند از شت من سنگ نقره پانزده سیر نقره خالص

گرمائشان بانی بنقره اسبابی از میرزا رضانام شت  
کرده بودند و در ذبگیر و راه آنها را گرفت و بنقره برده

سنگ فولاد نیم من فولاد بعل آورده است و عالیجا سعید  
مشارالیه را با باطراف مسقط فرستاده بود در یکفرسخی

استرداد و بصاحبش تسلیم و آنها را بعد از تنبیه و سیاحت  
شایسته بگرمائشان فرستاده و بالفصل در آنجا محبوس

شت من فیروزه خوب بعل آورده است بطوریکه حاجی حسن نام  
سلاسی تاجر که فیروزه بجته فروش با آنجا برده بوده است

دیگر نوشته اند که در شب عید مولود جناب ولایت ماب  
علی ابن ابیطالب علیه السلام نواب عماد الدوله شهر اچراغان کرده

او هم بهتر و هم مناسبتر بوده است و عالیجا سعید خان  
و از معدن فیروزه را با بی نظور داده است که دو مثقال بود

و شبازی نموده و روزم مجلس جشن برپا نموده سران شاه  
خواین عظام و اعیان ولایت همگی بجهت نواب معزی لب

### دیکر نواب میرزا علیقلی

دیکر از اخبارات مسقط نوشته اند که در آن اوقات خیریت  
صید خالد و لدار شد صید سعید خان که در سمت زنگبار بود

پادشاهی خوانده شده و آن روز را بعیش و شادمانی و شکر  
و دعا کوئی این دولت ابدت گذرانده

رسیده ضمیر فوت و اما داد و شکست قشون او در بند عباس  
گردید و بالفصل آنجا فی آنجا احتشاشی دارد

دیکر نوشته اند که در گرمائشان بکار لنگر انداخته  
در او از جادوی الثانی پادشاه و زمین گرفته طرفان

شده بود که شش جهاز و چند تجاره شکسته و غرق شده و از

اینمضی اطمینانی به سرسانه بکار زرع امتامد و ار گردیدند

۱۳۹۸

# روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتی پشم سینه سردار جهان مطابقت سال توستان ۱۲۷۱

نمره هیت بیت و دو  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شاه پیر کمال  
دو تومان و چهار هزار



منطبعه دار الخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
کلیطرا لاجرا طر کثیرا  
بیشتر هر طر پشتر

## اجبار داخله مالک محروسه پادشاهی

۱۳۹۹

### دار الخلافه طهران

درین اوقات از نزول حجت متوالی جناب قدس سرای  
و حسن اهتمام انسانی دولت علیه کمال ائیت و انتظام  
در دار الخلافه مبارکه حاصل است و مردم نهایت خرمی  
و انبساط دارند و کسی رایاری حرکت خلافتی نیست و عموم  
امالی دار الخلافه از نوکر و رعیت و تجار و کسبه و غیره در  
ائیت آسوده خاطر به غای ذات اقدس بجا یون شایسته  
اقدام دارند هوای دار الخلافه در نهایت اعتدال است و  
از بارانی که در روزنامه هفتگی گذشته نوشته شد درین  
هفته نیز باران نافع در دار الخلافه آمد و در اطراف مسلم  
اوقات ابرمت و بارندگی میشود که همواره استراحت برف  
گرفته است تشویشی که صاحبان املاک و زراعت از میان  
حاصل داشتند بکلی رفع شده است و امسال زیاد تر از  
دیگر زراعت کرده اند و از آفت سینه که هر ساله در این نطق  
داشت امسال اثری نیست  
نظر بصفا و خرمی اطراف دار الخلافه مبارکه در روز پشم سینه

سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی سوار گردیدند اول میدان مشق  
بیرون دروازه دولت که افواج قاهره مشغول مشق بودند  
فرمانگشته تا شای مشق و حرکات نظامی آنها را فرمودند  
و ریاده پسند خاطر مبارک افتاده و دو عراده توپ بزرگ  
۳ پوند و ۲ پوند میان میدان ارک را که حب الام  
پرداخت و مرمت کرده بودند با پنج عراده خمپاره بزرگ  
از انبار توخانه بجهت تیراندازی بیرون آورده بودند در  
حضور مبارک تیراندازی کرده کلوله توپهای بزرگ یکی زمین  
و یکی هفت من و کلوله خمپاره که میان خالی بودند هر یک  
بیت و سه من وزن داشتند چاکلی و مهارت توپچیان  
در تیراندازی مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده مورد  
تحسین و انعام گردیدند و بعد از تماشای مشق افواج قاهره  
تیراندازی توپچیان اعلیحضرت شاهنشاهی بقصر قاجار که  
درین اوقات کمال صفا و خرمی را دارد تشریف فرما شده  
تا بنجام عصر در آنجا تفریح فرمودند و نزدیک غروب آفتاب  
بارک مبارکه سلطانی و مملکتی تعظی می بر جهت فرمودند

چون مراتب کفایت و کفالت و حسن رفتار و کردار جناب  
 میرزا محمد صادق قایم مقام در امور معاملات و رتق و رفق و وفق  
 کلیه مهام آذربایجان از نظام و غیر نظام در پیشگاه حضور  
 هر ظهور نمایان بدرجه شهود و ظهور رسید درینوقت که حسب  
 برکات مبارک شرفیاب شد شخص کمال حرمت و عنایت علی  
 یقطه شان مکمل بالباس موشح و مزین بمشال در مشال  
 قرین غر و امتیاز گردید و بعد از انتظام امور متعلقه بخواست  
 مرضی از جانب سنی اسجواب ملوکانه حاصل نموده در روز  
 شنبه یازدهم بیابغ سردار نقل مکان نمود که روز سه شنبه  
 روانه آذربایجان شود

چون در عمل کمرک تجارت دول خارجی که صد پنج میدهند و جوان  
 از بیاشیرین کمرک میگیرند تجار ایرانی مس بجه نفع خود  
 کمرکچی ماساحتکی و تبلیس نموده با اسم تجارت دول خارجی جواز  
 میگیرند و ازین فقره همیشه کمرکچی سرحدات قارض و شاکچی بود  
 و ضرر کلی باجارات و کمرکچا نهاد میسرید و رهنه است  
 توشقان نیل مهر جوار کل مالک محروسه رسوای آذربایجان  
 و کیلان و فارس که در آنجا ماقونول دول خارجی پیش  
 و تسخیر در رعیت ایران و سایر تجارت دول میدهند و رانی  
 بضرر کمرک هم می شوند کمرکچی کمتر میتواند جواز سازی نماید در  
 سایر ولایات ایران قرار این است هرگاه تجارت دول خارجی  
 مالی خرید نمایند صد پنج خود را بدهند و جوار بگیرند میباید  
 نوشته جواز خود را بدار اختلاف فرستاده بجه هر یک از دول  
 خارجی در سفارتخانه دولت متبوعه خود بمهر دولتی برسانند  
 که در راه دارخانه و سرحد بجه ایشان وقتی نباشد و هرگاه  
 مهر دولتی نداشته باشد موافق قاعده در راه دارخانه

سرحدان جواز را قبول نخواهند نمود بجه رفع عرض و شکایت  
 کمرکچی سرحد و رسیدن خسارت بکمرک از دیوان اعلی هم  
 یک مهر جواز بجه کل مالک محروسه درست نموده و بجا  
 مقرب الحضرة العلیه میرزا عبد الله مستوفی کمرک سپرده که  
 من بعد در هر ولایت از تجارت دول خارجی خریدی نمایند  
 بعد از تحقیق حال او و داشتن باش برزد و دادن صد پنج  
 مال خود را بقانون کمرکچی آن ولایت جواز بدد و صاحب جواز  
 نوشته جواز خود را بمهر دولتی سفارتخانه رسانیده و بجا  
 نوشته جواز از نزد عالیجاه میرزا عبد الله مستوفی کمرک در دار  
 برده بمهر جواز دولتی که در نزد اوست برسانند تا بعد ازین  
 سایر تجار ایرانی با کمرکچی باین اسم نتوانند تعلقی نمایند و  
 راهدار خانه و سرحد من بعد را بهیچ وجه حرفی و معطلی بجه تجار  
 دول خارجی نباشد رفاه حال آنها و رفع شکایت کمرکچی  
 خواهد شد و تجاری که از دول خارجی در دار اختلاف میباشند  
 چنانچه بخواهند در ولایات خارج آدم فرستاده خرید نمایند  
 بعالیجاه مشارالیه اطلاع داده که بکمرکچی ولایت اطلاع  
 که خلافی نشود

امورات قشونی

پوچیان و افواج قاهره همه روز مشغول شومستند و عموم صنایع  
 کمال اهتمام را در تعلیم سربازان دارند و بر حسب قرارداد  
 امیرالامراء العظام سردار کل روزهای شنبه را از ایام هفته  
 افواج قاهره در بالای میدان اسب دوانی تیر اندازی مینمایند  
 درین اوقات نظرباشی استکی عالیجاه میرزا صادق خان پسر مرتضی  
 مشیر الدوله امنای دولت قاهره حسب اشاره العلیه سربازی

۱۴۰۰

۱۰۰	روغن یکمن چهار هزار	فوج جدید شقایق را بعالیجاه شراییه مرحمت و در ازای منصب
۱۰۰	کندم یکخوار هفت هزار	مربور یک طاقه شمال با و خلعت عنایت فرمودند
۱۰۰	عدس یکخوار سیزده هزار	چون سخنان سرهنگ فوج اردبیل و مشکین نتوانست اغیبت
۱۰۰	باقلا یکخوار سیزده هزار	نظم آن فوج براید و بسیار بی نظمی کردند لهذا سرهنگی فوج مربور
۱۰۰	پیه که اخته یکمن دو هزار	بعالیجاه نتیجه الامراء النظام حسن علی خان چیچمت خاصه
۱۰۰	قد بوزن بلد یکمن دو ازده هزار	که حسن خدمت و قابلیتش در نظرهایون جلوه گردیده است
۱۰۰	شکر سفید بوزن یکمن هشت هزار	و یک طاقه شمال خوب نیز با و عنایت فرمودند و از دربارهایون
۱۰۰	بنات بوزن یکمن دو ازده هزار	اذن مرخصی حاصل نموده درین اوقات همراه مقرب انخاقان
۱۰۰	میزم یکخوار چهار عباسی	قایم مقام روانه اذربایجان است
۱۰۰	ذغال یکخوار یکریال	سایر ولایات
۱۰۰	یک من دوریال	استرآباد از تراریکه در روزنامه این ولایت
۱۰۰	یک من یکریال	نوشته اند مقرب انخاقان محمد ولیخان بیکلر بیکی استرآباد
<b>خران</b>		عالیجاه قلیخان یوز ماشی را با یکصد نفر جمعی مشراییه بجهت
از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات		قراولی سیاه بالا و اطراف شهر که داشته بود در آن اوقات
کمال امنیت در آنجا حاصل است و مقرب انخاقان وزیر نظام		چند نفر از اشرا سرکان بغرم تاخت و تاز بان صفحات آمد
در غیاب نواب مستطاب برآده مخم و الاتبار فرمانفرما		بودند و دو سه نفر آدم با چند ریس مال برده بودند بجای
امور آن ولایت از هر جهت و حیثیت منظم و مضبوط داد		شراییه آنها را تعاقب کرده و یک نفر از آنها مقول چند نفر
و امالی آن ولایت در نهایت فراغت و آسودگی بدعا کونی داشت		زخم دار گردیده چند نیزه و تفنگ و قرامینا از آنها بدست
اندکس هایون شایسته شغال دارند		آمده باقی اسیر و مالی که برده بودند بجا گذاشته مخذ و لاو
دیگر نوشته اند که خبر گت قشون اورگنجی و مقول شدن		منگوبافرا کرده اند
خان خبوق که بهرات رسیده بود مقرب انخاقان ظمیر الدو		دیگر از فرار یک تعبیر اجناس استرآباد و درین اوقات نوشته
شهر را امین بسته و جراحاتی نموده اجرای شلیک توپ کرده		بودند ازین قرار است
و آورند چیزی را انعام خلعت داده بود		شالی بوزن بلده یکخوار یک تومان
دیگر نوشته اند که نواب مستطاب برآده مخم فرمانفرما از		برنج عنبر بودسی یکخوار دو تومان
سرخس پانزده فرسخ به سمت مرو گذشته و قشون شکسته		گوشت یکمن چهار عباسی

۱۴۰۱



خجینی آنچه از دم شیر شکر فیروز ارجان بدر برده اند  
بست خجوق فرار کرده اند و ریش سفیدان مرو خمت نواب  
شاهزاده آمده اظهار تقیاد و اطاعت این دولت قوی را  
کرده اند چون طایفه قریاب درین فترات اغلب اوقات  
مرزکی و فساد می شده اند نواب معزی الیه بغرم تبقیه آنخاک  
فرموده اند

بلوکات دارد و که خدایان و ریش سفیدان قرار خالصه  
اربابی را قدغن یک نموده است که لوازم اتمام را در زراعت  
بعمل بیاورند و بقدر کفایت بذبح عیسوی بهر یک از قرارها  
واربابی داده است و هم چنین در تقیه مادیهای اصفهان  
عمده و آدم که داشته است که مادیها را تقیه نموده پاک کنند

دیگر نوشته اند که در سیزدهم عید نوروز در ارض اقدس  
جایهای خرابان هوا شدت سرد شده بوده است بطوریکه  
آبهای بسته و سرد حتی را سر زده بود  
مقرب انخاقان وزیر نظام از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته  
علی التوالی وجه نقد وارد و سایر آذوقه بار دوی نواب  
شاهزاده میفرستاده اند

دیگر نوشته اند که عمارت نبراجریب خرابی بهم رسانده بود  
عالیجاه مشایخه بنا و عمده گذاشته است که تعمیر حوض  
عمارت آنجا نموده و بنا آنجا اشجار عریض  
از اتمام عالیجاه نایب الحکومه در اصفهان و فرود آمدن  
هر چیزی فراوان و ارزان است کندم بکین سید دنیا  
جو بکین کیعباسی نخود یک من دو عباسی گوشت یک من  
یکهزار و یکشاهی و سایر اجناس آنجا هم از این قرار است

### فارس

دیگر نوشته اند که چون صحن جدید روضه رضوی علیه الاف  
والجمله آب جاری نداشت مقرب انخاقان وزیر نظام قرار داد  
که چهار حوضی خوب در وسط صحن بوزب زند که آب خنیا  
با آنجا جاری شده و از آنجا باز که نشسته بهر مزبور برود  
و در این اوقات بنا و عمده در کار و مشول ساختن چهار حوض  
مزبور میباشد  
و هم چنین پل آق در بند خرابی بهم رسانده بوده است مقرب  
وزیر نظام وجه نقد و بقدر سیصد خروار آرد و بنا و عمده  
اسباب وانه داشته که پل مزبور را در کمال استحکام بناید

از قراریکه در ضمن روزنامه شیراز نوشته اند شخص بیاتی  
آدم خود را بهی بی بازار فرستاده بود آدم او دیر آمده بود  
مشایخه تغییر کرده گلدی به پهلوی آن آدم زده بود فوراً  
تلاک شده و شخص مزبور حسب الامر نواب مستطاب مؤید الدوله  
مجلس است تا حکم آن شود  
دیگر نوشته اند که امور اولایت از اتهامات نواب مستطاب  
مؤید الدوله قرین الضبطات و انتظام است و نواب معزی الیه  
بغیر ایض عموم مالی آنجا کمال وقت و رسیدگی دارند و اگر بنده  
از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر شده باشد در مقام رفع آن  
بر می آیند و مالی آنجا را نیمعی آسوده و بگلونی اقدام دارند

### اصفهان

از قراریکه در روزنامه اولایت نوشته اند در این اوقات  
که موسم صیفی کاری است عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه  
اصفهان نهایت اهتمام و وقت و رسیدگی در صیفی کاری

اصفهان نهایت اهتمام و وقت و رسیدگی در صیفی کاری

۱۴۰۲

### بروجرد و لرستان

چون طایفه سگوند لرستانی سالها برقت و شرف  
 عادت کرده بودند درین مدت که نواب هزاره و آلا  
 احتشام الدوله در میان جمیع طوایف آن صفحات نظر کامل  
 داده اند طایفه نرپور را هر چه از بهر زکی و شرافت منع و اطاعت  
 و انقیاد دلالت کردند آنها بواسطه جاهای سخت و سفینا قاش  
 که داشتند سرنجستگاری فرود نمی آوردند و درین اوقات  
 بعضی از طوایف لرستانی را هم که رعیت بودند و مالیات  
 میدادند میان خود برده بکلی سراز اطاعت باز زده و  
 راه قوافل آمده دست اندازی بهمال و حال قوافل میکردند  
 نواب معزنی الیه در صد و پنجاه و کوشمال آنها بر آمده بعد از  
 ورود عالیجاه مقرب انخاقان علینقی خان سرسبز  
 شاهزاده عالیجاه شار الیه را با فوج گزازی و نوکر لرستانی  
 مأموریت داده آنها نمودند طایفه سگوند پشای سک جانی  
 گذاشته با قشون مأموره از در مقابله و مقاتله درآمدند  
 چند روز مابین نزاع و قتال در گرفته چند نفر از روسای  
 آنها که بهتور و جلادت مشهور بودند مقتول و باقی محصور  
 از در استیمان درآمدند عالیجاه علینقی خان در اوقاتی که  
 نواب احتشام الدوله در در قتل بودند مراتب را خدمت  
 نواب معزنی الیه عرض کرده مقرر شد که گروهی معتبر از آنها  
 گرفته و اموالی که از مردم تبعیدی برده اند استرداد و مالیات  
 آنها را بخیطه وصول در آورده بعد از انتظام امر آنها بدین  
 خدمت نواب شاهزاده بیاید عالیجاه شار الیه نیز خب المقرر  
 معمول و آنها را بمقام اطاعت و انقیاد در آورده بدین قول  
 کرده است نواب شاهزاده حسن شاد و خدمتگاری عالیجاه

علینقی خان و نوکر ابوالجحعی او را بدربارهای یون عرض نموده  
 مورد تحسین و التفات ملوکانه گردیدند

دیگر در ضمن روزنامه بروجرد نوشته بودند که قبل از عید باید  
 در آن ولایت نشسته بود و بعد از عیدم تا بیست و چهارم  
 ماه رجب بهمان منوال بخشکالی گذشته اهل آنجا اضطراب  
 زیاد داشتند و بعضی از ایلات لرستانی نیز بسبب عدم  
 از اماکن و اوطان خود متفرق شده به بروجرد و آن صفحات  
 آمده بودند و نرخ کندم خرواری سه تومان رسیده بود  
 تا در بیست و چهارم رجب المرجب از تفضلات خداوند  
 بارندگی کامل در بروجرد و آن صفحات شده توشی که مردم  
 از خشکالی داشتند رفع کردید و فی السجده الطینان بجهت  
 آنجا حاصل شده است

دیگر نوشته اند که قبل ازین بارندگی اهل دی و مات بختیاری  
 و سیما خور و اکثری از رعایای دی مات دیگر اقبیل خایان  
 و غیره که سردختی آنها را سر مالغف کرده بود با سده عای  
 تحقیف بروجرد آمده بودند بعد از نزول رحمت الهی الطینانی  
 بجهت زراعت بسیار سده مقرر شد که با و طان خود رجعت  
 نموده بد لکرمی مشغول عیسی خود باشند و ثلث اول مالیات  
 نیز بانهما خواهد نمود تا و رود نواب احتشام الدوله که بعد از ورود  
 قاری در کار هر یک از دی مات نر بود بدینند

### ضمیمه اخبار و احکام

در روزیکه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی میدان مشق نظام  
 تشریف فرما گردیدند نظر مشوق و حرکات نظامیه افواج مراب  
 مستحسن و مقبول خاطر مبارک افتاد و اظهار نهایت رحمت و  
 عنایت در حق مقرب انخاقان جعفر قلیخان تیس فوج مراب

۱۴۰۳

مقدم فرمودند

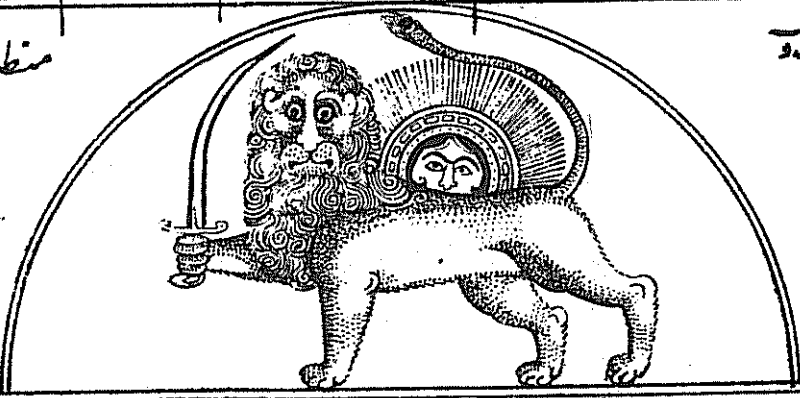
در روز شنبه یازدهم این ماه سرکار اعلیحضرت شانشاهی  
 بجهت تشویق متعلمین مدرس دارالفنون ساعت یغروب باند  
 بدرسه مزبور تشریف فرماید بهر یک از اطرافهای مدرس  
 که صنفی از شاگردان مشغول درس مخصوص خود بودند فردا  
 فردا تشریف برده بدرسههای آنها رسیدگی فرمودند و  
 شاگردان مدرس مراتب امتحاناتشان محسن و مقبول خاطر  
 اهدس هایون افتاده اظهار عنایت و محبت با محافل  
 و مراسم و عنایات ملوکانه باعث امیدواری و موثر  
 تشویق و ترغیب در تحصیل شاگردان و تعلیم متعلمین گردید  
 چنانچه عنقریب بر حسب تعهدات متعلمین و از قرار تحصیل متعلمین  
 امید است شاگردان لایق که قابل ارجاع مرکونه حدیث  
 نظامیه و غیره توانند شد از مدرس مزبور بیرون بیایند  
 درین اوقات که جناب مقرب انخاقان میرزا محمد صادق  
 قایم مقام اذن مرحضی از دربارهایون حاصل نمود  
 که با اذربایجان برود و علاوه بر نشان مکلل بالماس  
 موشح بمشال بمیشال هایون که بمقرب انخاقان شارالیه  
 مرحمت شده و در روزنامه نوشته شد یکتوب جبهه  
 سکین خونی از جانب سنی ابجوانب ملوکانه مرحمت گردید  
 استدعات مقرب انخاقان شارالیه را نیز امنای  
 دولت قاهره حسب الاشاره العلیه بانجاح مقرون  
 داشتند از جمله عالیجناب میرزا ابوالقاسم شیخ الاسلام  
 تبریز که چند سال بود احضار بدربارهایون شده و  
 دار انخلاف مبارکه توفیق داشت بر حسب استدعای

۱۴۰۴

مقرب انخاقان شارالیه مرحضی اذربایجان گردید  
 که همراه ایشان بمقصد روانه شود و همچنین بجهت علما  
 واعیان و اشراف آنجا و صاحب منصبان نظام ستیری  
 و تحفیف و مواجب و منصب استدعی گردیده از دیوان  
 اعلی محبری داشتند و نیز بر حسب استدعای مقرب انخاقان  
 شارالیه حکومت خوی بنواب شاهزاده محمد رحیم میرزا  
 و حکومت ارومیه بنواب سلطان احمد میرزا و حکومت  
 اردبیل بنواب اکبر میرزا و حکومت مشکین بجایگاه  
 حیدرقلیخان بجنوردی مرحمت شده و بهر یک از جایگاه  
 سنی ابجوانب ملوکانه یکتوب جبهه ترمر خلعت مرحمت گردید  
 و از صاحب منصبان نظام نیز بر حسب استدعای  
 مقرب انخاقان شارالیه عالیجاه آقا جانی خان سنک  
 فوج بهادران منصب سر تپی فوج مزبور و عالیجاه  
 اسمعیل خان بیک یاور توپخانه منصب سر منکی توپخانه  
 و عالیجاه اللتیار خان یاور فوج شقایق منصب سر منکی و  
 عالیجاه مرتضی قلیخان منصب سر منکی سرفراز و بجهت  
 بهر یک ازین صاحبمنصبان نیز از جانب سنی ابجوانب  
 هایون موافق ایشان و منصب خلعت مرحمت و التفات گردید  
 و چون جناب قایم مقام نقاهتی در مزاج داشتند لهذا  
 بجهت مقرب انخاقان میرزا محمد حکیم بابشی که در خدمت اقدس  
 هایون محل اعتماد و اعتبار بود استدعی شده اذن  
 مرحضی حاصل نمودند که بجهت مداوای ایشان سر راه اذربایجان  
 برود و حسب الاشاره العلیه الغام و خلعت در حق  
 شارالیه نیز مرحمت گردیده درین اوقات سر راه مقرب انخاقان  
 قایم مقام روانه اذربایجان میشود

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت پوچم بیست و دوم سپهرن المعظم مطابق التو شوال ۱۲۷۱

نزد ویت میت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شایر  
هتان و چهار هزار



منظومه دار الخلفه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط لاجه اسطرگه  
بیشتر با اسطرگه

اخبار و حمله مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز سه شنبه چهارم این ماه بلاحظه خوبی  
هوای دار الخلفه و اطراف و نزت و خرمن باغات و  
عمارات دیوانی بیرون شهر خصوصاً قصر قاجار که درین  
اوقات جد اول و قطعات آن مشون بانواع یا همین  
بصفا و سبزی با شین و شکوفه اشجار و طراوت جو بار  
نهایت ایجاز و اشتهار دارد سرکار اقدس هایون  
شاهنشاهی بجزیمت چند روزه توقف و تفریح تشریف فرما  
انجا گردیدند و شب پانزدهم ماه جب را که شب بر  
بود از قورخانه مبارکه اسباب تشبازی و اسبش و شای  
و در حضور مبارک فراسم آورده آنتب العیش و سرور  
گذرانند و در روز شانزدهم غلامان سرکاری آچوبی  
امیر الامراء المعظم مقرب الخاقان میرزا محمد خان سیرچی با  
که در رو قبل جناب جلالت آبا شرف ارفع صدر اعظم  
در بالای باغ لاله زار سان آنها را دیده بودند در جلو  
سرورب قصر قاجار با کمال راستگی و انتظام و شکوه  
لباس و سلاح از حضور مبارک گذشته سان دادند و آرا

انها از حیث اسب و اسب سب و مقبول خاطر طو کانه انت  
مور و تحسین و التفات گردیدند حضوراً سواره نظام جدید  
انها که زیاده پسند خاطر اقدس هایون شدند و بلاحظه  
حسن اتهامات مقرب الخاقان کشیکچی باشی که در انتظام و  
ار استکی و استعداد اسب و اسب آنها معمول داشته  
با کمال شکوه از حضور مبارک گذرانند در خو عنایت طو کانه  
آمده یکموب کلیجه از طوبوس بدن مبارک مقرب الخاقان  
مرحمت فرمودند و هم چنین عالیجاه موسی بربری که معلم غلامان  
نظام بود خدمتس متحن خاطر اقدس هایون افتاده بکلیطه  
شال ترمه تیرا و خلعت مرحمت فرمودند  
مقرب الخاقان قائم مقام که برکاب مبارک آمده بود در روز سه  
پنجدهم بقصر قاجار آمده از خاکپای سپیون مرحضی حاصل نمود  
در روز یکشنبه نوزدهم روانه آذربایجان گردید  
درین اوقات اگر چه این روزنامه نسبت سابق طالب و خرید  
بیشتر دارد و از نواید روزنامه مردم فی الحمله استحضار حاصل  
لکن خور مثل سایر قوالها و دول روزنامه اشتهار ندارد و  
انتشارنی یابد و چنانچه بامردم طالب شوند تمیبا شند

۱۴۰۵

در روزنامه بنویسند که این قاعده در روزنامه این دو  
 علیه نیز رواج بیاید و مطالبه وجه اعلانات از این اشخاص  
 محض اینکه خود بر عبت در روزنامه اعلان کرده فایده آن  
 عاید خود آن شخص و سایر مردم بشود و سایرین هم بسوق  
 تعلیم و تحصیل بیایند کافی خواهد بود و از سایر ولایات هم اگر  
 کسی مطلبی بنویسد و فرستد بدون مضایقه در روزنامه  
 خواهد شد

درین اوقات مقرب الحاقان میرزا محمد حکیم باشی کتابی مسمو  
 در علم طب شمل بر مباحث تشریح انسانی با پنجاه و شش لوحه تصویر  
 تشریح بسیار قواعد و روپا دیگر در لفظ نمودن جسم یعنی هر  
 عضوی از اعضای انسانی را آنچه کیفیت و چگونه باید تشریح نمود  
 دیگر در حفظ اجتمام موات که چگونه باید محافظت نمود که پوسید  
 نشود و دیگر در معالجات جمیع امراض بطور و طرز فرنگستان دیگر  
 در علم جراحی دیگر در علم سگته بندی دیگر در ادویه مفیده و  
 که در معالجات حکمای فرنگ معمول و متداول و مستعمل است  
 تالیف نموده بنظر جناب مستطاب اشرف ارفع صدر اعظم رسانیده  
 بسیار پسندیده و مطبوع آمد و بحضور مبارک سرکار اقدس چون  
 عرض شد تحسین و توصیف فرموده و بجناب مقرب الحاقان  
 قایم مقام امر و مقرر داشتند که در دوازده سلطنت تبریز آرزو  
 همین نسخه ششصد نسخه با تصاویر و اشکال با سه نموده تمباکی  
 ولایات محروسه بفرستند که مردم از فواید این کتاب  
 بهره مند باشند

در سال گذشته در روزنامه اعلان شد که جریب میامن وجود است  
 هایون شاهنشاهی و برکت تربیت جناب جلالت آفتاب اشرف ارفع  
 صدر اعظم توفیق خداوندی شامل روزگار عالیجاه میرزا محمد آقام  
 است

ممالک محروسه ایران از فواید روزنامه درست اطلاع و استحضار  
 بهم نرسانده اند اگر چنانچه اهل ایران نیز مثل امانی پور و  
 فواید روزنامه را بداند و نیست که در پای تخت و خند  
 جا و هر روزه بنای با سه کردن روزنامه مثل ولایات که  
 بگذارند که هر روز دو دفعه یا سه دفعه روزنامه در می آید و  
 منتشر میگردد و مردم از خواندن روزنامه از تمامی اوضاع خبری  
 و کلی اتولایت و اخبارات و احوالاتیکه از اطراف بیایند  
 میرسد مطلع و مستحضر میگردد و علاوه بر اینکه فواید که در  
 روزنامه است فایده عمده دیگر دارد که اکثری از آن فایده غافل  
 و آن این است که پاره اشخاص که چندان مشغولیتی ندارند و بکار  
 نشسته اند و بدین واسطه خیال زور آور آنها کشته پی پاره  
 ناطایات میگردند و عقل خود را با خیالات محال ضایع و  
 خراب مینمایند اگر روزنامه متحد داند هر طرف با آنها برسد  
 این خسته مشغولیتی است که آنها را از خیالاتی که بچاصل است  
 باز میدارد و عبرت و بصیرتی جهت ایشان حاصل میگردد  
 و نیز در روزنامه های دول دیگر قرار است که اگر کسی درسی  
 علوم مسئله حل کرده باشد یا در صنعتی اوضاعی اختراع کرده  
 دخل و تصرف یا تصنیف بکند می آید و بدین وسیله در روز  
 اعلان میکند که مردم از فهم و ادراک و معرفت آن شخص  
 بشوند و بهره از آن مطالب ببرند درین روزنامه این قاعده چون  
 تا حال معمول نبوده حال رسماً اعلان میشود که هر کس در علمی  
 علوم مثل نجوم یا هندسه یا ریاضی یا طب یا حکمت یا سایر علوم  
 متداوله مسئله منکشف و حل کرده و اجتهادی در مطلبی بکند یا  
 تصنیفی در صنعتی کرده یا خود مخترع شود آن شخص بد قرضا  
 روزنامه بیاید و مفصل کیفیت را بگوید و بدون اینکه وجهی  
 بدهد

۱۴۰۶

نواب بدایع نجات کتاب استطاب شرح ابن  
 ابی الحدید بر پنج البلاغه را که در استیفا حقایق علوم و دقایق  
 آداب و لطایف عربیت و کلمات بلغاء و مواعظ فضیله از  
 دیگر مصنفات او ایل و او اخر ممتاز بود و از جهت طول ذیل و کثرت  
 کتابت همه کس را کنت امتیاز آن نبود و مردم سر جوئی  
 و طلبه علم از کتاب فواید و دریافت مطالب آن محروم  
 بودند با اتمامی تمام و مخارجی زیاد در دارالطبابعه طران  
 حفت بالا من و الامان طبع نمود تا درین اوقات تمام از  
 طبع بر آمد و در نظر صاحبان علم زیاد مستحسن افتاد و از دیگر  
 کتب که در ممالک محروسه بل از غالب اسماهای خارج حرس خط  
 و موزونیت قطع و تمامی طبع کمال امتیاز بهم رسانید چون  
 غرض کلی عالیجا هشار الیه این عمل نشر فضایل امام علیه السلام و دعای  
 خیر و بقای نام دولت جاوید است بود این کتاب را که به جهت کفایت  
 چهل هزار بیت کتابت دارد و در دو جلد است و اگر با چنین خط و  
 تمام می بایست کرد البته متجاوز از دولت تومان خرج می شد از آن  
 بهر هزار بیت ده شاهی که هر دو جلد هفت تومان شود قیمت گذاشت  
 و تقوه نمود و لازم نمود که مراتب در روزنامه دولتی بگاشته و  
 همه کس را اعلان شود

درین اوقات که اعلی حضرت عالی در قصر قاجار شریف دارند امور شهرت  
 نواب استطاب هراده و الا بتبارش بر سر اجکران دارالسخلافه و تواجب درین تمام  
 و اگر کسی ایحانا مصدق شریارت شود و تمام مواخذه و تنبیه می آیند از جمله  
 روز داد و نفرکی قلی نام و یکی علیقلی نام صدر شریارت است بودند آنها را  
 نواب سزای الیه آوردند بعد از تنبیه مضبوط سیاست سزای حکم مهار کرده

بازاره کرده و خراج بله نمودند  
 نظر محسن خدمتگذاری و مراتب قابلیت عالیجا محمد سمیع خان چارچا

در روزه اسنه تو شقان نیل مبلغ دولت تومان برسیصد تومان حسب  
 سابق او علاوه رحمت شد و فرمان هایون شرف صد دریافت چون  
 بجهت هر یک از چاکران در باره هایون از اهل نظام و غیره علامت و نشان  
 رحمت شده بود که سبب تشخص هر یک علی قدر مراتب هم بوده با و در  
 چاکران علامت چاکران بدون نشان بودند و در سیبا با نهانچه  
 چاکران دولتی گاهی از جماعت قطع الطریق صدمه بانها میرسد لهذا  
 مقرر شد که عالیجا چارچی باشی بر نقش و طرحی که جناب جلالت  
 شرف ارفع صدر هم شخص نمودند چنانچه قطع نشان برای غلامان  
 سازد که در کلاه آنها نصب نماید و عالیجا پش را لیب لاف  
 مشغول ساختن نشانها پش

از فراری که مباحث چارچا خانها بعضی اولیای دولت قاهره رسانیدند  
 اشخاصی با اسب چارچی عبور نمیدانند و در اندر ضربت میزنند و آن  
 بعضی لنک نموده و بعضی می کشند و این با عتک ش و کت چارچا خانها  
 لهذا امر است که هر کس اسب چارچا خان را بکشد و یا معیوب کند  
 در بدو قرار کرایه حکم شده بود میاید از غمده قیمت اسب بید و ضابط چارچا  
 آن منزل تا قیمت اسب را بگیرد و بیکد از آن منزل ره شود و میر کس از چارچا  
 اسب بردارد و بدون قیمت اسب و قیقه در منزل خود نگاه دارد و محض درود  
 اسب را بجا چارچا خان برساند که اسب حق دار کرم و مسرود تلف شود که از غمده  
 قیمت آن بر آید

**امور استصونی**

در روز یکشنبه ۱۹ اوج قاهره نظام در میدان مشق خراج در دانه دولت مشغول  
 شلیک بودند و تا عصر روز منور دسته دسته شلیک نموده با کمال  
 و مهارت مشق کردند و سایر روزها را نیز استمرار مشغول مشق شدند  
 و صاحب منصبان نهایت اهتمام در مشق آنها دارند

**سایر ولایات**

۱۴۰۷

### عراق سلطان آباد

دین  
انجاقا

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عالیجاه مقرب  
میر حسن خان در انجام خدمت دیوانی و رسیدگی بعراض رعایا  
کمال اهتمام را معمول میدارد از جمله چته روانه کردن فرج  
خلج ابوجحیی عالیجاه مقرب انجاقان شیخی خان سرتیب که  
حساب الامریون بکرمان با مور بودند مقرب انجاقان میرزا  
بقریه ابراهیم آباد آمده و قدغن نموده بود که هر کس چهره  
لازم داشته باشد خریداری نماید و کسی با اسم سیور  
دیناری از رعایا مطالب نکند و در برابریم آباد اولابکار  
فرج مزبور رسیدگی نموده صاحب منصبان و عموم آحاد  
افراد سرباز را از خانه و عیان خاطر سعی داده با کمال  
اراستگی و دلگرمی آنها را روانه کرمان نمود است بعد از آن  
بعمال و مباشرین عراق را که بجهت قرار دستور العمل و داد و  
حاصل جدید تو شقان میل بابر ابراهیم آباد حاضر شده بودند  
خواستند قرارهای دست که مبتنی بر فاه حال رعایا و سبب  
دعا کوئی آنها بود گذشته هر کس قرار بدی خود افهیند  
و شکر بدات خود رفته اند چون در سال گذشته بعد از  
تحقیق از هر یک هر یک از رعایا معسور شده بود که زیادتی  
بسیار با آنها شده است و این معنی اگر در سال جدید هم همان  
جمع قرار می شد زیاد باعث پریشانی و تفرقه رعایا میگردید  
قراری در مالیات انجام داده است که زیاد از مالیات و فروغ  
دیوانی و یک جمع حق الحکومه دیناری از رعیت گرفته شود و آنرا  
از کدخدایان و مباشرین گرفته است که زیاد از این دینار  
بهیچ اسم و رسم از رعایا مطالبه نمایند سوای تدارک سران  
که از نام رعایا میل خاطر خود تعهد کرده بودند و خواهند

۱۴۰۸

دیگر نوشته بودند که بعضی از رعایا پاره از مباشرین  
و زیادتی کرده و جرمیه گرفته بودند عالیجاه مشارالیه بعد از آن  
آن مباشرین را که تعهدی کرده بودند تنبیه مضبوط نمود  
که بجرمیه گرفته بودند بعینها از آنها استرداد و بصاحبان  
تسلیم نموده است و نیز بعضی از مباشرین و کدخدایان با  
پاره قالیچه و اسباب از رعایا خریده و تنخواه آنها را نیمه بها  
داده بقیه را بدفع الوقت میگذرانیدند بعد از آنکه رعایا  
رسیدگی عالیجاه مشارالیه و احقاق حق هر کس مطلع شد  
مراتب راعض کردند حق هر کس در نزد هر یک از کدخدایان  
و مباشرین مانده بود محصل گذشته حکما از آنها گرفته و  
بصاحبان تسلیم کردند

### مر و چرد

از قرار روزنامه بر و چرد که نوشته بودند بعد از بازگشت  
متوالی در انولایت نزع غله که ترقی کرده از جمله کدیم  
خرواری تا سه تومان رسیده بود و منزل نموده و کدیم  
اذوقه و ماکولات و فوهریم رسانده است و درین  
اوقات تعمیر اجناس انجاقا بقرار تفصیل ذیل است سایر  
کدیم یکخوار دو تومان و چهار هزار  
جو یکخوار هفده هزار  
روغن سه من و سیزده سیر معتمار و پانصد  
گوشت سه من و سیزده سیر سه هزار و سیصد  
ماکولات و جنوبات نیز همین طقه تنزل بهمیده است

### مازندران

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات  
که بشارت جنب خراسان و سکت قشون اورخی را اینا

دولت علیّه بنوآب احمد میرزا حکمران مازندران نوشته بودند توابع مغربی الیه این مرده را کوشید و جمیع امانی نموده لوازم خورسندی و شادمانی را معمول دانستند

دیگر نوشته اند که چند نفر دزد در مازندران بهم رسیده اند که بطور غریب سیرت می کنند اول آمده در خفیه ولی خبر خانه را آتش میزنند اهل محله که خبر دارند بیرون میروند خاموش کردن آتش میروند درین بین دزدان فرصت کرده بقدر عمد و اسباب از خانه های مردم سیرت میبرند نواب شاهزاده احمد میرزا درین باب قیغین اکید کرده اند که در محبتش باشند و در تکبیر این اعمال بدست بیارند ولی تا بحال کسی ازین اشخاص بدست نیامده است و از فرار تقریر بعضی میگفتند که این اشخاص از ظایفه ضاله با پی میباشند

دیگر نوشته بودند که امانی مازندران از حسن سلوک و رفتار نواب شاهزاده احمد میرزا و مقرب انخاقان میرزا اسد الله وزیر کمال شرف و رضامند برادران خصوصاً نواب شاهزاده بعراض مردم رسیدگی مینمایند و اگر نسبت کسی نقدی و اجحافی شده باشد در مقام رفع آن بر می آیند

دیگر در ضمن روزنامه مازندران نوشته بودند درین اوقات ضعیفه بتمام رفته عصر بیرون آمده و محض بنجانه فوراً در گذشته بود

### استرآباد

از قریب یک در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات عالیجاه مقرب انخاقان محمد ولیجان

بیکر بیکی در قزل تخت کوکلان بوده است و از قسطن حول و خوش استرآباد عالیجاهان عبد الصمد خان مقصود و ابو محمد باقر خان انزلی و آقا خان کنول و علیجا

کرده محله با جمعیت بو اجمعی خودشان و سه عراره با جهل نفر توکچی در نزد مقرب انخاقان مشارالیه و مشغول انتظام امور آن صفحات بوده است و بعد از شنیدن خبر وفات امیر اطوار اعظم روسیه و جلوس اعلیحضرت امیر اطوار جدید برای ادای تعزیت و سچاپاری با استرآباد آمده خود با چند نفر از اعظم بقونسو لکری رفته ادای مراسم تعزیت و نهایت نموده مراجعت کرده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات بقدر نیچاه نفر از ظایفه ضاله بموت ترکمان بعزم تاخت و تار نسیت ویرانده استرآباد آمده بودند اهل انجا جمعیت نموده و با سواران مزبور جنگ در پیوسته یک اسب از آنها گرفته و آنها سگت فاحش داده و ترکمانان محذولاً مراجعت کرده بودند

و هم چنین بقدر صد سوار از ظایفه مزبور که موسوم بجغفر با و اما بای میباشند بعزم تاخت و تار آن صفحات آمده بودند و چهل سوار از آنها بقریه فوج بردارفته بودند غلامان ابو اجمعی عالیجاه محمد علیجان خبر داده شده مسرعه بر آنها گرفتند سه نفر از آنها را مقتول نموده که یکی را برود و در کان انداخته و دو نفر دیگر را هم کرده بودند و اسب هم از آنها بدست آورده مابقی راه هرمت پیش گرفته بودند و آن دو سر را که برود

۱۴۰۹



مترقب انخاقان بیکر بسکی آورده بودند معلوم شده بود که یکی سرعابد سردار و دیگری سرعفر بای بوده است که از اشهر مشهور طایفه مزبور و دایم الاوقات مشغول تاخت و تاز و بردن اسیر بوده اند

### خراسان

از نیولایت بعد از اخباری که در روزنامه های سابقه شده دیگر خبری تازه نرسیده است مگر اینکه امر انولایت از اتمام مترقب انخاقان و زیر نظام محال نظام را دارد و در غیاب نواب مستطاب شاهزاده افخم و الاتب رفمانفر ما سجزنی و کلی امور انولایت عوزرسی تمام دارد و بعد ایض ضغفا و فخر رسیدگی کرده در رفاه حال رعایا اهتمام کامل دارد و مالی انولایت مرفه بحال و آسوده خاطر بدعا کونی این دولت قوی گشته علیّه اشتغال دارند و نواب شاهزاده رفمانفر با قشون و اسعد اکامل در سمت مرودان صفحات مشغول است نظام امر استعد و بوده اند خبری مجدد از اردوی نواب معزی الیه نرسیده است که در روزنامه

### اخبار دول خارجه

چون روزنامه های که از دول خارجه درین اوقات میرسد اغلب گزارش احوال حاضره مابین دول انگلیس و فرانسه و عثمانی با دولت روس است و امشای این دولت علیه مذاکره این گزارشات را بلاخطه محال یگانگی با دول متحایه عمو مانع نموده اند که در روزنامه نوشته نشود لهندا چند هفته است که از دول خارجه چیزی نوشته نمی شود درین هفته بعضی اخبار که علی

۱۴۱۰

بجنگ مابین دول داشت نوشته شود از تراسر اریکه در روزنامه جریده الاحداث اسلامبول نوشته درین اوقات بجهت احوال حاضره فرنگستان در وینه پای تحت دولت استریه قرار مجلس مکالمه گذاشته اند از هر یک از دول فرنگستان و کیلی در آن مجلس حضور بهم رسانند بمقتضای وقت اجلاس مشورت و گفتگو قرار می بگذارند و از جانب دولت علیه عثمانی عالی پاشا ناظر امور خارجه مجلس مزبور مامور گردیده و بجای مشارالیه صفوت افندی مستشار امور خارجه معین شده است

دیگر نوشته اند که بسبب زلزله که چندی قبل ازین در برو اتفاق افتاده خرابی بعمارات و پریشانی بحال مالی انجاء روی داده بود از دولت علیه عثمانی از راه جهان بفقرا و ضغفای انولایت مقرر شده است که تنخواهی روانه نمایند از جانب وکلاد اولیای آن دولت هم هر یک فراخور حال و جوی ارسال داشته اند

دیگر از قراریکه نوشته اند اعلیحضرت امپراطور فرانسه در دویم ماه جمادی الثانی از پای تحت پاریس بشهر بولون که قشون فرانسه در آنجا اردو دارند رفته بودند و در آنجا وکیل امور خارجه انگلیس خدمت امپراطور شرفیاب شده بود و امپراطور بعد از تماشای اردوی مزبور مکالمات لازمه با وکیل امور خارجه انگلیس بگفتو رفته و از آنجا در پانزدهم ماه مزبور پای تحت پاریس رحلت کرده است

روزنامه قایم اتفاقه تیاریخ یوم شنبه شهبان المعظم مطایب توشقان نیل ۱۲۷۱

مزه بیت و بیت چهار  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شش هر یکساله  
ه تومان و چهار ربرار



منطبه دارا خلاقه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر الاجاره سطر یکبار  
بیشتر باشد سطر پنجبار

اجبار واحد ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلاقه طهران

درین چند روزه که سرکار آقدس همایون شانشاهی در قیصر  
تشریف داشتند نظر بصفا و خرمی تصفیات شمیران اغلب روزها  
عزیمت گشت و تفریح آن صاحب میفرمودند از جمله روزهای جمعه  
بجهت صفا و عزیمت باغ و عمارات و امتیاز حمام داویدیه و  
خوبی آب و هوا و طراوت بساتین آنجا که شجون با انواع باغین  
و مطبوع خاطر آقدس همایون بود و تشریف بانجا برده بجماعت  
بر وجود مبارک بسیار خوش گذشت مخطوط گردیدند و بعد از  
صرف عصرانه و چای بقصر مراجعت فرمودند و در روز شنبه  
بیت یکم ماه شعبان نیز بملاحظه ظهور رحمت ملوکانه در باره امیرالعلم  
مقرب اخاقان میرزا محمد خان سرکشکیچی باشی تشریف فرمای  
در بند گردیده لوازم پیشکش و قربانی و پای انداز از جانب  
مقرب اخاقان مشارالیه تقدیم شد و اهتمامات او در تهیه  
ضیافت شهنشاهی مطبوع خاطر آقدس همایون افتاده مورد رحمت  
و اتفاق ملوکانه گردید

بجهت داد و ستد و معامله حکام ممالک محروسه نوشته  
شده بعضی خاکپای همایون میرسید و بجهت جمیع حکام فرستاده  
می شد نظر بر اینکه انجام این کار خالی از زحمت و مشقت نبود  
در سنوآه سابق قدری بطول می انجامید درین سال فرخنده  
توشقان نیل از جانب سنی ابجواب علیحضرت آقدس همایون  
شانشاهی و جناب امجد شرف رفیع صدراعظم رسیدگی و  
انجام این خدمت را و اگذا بحسن کفایت و مراقبت جناب الملک  
فرمودند جناب معظم الیه آتی و دقیقه آسودگی بر خود قرار نداده  
اوقات شبانه روز خود را مصروف انجام این خدمت نمود  
و هر یک از ستوفیان کرام دستور العزل و لایات مبرجعه بخود را  
نوشته بنظر جناب معظم الیه رسانیدند بعد از تحقیق و رسیدگی کفایت  
کرائفی در جمع و خرج با سنوآه سابقه بهم رسانده تفاهت عمل را  
با دستور العلما می تمام شده جمیع ممالک محروسه با مستوفیان  
در یکروز در قصر قاجار بنظر جناب شرف امجد رسانیدند بعد از  
ملاحظه و تصحیح ایشان بخاکپای همایون سرکار علیحضرت شانشاهی  
برده و عرض داشتند مراتب خدمتگذاری جناب معظم الیه

۱۴۱۱

زیاده از حد در خاکپای هایون محل قبول و آسمان یافت  
 چند ساعت تقبوس نقیض مبارک رسیدگی بکتبچه های دستور  
 ولایات و تشخیص بقایانموده کمال حمت و التفات را در  
 خدمات مسطور نسبت بنظام الملک شفا فرمودند و باقتضا  
 ظهور مرهم بکیرانه و اشتقاق خسروانه حسن مراقباتی که از  
 جناب معظم الیه بطور رسیده بود از راه و فور حمت بخط  
 مبارک سرفراز گردید و یکرشته شترآه مروارید مرصع آویزه  
 زرد که از جمله علامات التفات بزرگ این دولت علیهاست  
 در حق جناب معظم الیه حمت و ازین نوع التفات مفاخر  
 کلی بجهت جناب معظم الیه حاصل شد

نظام که در بالای باغ نکارستان مشق حرکت و شلیک  
 میکردند تشریف فرما گردیده تماشای مشق و حرکات  
 آنها را فرمودند و بعد از آن بلاخط مشق توپچیان که تیراندازی  
 میکردند توجه فرمودند صاحب منصبان نظامی و معلمین متعلمین  
 مورد تحقین و التفات ملوکانه شده بعد از آن بجهت تفریح  
 باغ نظامیه که متعلق بتجارب اشرف اجداد فرخ انجمن صدر اعظم  
 و تازه ساخته شده است تشریف فرما شدند و مانند سایر  
 گردش و تماشای فرمودند و از دروازه شمیران داخل شهر  
 گردیده از میدان جدید مبارک که سلطانی و مفرقت  
 شرف ورود از زانی داشتند

چون حسن خدمتگذاری و صداقت و ارادت و دو تخواهی  
 مقرب انخاقان میرزا فتح الله شکر زین باشی در معاملات  
 و امورات قشون در نظر انور ملوکانه جلوه کرده در این  
 مورد رعایت و التفات خاطر اقدس هایون گردیده کیست  
 کیلیجه لاکه از بلوس بدن مبارک برسم خلعت با و بر حمت  
 و مبلغ بکیزار تومان برسم بر موجب مقرب انخاقان  
 افزودند که مایه دلگرمی او شود و پیش انپیش در مراسم  
 و خدمتگذاری جا به سعی کرد و برای مزید امیدواری و  
 امورات و خدمات محوله مقرب انخاقان مشارالیه دستخط  
 مبارک بلنی بر التفات و حمت صادر گردید که سبب  
 مفاخرت و مباحثات و کزیده حسن خدمتگذاری و صداقت  
 بیفزاید

از بده اسنه تو شقان نیل و ما بعد با بقراریکه در فرقه ۲۱۱ این  
 روزنامه ها نوشته شد خلعت بی عیدی را انمای دولت قاهره  
 حب الاشارة العلیه موقوف فرمودند ولی بجهت حکام و  
 امور دیوانی ممالک محروسه فرستادن خلعت شاهنشاهی  
 دلیل بر قرار بودن و امارت استقلال آنهاست لهذا درین  
 اوقات حسب الامر اقدس هایون بجهت هر یک از حکام  
 و صاحب اختیاران ولایات و اشخاصیکه در ممالک محروسه  
 مصدر خدمات دیوانی هستند خلعت مهر طلعت از دربار هایون  
 رحمت و ارسال گردید که سبب مزید امیدواری و استقبال  
 آنها در انجام خدمات مرجوعه بخود بوده بد لکرمی مشغول  
 باشند

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی که در قصر قاجار تشریف  
 داشتند در روز یکشنبه بیستم ششم شهر شعبان عزیمت  
 مبارکه فرموده از قصر که سوار شدند اول بمیان افواج قاهره

نظر با اعتماد هوامی دار اختلافه الباهره و بجهت آسایش و استراحت  
 عانه نوکر باب و اجتماع ایشان در مساجد و معابد و استعمال  
 طاعت و عبادت و وظایف دعا کوئی درین ماه مبارک مضایق  
 سرکار اقدس هایون شاهنشاهی عزم تشریف بردن میلاقات

۱۴۱۲

نفرمودند انشاء الله تعالی با کمال خوبی و خوشی ایام صیام را  
 در دار الخلافه تشریف خواهند داشت چون بجاوت و سیاق  
 سایر ایام در ماه مبارک رمضان اجتماع در درب خانه و  
 اشتغال بخدمت دیوانی باعث رحمت و شفقت است لهذا  
 حب الامر قدس هیون فراری جهت آمدن در درب خانه و مشغول  
 شدن بخدمت مقرر گردیده در روزنامه این بخت نوشته  
 و رسماً اعلان و اجبار میگردد که احدی از فرار مقرر نباشد  
 تحلف و رزدا نامی نظام از توپچی و سربار و سواره و غیره  
 که هر روزه در میدان ارک و میدان خارج شهر مشغولند  
 درین ماه مبارک از غزه الی سلاح از مشق نمودن مرخص و معاف  
 هستند که قراولهای قراول خانها و غیره بقرار نوبت معین در  
 سر خدمت بوده و سایر با سترحت و عبادت مشغول شوند  
 متعلمین و متعلمین مدرسه و از الفنون نیز از غزه الی سلاح آزاد و  
 مرخص میباشند لکن از متعلمین آنجا که طالب ترقی هستند البته  
 بیچاره نخواهند بود از مباحث و مطالب درس خودشان  
 و مطالعه کرده اگر بتوانند در سله وقت و تحقیق کرده سرچی  
 نوشته باشند که مقبول محکم و غیره باشد در روزنامه خواهند  
 نوشت که سبب شهرت و امتیاز آنها کرد و در سایر لوکر با  
 از مستوفیان عظام و امنای دیوانخانه مبارک و متعلمان کثرت  
 و فتنان سلام و غیره رسم بیاید و ساعت بغروب آفتاب باید  
 در در بجا که مبارک که سلطانی حاضر باشند و افطار در خدمت  
 جناب جلالت مآب اشرف امجد اکرم صدر عظم خواهند بود  
 اشخاصیکه باید بسلام خاکپای مبارک شرفیاب شوند تا با  
 چهار از شب گذشته را خواهند بود و بعد از آن اذن مرخصی خواهند  
 داشت و اشخاصی را که جناب معزی الیه کار داشته باشند

تا دو ساعت بصبح مانده در ارک سلطانی خدمت جناب  
 معزی الیه خواهند بود و بعد از آن هر کس برای سحر بجا نهای خود  
 خواهند رفت  
**امورات قشونی**  
 نظر بر اینست خدمتگذاری و جان نثاری مقرب الخاقان عبدالرحمن  
 میر نیجه که در فتح و تسخیر بندر عباسی ظهور رسیده بود درین اوقات  
 بصدد ورفران التقات مباحی شده از جانب سنی احوال طوکان  
 یک قطعه نشان میر نیجه از مرتبه اول و یک رشته حایل و یکبوش  
 جبه ترمه کشمیری رحمت و بجهت مقرب الخاقان شار الیه ارسال  
 گردید و بجهت سایر چاکران هم که در بندر مریزور مصدر خدمات  
 خلعت مرطوبت هایون حمت و ارسال خواهد شد  
 چون افواجی که حاضر کاب مبارک بودند شب در و مشغول قراول  
 مشق بوده و زحمت زیاد میکشیدند سگارا قدس هایون شانسی  
 از بابتشال توستان میل با اینکه وقت موجب آنها نبوده حمت  
 فرمودند لشکر نوبان عظام افواج را بعضی در میدان ارک و بعضی  
 در سرباز خانها حاضر نمودند و مساعده مرحمتی را نفر بنفر میان سربازان  
 قمت کردند  
 چون افواج مفصله مدتها بود در کاب مبارک مشغول خدمت بودند  
 فوج کولنی جمعی عالیجاه فوج رسم قراول و فوجی فوج بجزان قراول و فوجی  
 تیمور پاشا خان سپه عالیجاه الطغی خان سپه عالیجاه احمد خان سرتک  
 و زمان خدمت آنها بر آمده بود علی هذا حسب الامر از کاب مستطاب  
 دادن مرخص خانه شدند  
 چون در اول سال با سربازان نوبت ریزان در افواج قشون مریزور لایات بر و لایاتی  
 جانب و لیا و ولت علیه مریزور بود که موجب آنها را نفر بنفر رساند درین اوقات تا مریزور  
 و عین و قزوین و اصفهان موجب ذکر آنها را پر دخته بدو در هایون مرحت گردند

۱۴۱۳

۱۰۰۱	دو هزار و صد و نبار	چهار من	شکر	اجناس کولات دار انخلا فوجمه اینکه درستان بارندگی کامل نشد
۱۰۰۲	سه هزار و پانزده	چهار من	خرما	بود ترقی داشت مردم در شیش بودند بخصوص کدم و جو و گاه
۱۰۰۳	دو ریال	چهار من	شش	تعییر هم رسانده بود تا درین بهار که از میان الطاف خداوند
۱۰۰۴	شش عباسی	یک من	گوشت	و برکت قدم میت لزوم و نیت پاک و فطرت تا بناک سرک
۱۰۰۵	دو هزار و هفت شاهی	یک من	شع	افس بجایون شایه ای که هر وقت به سمت حرکت فرموده
۱۰۰۶	شش عباسی	چهار من	ماست	ترول حمت الهی بود بارندگیهای کل متوالی در دار انخلا و اطراف
۱۰۰۷	سه هزار و پانزده شاهی	چهار من	پنیر شور	و بلوکات شد بطوریکه زیاد تر از حد امید واری خلق باران
۱۰۰۸	دو هزار و پنج شاهی	چهار من	برنج غنچه	اگرچه بعضی بناها که ازشت وکل بود از کثرت بارندگی فی انجمله
۱۰۰۹	دو هزار و پنج شاهی	چهار من	برنج کرده	روی داد ولی بجهت حاصل و زراعات که مقصود منظور عموم خلق بود
۱۰۱۰	یک هزار و هفتصد و نبار	یک من	روغن خیراغ	فوائد کثیره حاصل شد و بحدالدر و زبر و رفیت اجناس روغن
۱۰۱۱	سه هزار	یک من	قداری	دارد و از هر کوه خنبس و فور هم رسانده و از زراست خواهد شد مردم
۱۰۱۲	شش هزار	یک من	قدیری	از این معنی زیاد و مشوف و امیدوار و بشکرانه و دعا کونی ذات
۱۰۱۳	سه هزار و بیست	یک من	شکر	افس بجایون اقدام دارند و تعییر اجناس دار انخلا فوجمه
۱۰۱۴	چهار هزار و پانصد	یک من	بنات	بقراریست که درین صفحه مسطور میگرد
۱۰۱۵	شش هزار	یک من	فلفل	کدم یکخوار سه تومان و پنجاه
۱۰۱۶	دو هزار و پنجاه	یک من	زیره	نان یکخوار سه تومان و پنجاه
۱۰۱۷	دو هزار	یک من	رز شکینی	جو یکخوار دو تومان و چهار
۱۰۱۸	چهار هزار	یک من	رز شکینی بزرگ	لوبیا یکخوار سه تومان
۱۰۱۹	دو هزار	یک من	زر و چوبه	عدس یکخوار سه تومان
۱۰۲۰	دو هزار و بیست	یک من	لیموی عمانی	ماش یکخوار دو تومان و هفتاد و پانصد
۱۰۲۱	سه تومان	یک من	زعفران	سجودری یکخوار سه تومان و هفتاد و پانصد
۱۰۲۲	چهار ده هزار	چهار من	تنباکوی اعلی	کرچک یکخوار پنجمان و دو هزار و پانصد
۱۰۲۳	پانزده هزار	چهار من	تنباکوی وسط	روغن چهار من دوارده هزار
۱۰۲۴	دو هزار و پانزده شاهی	یک من	ابلیمو	شیره چهار من سه هزار و بیست
۱۰۲۵	هفتصد و نبار	یک من	ابنوره	پیه که اخته چهار من هشت هزار

۱۴۱۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه نهم ماه رمضان المبارک مطابق سال شقان میل ۱۲۷۱

مرکزت بخت و بخت

قیمت روزنامه

یک نسخه شاهی

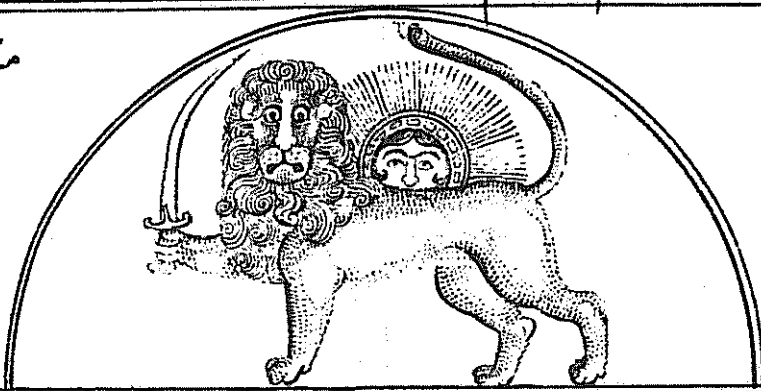
و قان و چهارم

منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

بکسر الحجاره یکمتر

بیشتر با هر متر



اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز پنجشنبه پنج شهر شعبان اعلیحضرت شاهی بیدان  
مشن خارج دروازه دولت بجهت تماشای مشق مهندسی که  
چهاره منبسی ساخته و آتش میدادند تشریف فرما گردیدند  
تفصیل آن از این قرار است که عالیجاه موسیو بهنر که معلم  
هند است و فوج مهندسی را تعلیم میدهند چهاره  
ساخته بطوریکه بزور بستی من بار و طبع در بستی و سحر و ار  
شک را از روی هند و قی که بار و ط در آن گذاشته آتش  
میدهند تا دولت سبب دوزخ به او برده از آنجا سنگها پاش  
شوند و تا شصت قدم زمین را میگیرند بطوریکه در وقت  
افتادن زمین را گو و میکنند در روز مزبور که اعلیحضرت شاهی  
بتمشای آتش دادن چهاره ای مطور تشریف بردند و جناب  
امجد شرف الفخیم صدر اعظم هم در خدمت اقدس همایون  
بودند چهار عدد از آن چهاره را که ساخته شده بود  
رزدند و در نظر مبارک بسیار مقبول و تحسین افتاده بهمین  
بیلکه صاحب و هم شاکردان مشارالیه که چهاره را ساخته  
بودند انعام شایسته محبت فرموده و مورد تحسین و الثفات

ملوکانه گردیدند و مقرر شد که اسباب این چهاره ای  
رئیسینی را زیاد ساخته در قورخانه مبارک که حاضر و آماده  
داشته باشند  
در شب شنبه دویم ماه رمضان المبارک مجدداً بارند  
زیاد در دار الخلفه طهران و اطراف شد چنانکه شب مزبور  
تا نزدیک سحر لایق قطع باران آمد بعد از آن تا صبح و گذشت  
ولی هوا بهمان طور آبر داشت و مستعد بارندگی بود تا نزدیک  
ظهر بار شروع بارندگی کرد و بارشی شدت آمد بطوریکه آب  
از کوهها و نرها جاری شد و گاهی چند دقیقه چنان شدت  
میکرد که اگر کسی آب آن شدت میبارید بهیم سیلاب میشد  
خرابی متصور بود و تخم در بعضی کوهپایجات و جایهای خست  
کجایش خسارتی بهم رسیده باشد با بکله آرزو و شب دیگر  
الی طلوع فجر شب یکشنبه دو شب دیگر باران کامل آمد  
پس از آن هوا صاف شد و زمینها سبز و خرم و هوا  
خوبی و اعتدال را دار و بخلاف لهای دیگر که درین موسم سیلاب  
مطلوب بود ال بحال بطوری هوای دار الخلفه خوش میکند که مردم طالب  
سیلابات نیستند و ثار الدین رحمتی الهی مسافع کلی حاصل خواهد

۱۴۱۵

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته شده در غرة ماه رمضان المبارک یکساعت از غروب گذشته زلزله شده و سه دفعه متعاقب بهم زمین حرکت کرد و سجد الحسنی بجائی و اذیت بکسی نرسیده است

دیگر از قراریکه نوشته اند در بعضی بلوکات اصفهان سن بروز کرده است ولی چون حال وقت درویش کامی حاصل است از قراریکه نوشته اند معلوم نیست که سن بتواند اذیتی بجاصل برساند مگر در باب کندی که هنوز سبز است فی الجمله تلویشی داشته اند که مبادا سبزین

دیگر نوشته اند که عالیجاه چرخعلینجان نایب الحکومه اصفهان چند روز بوده است که باده پانزده سوار به بلوکات رفت بود و بجهت نظم و نسق آنجا اهما مات نموده و کار تمامی بلوکات نظام داده در این اوقات بشهر مراجعت کرده است و همچنین امورات شهر اصفهان نیز به جهت قطع و رعایا در کمال آسودگی میباشد و از اینکه عالیجاه نایب الحکومه خودش همه روزه بعراض مردم رسیدگی می کند کسی بکسی نمیتواند خلاف حساب رفتار نماید و عالیجاه ابراهیم بشغل میرابی برقرار شده و هر کس مشغول انجام خدمات محوله بخود میباشد

کرمان

از قراریکه از کرمان نوشته بودند درین اوقات طرق و شوارع النولایت کمال انتظام و اذیت دارد و فواهل و مسرودین

وضری نخواهد رسید و پس ازین بارندگی غله بسیار از خارج بشهر آوردند و از اتهامات اولیای دولت علیت کندم و جووانان تنزل کرده نان بسیار خوب از قراریکه سید دینار فروخته میشود و فراوان است و کندم بسیار اعلی خرواری سه تومان و جو خرواری بجهت هزار و نوزده هزار فروخته میشود و از قراریکه مذکور میگردد از خاک هم هر روزه غله فراوان می آورند و مردم از این معنی کمال آسودگی و شکر گذاری دارند خصوصاً فقرا و مردمان بی بضاعت که تلویش کرانی بسیار داشته سجد الحسنی این اوقات که همه چیز و فواید بسیار شده مایه امیدواری و شکر گذاری این اشخاص گردید

چون عالیجاه مقرب الحضرة العلیت میرزا رحیم شیخ متحصّل کمال محاسبات در اتام دستور العمل ولایات و امر محاسبات در خدمت جناب نظام الملک کمال وجدان عمل آورده بود مراتب صداقت و حسن نیت گذاری او خاطر اقدس همایون و ملحوظ اولیای دولت علیه گردید در این اوقات از جانب سنی احوال بلوکات یکشوب جبهه تره از صند و قحانه خاص برسم خلعت و یکقطعه نشان از مرتبه اول سرتشکی با یک رشته کمالین در وجه عالیجاه پشاه محبت فرمودند و جناب جلالت آفتاب شرف مجدداً فرمودند چون از خدمات حسن اهما مات عالیجاه پشاه رالیه زیاد رضامندی داشتند یک طاقه شال اعلی از خود علاوه بر خلعت و نشان حمیتی سرکار اقدس همایون بجایگاه پشاه رالیه تقدیم نمودند که سبب مزید دلگرمی و اهما مات و در خدمات مرجوعه بجا

۱۴۱۶

در نهایت اطمینان خاطر عبور و مرور مینمایند و از اتمام  
امیر الامراء النظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و ک  
قراول مستحق در هر یک از منازل راهها و دهنه جا  
که سابقا محظوف و محل نشیمن قطاع الطریق بلوچیه و غیره  
مشغول حفظ و حراست میباشد و قافله با سودگی از طریق

و شوارع عبور مینمایند  
نام  
از قرار یک در روز نامه انولات نوشته بود تکمل محظوف  
که از اشرا و متمر دین بلوچیه است قلعه ایرندجان را محکم  
نموده و بخصانت انجامه و ر کرده سر از اطاعت و  
خدمتگذاری این دولت قوی کنت علییه باز زده بود و  
نضر الدخان یاور سپر عالیجاه میرزا کوچک خان شکر

جمعیتی از قشون ماموره که امیر الامراء النظام سردار  
بجهت نظم صفحات بلوچستان فرستاده بود بر داشته  
و بسر قلعه منوره فرستاده متمر دین نیز از در مقابل و مجادله  
در آمده قشون ماموره در اندک مدت بقهر و غلبه قلعه  
تسخیر و چهار و نفر از اشرا را محمول نمودند و  
عالیجاه نضر الدخان درین جنگ کمال رشادت و  
و تهور را بعل آورده بود

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا شفیع وزیر حبس حکم امیر  
سردار همه روزه باستوفیان آنجا در دفتر نشسته محظوف  
و ادوست مضبوط و مباشرین بلوکات رسیدگی  
مینماید و مقررات که هر یک از مضبوط و مباشرین که خوب  
خدمت کرده و از نحمد حساب برآمده و اهل آن بلوک از  
اوراضی باشند در بده سنه تو سفان میل نیز کفای الباقی

در کار خود برقرار باشد  
دیگر از قرار یک در روز نامه آنجا نوشته بود ند عالیجاه  
سرمک را امیر الامراء النظام سردار مامور خدمت بلوکات  
اربعتم کرده و در بیت و ششم شهر شعبان عالیجاه  
قرار بود و این مقصد کرده و بجل ماموریت برود

دیگر نوشته اند که عالیجاه رستم خان سرمک با فوج  
خود همه روزه در میدان باغ ارک مشغول شت میباشد  
و یا نهایت انتظام و حسن سلوک راه میروند و مردم کمال  
رضامندی از رفتار سلوک آنها دارند

دیگر از قرار یک تسخیر اجناس کرمان را نوشته اند درین  
اوقات از این قرار است

کندم	یکه خوار	سه تومان
جو	یکه خوار	دو تومان و دو هزار
گاه	یکه خوار	شش هزار
کوت	یک من	هشتصد و پنجاه
برنج	چهار	یک من هزار دینار
برنج	رسی	یک من چهار عباسی
روغن	یک من	دو ریال
گورگ	یک من	چهار هزار
پشم	یک من	دو هزار
شکر	یک من	چهار هزار
نبات	یک من	چهار هزار
قدیردی	یک من	چهار هزار و پانصد

ص

۱۴۱۷



بروجرد

از تراسر یک در روزنامه این ولایت نوشته اند لواء  
 امیرزاده جلال الدین میرزا نایب الحکومه بروجرد و غیر  
 نواب مستطاب بنزاده و الا بتا احتشام الدوله نهایت  
 مراقبت و اهتمام را در انتظام امور ولایت و حصول رفاه و  
 آسودگی عیت داید و از وقتی که نواب احتشام الدوله سمت  
 عربستان رفت اند تا این اوقات از انتظام حسن مراقبت  
 نواب نایب الحکومه امور آن ولایت بجهت انتظام کامل دارند  
 و عمل صرفت که در آن ولایت بقا شیوع داشت بکلی موقوف  
 شده و ائیت تمام بجهت االی آنجا حاصل است و مردم بشکرانه  
 و دعا کوئی ذات اقدس همایون شتعال دارند

دیگر نوشته اند که غله و سایر اجناس در آن ولایت تسخیر  
 بهم رساند بود و مردم بسیار شوش و پریشان خاطر بودند  
 تا اینکه در ششمانی ماه شعبان الی عیتم بارندگی فراوان  
 علی التوالی در بروجرد و اطراف شده و نرخ اجناس نیز  
 تنزل نمود و بعد از یک مسم روز بروز و بارزانی است  
 جمله کندم که سابقا خرواری دو تومان و پنجرار کم یاب بود  
 بدست نمی آمد در این اوقات در چهارده هزار و پانزده هزار  
 نهایت و فوراً دارد و االی آن ولایت ازین نزول باران  
 رحمت الهی و فیوضات لایتناهی جانی تازه یافته و قرین  
 مرتب بی اندازه شده اند و اغلب سکنه بلوکات دور و نزدیک  
 آنجا که از شوش خشک سالی از اماکن خود متفرق شده و بشهر  
 بروجرد و جایهای دیگر رفته بودند در این اوقات باطنیان  
 خاطر با وطن و ساکن خود مراجعت کرده بر یک مشغول  
 کسب و کار و عیسی خود پیاشند

۱۴۱۸

دیگر نوشته اند در این اوقات که شده شکست قشون  
 اورکچی در سرخس از دربارهایون بروجرد رسید نواب  
 نایب الحکومه و عسوم االی آنجا از وضع و شریف لوازم  
 شکرانه و شادمانی و دعا کوئی ذات اقدس همایون رتبعیم  
 نموده بودند

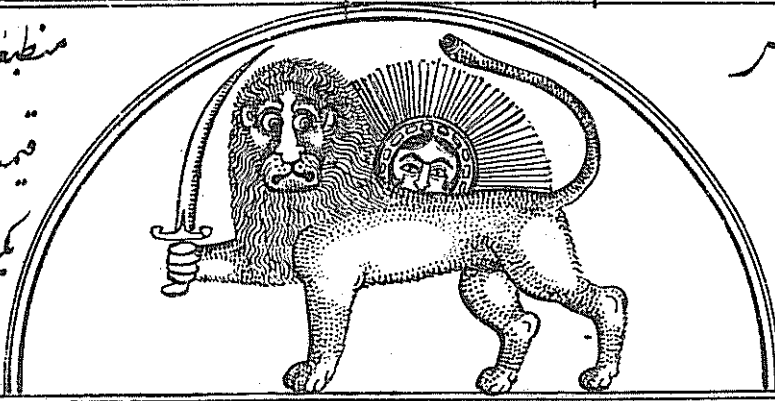
دیگر نوشته بودند درین اوقات که ایلات لرستان از  
 کرمیرات حرکت کرده سمت میلاقات میروند نواب  
 نایب الحکومه نهایت اهتمام را نموده اند که مابین آنها در  
 سر محل و علف چر زراعی شود ایلات بیرانوند در سر محل ررا  
 مابین خود نزاعی کرده بودند نواب نایب الحکومه عالیجا میرزا  
 که خدا را با چند نفر از ریش سفیدان فرستادند که مابین آنها  
 اصلاح داده و محلی که در سر آن نزاع کرده اند تحقیق و  
 شود مال هر طرف که باشد مالک و اگر نموده و تارکی  
 بدیند که رفع منازعه آنها بشود

عربستان

از تراسر یک در روزنامه این ولایت نوشته اند بعد از  
 خرابی سد ناصری بسیاری از رعایای آنجا چند سال بود  
 که با طراف متفرق شده بودند در این اوقات که سد ناصری  
 از زمین طالع فیروزی مطالع اقدس همایون شاهنشاهی  
 و اهتمام اولیای دولت علیه حسن مراقبت و سعی و کوشش  
 نواب شاهزاده احتشام الدوله در کمال استحکام بسته شد  
 و آب بجزیره جاری گردید رعایای مزبور بخص استحضار معبودت  
 بانجام نموده مشغول فلاحت و زراعت و عمارت و آبادی آنجا  
 میباشند و غم غریب نشاء السد کلبه آبادی خواهد در آمد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه هجری چهارم ماه رمضان المبارک مطابق سیال توستان ۱۳۱۹

نزهت بیت و نشر  
قیمت روزنامه  
یک نسخه در شهر یکساله  
هفتاد و چهار هزار



منطبعة دار الخلفه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسیر الی چهار سطر یکصد هزار  
بیشتر با هر سطر پنج هزار

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

درین اوقات که ایام صیام است علما و فضلا و متقدمین و عموم اهالی دار الخلفه مبارکه در ساجد و معابد مشغول طاعات و عبادات و موعظه و نماز جماعت میباشند و امسال الی حال نسبت بایامی دیگر چته برودت و خوشی هوای بسیار خوش گذشته است و تا این اوقات هوای دار الخلفه طهران بسیار خوب است و هیچ نسبتی بایامی گذشته ندارد چاکران دربارهایون و نظام نصرت فرجام چنانچه در روزنامه گذشته نوشته شده از التزام خدمت در خانه روزنار ایچجه عبادت و استراحت معاف و مرخص میباشند و شبهار ایچنا پنجه مقرر گردیده است جنابک افندار ارفع افخم صدر اعظم در دربار خانه مجلس افطار دار الشیخ صیکه طهرم خدمت مستند در مجلس معظ جناب بعد از افطار بر کس مشغول انجام حیات محوله بنجود بوده و سایر بزرگان نظام و باشیان دربارهایون هر یک که در دربار منزل و اطاق دارند چنانچه مقرر است وقت افطار در اطاق خود نشسته تا دو ساعت بطلوع فجر مانده در دربار خانه بنهار

خودشان بخدمت محوله و امورات اتفاقیه مشغول هستند میدان جدید را که حال دو سال است قرار اجتماع کسبه و در ماه مبارک بجهت داد و ستد در آنجاست درین اوقات حاد و علاوه بر حجرات بلور فروشی و غیره اطراف میدان مزبور که کمال و آراستگی را دارند در فضای آن نیز ترتیب دکا کین و تهیه بساط اندازی نموده اند و تجار و اصناف اقمش و نقاشی کران با آنجا آورده داد و ستد میکنند و اکثر دکا کین نزدیک میدان مزبور هم تا نزدیک طلوع فجر بازار است و اهل در بجان و غیره جمع تعرض مطالب و انجام امورات خودشان الی صبح امروز همه جا است

نظر بطهور رحمت و عنایت خاطر اقدس بهیون علی حضرت شاهنشاه در باره نواب شاهزاده و الا تبار عبد الصمد میرزا و توجه ضمیر عاظمه تخیر بر ترتیب نواب مغزی الیه درین اوقات حکومت فرین را با و رحمت فرمودند و عالیجا مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان خونی اجودان باشی سابق را که حسن کفایت و صداقت و کار داری موصوف است بمصبوب وزارت نواب مغزی الیه و پیشکاری انجام امور فرمودند و در فرمان التفات و خلعت رحمت گردیده

۱۳۱۹

این روز با مقر حکومت روانه میشوند

باقضای کمال محنت و عنایت در باره نوابان هر دو  
و ظهور کفایت و کاردانی حسن سلوک و مردم داری نواب  
مغزی الیه از فرار صد و نسرمان هر لحان بیون حکومت  
و تویسرکان پایشان محنت و عنایت و خلقت آفتاب طلعت  
نیز از جاهه خانه بیایون التفات شد و بهین روز نواز  
رکاب مبارک بمقر حکومت خواهند رفت

چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شد بعضی از  
افواج که در دارالخلافه مشغول خدمت قراولی و خسیره بودند  
با اینکه وقت مواجب آنها بود محض محنت ملوکانه مقرر نمودند  
مساعده با نهاد داده شده و نیز چند دست از نوپجیان که  
قدری از مواجب آنها باقی مانده بود درین اوقات که ایام  
صیام است باستحضار شکر نوبیان عظام و مقربان  
فضان آقای میرنجه توپخانه مبارک که هر روزه دست از آنها  
حاضر کرده مواجشان را در اطاق نظام میرداند

چون امنای دولت علیه اهتمام تمام در رساندن مواجب  
خصوصاً آنها که در سرحدات مشغول خدمت و ساخوی میباشند  
دارند لهذا بعضی از سرحدات که مایاتش کفایت مواجب  
نوکرا انجامد را نمیکند از دربارهایون تنخواه نقد مصحوب آدمین  
روانه ینمایند که در آنجا بنوکرا سنده قبض وصول گرفته  
بیاورد از جمله از جهت مواجب نوکرا استرآباد از نظام و غیره  
این اوقات سه هزار تومان مصحوب یک نفر صاحب منصب  
نظامی و عالیجاه مرزا طاهر کاشته مقرب انخاقان محمد و لیجان  
بیکریکی استرآباد روانه نموده باستحضار بیکریکی نوکرا انجامد  
قبض وصول آنرا گرفته بنظر اولیای دولت علیه برسانند

در این اوقات چهارده نیزه سر از شراب بلوچیه نظام  
که تقصیل آن در روزنامه هفتگی گذشته نوشته شد مبارک  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بدر بارهایون  
روانه نموده بود از حضور مبارک گذشته عالیجاه نصرالله خان  
یا در سپر عالیجاه میرزا کوچک خان سربسک و سایر مأمورین  
که درین جنگ جلاوت و رشادت لعل آورده بودند  
مورد تحسین ملوکانه گردیدند

عالیجاه مقرب انحصار العلیه قاسم خان که از جانب بی  
هایون بر تبه کار پردازی اول که بوقت ایل او روپا مرد  
معنی جنرال قوسولی است در تفتیش اقامت داشت  
حکم هایون برکاب مبارک احضار و روز شنبه ۹ ماه رمضان  
که روز ورود عالیجاه پشرا الیه بدر بارهایون بود چون  
اوقات توقف تفتیش با کمال کاردانی و کفایت و عقل  
درایت سلوک و رفتار کرده و خاطر محنت مظاهر ملوکانه  
از طرز خدمت و صداقت خود قرین رضامندی و حوریت  
داشته بود بچشم هایون از دایره وزارت امور خارجه  
و سایر چند نفر صاحب منصبان باشان باسی نفر نظام

ویوز باشی با استقبال او تا خارج شهر دارالخلافه بیرون  
رفتند و باقضای دوستی و مودت فیما بین دو تن  
ایران و روس از سفارت دولت بیه روستیه نیز  
چند نفر صاحب منصب با استقبال رفته عالیجاه پشرا الیه  
با کمال عزت و احترام شرفیاب دربارهایون گردیدند  
پس از شرفیابی خاکپای هایون باقضای رضامندی  
خاطر مبارک از خدمات او کمال محنت و عنایت نسبت  
باو مبذول شد و هم چنین جناب جلالت ماب شرف محمد

۱۴۲۰

ارفع الحشم صد اعظم نیز بقضای خدمت و وقت  
 و کار دانی و کفایتی که از عالیجا مشارالیه ظاهر شد بود  
 محبت و مهربانی و اظهار رضامندی از عالیجا مشارالیه نمود  
 از فراری که مأمورین دولت علیه معین مالک خارجه این  
 نخواستند و کلاهی دول متخاصمه در شهرین پستی پایتخت  
 دولت بهینه نشاء مجتمع گردیده در خصوص مسئله حاضر  
 چند مجلس گفتگو کرده و همه از جانب دولت متبوعه خود  
 اظهار کمال میل بانقاد مصاحبه و رفع موجبات منازعه  
 متخاصمه نموده اند از ایتفرار چنان استنباط میشود که امر مصاحبه  
 بزودی است انجام پذیرد و کیفیت جنگ که خالی از  
 شبیه شبهه و تردید ضرعمومی از برای عامه دول روی  
 که مدخلیت در منازعت دارند یا ندارند بجلی مرتفع گردد و  
 چون دوام این جنگ مایه عدم رونق تجارت و ضرر تجار  
 این دولت نیز بوده و خواهد بود اولیای این دولت  
 در حال امیدواری منتظرند که بزودی کار مصاحبه بگذرد  
 و کفایتی سابق رونقی در امر تجارت و اطمینانی از برای  
 و تجار این مملکت عموماً حاصل شود

**سایر ولایات**

**عربستان** از فراری که در روزنامه این ولایت  
 امورات آنجا از حسن مراقبت و اهتمام نواب استیجاب  
 شاهزاده ولایت با احترام الدوله خان میرزا صاحب اختیار  
 عربستان و لرستان و بروجرد و نجف شاهی نهایت نظام  
 دارد و نوکر و رعیت هر کس در کار خود مشغولند و نظام  
 نصرت فرجام از توپچی و سرباز و سقراط و غیره هر یک  
 در محل مأموریت خود مشغول انجام خدمات محوله میشوند

و این اوقات که موسم آمدن جهازات به بندر محرم است  
 چنگشتی برنج و کندم وارد محسره گردیده است جهازات  
 دیگر هم از سایر اجناس متاع هند و غیره با تاجا  
 آورده بار آنها خالی شده و در عوض خرما و غیره بار کتر  
 کرده میروند و داد و ستد تجار و غیره در این اوقات  
 بسیار خوب رواج دارد سابقاً تاجا که کمی آذوقه قدری  
 پریشانی با نالی آنجا روی داده بود لکن در این اوقات  
 بجهت اینکه هم اجناس از خارج با نولایت می آید هم  
 سیوریات قشون مأموره آن صفحات را نواتش برده  
 از خارج با تاجا رسانده اند اجناس و آذوقه در نولایت  
 و فور هم رسانده و االی آنجا ازین ترسده کمال اسودگی  
 و شکر گذاری دارند

از فراری که در روزنامه محسره نوشته بودند چندی  
 قبل ازین خواجه محمد نام تاجر شوشتری رفته بود در بصره  
 متاعی خرید کرده حمل چهار نموده قدری از بصره بیرون  
 آمده بود قطاع الطریق سحری غفله بر کشتی او ریخته جمیع  
 او را نقد اجتناب بنهب و غارت برده بودند تا جرم بروجرد  
 بمیان آن طایفه رفته فریاد کرده بود که من رعیت دولت  
 علیا پرانم و در تحت اختیار و حکومت نواب شاهزاده  
 تاجا مطالبه اموال منسوبه خود بنزد شما آمده اجبار میکنم  
 متاع مرا نقد اجتناب رد کردید بسیار خوب و الا رفته  
 خدمت نواب شاهزاده عرض خواهم کرد اعراب بروجرد  
 چون کمال حساب و دادرسی نواب معزی الیه امیدوار  
 اموال آن شخص را نقد اجتناب تمام و کمال بدون کسر  
 آورده با و تسلیم کرده بودند

۱۴۲۱

# کرمانشاهان

## نواب امیرزاده مرخص کردند

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در اول  
 به استنوشان میل نامت یگانه بارندگی در آنجا نشاند  
 و نرخ غلات قدری کران جنس کم کرده بود و اهالی  
 آنجا از بیعتی زیاده در تشویش بودند ولی از غرض شعبان  
 الی بیست و پنجم ماه فروردین باری بارندگی شده است که  
 کسری از مردمان سن مقرر بخاطر داشته اند و در وسط بارندگی  
 مگر کی بارید است بعضی از آن بقدر نصف تخم مرغ قدری  
 از آن مگرک سیب و خنارت باغات و صیفی رسید  
 ولی غله بسیار خوب است و روز بروز از آن تر میشود و تسخیر  
 آنجا درین اوقات بقدر اوسط و دلیل است

از فرار یک در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند  
 عالیجا بمقرب آنجا فان فضا ان آقا میرنجه توپخانه مبارک  
 از عبات عالیات محبت میکرد از منزل خانقین آدم  
 روانه قصر نموده سرباز و سواره عالیجا عبداللہ  
 قلعه رنجیری که مشغول حفظ و حراست آن راهبهاستند  
 عالیجا مشا را الیه راهبری کرده با همراہان او سالمان  
 رسانده بودند ولی بعد از او پسرزاده نواب حیدر قاسمی  
 متعاقب روانه شده در و راه در قلعه سبزی چند نفر از سواران  
 مرادی بسیران ریخته زد و خوردی کرده بودند یک نفر از  
 جاف مقتول و یک نفر نیز از اهل زوار کشته شده و زوار را  
 تاخت و غارت کرده بودند نواب عماد الدوله بعد از استحضار  
 بزوار خرجی داده و محبت نموده اند ولیکن چون نگین  
 از رعیت دولت عثمانی بوده اند هنوز در باره آنها  
 حکمی نشده است

از فرار یک در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند  
 عالیجا بمقرب آنجا فان فضا ان آقا میرنجه توپخانه مبارک  
 از عبات عالیات محبت میکرد از منزل خانقین آدم  
 روانه قصر نموده سرباز و سواره عالیجا عبداللہ  
 قلعه رنجیری که مشغول حفظ و حراست آن راهبهاستند  
 عالیجا مشا را الیه راهبری کرده با همراہان او سالمان  
 رسانده بودند ولی بعد از او پسرزاده نواب حیدر قاسمی  
 متعاقب روانه شده در و راه در قلعه سبزی چند نفر از سواران  
 مرادی بسیران ریخته زد و خوردی کرده بودند یک نفر از  
 جاف مقتول و یک نفر نیز از اهل زوار کشته شده و زوار را  
 تاخت و غارت کرده بودند نواب عماد الدوله بعد از استحضار  
 بزوار خرجی داده و محبت نموده اند ولیکن چون نگین  
 از رعیت دولت عثمانی بوده اند هنوز در باره آنها  
 حکمی نشده است

از فرار یک در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند  
 عالیجا بمقرب آنجا فان فضا ان آقا میرنجه توپخانه مبارک  
 از عبات عالیات محبت میکرد از منزل خانقین آدم  
 روانه قصر نموده سرباز و سواره عالیجا عبداللہ  
 قلعه رنجیری که مشغول حفظ و حراست آن راهبهاستند  
 عالیجا مشا را الیه راهبری کرده با همراہان او سالمان  
 رسانده بودند ولی بعد از او پسرزاده نواب حیدر قاسمی  
 متعاقب روانه شده در و راه در قلعه سبزی چند نفر از سواران  
 مرادی بسیران ریخته زد و خوردی کرده بودند یک نفر از  
 جاف مقتول و یک نفر نیز از اهل زوار کشته شده و زوار را  
 تاخت و غارت کرده بودند نواب عماد الدوله بعد از استحضار  
 بزوار خرجی داده و محبت نموده اند ولیکن چون نگین  
 از رعیت دولت عثمانی بوده اند هنوز در باره آنها  
 حکمی نشده است

کدم	یکخوار	دوازده هزار
جو	یکخوار	هشت هزار
نان	یکخوار	دوازده ریال
برنج	یکمن	ده شاهی
خرما	یکمن	ده شاهی
شکر	یکمن	سه هزار پانصد
قد اصفا	یکمن	هشت هزار

دیگر نوشته اند که در این اوقات نواب علی قلی میرزا  
 نایب الحکومه سوار کلیانی را آورده خدمت نواب  
 عماد الدوله حکمران کرمانشاهان داد و نواب معری  
 بدقت آن اخبار دیده تقریر رسیدگی نمودند و اخبار  
 بالغات اولیای دولت قاپره امیدوار نموده مسراہ

۱۴۲۲

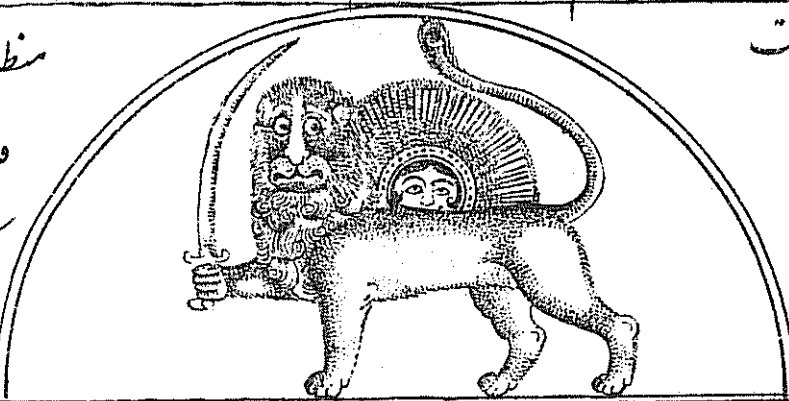
# روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت پوخت بنیست یکم ماه رمضان المبارک مطابق سال توشقان سن ۱۲۷۱

مزه دولت بیت هفت

قیمت روزنامه

یک نسخه ده شهریکه

و تان و چهار هزار



منطبه دار انحلاف طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الا چهار سطر یک هزار

بیشتر سطر پنج هزار

## اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

### دار انحلاف طهران

درین اوقات که ایام صیام است میدان جدید را چادرها و تجیرها کشیده و حجرات ترتیب داده و امتعه و نفایس چیده اند اگرچه چند روز قبل باد شدید آمده بعضی از چادرها را افکنده و خراب کرد ولی دوباره سرپا کردند و کمال زینت و آراستگی را بهم رسانده و بجهت روزه داران تفریح و مشغولیت خوبیت که مشغول تماشا و داد و ستد میشوند و امر او خوانین در ب خانه در اینجا اجتماع و ازدحام مینمایند شبهارا تا پنج شش ساعت بازار با باز است و مردم مشغول معاملات و خرید و فروش هستند سرکارا قدس جایون شامسای در عمارت باغ تشریف دارند و هر یک از چاکران در بار جایون راکه انجام خدمت و فرمایش جایون لازم دارند احضار مینمایند و اهل سلام نیز هر کدام که سلام باید بروند شبهارا تفریح حضور مبارک میشوند و تا نزدیک سحر اغلب چاکران و حوا و عمل حضور که مصدر خدمت میباشد در در ب خانه حاضرند

چنانچه معمول و رسم این دولت علیه است که هر سال در ماه مبارک رمضان اعلیحضرت شاهی با تفریح حجرات و دکا کین که بنفایس امتعه آرایش و تزیین یافته تشریف فرمای میشوند و کسبه و اصناف و صنعت کاران که مقصود اصلیشان از جمعیت و ازدحام زیارت وجود فایض انجود جایون است شرف اندوز زیارت وجود مبارک میشوند و از نفایس و بدایع صنایع بعضی حضور مبارک مینمایند و توجه خاطر مظاهر ملوکانه به امتعه و صنایع سبب فرزند شوق صنعت کاران و باعث رونق و گرمی داد و ستد کسبه و اصناف میگردد درین سال نیز در روز دوشنبه ۱۸ ماه رمضان المبارک بعد از ظهر با اساس و احتیاط ملوکانه بمیدان جدید تشریف فرما گردیدند جناب جلالت مآب امجد ارفع محمد صدر اعظم و سایر امسای دولت علیه و خواص مقربان حضرت کز ذون سینه در خدمت اقدس جایون بودند دکا کین و حجرات میدان منور را که مشغول بانواع ظروف بلورالات و آلات و کبابها و صنایع غریبه بود گردش فرمودند و بتجار کسبه و

۱۴۲۳

و اصناف زیارت وجود فایض بحد هایلون چشم رسیده  
 حاصل نمودند و آنچه از بلور آلات و نفایس گرانها که پسند  
 خاطر هایلون کردید ابتیاع و ارباب صنایع را تسویق و اعطای  
 فرموده بعد از تفریح و تماشای آنجا بارک مبارک که سلطان  
 معاودت فرمودند

چون مقرب انخاقان عیسی خان و الی کیدان برکاب مبارک  
 آمده بود و حسب الامر معاودت بمقر حکومت خود میسر نمود  
 لهذا سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی محض مرحمت موازی کفقطع  
 نشان مثال هایلون و یکثوب جنبه ترمه در حق او مرحمت فرمودند

چون محمد علیخان جو شیر سرتیپ فوج اول خاصه شریفه  
 بعبتات عالی درجات رفت در آنجا مجاورت  
 اختیار کرد لهذا عالیجاه محمد قلیخان سرهنک حویلی  
 برادر او را بمنصب سرتیپی فوج اول خاصه شریفه  
 سرفراز و فرمان همیون و خلعت مرحمت شد

چون مرحوم قاسم خان پشایر سرهنک فوج حلا  
 پشایر در مأموریت فارس در بندر بو شهر مرحوم  
 شد لهذا سرکار اعلیحضرت اقدس هایلون شاهنشاهی  
 عالیجاه خانلرخان پسر عالیجاه کلعلی خان پشایر را  
 که جوانی رشید و قابل بود بمنصب سرتیپی فوج مزبور  
 منصوب فرموده فرمان مبارک و خلعت مرحمت  
 شده مأمور فارس شد که رفته فوج مزبور را  
 بیاورد

عالیجاه حیا قلی خان سرهنک فوج کرندی چون  
 بسبب امراض مزمنه چشمش معیوب شده و از قوه  
 خدمت باز مانده بود لهذا محض مرحمت منصب سرتیپی  
 فوج مزبور را عالیجاه ملک نیاز خان پسر عالیجاه  
 که قابل و شایسته است مرحمت فرمودند و فرمان هایلون

بشرف صد و مقرر گردید  
 نظر بسو سلوک سعادت قلی خان حاکم در جزیره مرحوم سلیمانخان  
 در جزیری دنا رضامندی نواب شاهزاده فرمانفرمای  
 خراسان و مقرب انخاقان وزیر نظام و عموم الهالی در جزیره  
 از او سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی او را از حکومت در جزیره

معزول و عالیجاه اللهیار آقای پسر کوچکتر مرحوم مزبور را که برکاب  
 هایلون آمده بود و مراتب قابلیت و شایستگی او در نزد  
 دولت علیه معلوم و مشهود گشته و الهالی در جزیره هم یکی از طرز  
 رفتار و سلوک او رضامندی داشتند بکومت آنجا سرفراز  
 فرموده فرمان هایلون و خلعت مرحمت شده این روزها  
 رکاب مبارک مرخصی حاصل نموده بمقر حکومت خود خواهد رفت

باقضای کمال محبت و عنایت در باره مقرب انخاقان  
 محمود خان سرتیپ و مصلحت گذارد دولت علیه مقیم لظریه  
 و رضامندی خاطر مرحمت مظاہر طوکانه از طرز  
 سلوک و رفتار و خدمات مشارالیه از فرار  
 صد و فرمان مهربانان مسایون بلقب  
 خجایی که از عنقه القاب این دولت جاویدت  
 علیه است تشرین سربلندی و مفاخرت گردید

۱۴۲۴

که با کمال دلگرمی و امیدواری مشغول انجام خدمات  
محو له بچو د باشد  
چون چاکران در برابر هائون و قشون ظفر مقرون که از سمت  
کرمان بتیخیر بند عباس مأمور شده بودند نسبت بانها  
اتفاقی نشد مگر مقرب انخاقان عبداللہ خان میرنجه که  
نشان اول میرنجه کی و حامیل سرخ و سفید بجهت او رحمت و ارشاد  
شده و در روزنامه گذشته نوشته شد درین اوقات  
که مراجعت بکرمان نمودند در حق سایرین نیز انعام و  
و مواجب از قرار تفصیل ذیل از جانب سنی اسجوانب ملوکانه  
مرحمت شد

جهانگیر خان جبال با رزی شاهسوار خان  
مواجب چهل تومان  
نشان سلطان طلا  
قطعه  
کمال خان سیستان  
علاوه مواجب سابق  
بیت تومان  
اصولان بیک با ورتو نجانہ مبارک  
نشان از مرتبه اول با ورتو  
قطعه  
سیر ارض اللہ خان با ورتو  
نشان از مرتبه اول با ورتو  
قطعه

عالیجاه امامعلی خان سرنگ کوه لچاه موسیوسلیمز حکیم قشون کرمان  
که بنصب سیرپی سرافراز شده  
نشان دوم سیرپی  
قطعه پنجاه تومان

سرب بیک سپر امامعلی خان سیرپی  
که بقتب خان اسرافراز شده  
نشان از مرتبه دوم با ورتو  
قطعه

### سایر ولایات

فتح بقغم کرمان  
نشان سلطان طلا  
ده قطعه سیزده قطعه صد

کرستان از قراریکه در روزنامه اینولایت  
خلعت آفتاب طلعت هائون شانشاهی که با فتح مقرب انخاقان  
والی المصحوب عالیجاه همدی بیک شیخ دست جناب نظام الملک  
از دربار هائون انعقاد شده بود با تاجا پر تو وصول افکنده مقرب

علمان طایفه فشار  
نشان نقره  
یازده قطعه

مشا را لیه لوازم توقیر و احترام استقبال خلعت هائون بعضی آورد  
با جمیع اعیان و اشرفی با استقبال شامه خلعت هائون را بر  
برود و شرفی خود نمودند ظهور عنایت ملوکانه سبب سیرپی  
و تقویت کارش را لیه کردیده و اما لیت از این معنی زیاد خوردند

میر سعید خان بلوچ سیستان  
کار و دست طلا  
چهار قطعه

و چاه همدی بیک هالی انجار امید و ایریاد بلوچ اویلیای دو  
علیه داده است چنانچه قبل از درود در الیه اغلب کنه انجا خیال نقره  
داشته اند مشا را لیه انکار را د لگرمی داده مشغول ریختن خود

چشم آقار باد کوبه  
نشان از مرتبه دوم با ورتو  
قطعه

سواره طایفه جبال با رزی  
نشان نقره  
شش قطعه

نوروز بیک سپر بلوچ آدرده  
انعام سلطان کرمان  
پنجاه تومان طلا

میر سعید خان بلوچ سیستان  
کار و دست طلا  
چهار قطعه

۱۴۲۵

مباشند



# خراسان

از قرار یکم این اوقات از خراسان خبر رسید نواب شاهزاده  
فرمانفرمای مملکت خراسان که با قشون ظفر نمون بصفحات حسرت  
شرفین برده بودند بعد از قتل خان جنیوق و شکت قشون او بجای  
شرفین سرمای مروده قریاب را که قریب ده دوازده هزار  
خانوار از اشرا تر که او ایامات آن صفحات در اینجا مجتمع  
انجا برای خود محکم و متعاقبی قرار داده بودند و همیشه آن  
و حول و حوش بلکه ولایات خراسان را تاخت و تاراج  
مینمودند و بجهانت و زرانت محکم خود مستطرب بودند پس با یکدیگر  
بروه شاونی الی انجیل یخصمی من الماء کویان مخصن شدند  
نواب مغربی الیه هم بخطاب لا عاصم الیوم لکم جواب داده  
باقشون ظفر نمون خنک عنیت را بجانب قریاب سبک عنان  
فرمودند حصار یان چون تاب مقاومت با عی کرد و  
در خود نندیدند و در حالت خود حال بسنها الموج نکان من  
مشاهده نمودند از در استیمان در آمده گفتند حکم حکم  
ما فرمان پذیر و مؤمن امر امتت ما حدتک دار و مؤتمرت  
نواب مغربی الیه انهار الرقل و نهب امان داده حکم حجرت  
ان قلعه نمودند و ان جمع را که چانده از هر جا که فراسم  
آمده بودند بمواطن اصلی خود معاودت دادند و هشتاد خانواد  
با خانه و کوچ از معتبرین مروی کروی گرفته خانواد سلطان  
در اینجا بحکومت منصوب نموده بسمت خراسان عطف  
عنان کردند و از جانب سنی ابجوانب بجایون شاهان  
بتفصیلی که مسطور میگردد برای نواب مغربی الیه و  
همرمان ایشان نشان و خلعت مرحمت فرموده ارسال  
داشتند

۱۴۲۶

نواب والا فرمانفرما	مقرب امخاقان وزیر نظام
نشان نشان کلکون	جبهه ترمه بخمره عصبای مرصع جبهه ترمه
سککل بالماس	عدد ثوب
قطعه ثوب	
عالیجا باخان ایلیخانلی	شاهزاده محمد یوسف هراتی
جبهه ترمه	جبهه ترمه کرمانی
ثوب	ثوب
امیرزاده جعفر علی میرزا	امیرزاده محمد یحیی میرزا
جبهه ترمه کرمانی	جبهه ترمه کرمانی
ثوب	ثوب
محمد حنیفان میرزا اوج و انا	امیرخان سرتش شاهسون
جبهه ترمه کرمانی	نشان اول میرزا محمد علی سعید
ثوب	قطعه ریشه
محمد حسین خان قوللر اقا سی هزار	محمد خان سرمنگ فوج سیابوری
جبهه ترمه کرمانی	شال کرمانی
ثوب	طاقه
کاظم خان سرمنگ فوج سرزر	محمد تقی خان سرمنگ فوج صید
شال کرمانی	فراغی شال کرمانی
طاقه	طاقه
عباسقلخان کروی	امیر حسین خان راد باخان ایلیخان
شال کرمانی	شال و قبا
طاقه	دست
محمد صبحی خان یوز باقر علان حبهان	پهادرخان
دست و قبا	دست و قبا
عبدالباقی خان افغان	محمد رضا خان پیمور
جبهه کرمانی	نشان و قبا
ثوب	دست

<p>و امیدواری برای اهالی آنجا حاصل گردیده است دیگر نوشته اند که در سیم شهر شعبان تکرک شدید می مجال دشتان و کنکان و آن صفحات آمده بود که از قرار تذکره بردان آن بعد بیضه مرغ و کوه چکتر بوده است بعد بیست و نفر از اهالی آنجا و جنیلی دو اب و اغنام ازین تکرک بعضی تلف درآمده است</p>	<p>نضر الدخان بجنوردی شال و قبا دست</p>	<p>سید علیخان خوانی شال و قبا دست</p>
<p>و همچنین در دویم شعبان در سمت جنوبی شهر برقی ژد که کل اهل شهر متحیر بودند بعد که معلوم شده بود برق بخانه صفر سلطان که یکی از سلاطین فوج شیراز است زده یک نفر جاریه و دو در اسب تلف کرده و خانه را هم خراب نموده بود</p>	<p>محمد رابعیم خان قاجار حاکم چوچ جبه کرمانی توب</p> <p>صفر علی بیک باور اول پونجا نشان اول یاوری قطعه</p>	<p>میر منصور خان خوانی شال و قبا دست</p> <p>محمد بیکان یاور فوج قدیم و اول نشان اول یاوری قطعه</p>
<p>چون هر ساله در اوقات عبور و تردد ایلات از دور شهر بعضی تعذیبات از آنها نسبت بیکدیگر یا سایر مردم ظاهر امثال از اتهامات نواب استطاب شاهزاده و الا تبار موتیله دولت حکمران فارس با کمال نظم حرکت کرده اند بطوریکه هیچ وجه مزاح و محصول کسی از عبور و مرور آنها آید و خسارت نرسیده است</p>	<p>یعقوب بیک یاور فوج و اول شال کرمانی طاقه</p> <p>اولاد محمد الرحیم خان بیک بی اوست موجب مدرن موجب حمت شده صد تومان</p> <p>حسینان سزواری که در جمیع محاربا بود و بر کاب هالون نیز آمده بود اصافه موجب انعام پنجاه تومان</p> <p>نشان یاوری خلعت شال کرمانی قطعه</p>	<p>محمد علی بیک یاور فوج کروی نشان دویم یاوری قطعه</p> <p>حسین بیک یاور فوج و اول شال کرمانی طاقه</p> <p>عظیم خان برادر کلاریع خان موجب پنجاه تومان</p>
<p>دیگر نوشته اند که امور معاملات و محاسبات دیوانی شهر و بلوکات در کمال انتظام است و مقرب انخاقان مشیر الملک حب الامر نواب شاهزاده و الا تبار موتیله و مقتضای کفایت و کار دانی خود کمال رسیدگی در امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی دارد و رعایا قرین فایده و آسودگی و شکر گذاری میباشند و همچنین امور لوگر آنجا از نظام و غیره بسیار منظم است و افواج هم روز از توپچی و سرباز مشغول مشق میباشند و صاحبان</p>	<p>فارس</p> <p>از فرار یک در روزنامه اینولایت نوشته اند امورات آنجا بنهجه قرین انتظام و ایت است در اوایل ماه شعبان که هنگام آمدن باران بود در شیراز چند روزی باران نیامد و مردم زیاده اضطراب داشتند تا در هفتم ماه فرورد شروع بارندگی نموده بارانهای نافع و مبروق زیاد آمد و در شب ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هوار اشدت تمام سرد کرده بود بطوریکه در او اسطرستانهای شدید اینطور سرما کسی بخاطر ندانسته است اگر چه ازین سرما بس درختی خراب رسید و اغلب درختها را که برگ و شکوفه کرده بودند سرما سیاه کرد ولی ازین بارندگیها جنیلی فایده بزرگت رسیده</p>	

۱۴۲۷

کمال اهتمام در مشق و انتظام آنها دارند و مقرب انخاقان  
شجاع الملک در وصول مالیات و انتظام کار نوکرو با  
خدمات دیوانی نهایت سعی و رسیدگی دارد

دیگر در روزنامه فارس نوشته بودند که چون هوای بندر  
عباس بغایت گرم است و این روزها برای افواج ییلاق  
زیست در آنجا مشکل بود و کمال صعوبت داشت نواب والا  
مؤید الدوله با اهتمام مقرب انخاقان شجاع الملک یکفوج کرسی  
که شصده نفر از تنگستانی و غیره و چهار صد نفر لاریست  
سرسنکی عالیجاه با قرخان تنگستانی گرفته بندر عباس  
روستادند که با فوج عرب ابوالجهمی عالیجاه رضاقلیخان  
سرتیب مشغول محافظت بندر عباس باشند و از جهت  
کمال نظم در امر ساخو بندر مزبور حاصل شده است

۱۳۲۸

شکر گزار و دعاگوی این دولت پایداری باشند

دیگر نوشته بودند که در اماه شعبان عالیجاه مقرب انخاقان  
محمد ابراهیمخان سرتیب افواج اصفهانی از سفر کرسی شیراز  
برگشته یکفوج از ابوالجهمی او در بندر ابوشهر متوقف و یکفوج  
همراه خود مشارالیه آمده در خارج شهر شیراز منزل گرفته  
نواب هزاره مؤید الدوله بجهت بازدید آن فوج مزبور  
رفته در میان فوج گردش کرده اند و بعد از ملاحظه اجمالی  
مفصلتاً سان آنها را دیده اند چون کمال راستگی و انتظام  
مقرب انخاقان محمد ابراهیمخان و سایر صاحبان منصبان  
تحمین گردیده اند و نواب هزاره کمال محبت و التفات  
در باره آنها معمول داشته و بوظیف اولیای دولت علیه امید

کامل داده اند

و ا ر ا ن خ ل ا و ط ر ا ن ا ل ض ا

جناب مجتهد شهاب خیرال برسیلف از جانب اعلیحضرت  
امیر اطوردولت بهتیه روستیه بانامه حلت علامه سید  
جلوس تحت سلطنت و عالیجاه فحامت سر راه بار توبه  
نیز از طرف جناب جناب جناب نصاب مرادیف جانشین  
مالک قفقازیه با ذریعه مخالفت و دلیعه مأمور بدربار  
دولت علیته گردیده بعد از ورود بسردنواب مستطاب  
شاهزاده نصرت الدوله فیروز میرزا حکمران مملکت آذربایجان  
مقرب انخاقان قاسمخان سرتیب را بهماننداری ایشان  
مأمور و با کمال احترام وارد دارالسلطنه تبریز گردیدند  
چند روز توقف مقرب انخاقان علیسقی خان سرتیب که  
از جانب سنی اجواب همایون بهماننداری ایشان مأمور بود

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا در انتظام  
امر بندر عباس و صفحه جات شمل میناب و آن نواحی آنها  
کامل بعمل آورده اند از جمله بعضی از مفیدین شاکر که یکی از قلج  
محکم آنجاست بنای خود سری گذاشته و با اللهو برود  
که از جانب نواب امیرزاده ب حکومت و انتظام امر آنجا  
بود و بجالفت برخواستند و ندمشارالیه مراتب را بنواب  
معزی الیه عرض کرده جمعی از قشون مأمور بدفع مفیدین  
مأمورین فرستادند عباسخان نامی را که رئیس مفیدین بود  
با سایر اشرار بقهر و غلبه بگیر کرده خانهای آنها را  
و خود آنها را مقتد و محبوس خدمت نواب امیرزاده آورده  
اللی قلعه مزبوره از حصول امنیت و دفع مفیدین استخارجیاد

ایشان را پذیرفته از دار السلطنه تبریزی دار الخلافه الباهره  
 مراقبت تمام از جانب مهادر دولتی و مباشرین و  
 کارگذاران امور دیوانی در مراعات احترام ایشان بعمل آمده  
 در روز یکشنبه ۱۷ شهر رمضان المبارک در قریه طرشت  
 چادر دولتی زده شد نتیجه الامراء العظام مقرب الخاقان  
 محمدخان بیکریک و میرنجه و مقرب الخاقان محمد رضا خان  
 سرتیپ از جانب سنی اوجانب هایون و عالیجاه خانباها  
 سربک از طرف جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم  
 و عالیجاه میرزا عبد الغفار خان نایب دویم وزارت امور  
 خارجه از طرف جناب وزیر امور خارجه و عالیجاه محسن خان  
 کلانتر و کدخدایان شهر و استقبال بسیار از غلام و غیر  
 غلام با استقبال ایشان رفته با احترام تمام وارد باغ دو  
 مشهور بیابغ میرزا بنی خانی که از برای ایشان قبل از وقت  
 منزل معین شده بود گردیدند و انطور احترامی که لازمه  
 سفر بود موافق تشریفات بطور کامل در حق ایشان بهم حجت  
 بعمل آمد

فارس ایضا

از قرار که در روزنامه بهبهان نوشته بودند نواب میرزا  
 لطفعلی خان که بکومت انجانا مورست امورات انجانا  
 انتظام کلی داده است بعضی از مفیدین حکامه طلب که غلب  
 اوقات در انولایت مشغول فساد بود بعضی و تمام عیال  
 مقرب الخاقان لطفعلی خان سرتیپ فوج قشقائی دستگیر  
 و تادیب کامل شده اند و بالفعل نهایت انیت و انتظام  
 در انولایت حاصل است و رعایا در رفاه و آسایش مشغول

عیسی و دعا کونی میباشند  
 مقرب الخاقان حاجی قوام الملک که با انتظام بندر اوشهر  
 و آن صفحات رفته بود در ۱۴ ماه شعبان مر حجت از  
 نموده است و نواب شایسته بنزاده مؤید الدوله جمعی را با استقبال  
 فرستاده و لوازم توقیر و احترام او را مرعی داشته اند  
 و در وقت شرفیابی حضور از نواب علی کمال التفتانی طلب بعمل آمده است

از قرار روزنامه بندر اوشهر که نوشته بودند در اوقات  
 توقف مقرب الخاقان حاجی قوام الملک در بندر مزبور در حصول  
 دعای دوام دولت علیه و رفاه حال سکنه آنجا آب انباری  
 بزرگ قدیم واقع در نزدیکی برج سحری را که سالها خراب  
 بی آب بود فرستاده باز دید نمودند و بنا و عمل زیاد بجهت  
 بیرون آوردن خاک و تعمیر آنجا بکار انداخته مساقی زیاد  
 از اراضی آفتاب انبار مزبور را هم قرار داده است که مسطح نموده  
 و یواری بدوران بکشند که در موسم بارندگی آب باران جمع  
 بان آب انبار بیاید و همچنین در دور شهر نیر عمل در کار تطیح و هوار  
 کردن زمین اند که مخری هم از آنجا حفز نمایند و آب انجانا هم شهر و هم  
 به آب انبار مزبور بیاید این آب انبار نوشته اند بسیار بزرگست  
 بر بیت و نه طاق قریب بسی ذرع طول و یازده ذرع عرض و سه  
 عمق دارد و آب او کل اهل انجانا تا شش ماه بل متجاوز کفایت  
 اهل انجانا ریاده از این معنی دعا کونی و سکرانه داشته اند  
 از قرار روزنامه که در ۲۶ شعبان نوشته بودند تعمیر  
 و زدن طاقهای آن و تطیح منینهای اطرافش همه در کمال  
 استحکام با تمام رسیده و کلیه کارهای آن شده است  
 بعضی جزئیاتش که فی الجمله نامتامی داشت آنهم قریب با تمام انجام  
 بوده است

۱۴۲۹

دیگر نوشته بودند که مقرر شد انخافان مشارالیه قرار داده است  
 که کار و انصرافی مشهور میان کتل را که کوچک است و در  
 رستان کفایت کنجایش و توقف عابرین و مترودین را  
 نیکند بزرگ نموده در کمال استحکام با زند که عابرین  
 در آنجا با سود کی منزل نمایند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه دریا یکی محض رفاه حال رعایا  
 جزیره خارک و حصول دعا کونی چینه ذات اقدس جاپون  
 شاهشاهی و جوه نجات جزیره مرلوره را موقوف و معاف  
 داشته و نوشته لغت بود نوشته است که بعد از این  
 در پیچوقت مطالبه وجه مرلور از آنجا شود که اسوده خاطر  
 مشغول کار و کسب خود عا کونی دولت علیه باشد

دیگر نوشته بودند که در لنگرگاه بندر لنگه طوفان شدت  
 کرده سه فروند بخله را غرق کرده بود یکی از آنجا مانده  
 بود که از نمبئی بارگیری شده به بوشهر می آمد موج اورا غرق  
 شکر و نبات آنچه داشت تلف شد و سایر اجناس

که ممکن بود بیرون آوردند و خود بخله مرلوره را هم پیش را  
 با سباب خالی کرده بیرون آوردند بی نگه کرده بود یکی دیگر  
 مال عبد الله بن خلیفه بحر بنی ساکن بندر لنگه بود که از طای پاد  
 شد موج اورا شکسته و غرق کرد بقدر دوازده هزار موره  
 برنج و سایر اشیا که در آن بود بالمره تلف شد چیزی  
 پست نیامد از قرار مذکور بقدر دوازده هزار تومان خسارت

مشارالیه رسیده است و یکی دیگر که عتیقه نمیدانند  
 اهل کویت بود که از مسقط می آمد شکسته و غرق شد و نیز  
 نوشته بودند که یک فروند بخله دیگر از اهل کویت مشی نصیب  
 که از نمبئی بطرف بوشهر می آمد در مقابل سور که توابع مسقط است

بجل فرو نشست اعراب آن نواحی که سابقا چهار سطر نام  
 ملک التجار را غارت کرده بودند این بخله را نیز غارت کرده  
 بعد بر پنج شش هزار تومان تخواه از تجار تبعه دولت علیه  
 در آن بوده است و با صطلح اهل سفاین آنجا نیمه مال البحاره  
 که صاحب کشتی و جی محین گرفته ضامن درک آن میشود که کشتی  
 منزل برساند و در صورت تلف از عهد خسارت صاحب مال  
 برآید درین بخله نوشته بودند که مال بیمه و غیر بیمه بود ولی  
 قدر هر یک هنوز معلوم نشده بود

از وقایح اتفاقیه بوشهر نوشته بودند که غلام رضای چقان  
 از اهل کرون شیراز در بازار بوشهر یعنی دکنی مال تیرت  
 داشت و تمسیر نمود غافل از اینکه چهار ماهه پر بوده است  
 در حین احتمال ناگاه نفک فرور خالی شده چهار ماهه  
 بیای سفید پار نام کروی قدان ساز که عموز امثا را لیه بود  
 خورده پایش مجروح گردیده بعد از چند روزی بهمان  
 صدمه درگذشته است

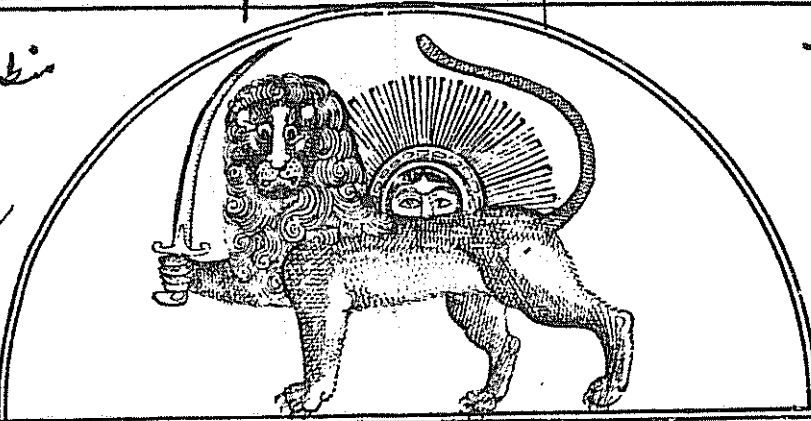
درین هفتقه سبب لیالی ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ که شبهای اعیان  
 و ایام آن هجته بیداری و عبادت روزه داران در تمام  
 ایام تعطیل لهذا این روزها که بقاعده ستمه روزهای  
 پنجشنبه بیرون می آمد و تقسیم می شد در ایام تعطیل دار الطبا  
 کار کرده و بعتب افتاده باین سبب در روز مقرر از دواز  
 بیرون نیامد

۱۴۳۰

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیست و نهم ماه رمضان المبارک مطابق شانزدهم شهریور سنه ۱۳۷۱

نزدیک بیست و هشت

منطقه دارالخلافه طهران



اعلانات  
یکصد چهارصد و یکصد  
بیشتر با هر طریقی

قیمت روزنامه  
یک نسخه و شش کیهان  
دو تومان و چهار هزار

## اخبار واحتمال محروسه پادشاهی

درین اوقات که ایام او اخر ماه رمضان المبارک است  
 هوای دارالخلافه طهران بسیار بخوبی گذشته است  
 بطوریکه کمتری از سالها درین موسم که منتهای بلندی  
 روزهاست هوا باین خوبی بود سالهای دیگر درین  
 فصل اغلب امالی و سکنه دارالخلافه مبارکه بشمیه انات  
 و سایر ییلاقات رفت بودند اما سال چته خوبی و  
 طامیت هوای دارالخلافه طهران تا حال کسی بشیر انات  
 مزقه است و احتیاج باین شده است که مردم  
 ییلاق بروند دیگر هر سال درین موسم انواع ماخو  
 در میان جنق بود اما سال بحمد الله تعالی مطلقا هیچگونه  
 ناخوشی در میان مردم نیست و از این معنی کمال حور  
 و شکر که ازیرا دارند تعمیر اجناس هم از فضل  
 جناب باری تعالی بسبب بارندگیهای زیاد که در  
 دارالخلافه و اطراف و بلوکاتش روز بروز در تنزل  
 و بحمد الله همه چیز فراوان و ارزان است از جمله کندم  
 خرواری به تومان و نیم و چهار تومان رسیده بود

حال خرواری دو تومان و دو هزار و هشت  
 کندم خوب اعلی و کمال و فور را دارد و بجهت این که از اطرا  
 و جواب علی التوالی کندم بدار الخلافه طهران می آید  
 کلی هست که ارز آن ترسم بشود و چون نیز که سابقا  
 کم یاب بود و خرواری دو تومان و بیست و دو هزار  
 کمتر بدست می آمد حال در دوازده هزار دینار به  
 و فور را دارد و سایر اجناس و آذوقه و حیوانات  
 ارقبیل برنج و نخود و ماش و غیره بهین نسبت ارزان  
 و فراوان است و همچنین نان نهایت تنزل را کرده است  
 و درین روزها نان بسیار خوب از هزار کیم پنجاه  
 فروخت میشود و از قرار یک معلوم است کمان کلی  
 هست که اجناس ازین تعمیر هم که حالا دارد تنزل  
 نماید و ارز آن تر بشود با جمله امالی و سکنه دارالخلافه  
 طهران را بجهت و فور و ارزانی هرگونه نعمت و حصول رفاه  
 و آسایش و امنیت در پناه علی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی  
 بودن ناخوشها بچندین سبب جای شکرانه است و امید

۱۳۳۱

که این سال خیریت مال چنانچه تا مجال بخوبی گذشته است  
بعد ازین رسم با کمال خوشی بگذرد

نظر بطور وفور هم ملوکانه در باره جناب امجد شرف  
ارفع افخم صدر اعظم و جناب نظام الملک شب ۲۷  
ماه مبارک رمضان را اعلیحضرت پادشاهی از جهت  
افطار بخانه جناب نظام الملک بصیافت تشریف فرما  
گردیده از جانب جناب معظم و جناب نظام الملک  
نوازم پیشکش و پای انداز و قربانی بعمل آمده در اینجا  
و سحری میل فرمودند و بسیار بر وجود مبارک حو  
سلفان جناب معظم الیه که میباشند خدات همیه  
صیافت بودند مورد تحسین ملوکانه گردیده افطار و سحر  
صرف شده بعد از اذان صبح مبارک که سلیط  
معاودت فرمودند

در روزنامه قبل سمت نگارش یافت که جناب کفالت  
جزال بر روسیلوف الچی دولت بهتیه روسیه و عا  
پو لکونیک با رطلامی فرستاده جناب جلالت  
جائین مالک قفقازیه با احترام تام وارود در باره  
گردیدند روز دوشنبه ۲۵ شهر رمضان المبارک  
عالیجاه مقرب الحضرت العلیه محمد حسن خان نایب  
باشی از طرف قرین شرف هایون بمنزلی که از جانب  
دولت بجهت جناب معسری الیه و سران ایشان  
تعیین شده بود وقت ایشان را دعوت بحضور مبارک  
موافق تشریفات متداوله وارد کشیکخانه مبارک گردید  
و از آنجا امیر الامراء اعظم معرب الخاقان محمد ناصر  
ایشیک آقاسی باشی برسم و این معموله جناب الچی و همه

۱۴۳۲

اجزای سفارت را با نامه مودت ختامه و در بعضی  
جناب جلالت مآب جائین در مجلس خاص شرف

بزم حضور هایون ساختند و اعلیحضرت شایسته  
جناب معزی الیه و عالیجاه مشار الیه را مورد نوازش  
ملوکانه فرمودند و بعد از مخصی از حضور مبارک بلافا  
بلافاقت جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم رفته  
بعد از طی تعارفات و صحبتهای محبت آمیز همان مرتبه  
که آمده بودند معاودت بمنزل خودشان نمودند و در  
بعد نیز جناب شرف امجد ارفع بیازدید ایشان تشریف  
برده شرایط دوستی و محبت را بعلل آوردند  
چون از قدیم فیما بین دولت علیه ایرانیه و دولت  
فخیمه فرانسه دوستی و مراودت برقرار و اسباب  
و مسالمت بطور اکل محکم و استوار بود و در ایام  
بیان مافی الضمیر و استخبار و اعلام مراتب دوستی  
باقتضای وقت از جانبین سفرای متین بدر بار دو  
ما مور میشدند درین زمان فرخنده نیز جناب کفالت  
مآب موسیو لوره سفارت مخصوصه از جانب دولت  
بهتیه مزبور بجهت تشدید مباحثی موالات مأمور در باره  
علیه گردیده است نواب مستطاب شاهزاده مؤید الدوله  
طها سب میرزا حکمران مملکت فارس پس از استحضار  
و اطلاع باینکه جناب معسری الیه از راه بندر اوشهر  
عازم شرفیابی استن مبارک مستند عالیجاه محمد  
هسراه میرزا علی محمد خان را از طرف خود برسم مخاطار  
روانه بندر ابو شهر نموده مراتب را بدر بار دولت  
علیه نگاشتند و عالیجاه مقرب الخاقان علیخان تیسر

فرانکوز لوتیر از جانب سنی اجوائب همایون مبهانذاری  
ایشان معین و از دربار شوکت مدار عازم شیراز  
گردید موافق خبری که از ابو شهر رسید عالیجاهان  
محمد مستر امان میرزا حسنعلیخان حاکم دریابیکی بو شهر  
و میرزا علیچرخان مهانذار نواب مغزی الیه چادر  
پوشش بزرگی در کنار دریا زدند و طر زومات چادر  
از هر چیزی که مدخلیت با سایش و استراحت جناب  
مغزی الیه داشت همه را بطور خوب و معویب آماده نمودند  
صبح روز یکشنبه ۱۹ شهر شعبان المعظم را که  
جناب مغزی الیه وارد خلیج بو شهر شده بودند عالیجاهان  
محمد مستر امان میرزا علیچرخان و میرزا محمود خان  
نایب اجودان و وزارت امور خارجه که در ابو شهر  
مشغول خدمت دولت است بکشتی کوچکی سوار شده  
ایشان از جانب نواب مستطاب معظم الیه پذیرفته  
تکلیف ورود با حل و استراحت در چادر نمودند  
عین ورود ایشان بیت و یک تیر توب از برای احترام  
ورودشان از توپخانه مبارکه خالی شد و از جانب  
صاحب منصب و سر بازاری که محض احترام ایشان در  
جلو چادر حاضر بودند و از اعیان و اشراف بو شهر که  
با استقبال رفته بودند احترام و لوازم اکرام بپوش آمد  
بعد از استراحت در چادر با اینکه در بو شهر منزل  
منتهج و ممتاز بجهت ایشان مهیا و موجود کرده بودند و تکلیف  
شد که بمنزل مزبوره بیایند میل خود و قرار منزل را در  
کوتی دولت انگلیس دادند و روز ۲۰ شهر شعبان  
باتفاق عالیجاه علی محمد خان از بو شهر حرکت کردند که از

طریق شیراز عازم دربار مجدت مدار تا یون گردند  
هنوز وار و شیراز نشده که مقرب انخاقان علیخان مستر  
مهانذار دولتی رسیده ایشان را از جانب دولت پذیرفته  
عازم شیر فانیستان مبارک گردیدند  
سایر ولایات  
استرآباد از قراریکه در روزنامه این ولایت  
سجده کمال انیت و ارزانی و فراوانی در آنجا حاصل  
از جمله برنج یک من بلده که عبارت از دمن و دده  
بوزن تبریز است بده شاهی و روغن بهان وزن  
یکم پنجاه و از آن است ترکیمن چهار هزار و ده شا  
و کندم و چون بهین قرار نهایت و فوز ارزانی را  
دارد و اما لی آنجا در رفاه و آسودگی و انیت مدعا  
ذات اقدس یون استحال دارند  
دیگر نوشته بودند که در مقرب انخاقان محمد ولیخان پسر  
بجهت نظم طو الف ترکان و وصول و ایصال الیایات  
در سرحد کوکلان توقف دارد و در دویم ماه رمضان  
تقسیم الیایات آنهار نمود و برآه داران دیوانی بجهت  
وصول و ایصال آن شخص و بجهت ماموریت روان شده  
و امور آن صفحات از اتهام مقرب انخاقان شالییه  
کمال استظام را وارد  
دیگر نوشته بودند که در ۲۴ رمضان المبارک بعد از خوردن سحری  
هونبای انقلاب و رعد و برق گذاشته مقارن طلوع آفتاب  
بباریدن نموده تا دو ساعت چنان شدت کرد که سیلاب طرا جاری  
از جمله نهری در کنار رود بوده اسیل آن بطوری شد که یک کبریا  
پیش کرده بود اگر چه بجهت بیرون آوردن ولی از ضربت تلف گردید

۱۴۳۳



### فارس

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند فوج  
 اخلص ابو اجمعی مرحوم قاسم خان سرهنک که ما  
 ساخو بند را پوشه بودند در این اوقات که مشار  
 وفات یافته است از پوشه مر اجت شیراز کرده  
 چون مرحوم قاسم خان مادام الحیوة بطریق اخلص  
 مشغول خدمتگذاری و جان نثاری بود نواب مستطاب  
 شاهزاده والایبار موید الدوله حکمران فارس از فوت  
 او زیاده اظهار تاسف نموده اند و در روز و روز  
 مزبور شیراز خود نواب شاهزاده بمیان آنها رفته و  
 از صاحب منصبان نموده آنها را بخواه اطف این دولت  
 علیه امید واری زیاده داده اند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد رضا خان نوری که  
 باعلامان ابو اجمعی خود مامور بحفاظت طرق و سوا  
 فارس بود در ۱۱ شعبان در حضور نواب شاهزاده  
 موید الدوله سان داده بجل ماموریت روانه کرد  
 و منازلی که بشار الیه سپرده شده است این اوقات  
 کمال اہمیت را دارد

دیگر نوشته بودند که معصوم خان نامی که از خلد سیر  
 مشهور و سالها بقطع طرق و سنگ دمار و ہنپ  
 اموال مردم اشتغال داشت و حکام سابق ہر  
 سعی کرده بودند که مشار الیہ را بدست آورده رفخ  
 شہ اورا از سر مردم بکنند میرشده بود و ہمیشہ  
 اوقات در بیغولہا متواری بود درین اوقات دست  
 اجل بر قہای او زده بیاد اشرسیتات اعمال خود

۱۴۳۴

لر ققار کردیدہ بدست مامورین کہ بگرفتند دو سہ نفر  
 از فراریہای فوج عرب باصری رفته بودند افتاد  
 اورا بحضور نواب شاهزاده آوردند و حسب احکام بسیار  
 رسید و مردم زیادہ از این معنی اظهار خورسندی  
 مینمودہ اند زیرا کہ از حلقہ دزدان می مشہور بود و اذیت  
 زیاد بجابرین و مترددین کرده بودہ ہمہ الی ان  
 صفحات از تعذبات او ستوہ بودند

### کردستان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند حاج  
 محرم پیک تعقدار کہ از جانب اولیای دولت فارس  
 مامور بر رسیدگی و سان سر باز فوج کردستان  
 و تشخیص تقصیرین موجب آنها بود و در دوازدهم ماہ  
 شعبان وارد آنجا کردیدہ و از فرار حکم اولیای دولت  
 قاپرہ کہ در دست دارد مشغول انجام خدمات محول  
 سجدہ میباشد و مقرب الخاقان والی نیز قدغن کردہ  
 کہ سر باز را جمع آوری نموده جب المقرسان بدینند  
 موجب آنها تشخیص یافته از فرار محمول شود

دیگر نوشته اند کہ سچہ خشکالی این مستان گذشتہ صبا  
 اطلاق زیادہ پریشان خاطر و از زراعت مایوس بوذہ  
 لیکن از ما ۲ جب الی پانزدہم شعبان بارانہای متوالی  
 فراوان بانولایت آمدہ و آب رودخانہا و چشمہ را  
 چینی زیاد شدہ در کردستان و سیلا قات نیز برف  
 بسیار آمدہ و رفخ تشویش الی آنجا بگلی کردیدہ است  
 و امید واری زیاد بجهة الی آنجا حاصل شد بحال  
 سکر گذاریرا داشته اند

روزنامه قایم القایه بتاریخ یوم ششم ما سوال المکرم مطابون لوشکان میل سنه

مذمت بیت ویت ویت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شاه کیله  
و تکان و چهار هزار



منطبه دار اخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر الا چهار سطر یک هزار  
بیشتر با هر سطر پنجاه

اخبار و اخلاف ممالک محروسه پادشاهی

دار اخلاف طهران

در روز شنبه گذشته که روز عید فطر بود اعلیحضرت پادشاهی بقراریکه در ایجاد قانون و رسم این دولت علیه است باسلام عام دادند انسانی دولت علیه و مقربان حضرت کردند بطلت سینه از شاهزادگان و خوانین و امر او سرگردان عظام و صاحب منصبان شرفیاب حضور مهر مهر خروانی گردیده هر یک در بر مقام خود ایستادند سلام عام انعقاد یافته اجرای شلیک توپ و زنبورک بقاعد معموله شد و خطیب در حضور مبارک خطبه بلیغ بنام اعلیحضرت پادشاهی ادا نموده شریط مبارک با عید تقدیم گردید و سفرای دولت متحابه نیز شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات گردید بعد از انقضای سلام اعلیحضرت پادشاهی بجمارت سردرب دیوانخانه مبارک تشریف فرما گردیدند توپچی و سرباز سرتاسر میدان را کصف نظامی کشیده و عموم اهالی دار اخلاف که بجهت زیارت وجود فانی حج هایون در میدان مبرور جمع شده بودند شرف اندوز

زیارت وجود مبارک گردیدند و باصحاب طب که اسباب جشن و سرور در حضور هایون فرام آورده بودند انعام طوکا نیمه ذول افتاد چون طبع شریف آه نس هایون شایسته عادت سواری نموده و زیاده مایل گشت و تفریح میباشند در ایام ماه مبارک رمضان سوار شده بودند درین اوقات که کل سرخ باغات اطراف شهر تمام شده و ابتدای خرمی و صفای شمیرانات خصوصاً سمت درین و آن اطراف است لهذا در روز یکشنبه گذشته که روز بعد از عید فطر بود عزیمت سواری و تفریح سمت درین فرموده اول بمیان افواج قاهره نظام که در میدان مشق خارج در وازه دولت مشغول مشق بودند تشریف فرما گردیدند ملاحظه مشق و حرکات آنها را فرمودند و بعد از آن سمت شمیرانات و در بند تشریف برده تا حوالی عصر مشغول گشت و تفریح آن صفحات بود نزد یک غروب آفتاب مبارک که سلطانی و مقربان سلطت عظمی را بجهت فرمودند

۱۴۳۵

چون چاکران دربارهایون در ایام ماه مبارک رمضان  
 از الترام خدمت در ب خانه معاف و مرخص بودند  
 درین اوقات که ماه مبارک منقضی شده است هر  
 بقا مقرر در سرکار و خدمت خود حاضر و مشغول انجام  
 خدمات محوله بخود میباشند جناب نظام الملک در خدمت  
 مبارک و سایر باشیان در ب خانه هر یک در اطاق خود  
 مشغول انجام خدمات دیوانی هستند و هم چنین معاینه و  
 در دار الفنون همه روزه در تعلیم و تعلم فنون عربیه و غیره  
 مشغول میباشند

سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی نواب شاهزاده و الاحتمه  
 حمزه میرزا را بکمرانی ولایت اصفهان منصوب فرموده  
 فرمان هایون شرف صدور یافته یکتوب جبهه پوکتی  
 دوره نفعه خلعت مرحمت فرمودند و عالیجاه میرزا  
 پیشکار سابق اصفهان را نیز کافی السابق به پیشکاری  
 و خلعت مرحمت فرموده از خاکپای هایون مرخصی حاصل  
 پیسترفت که در غیاب نواب معزی الیه مراقب و متوجه  
 امور ولایت باشد تا نواب معزی الیه نیز این  
 بقر حکومت روانه شوند

در روز سه شنبه چهارم این ماه جناب امجد شرف رفیع  
 افخم صدر اعظم بمرکشی قورخانه مبارک و جنبه خانها بهمه  
 کارخانجات آنجا هر یک هر یک بدقت رسیدگی نموده  
 و بعد از ملاحظه تمامی کارخانها در اطاقی نشسته قرار انتظام  
 قورخانه و جنبه خانها را دادند و بجهه اینکه تا رسیدن تحوا  
 از محل معطلی برای آنها حاصل نشود مبلغ دو هزار تومان  
 نقد بجهت اخراجات قورخانه مبارک التفات فرمودند عالیجاه

عبدل بیک یا و قورخانه مبارک که مباشر سر آبخانه که فاقه  
 سر بازی با تمام رسانده بود فالتفهای او بنظر جناب  
 رسیده چون بسیار خوب و ممتاز با تمام رسانده بود  
 مورد تحسین و التفات گردیده یکتوب جبهه ماهوت با  
 دادند

چون تفریح محاسبات مباشرین و تحویلدارهای قورخانهها  
 و جنبه خانهای مبارکات را اولیای دولت قاهره بجهت  
 عالیجاه میرزا حسین تفرشی سر رشته دار دفترخانه مبارک که  
 استیفا محول و مرجوع داشته بودند در این اوقات که  
 محاسبات را تمام کرده و بعد از ملاحظه جناب امجد شرف  
 ارفع افخم کتابچههای مزبور بعرض اقدس هایون شاهنشاهی  
 رسیده خدماتش در خاکپای مبارک مستحسن و مقبول افتاد  
 محض عنایت یکتوب جبهه ترمه خلعت و دولیت تومان  
 برسم انعام در حق عالیجاه شاره الیه مرحمت گردید و اولیای  
 دولت قاهره نیز محض وثوق و اعتمادی که در صداقت و  
 کار دانی و راست فطری او بهرسانند حسب الامر فرارزادند  
 که در دفترخانه مبارک استیفا دفتر و جلد داشته باشد  
 و خط گذاشته مهر نماید که ثبت و سر رشته صحیح ضبط کرده  
 و از عهد محاسبات محوله بخود یا محاسبات و خدمات  
 دیگر که باو محول و مرجوع شود بخوبی برآید

امورات قشونی

افواج قاهره نظام که در ایام صیام از مشق معاف و مرخص  
 بودند در این اوقات که ماه مبارک منقضی گردیده است  
 کافی سابق همه روزه توپچی در میدان ارک و سوار نظام  
 و سرباز در میدان مشق خارج در واره دولت یک ساعت

روز بالا آمده حاضر مشق شده مشول مشق نظامی پیشند  
و از جانب صاحب منصبان و معلمین نهایت اهتمام در  
و انتظام امر آنها میشود

فوج خرقان که احضار برکاب مبارک شده بودند در روز  
بیت و نهم ماه مبارک رمضان وارد دارالخلافه مبارک گشته  
و هم چنین فوج قراجه داعی و سواره مقدم نیز که از آذربایجان  
برکاب مایون احضار شده بودند در روز یکشنبه دوم  
این ماه وارد دارالخلافه گردیدند و در روز منور که عیادت

شاهنشاهی در بند شریف فرمایند هر دو فوج و سواره  
منوره در بیرون شهر حاضر شده بودند نیز افسران  
رسیدند چون آراستگی و انتظام آنها مستحسن و مقبول  
شاهنشاهی افتد و عالیجنابان محمد علیخان سرتیپ فوج قراجه  
و علیقلی خان سرهنگ فوج خرقان و علیخان سرکرده  
مقدم مورد تحسین و التفات ملوکانه شدند

### سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان  
نوشته بودند بعد از شکست خوردن قشون اورکنجی از  
قشون دولت علیه و کشته شدن خان خنوق نواب  
مستطاب شهزاده محمدنعم و الا تبار فرمانفرمای خراسان  
پنج روز در سرخس کمنه اقامت نموده نظم کامل و امورات  
طایفه که داده اند و بعد از آنجا بجانب مرو و شاهرهان  
کرده اند پانصد نفر سواره سرخسی نیز در رکاب نواب  
معزی الیه بوده اند در منزل در بند خان ریش سفیدان  
طایفه ساروق کلاً باستقبال آمده مراسم اطاعت  
و انقیاد معمول داشته اند چون منزل دیگر است

از آنجا وارد آب دوروزه برداشته یکشب را بر  
بیابان منزل کرده روز دیگر وارد کوچه قم شده اند کله  
از سوار ساروق بجهت آنها رخصت گزاری در منزل ساروق

که آب نبوده است پنجاه شتر آب بار دوی نواب سرتیپ  
رسانده اند اگر چه اهل اردو احتیاج بآب نداشته اند  
ولی این خدمت از ظایفه مزبور مستحسن و مقبول خاطر نواب  
معزی الیه آمده آنها را مورد التفات نموده اند و در  
۱۴ رجب نواب شهزاده با عا کر منصوره وارد

مرو شده اند و ایل ساروق نیز از قریاب حسب الامر  
تا ماحرکت کرده در حوالی مرو در کنار دریا فرود آمده اند  
و کتل مرو و یها و ریش سفیدان آنها خدمت نواب معزی الیه  
آمده بجاو الحف اولیای دولت قاهره امیدواری حاصل کرده

و نواب معزی الیه هر یک را فر احوال خلعت داده و التفات  
نموده اند بعد از سه روز که کل ایل از قریاب حرکت و نجارا  
تخلیه نموده اند نواب معزی الیه حکم تخریب آنجا نموده آنجا

با خاک یکسان نموده اند و شتاد خانوار را معتبرین ایل ساروق  
بر رسم گروهی بار دُو کو چاییده باقی را بجایهای خود  
فرستاده اند و هم چنین ایل سالور نیز خدمت نواب شهزاده  
آمده مورد التفات شده اند و یکی از معتبرین آنها  
نواب معزی الیه در میان خودشان حاکم نموده و حاکم  
هزاره راهم در مرو و حکومت برقرار و در راه اشجان  
مرو مراجعت و شت روز در حوالی سرخس توقف نموده اند  
و امورات سرخسی را مجدداً و موافق دلخواه آنها انتظام داده  
ریش سفیدان آنها را مورد التفات کرده اند و عالیجنابان  
عبدالجبار خان فرستاده ظهیر الدوله را هم صلح و رخصت نمودند

۱۴۳۷

# استرآباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات  
 از اتهامات مقرب انخاقان محمد ولینجان بیکریکی استرآباد  
 کمال امنیت و انتظام در آنجا حاصل است و احدی  
 از نوکر باب و غیره مصدر حرکتی خلاف حساب نیست و  
 بشود و اگر اعیاناً از کسی خلاف حسابی ناشی و صاد  
 شده باشد در مقام تنبیه و تادیب برمی آید از جمله  
 دو نفر از علمای ابوالجهمی عالیجاه قلیجان یوزباشی  
 دور رس مادیان از بلوکات مازندران سرت  
 کرده بودند عالیجاه میرجعفرخان بعد از استحضار آن  
 غلام را تنبیه مضبوط نموده و مادیانهارا بدست  
 سپرده است تا صاحبانشان پیدا بشود  
 دیگر نوشته اند که پیرتلیچ خان بموت بجهت عروسی  
 با و بجغزبای رفته بود در وقتی که با سواران مشغول  
 اسب روانی بوده است اسبش با اسبی دیگر بهم خورد  
 مشارالیه از اسب افتاده و آن اسب دیگر از روی  
 او گذشته از صدمه لگد اسب که بسینه او خورده فوراً  
 هلاک گردیده است  
 دیگر نوشته اند که درین اوقات باران زیاد با سرب  
 آمده و اغلب روزها در شهر و بلوکات بارندگی میشود  
 و صحرا همه از وفور علف و گیاه سبز و خرم است از قریه  
 نوشته اند که کمرسالی باین وفور بارندگی در آنویلا  
 شده بوده است

وارد دارد وی مقرب انخاقان محمد ولینجان گردید و عموم  
 احاد و افراد فوج مرزوبنظر مقرب انخاقان مشارالیه  
 در کمال ارسکی و انتظام بودند و هم در آن شب یک  
 کومه که عبارت از انبار علف با آتش گرفته توشش  
 سیرایت بجایهای دیگر داشت ولی مردم چون بیدار  
 بودند جمعیت نموده و آتش راز و خاموش کردند  
 و نگذاشتند بجای دیگر سیرایت کند

دیگر از قراریکه نوشته اند و فوراً نعمت در انولایت حاصل  
 و تسخیر اخبارس انجا درین اوقات از اینقرار است

۱۳۳۸	نمان بوزن بلده	یکم سیزده شاهی	۱۳۳۸
۱۳۳۸	کندم یکخوار	دوازده هزار	۱۳۳۸
۱۳۳۸	روغن یک من	پنجاه	۱۳۳۸
۱۳۳۸	گوشت یک من	سی شاهی	۱۳۳۸
۱۳۳۸	برنج یکخوار	دو تومان	۱۳۳۸
۱۳۳۸	بهریم یکبار	دو عباسی	۱۳۳۸
۱۳۳۸	نمک یک من	صد دینار	۱۳۳۸
۱۳۳۸	پنیر شور یک من	سی شاهی	۱۳۳۸
۱۳۳۸	ذغال یکبار	هزار دینار	۱۳۳۸
۱۳۳۸	سرخ یک قطعه	پنجاه	۱۳۳۸
۱۳۳۸	قد یک من	دوازده هزار	۱۳۳۸
۱۳۳۸	بنات یک من	هجده هزار	۱۳۳۸
۱۳۳۸	تباکو یک من	شش هزار	۱۳۳۸
۱۳۳۸	شکر سنج یک من	سه هزار	۱۳۳۸
۱۳۳۸	پیه که اخته یک من	سه هزار	۱۳۳۸
۱۳۳۸	این یک من	سه هزار	۱۳۳۸

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا علی بن محمد خان مشک  
 فوج جدید قدریک با فوج خود در ششم ماه رمضان المبارک

### فارس

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند کمال است  
 در آنجا حاصل است و نواب مستطاب شانه زاده و  
 مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران فارس مور رسیدگی  
 با امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت  
 اهتمام را دارند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان مهرعلینجان شیخ  
 در انجام خدمات دیوانی و وصول و ایصال ایات  
 کمال سعی و اهتمام را معمول میدارد و هم چنین سایر  
 دیوانی همه روز مشغول انجام خدمات محوله خود میباشند  
 دیگر در باب تعمیر نارنج قلعه شیراز نوشته بودند که  
 شانه زاده تاکید نموده اند که بعد از ماه مبارک  
 مشغول تعمیرات آنجا شده با کمال خوبی و استحکام

تعییر اجناس فارس را که درین اوقات نوشته اند  
 از این قرار است

کندم یکخوار	هفت تومان
جو یکخوار	دو تومان و پنجاه
برنج یکخوار	هفت تومان
روغن یک من	دو ریال
شع یک من	سه هزار و یکصد
ذغال یکخوار	یک تومان
یک خوار	پنجاه
شیره یک من	چهار جاسی

### کرمانشاهان

از فراری که در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودید  
 کاشانی فرانس خلوت نواب عماد الدوله شب در  
 خواب بوده است شخصی کار در بکلوی او گذاشته بود  
 که سر او را بره و قدری که بریده شده بود مشا را بیه  
 بیدار گردیده و قاتل فرار کرده بود مراتب نواب  
 عماد الدوله حکمران کرمانشاهان عرض شده و مقام  
 تحقیق و جستجو برآمده بودند معلوم شده بود که خواهر  
 مشا را بیه تخریک زن او که با هم رفیق بوده اند  
 این عمل شده است فرستاده خواهر زاده او را که  
 عتبات فرار کرده بوده است گرفته آورده اند بعد از  
 واقعه زن و خواهر زاده او نواب معززی الیه هر  
 تنبیه بزرگ نموده اند

از غرایب امور نوشته اند که در محله میدان عباسعلی  
 ضعیفه چهار طفل بیک شکم را دیده و شوهر میردا  
 از او تحقیق کرده اند گفته است که سجاطمی که مردانه بود  
 بعد زمانه شده رفته بودم در آنجا حمل برداشته ام  
 اطفال مرگور نیز تا چهار ساعت زنده بوده اند بعد  
 هر چهار فوت شده اند

فوج گردی را نوشته بودند که نواب شانه زاده در ماه  
 مبارک رمضان با عالیجاه حیاتعلی خان احضار شهر  
 نموده مواجب آنها را هر چه مانده بود تا ما پرداخته و  
 نمودند

دیگر نوشته اند که قبل از ماه مبارک رمضان در یکجا

۱۴۳۹

بارندگی زیاد در کرمان شش و درین مدت دو  
 دفعه هم مگر آمد دفعه اول ضرر جزئی بیابغات و اشجار  
 از دلی دفعه ثانی مگر کی درشت بقدر نصف بیضه مرغ آمد  
 و بعد چهار ساعت نیز آمد و یافته ضرر بسیار ازین  
 مگر بیابغات انجا رسید  
 تسخیر اجناس کرمان را که نوشته بودند درین  
 اوقات از این مقدار مستعانت

- کندم یکچوار دوازده هزار
- جو یکچوار یک تومان
- برنج یک من ده شاهی
- روغن یک من دو هزار
- قد اصفهان یک من شهر پانصد
- شکر یک من سه هزار و پانصد
- حزما یک من ده شاهی
- بروجرد

۱۴۴۰

شربت و شیرینی نموده اند  
 دیگر نوشته اند که در این اوقات نواب مستطاب  
 شاهزاده احتشام الدوله نواب ایلدرم میرزا از لرستان  
 خواسته و نواب جلال الدین میرزا را که در بروجرد  
 نایب الحکومه بود بحکومت لرستان برقرار و بپیکار  
 با کفایت و استعدادی شایسته روانه لرستان  
 نموده اند و امالی لرستان نواب معزی الیه را استیصال  
 نموده اند و کمال شغف و خورسندی از ناموریت او

داشته اند

دیگر نوشته بودند که ماه ثور در بروجرد آن طرف  
 بارانهای پی در پی آمد و کمال خورسندی و آسودگی  
 برای عموم امالی انجا حاصل گردید و بالفعل کندم حروار  
 چهارده هزار تا دوازده هزار فزاوان است و تمام  
 تسخیر حیوانات موقوفه معارضه است

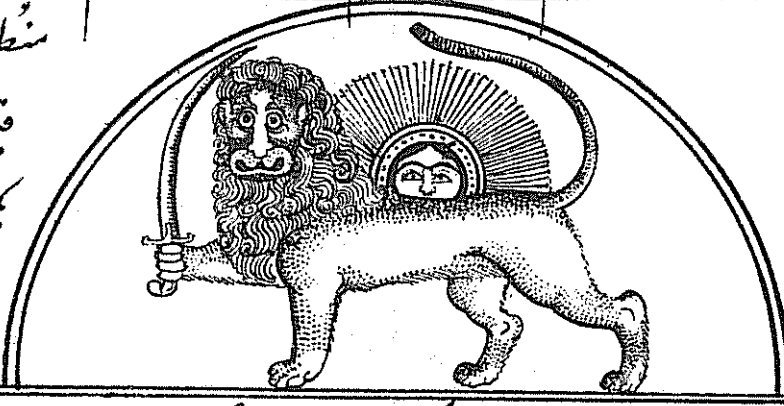
عربستان

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند  
 انجا از حسن مراقبت و اهتمامات نواب مستطاب  
 شاهزاده و الا تبار احتشام الدوله قرین نظام  
 انضباط است و چاکران و کارگذاران دیوانی هر  
 در انجام خدمات محوله سجد و کمال سعی و اهتمام را دارند  
 و عموم امالی و سکنه انجا با نهایت امیدواری و  
 شکرگذاری مشغول کار و کسب و عیشتی خود و دعاگوئی  
 این دولت قوی بکنت علییه پناه

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند  
 هر طاعت بایون که بجهت نواب شاهزاده و الا تبار  
 احتشام الدوله مرحمت و ارسال شده بود در نهم ماه  
 مبارک رمضان با انجا پر تو و وصول افکنده نواب  
 معزی الیه با تمامی چاکران دیوانی و اعیان و شهر  
 ولایت تا باغ شاه که محل خلعت پوشان است  
 باستقبال شافیه لوازم توقیر و احترام را معمول  
 داشته اند و خلعت بایون را نیز برودش  
 مفاخرت و مباهات خود ساخته بشهر مراجعت  
 شیک توپ بجهت احترام خلعت پادشاهی کرده و صرف

روزنامه قایم انشاالله پنجشنبه بیستم شهریور سال ۱۳۷۱

نزهت و سر  
 هیت روزنامه  
 یک نسخه شش  
 یکملاست چهاربرابر



منطبعه دارالخلافه طهران  
 قیمت اعلانات  
 یکملاست چهاربرابر  
 بیشتر با هر طریقی

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه گذشته سرکار علیحضرت شاهی  
 تشریف فرمای صفحات شمیران گردیدیم بقره متعلق  
 بنواب محسن میرزا تشریف بردند از جانب نواب معزی  
 لوازم پیشکش و قرمانی و پای انداز تقدیم گردیده تا  
 حوالی عصر در آنجا تشریف داشتند و نزدیک عروب  
 آفتاب مبارک مبارک سلطانی و مشرطنت عظمی مرتبت  
 فرمودند

چون بعد از ماه مبارک رمضان هوای دارالخلافه  
 قدری گرم شده و سرکار علیحضرت شاهی  
 عزمت توقف سیلاق شمیران را فرموده اند در روز  
 شنبه تشریف فرمای نیوران گردیده سه روز  
 در آنجا خواهند فرمود بعضی از خواص و مقربان حضرت  
 که در آن سبط نیز ملزم رکاب همایون اند و جناب  
 ارفع صدر عظم هم درین سه روزه که موکب همایون  
 در نیوران تشریف دارند بقریه آدران ملکی خود میروند  
 که با آنجا رسیدگی نمایند

امورات دارالخلافه طهران از هر جهت انتظام کامل دارد  
 و نهایت امنیت و وفور نعمت برای انالی این شهر حاصل است  
 و از حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده و الایتاب  
 اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع و اهتمامات  
 مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه خلافت حجابی  
 اتفاق نی افتد عالیجا محمود خان کلانتر و که خدایان  
 محلات زیاده مراقب نظم شهر میباشند خصوصاً در ماه  
 مبارک رمضان سعی و اهتمام تمام در انتظام شهر و محلات  
 نمودند که با وجود عبور و مرور و گردش و ازدحام مردم  
 در مساجد و میدان جدید و محلات از احدی صدا بلند  
 نشد و خلافی ناشی و صادر نگردید و اگر حیثاً از محلات  
 چیزی سرفت شود بسی و اهتمام کلانتر و که خدایان احوال  
 مسروره پیدا و بصاحبش تسلیم و سارق دسگیر و محبس  
 نواب شاهزاده مجبوس میشود از جمله یک دست سریراق و رشمه  
 و آفتیش طلا که قریب پانصد تومان قیمت داشت با  
 اسباب دیگر که نواب نصره الدوله میر وزیر دارالخلافه  
 فرستاده بود در خانه امیر خور نواب معزی الیه بوده است

۱۳۴۱



شارالیه در وسط روز در باطاق رابسته بجهت مہتی  
 بیرون رفته بود وقتی کہ مراجعت کردہ در باطاق را  
 کشود اسباب مزبورہ را معلوم شد کہ سمرقت کردہ اند  
 چون در محکمہ سنجلیج این دزدی شدہ بود عالیجاہ زکیخان  
 خبردار کردہ مشارالیه در مقام تفحص برآمدہ تا ساعت  
 از شب گذشتہ دزد را بدست آورد طلا آلات و سایر  
 دیگر ہرچہ بود بعینہما از او استرداد و بصاحبش تسلیم  
 و سارق را حسب احکم نواب مستطاب ہزارہ و بالا  
 ارد شیر میرزا مجوس نمودند تا بعد حکم آن بشود چون  
 عالیجاہ زکیخان در پیداکردن سارق و اشیا سرقت  
 اہتمام نمودہ و خدمات او در نظر جناب اشرف امجدی  
 صدر اعظم مستحسن و مقبول افتادہ بود یک طاقہ شال ترم  
 برسم خلعت باو مرحمت کردید  
 از وقایع اتفاقیہ در سیم سوال دو ساعت از روز  
 گذشتہ ہوا منقلب شدہ و رعد و برق نمود درین بین  
 سیدی نظری بجهت خریدن خیابان بصرای دولاب رفتہ  
 بود برق بر سر او زدہ فوراً در ہا سنجاک کمر دید لکن  
 جای برق کہ بر او زدہ بود بقدریک بند انگشت  
 بیشتر عمق نداشتہ است  
 چون حسب الامر اقدس ہمایون مقرر کردید ہست کہ  
 محاسبات ولایات محروسہ در دفتر خانہ مبارک  
 از جملہ حساب او دئیل بروجر و عربستان و غیرہ  
 نواب مستطاب احتشام الدولہ خاطر میرزا را عالیجاہ  
 مقرب المحضرۃ العلیہ میرزا ربیع مستوفی و وکیل بروجر  
 و عربستان و لرستان از جانب نواب معزنی الیہ در

۱۴۴۳

مبارکہ در نزد جناب نظام الملک سنجلیجی پر و جنت و  
 کتابچہ آنرا بعد از ملاحظہ جناب اشرف امجدی رفیع  
 صدر اعظم جناب نظام الملک سنجاکپای مبارک سرکار  
 اقدس ہمایون شامشای عرض نمودہ خدمات توابع  
 معزنی الیہ در وصول و ایصال مالیات و رساندن  
 وجوہات بہ برات داران دیوان مقبول و مستحسن خاطر  
 افتادہ نسبت بنواب معزنی الیہ التفات زیاد فرمود  
 و مراتب صداقت و راست قلمی عالیجاہ میرزا ربیع  
 مشہود خاطر اقدس ہمایون کردیدہ یکٹوب چیتہ ترم  
 از جانب سنی اچوانب ملوکانہ باو خلعت مرحمت  
 چونکہ در اوقات سواری سرکار اقدس ہمایون شامش  
 مقرر است کہ یکی از امنای دیوان خانہ مبارکہ در موٹو  
 طرتم باشد کہ عرایض مردم را رسیدگی نمودہ سنجاکپای  
 مبارک عرض نماید و عالیجاہ مقرب المحضرۃ العلیہ عباس  
 سر قیپ کہ از امنای دیوان خانہ مبارکہ است اغلب اوقات  
 طرتم رکاب ہمایون است لہذا از راه ظہور مرحمت ملوکانہ  
 یک رس اسب از اصطلب مبارکہ باو مرحمت کردید  
 کہ در اوقات سواری طرتم رکاب ہمایون بودہ عرایض  
 مردم را رسیدگی نمودہ سنجاکپای مبارک عرض نماید  
 عالیجاہ میرزا محمد علی سررشتہ دار توپخانہ مبارکہ در انجام  
 خدمات محولہ بنجود اہتمام کامل نمودہ بود لہذا خدمات او  
 مستحسن و مقبول خاطر ملوکانہ افتادہ و زین اوقات امنای  
 دولت قاہرہ حسب الاشارة العلیہ یکصد تومان بر بجا  
 سابق او افزودند کہ مایہ دلگرمی او بودہ مراتب صداقت  
 و راست قلمی خود را پیش از پیش مشہود رای اقدس ہمایون دار

چون رعایای شاهرود و بطام از تعذبات حاجی سلطان  
 حاکم آنجا بمرض اولیای دولت قاهره رسانند و اولیا  
 دولت قاهره نیز تحقیق مراتب نموده تعذبات او را اولیا  
 دولت علیه ثابت شد لهذا او را معزول و عالیجاه <sup>سقلین</sup> آنجا  
 پیمان را که سابقا حاکم کاشان بود و مراسم مردم  
 معلوم و مشهود اولیای دولت شده بود بحکومت آنجا  
 منصوب فرمودند و خلعت نزع مرتبه درین روزها  
 محل ماموریت خواهد شد

و هم چنین بنا بطور تعذبات ابراهیم خان حاکم کاشان  
 او را از حکومت آنجا معزول و نظربراتب قابلیت لیا  
 و شایستگی عالیجاه محمد حسن خان پیشخدمت بحکومت کاشان  
 منصوب فرمودند و فرمان هایون صادر شد خلعت او  
 مرتبه شده این روزها محل ماموریت روانه میشود

### سایر ولایات

**خراسان** از قراریکه در روزنامه خراسان  
 نوشته بودند نواب شاهزاده افخم فرمانفرمای  
 خراسان این اوقات پانصد نفر سوار دیگر بمرو برآید  
 محافظت و ساخوی آنجا و ستاده اند

### عربستان

از قراریکه در روزنامه محمده نوشته بودند در ماه گذشت  
 شعبان نواب مستطاب شاهزاده والا تبار حاکم  
 بجهت استحکام سد ناصری از دزفول حرکت و پانزده  
 روز در سرد مزبور توقف نموده حسب الامر نواب  
 معزی الیه ناتمامی آنجا در کمال استحکام صورت تمام  
 یافت بعد از فراغت از کار آنجا امور اعراب آن صفحاً

انتظام کامل داده چهار روز نیز در راه توقف نموده اند  
 و در اواسط ماه مزبور وارد شوشتر گردیده اند چون رعایای  
 آنجا بواسطه کرانی فله پریشانی داشته اند نواب معزی  
 محض حصول دعای خیر جهت ذات اقدس هایون شایسته  
 هر چه مالیات از بدی دیوانی آنها باقی مانده بود بتخفیف  
 مقرر داشته اند

عالیجاه شیخ فارس خان محاسبات ولایتی را در  
 خدمت نواب احتشام الدوله از مالیات و غیره پرداخت  
 و چون با صداقت و کفایت از عهده برآمده بود نواب  
 معزی الیه او را مخلص و مخلص فاضله و امیدوار بخواه  
 علیه ساخته بمقر حکومت خود مرخص و روانه نموده اند  
 و هم چنین بجهت شیخ حاکم خان برادر شیخ فارس خان  
 که مصدر انجام خدمات دیوانی بوده و کمال ارادت  
 نسبت باین دولت علیه ظاهر ساخته بود یک قبضه شیر

تغلاف و کریمک طلا فرستاده و نسبت باو التفاتی  
 شایسته نموده اند و مشارالیه نیز در انجام خدمات دیوانی  
 و وصول و ایصال مالیات و انتظام امر آن صفحاً اهتمام  
 کامل دارد

دیگر در روزنامه محمده نوشته اند که مستر بیچ صاحب که از  
 تجار تبعه دولت بهیه انگیس است بقدر پانصد جزوار کندم  
 خوب ز بغداد اتباع کرده به بصره آورده بود که بولایت  
 چون موسم جهاز رانی گذشته بود کندم را فرستاد و محمده  
 فروختند و عالیجاه شیخ فارس خان بجهت سیوریات  
 مامورین عسیره خریداریه افافه کلی بجهت اهل محمده این  
 مرحله حاصل شده بود

۱۴۴۳